

# ترجمہ نفس پرستی

جلد پنجم

مؤلف

علی بن ابراہیم قمی قدس سرہ

مترجم : جابر رضوانی





ترجمہ تفہیم قرآن

(جلد پنجم)

مؤلف: علی بن ابراہیم قمی

ناشر: انتشارات بنی الزہراء (علیہا السلام)

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سبحان / جزایری

شمارگان: ۲۰۰۰ دورہ

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۸

قیمت: ۶۲۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۵۲-۱۱-۴

شابک دورہ: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۵۲-۱۰-۷

بنی الزہراء (ع)

چاپ و نشر و توزیع

دفتر مرکزی:

قم، میدان خدواء، خیابان معلّم، بعد از اداره برق، طبقہ فوقانی چاپ وفا

تلفن: ۷۷۳۱۷۵۲-۷۷۳۶۳۰۰-۷۷۳۸۵۵۵-۲۵۱

صراه: ۹۱۲۲۵۱۴۱۴۸- (جزایری) - ۹۱۲۷۲۶۶۱۵۳- (عمینی) ۲

۶ مرکز تحقیقات و توسعه	
۳۰۰۹۵	شماره ثبت:
تاریخ ثبت:	تاریخ ثبت:



مرکز تحقیقات و توسعه

## فهرست مطالب

پیشگفتار ..... ۱۵

### تفسیر سورة نجم

- ۵۲ - سورة نجم در مکه نازل شده و دارای ۶۲ آیه است. .... ۱۷
- حضرت علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله در هفت جا بود. .... ۲۳
- وزارت علی علیه السلام در آسمانها نوشته شده است. .... ۲۵
- شهر بصره. .... ۳۲

### تفسیر سورة قمر

- ۵۳ - سورة قمر در مکه نازل شده و دارای ۵۵ آیه است. .... ۳۵
- معجزه شق القمر. .... ۳۸

### تفسیر سورة الرحمن

- ۵۵ - سورة الرحمن در مدینه نازل شده و دارای ۷۸ آیه است. .... ۴۷

### تفسیر سورة واقعه

- ۵۶ - سورة واقعه در مکه نازل شده و دارای ۹۶ آیه است. .... ۶۱

۶۴..... فضیلت پیامبر ﷺ و علی علیه السلام و حمزه و جعفر

### تفسیر سوره حدید

۷۵..... ۵۷- سوره حدید در مدینه نازل شده و دارای ۲۹ آیه است

۸۴..... گفتگوی بین یزید و علی بن الحسین علیه السلام

### تفسیر سوره مجادله

۸۷..... ۵۸- سوره مجادله در مدینه نازل شده و دارای ۲۲ آیه است

۹۱..... اولین ظهار در اسلام

۹۵..... تعویذی جهت خواب بدیدن

۹۹..... آیه ای که جز علی علیه السلام کسی دیگر به آن عمل نکرد

### تفسیر سوره حشر

۱۰۵..... ۵۹- سوره حشر در مدینه نازل شده و دارای ۲۴ آیه است

۱۱۰..... کوچ دادن بنی نضیر از مدینه

### تفسیر سوره ممتحنه

۱۱۷..... ۶۰- سوره ممتحنه در مدینه نازل شده و دارای ۱۳ آیه است

### تفسیر سوره صف

۱۲۹..... ۶۱- سوره صف در مدینه نازل شده و دارای ۱۴ آیه است

## تفسیر سورة جمعه

۶۲ - سورة جمعه در مدینه نازل شده و دارای ۱۱ آیه است..... ۱۳۷

## تفسیر سورة منافقون

۶۳ - سورة منافقون در مدینه نازل شده و دارای ۱۱ آیه است..... ۱۴۵

سخن عبدالله بن ابی..... ۱۴۹

## تفسیر سورة تغابن

۶۴ - سورة تغابن در مدینه نازل شده و دارای ۱۸ آیه است..... ۱۵۵

## تفسیر سورة طلاق

۶۵ - سورة طلاق در مدینه نازل شده و دارای ۱۲ آیه است..... ۱۶۳

احکام طلاق..... ۱۶۶

## تفسیر سورة تحریم

۶۶ - سورة تحریم در مدینه نازل شده و دارای ۱۲ آیه است..... ۱۷۳

راز گفتن پیامبر ﷺ به حفصه..... ۱۷۶

## تفسیر سورة ملک

۶۷ - سورة ملک در مکه نازل شده و دارای ۳۰ آیه است..... ۱۸۵

## تفسیر سورة قلم

- ۶۸ - سورة قلم در مکه نازل شده و دارای ۵۲ آیه است..... ۱۹۲
- قلم چیست؟ ..... ۱۹۵
- گناه از رزق محروم می‌کند..... ۲۰۱

## تفسیر سورة الحاقه

- ۶۹ - سورة الحاقه در مکه نازل شده و دارای ۵۲ آیه است..... ۲۰۹

## تفسیر سورة معارج

- ۷۰ - سورة معارج در مکه نازل شده و دارای ۲۲ آیه است..... ۲۱۹

## تفسیر سورة نوح

- ۷۱ - سورة نوح در مکه نازل شده و دارای ۲۸ آیه است..... ۲۲۹

## تفسیر سورة جن

- ۷۲ - سورة جن در مکه نازل شده و دارای ۲۸ آیه است..... ۲۳۷

## تفسیر سورة مزمل

- ۷۳ - سورة مزمل در مکه نازل شده و دارای ۲۰ آیه است..... ۲۴۹

## تفسیر سورة مدثر

- ۷۴ - سورة مدثر در مکه نازل شده و دارای ۵۶ آیه است..... ۲۵۷



رنگ به رنگ شدن کافران از شنیدن آیات قرآن ..... ۲۶۳

### تفسیر سورة قیامت

۷۵ - سورة قیامت در مکه نازل شده و دارای ۴۰ آیه است ..... ۲۷۱

### تفسیر سورة دهر (انسان)

۷۶ - سورة دهر (انسان) در مدینه نازل شده و دارای ۳۱ آیه است ..... ۲۸۱

### تفسیر سورة مرسلات

۷۷ - سورة مرسلات در مکه نازل شده و دارای ۵۰ آیه است ..... ۲۸۹

### تفسیر سورة نبأ

۷۸ - سورة نبأ در مکه نازل شده و دارای ۴۱ آیه است ..... ۲۹۷

### تفسیر سورة نازعات

۷۹ - سورة نازعات در مکه نازل شده و دارای ۴۶ آیه است ..... ۳۰۵

### تفسیر سورة عبس

۸۰ - سورة عبس در مکه نازل شده و دارای ۴۲ آیه است ..... ۳۱۳

### تفسیر سورة تکویر

۸۱ - سورة تکویر در مکه نازل شده و دارای ۲۷ آیه است ..... ۳۲۳

کوه قاف ..... ۳۳۱

### تفسیر سورة انفطار

۸۲ - سورة انفطار در مکه نازل شده و دارای ۱۹ آیه است. .... ۳۳۳

### تفسیر سورة مطففین

۸۳ - سورة مطففین در مکه نازل شده و دارای ۳۶ آیه است. .... ۳۳۹

### تفسیر سورة انشقاق

۸۴ - سورة انشقاق در مکه نازل شده و دارای ۲۵ آیه است. .... ۳۴۹

### تفسیر سورة بروج

۸۵ - سورة بروج در مکه نازل شده و دارای ۲۲ آیه است. .... ۳۵۷

کشته شدن اصحاب اخدود ..... ۳۶۰

### تفسیر سورة طارق

۸۶ - سورة طارق در مکه نازل شده و دارای ۱۷ آیه است. .... ۳۶۵

### تفسیر سورة اعلی

۸۷ - سورة اعلی در مکه نازل شده و دارای ۱۹ آیه است. .... ۳۷۱

## تفسیر سورة غاشیه

۸۸ - سورة غاشیه در مکه نازل شده و دارای ۲۶ آیه است. .... ۳۷۷

## تفسیر سورة فجر

۸۹ - سورة فجر در مکه نازل شده و دارای ۳۰ آیه است. .... ۳۸۵

چگونگی جهنم و پل صراط ..... ۳۹۱

## تفسیر سورة بلد

۹۰ - سورة بلد در مکه نازل شده و دارای ۲۰ آیه است. .... ۳۹۵

## تفسیر سورة شمس

۹۱ - سورة شمس در مکه نازل شده و دارای ۱۵ آیه است. .... ۴۰۳

## تفسیر سورة لیل

۹۲ - سورة لیل در مکه نازل شده و دارای ۲۱ آیه است. .... ۴۰۹

## تفسیر سورة ضحی

۹۳ - سورة ضحی در مکه نازل شده و دارای ۱۱ آیه است. .... ۴۱۷

## تفسیر سورة اشراح

۹۴ - سورة اشراح در مکه نازل شده و دارای ۸ آیه است. .... ۴۲۳

## تفسیر سوره تین

۹۵ - سوره تین در مکه نازل شده و دارای ۸ آیه است . . . ۴۲۷

## تفسیر سوره علق

۹۶ - سوره علق در مکه نازل شده و دارای ۱۹ آیه است . . . . . ۴۳۱

## تفسیر سوره قدر

۹۷ - سوره قدر در مکه نازل شده و دارای ۵ آیه است . . . . . ۴۳۷

## تفسیر سوره بینه

۹۸ - سوره بینه در مدینه نازل شده و دارای ۸ آیه است . . . . . ۴۴۱

## تفسیر سوره زلزال

۹۹ - سوره زلزال در مدینه نازل شده و دارای ۸ آیه است . . . . . ۴۴۷

## تفسیر سوره عادیات

۱۰۰ - سوره عادیات در مکه نازل شده و دارای ۱۱ آیه است . . . . . ۴۵۱

غزوة ذات السلاسل . . . . . ۴۵۴

## تفسیر سوره قارعه

۱۰۱ - سوره قارعه در مکه نازل شده و دارای ۱۱ آیه است . . . . . ۴۶۳

### تفسیر سورة تکاثر

۱۰۲ - سورة تکاثر در مکه نازل شده و دارای ۸ آیه است. .... ۴۶۷

### تفسیر سورة عصر

۱۰۳ - سورة عصر در مکه نازل شده و دارای ۳ آیه است. .... ۴۷۱

### تفسیر سورة همزه

۱۰۴ - سورة همزه در مکه نازل شده و دارای ۹ آیه است. .... ۴۷۵

### تفسیر سورة فیل

۱۰۵ - سورة فیل در مکه نازل شده و دارای ۵ آیه است. .... ۴۷۹

### تفسیر سورة قریش

۱۰۶ - سورة قریش در مکه نازل شده و دارای ۴ آیه است. .... ۴۸۲

### تفسیر سورة ماعون

۱۰۷ - سورة ماعون در مکه نازل شده و دارای ۷ آیه است. .... ۴۸۷

### تفسیر سورة کوثر

۱۰۸ - سورة کوثر در مکه نازل شده و دارای ۳ آیه است. .... ۴۹۱

## تفسير سورة كاهرون

۱۰۹ - سورة كاهرون در مکه نازل شده و دارای ۶ آیه است.... ۴۹۵.

## تفسير سورة نصر

۱۱۰ - سورة نصر در مکه (مدینه) نازل شده و دارای ۳ آیه است ... ۴۹۹

تأكيد پیامبر ﷺ بر ولایت حضرت علی علیه السلام ... ۵۰۱.

## تفسير سورة لهب

۱۱۱ - سورة لهب در مکه نازل شده و دارای ۵ آیه است..... ۵۰۳.

(۱۳)

## تفسير سورة اخلاص

۱۱۲ - سورة اخلاص در مکه نازل شده و دارای ۵ آیه است... ۵۰۷...

## تفسير سورة فلق

۱۱۳ - سورة فلق در مکه نازل شده و دارای ۵ آیه است... ۵۱۱ ...

## تفسير سورة ناس

۱۱۴ - سورة ناس در مکه (مدینه) نازل شده و دارای ۶ آیه است . ۵۱۵

فهرست منابع ..... ۵۲۱.

## پیشگفتار

تفسیری را که در پیش روی دارید ترجمه تفسیر علی بن ابراهیم قمی رحمته الله است؛ تفسیری که از بدو تولد تا به امروز مورد استفاده تمام مفسران شیعه شده و حتی بعضی از این بزرگواران تمام آن را در ذیل آیات تفسیری خود ذکر کرده‌اند و نیز علامه مجلسی رحمته الله هم در دائرة المعارف بزرگ شیعه یعنی بحار الانوار آن را در جای جای کتاب شریفش نقل کرده است.

حال که ترجمه این کتاب شریف با عنایت الهی و لطف آقا امام زمان روحی و ارواح المومنین لقراب مقدمه الفداء به پایان رسیده و آماده چاپ در پنج جلد گردیده است ضروریست که نکاتی را درباره آن توضیح دهیم:

۱. نسخه مورد ترجمه ما چاپ دارالکتاب جزائری است که با تصحیح و تعلیق و مقدمه علامه حضرت آیه الله سید طیب جزائری (حفظه الله) است.

۲. با توجه به آیات و ترجمه آن و نیز تحقیقات پاورقی و منابعی که از این تفسیر استفاده کرده‌اند ترجمه تفسیر را به پنج جلد رسانده است.

۳. عمده تحقیقات پاورقی ما از کتاب‌های روانی روی بحار الانوار و از کتب تفاسیر روی تفسیرهای برهان، صافی و نور الثقلین و نیز بعضی از کتاب‌های پراکنده بوده است که اگر تمام کتاب‌های تفاسیر را نقل می‌کردیم حجم کتاب را به بیش از این که هست می‌رساند.

۴. ترجمه جلد اول در دو جلد آماده شده که منابع تحقیقاتی را در پایان جلد دوم آورده‌ایم؛ و ترجمه جلد دوم عربی نیز در سه جلد آماده شده که منابع

تحقیقاتی آن را نیز در پایان جلد پنجم آورده‌ایم.

۵. تفسیر قمی شامل تمام سوره‌های قرآن است اما شامل تمام آیات نمی‌باشد و لذا برای سهولت فارسی زبانان، ما قبل از آیات تفسیری آیه مورد نظر یا ترجمه‌اش را با قلمی مجزا از قلم متن و با فوتی سارک آورده‌ایم تا خواننده گرامی قبل از تفسیر به آیه و ترجمه آن دست‌رسی داشته باشد و با هیچ مشکلی روبرو نگردد.

۶ چون این ترجمه اولین ترجمه‌ای است که از تفسیر قمی شده یقیناً خالی از اشکال نیست و لذا از خوانندگان گرامی عاجزانه درخواست می‌کنم که در هنگام مشاهده سهوالقلمی آن را با دیده اغماض بنگرند و آن را بر این عاصی ببخشند.

در پای از همه کسانی که ما را از پیشنهادهای خود بی‌بهره گذاشتند و نیز کسانی که ما را در مقابله تایی پاری کرده‌اند صمیمانه تقدیر و تشکر می‌کنم خصوصاً از حضرت حجة الاسلام و المسلمین حاج امیر آقا جزائری (حفظه الله) که اگر پی‌گیری‌های محصلانه ایشان بعد از پیشنهاد ترجمه این تفسیر قیم نبود شاید تا حال این ترجمه به سرانجام نرسیده بود.

و همچنین از خداوند منان درخواست عاجزانه دارم که ما را از قرآن جدا نکند و دست ما توان ما را از تمسک جستن به قرآن ناتوان نگرداند چرا که اگر لطف و عنایت الهی شامل حال ما نباشد در دنیا و آخرت بدبخت و روسپاه خواهیم بود.

خداوند! تو را سوگند می‌دهیم به حق قرآن آنی ما را از قرآن و تمسک جستن به آن جدا مگردان.

خداوند! تو را سوگند می‌دهیم به حق قرآن آنی ما را از قرآن باطوق آف امیرالمومنین علیه السلام دور مگردان.

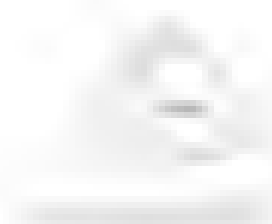
انشاء الله



# تفسیر سورة نجم

۵۳ - سورة نجم در مکه نازل

شده و دارای ۶۲ آیه است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ (۱)  
 مَا ضَلُّ صَاغِبُكُمْ وَمَا هَوَىٰ (۲)  
 وَمَا يَنْطَلِقُ عَنِ الْهَوَىٰ (۳)  
 إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (۴)  
 عَلَّمَ شَدِيدُ الْقُوَىٰ (۵)  
 ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ (۶)  
 وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ (۷)  
 ثُمَّ دَنَا فَتَنَلَىٰ (۸)  
 فَكَانَ قَاتٍ قَوْمَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ (۹)

۱- و سوگند به ستاره هنگامی که فرود آید.

۲- که هرگز صاحب شما (محمّد ﷺ) در انحراف و گمراهی نبوده است

۳- و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید

۴- که سخن او چیزی جز وحی ای که بر او می شود نیست.

۵- کسی که قدرت عظیمی دارد بر او تعلیم می کند.

۶- همان کسی که افتادار کاملی دارد، پس تسلط یافت

۷- و او در افاق اعلا بود

۸- سپس نزدیک و نزدیکتر آمد.

۹- تا آنکه فاصله او به اندازه دو کمان یا کمتر از آن شد

\* وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ \* مراد از نجم رسول خدا ﷺ است

\* إِذَا هَوَىٰ \* هنگامی که به آسمان برده شدم که در هوا بود و این رد بر کسانی است که معراج را منکر می‌شود؛ و این آیه سوگند به رسول خداست و این فضیلتی برای رسول خدا ﷺ نسبت به سائر پیامبران است؛ و جواب قسم این آیه می‌باشد: \* مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ \* و ما يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* یعنی با هوی و هوس سخن نمی‌گوید.

\* إِنْ هُوَ \* یعنی قرآن

\* إِلَّا وَخْيَ يُوحَىٰ \* عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ \* یعنی خداوند عز و حل.

\* ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ \* یعنی رسول خدا ﷺ.

یاسر از امام رضا علیه السلام روایت می‌کند که فرمود خداوند هیچ پیامبری

نفرستاد مگر با قدرت و غضب بدون اینکه افراط و تفریط داشته باشند<sup>۱</sup>

\* وَهُوَ بِالْأَفْقِ الْأَعْلَىٰ \* یعنی رسول خدا ﷺ.

\* ثُمَّ دَنَا \* یعنی سپس رسول خدا ﷺ به پروردگارش نزدیک شد.

\* فَتَدَلَّى \* فرمود: این آیه \* ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى \* نازل شده است.

\* فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ \* فرمود: از جانب خدا بود همچنانکه بین دسته

کمان تا گوشه برگشته آن

۱ بحار الأنوار، ۱۱، ص ۶۴، قصص النساء ج ۱، ص ۹۹، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۲، تفسیر موهب، ج ۷، ص ۳۳۳

﴿أَوْ أَدْنَىٰ﴾ یعنی از نعمت و رحمتش، فرمود: بلکه نزدیکتر از آن

﴿فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ﴾ فرمود: وحی رو در رو بود.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ﴾ فرمود: یعنی درباره علی علیه السلام گمراه نشد و به خطا هم نرفت و از روی هوی و هوس هم سخن نمی گوید و هر چه می گوید همه از جانب وحی است.<sup>۲</sup>

سپس فرمود: ﴿عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ﴾ سپس به او انس داد و با سرعت به آسمان رفت.

و فرمود: ﴿ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ﴾ وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ ﴿ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى ﴾ [فتدانی] ﴿ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ ﴾ بین لفظ وحی و بین شنیدن محمد صلی الله علیه و آله فاصله ای به اندازه زه کمان و چوب آن بود (یعنی این قدر نزدیک بود)

فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ (۱۰)

مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ (۱۱)

أَفَتُمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ (۱۲)

وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ (۱۳)

عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ (۱۴)

عِندَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ (۱۵)

إِذْ يَغْشَىٰ السُّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ (۱۶)

مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ (۱۷)

لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ (۱۸)

۱. نورالتقلید، ج ۵، ص ۱۴۸

۲. نورالتقلید، ج ۵، ص ۱۴۶، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۴۲

- ۱۰- پس (خداوند) به سوی بندهاش وحی فرمود آنچه را که وحی داد  
 ۱۱- آنچه که قلب او دید آن را تکذیب نکرد.  
 ۱۲- آیا با او درباره آنچه را که (در شب معراج) دیده مجادله می‌کنید؟  
 ۱۳- و به تحقیق بار دیگر هم او را مشاهده کرد  
 ۱۴- نزد سلوه المتهی  
 ۱۵- که جنت المأوی در آنجاست.  
 ۱۶- هنگامی که سلوه را چیری پریشانده بود  
 ۱۷- چشم او از دیدن محرف شد و سرکشی نکرد (بلکه تمام حقیقت را  
 مشاهده کرد).  
 ۱۸- به تحقیق گوشه‌ای از آیات بزرگ پرورندگان را دید

### ﴿فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ﴾

از رسول خدا ﷺ درباره آن وحی سوال شد، فرمود خداوند به من وحی نمود که علی آقای وصیین و مؤمنین و پیشوای پرهیزگاران و ائم گمراه مبارکی می‌باشد و اول خلیفه‌ای است که پیامبر ﷺ او را به عنوان جانشین خویش گذاشت<sup>۱</sup> گروهی در وسط سخن پیامبر پریده و گفتند: آیا این جانشینی از جانب خداوند است یا از سوی رسولش، پس خداوند به رسولش فرمود: به آنها بگو ﴿مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ﴾ آنچه که قلب او دید آن را تکذیب نکرد.

سپس آنها را رد کرده و فرمود: ﴿أَفْتَمَارُوهٗ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ﴾ آیا با او درباره آنچه را که (در شب معراج) دیده مجادله می‌کنید؟

سپس رسول خدا ﷺ به آنها فرمود: از جانب خداوند منصوب شدم تا

علی را بخلافت منصوب نمایم و به مردم بگویم که بعد از من علی ولی آنها است و او بمنزله کشتی نوح است که هر کس به آن تمسک جست نجات یابد و هر کس از آن دوری نمود غرق شد.<sup>۱</sup>

﴿وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ﴾ می فرمود: یعنی محمد وحی را بار دیگر دید.  
 ﴿عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ﴾ آن درختی است که شیعیان در بهشت زیر آن به گفتگو می نشینند.

سپس خداوند فرمود: به آنها بگو ﴿إِذْ يَغْشَى السَّدْرَةَ مَا يَغْشَى﴾ وقتی حجاب از بین خدای تعالی و بین رسول گرامیش برداشته شد، نور سدره پوشیده گشت.

﴿مَا زَاغَ الْبَصَرُ﴾ فرمود: چشمان پیامبر ﷺ از دیدن آن نور نابین نگشت و به جای دیگری سوق پیدا ننمود.

﴿وَمَا طَغَى﴾ فرمود: یعنی آنچه را که باید می دید بدون هیچ کم و زیادی دید.

﴿لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ﴾ فرمود: کلامی را شنید که آن بزرگترین و قوی ترین کلام بود.<sup>۲</sup>

### حضرت علی علیه السلام با پیامبر ﷺ در هفت جا بود

﴿وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ﴾ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ فرمود: در آسمان هفتم.  
 و اما رد بر کسی که آفرینش بهشت و جهنم را منکر می شود آیه ذیل می باشد: ﴿عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ﴾ یعنی نزد سدره المنتهی، پس سدره المنتهی

۱ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۸۶

۲ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۴۴

در آسمان هفتم است و حنة المأوی در نزد آن می باشد<sup>۱</sup>  
 ابو بریده اسلمی گوید شنیدم که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام  
 می فرمود: ای علی! خداوند تو را با من در هفت موضع حاضر نمود:  
 اول، شنی که مرا به آسمان بردند جبرئیل گفت: ای رسول خدا برادرت علی  
 کجاست؟ گفتم: او را جای خود در زمین گذاشتم. گفت: خدا را بخوان تا علی را  
 به آسمان بالا آورد پروردگار را خواندم در آن هنگام دیدم کنار من  
 ایستاده ای فرشتگان صف کشیده بودند. گفتم: ای جبرئیل اینها چه کاری  
 دارند؟

گفت: تا روز قیامت به شما فخر و مناهات می کنند. حضور آنها رفتم و با  
 آنها درباره آنچه واقع شده و تا روز قیامت اتفاق می افتد سخن گفتم.  
 دوم: هنگامی که برای بار دوم به معراج بردند جبرئیل سؤال کرد: علی  
 کجاست؟

گفتم: او را جای خود گذاشتم.

گفت: از خدا طلب کن تا او را در این محل حاضر نماید. خدا را خواندم دیدم  
 تمثال تو با من است. حجابها از هفت آسمان برایم گشوده شد و عمارات و  
 جایگاه فرشتگان را یکبیک دیدم. و به ملاء اعلی نزدیک شدم. فاصله ای میان  
 من و پروردگار نماند مگر قفسی از مروارید که در آن پروانه هائی از صلات تلوؤ  
 می نمود صورتی مشاهده کردم خطاب رسید ای محمد صلی الله علیه و آله آیا این صورت را  
 می شناسی؟

گفتم آری این صورت علی بن ابیطالب است.

فرمود باید دختری فاطمه را به او تزویج کنی و او را خلیفه خود قرار دهی



چه او ولی من است.

سوم. وقتی بود که خداوند مرا مبعوث بر طایفهٔ اجنه نمود، جبرئیل گفت برادرت علی کجاست؟ گفتم. او را جای خود گذاشتم. گفت: از خدا بخواه تا او را حاضر کند تقاضا نمودم از پرورنگار متوجه شدم دیدم همراه من هستی هر چه با اجنه گفتگو کردم همه را شنیدی.

چهارم. شب لیلة القدر بود که غیر از ما کس دیگری آنجا نبود.

پنجم: دربارهٔ تو دعا کردم و خداوند آنچه را برای تو طلب نمودم حز نبوت را به تو عطا نمود، و بمن فرمود: ای محمد نبوت را به تو اختصاص دادم و به تو نیز آن را ختم نمودم.

ششم. چون مرا به آسمان بالا بردند خداوند تمام پیغمبران را جمع نمود من بر آنها امام شدم و نماز بجا آوردم مثال تو نیز با من بود.

هفتم: هلاکت احزاب بدست من و تو انجام گرفت.<sup>۱</sup>

تمام این احادیث که ذکر و بیان شد رد بر منکرین معراج جسمانی است.<sup>۲</sup>

### وزارت علی علیه السلام در آسمانها نوشته شده است

و همچنین رد کسی که آفرینش بهشت و جهنم را منکر می شود روایت ذیل است.

روایت شده که کسی به خواستگاری حضرت فاطمه علیها السلام نرفت مگر آنکه از نزد پیغمبر مایوس برمی گشت، وقتی خواست او را به امیر المؤمنین ترویج کند با دخترش مشورت نمود. فاطمه عرض کرد: ای رسول خدا شما اولی

۱ بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۴۰۵

۲ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۳؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۲۵

هستید به امر من ولی زنان قریش می‌گویند علی شخصی فربه و فراخ چشم و دست دراز و برگ حش و شماش و کم ثروت است.

رسول اکرم ﷺ فرمود: ای فاطمه بدان که خداوند از میان مردان چهار من و علی را برگزید و مرا پیغمبر خاتم و علی را خلیفه و وصی من قرار داد و تو را از بین زنان عالم برگزید شبی که مرا به آسمان بالا بردند بر صخره بیت المقدس دیدم نوشته شده «لا اله الا الله محمد رسول الله ایدته بوزیره و نصرته بوزیره» گفتم ای جبرئیل وزیر من کیست؟ گفت: علی بن ابیطالب است. چون از آنجا گذشتم و به سدره المنتهی رسیدم مشاهده کردم که بر آن نوشته شده «انی انا الله لا اله الا انا وحدی محمد صفوتی (حبیبی) من خلقی ایدته بوزیره و نصرته بوزیره». گفتم: ای جبرئیل وزیر من کیست؟

گفت: علی بن ابیطالب. چون از سدره المنتهی گذشتم به عرش پروردگار رسیدم در استوانه‌های آن کلمات نوشته شده بود «انا الله لا اله الا انا محمد حبیبی ایدته بوزیره و نصرته بوزیره». و چون داخل بهشت شدم درخت طوبی را دیدم که اصل آن در خانه علی است و در بهشت قصر و منزلی بود مگر آنکه شاحه‌ای از درخت طوبی در آن سایه افکنده بود و بالای آن شاحه صندوقی از مشک و عطریات و حله‌ها به رنگهای مختلف وجود داشت که لباس اهل بهشت است سایه آن درخت به اندازه تمام آسمانها و زمین است و مسافت آن مقداریست که سوار تندر و صد سال راه برود و مقصود از آیه «وَنُظِلُّ مَمْدُودٍ»<sup>۱</sup> همین است. پائین آن انواع میوه‌ها و طعام چیده شده برای اهل بهشت چیزهایی که در دنیا دیده و شنیده نشده و هر چه از آن میوه‌ها چیده شود فوراً بجایش روئیده می‌شود و زیر آن درخت چهار نهر جاریست

یکی از غسل مصفا بیگری از شیر که هرگز طعمش تغییر نکند و بهری از شراب و غسل مصفی شده، ای فاطمه خداوند به علی علیه السلام هفت خصلت عطا فرموده که به غیر او نداده اول قبری که در روز قیامت شکافته می شود قبر علی است که با من بیرون می آید و بر روی صراط می ایستیم، به آتش دورخ می گوید این شخص را بگیر و این را رها کن، با من در طرف راست عرش پروردگار بایستد، او اول کسی است که با من وارد بهشت می شود و از شراب علین می نوشد.

ای فاطمه اینها چیزهایی است که خداوند در آخرت به علی علیه السلام عطا می فرماید و برای او در بهشت آماده می کند زمانی که برای او در دنیا هیچ مالی نبود، اما آنکه گفتی علی فریه است هر بهی علی در دانشی است که خداوند مخصوص او گردانیده و از میان تمام امت گرامی داشته و او را بصورت آدم ابو البشر خلق نموده؛ فراخی چشمش شباهت به آدم دارد طول بازوان او برای آنستکه دشمنان خدا و رسولش را بکشد و دین خدا را ظاهر کند اگر چه مشرکین کراهت داشته باشند، خداوند بوجود علی فتح هایی نصیب اسلام بنماید، ما مشرکین بر طبق تنزیل قرآن و با منافقین و اهل ستم و عهد شکنان بر طبق تأویل قرآن جهاد کند، خداوند از صلب علی جوانان اهل بهشت را بیرون می آورد و به وسیله آنها عرش را زینت می بخشد.

ای فاطمه علیها السلام خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نفرمود مگر آنکه برای او ذریه ای از صلب او قرار داد و خداوند ذریه مرا از صلب علی قرار داده است، اگر علی نبود برای من ذریه ای وجود نداشت.

حضرت فاطمه علیها السلام گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز شوهری بحر علی را اختیار نمی کنم، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله او را به ازدواج حضرت علی علیه السلام در

آورد اس عباس گفت: بخدا قسم برای فاطمه هم کفوی حز علی وجود نداشت<sup>۱</sup>

﴿إِذْ يَغْشَى السُّدْرَةَ مَا يَغْشَى﴾ فرمود: هنگامی که پرده‌ها بین او و رسول خدا ﷺ برداشته شد نورش سدره را پوشاند.

﴿مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى﴾ یعنی منکر نمی‌شود.

﴿لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى﴾ فرمود: جبرئیل را دید که بر ساقش نوری بود همانند قطره‌ای بر روی برگ گیاهی که ششصد بال داشت که بین آسمان و زمین را پر کرده بود.

أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ (۱۹)

وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ (۲۰)

الْكُفْمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ (۲۱)

بَلْكَ إِذَا قِسْمَةٌ خَيْرَىٰ (۲۲)

إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمِيَتْهُمَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَىٰ (۲۳)

۱۹- آیا دو بت بزرگ لات و عزی را دیدید،

۲۰- و منات که سومین بت آنهاست (که دختران خداوند هستند)<sup>۲</sup>

۲۱- آیا فرورد پسر برای شمامست و فرورد دختر ار برای حلاست؟

۲۲- اگر چنین بود که این تقسیم نادرست می‌بود

۲۳- این نامهایی است که شما و پدرانتان بر آنها گذاشته‌اند چهره نگری

بیست و حلا هیچ دلیلی بر آن نازل نمروده است، آنها فقط ارگمان و هوای

نفسان پیروی می‌کند، با آنکه از جانب پروردگارش هدایتی بر وی آمده است.

﴿اَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ﴾ فرمود: لات مرد و عزی زن است  
 ﴿وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْاُخْرٰی﴾ فرمود: بتی شش میل بیرون از حرم بود که به آن  
 منات می‌گفتند.

﴿اَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْاُنثٰی﴾ فرمود: این آیه درباره آن است که قریش  
 می‌گفتند ملائکه دختران خداوند رحمان هستند پس خداوند آنها را رد کرده و  
 فرمود: ﴿اَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْاُنثٰی﴾ تِلْكَ اِذَا قِسْمَةُ ضِیْرِیٰ یعنی این تقسیمی  
 ناقص است.

سپس فرمود: ﴿اِنْ هٰی﴾ یعنی لات و عزی و منات  
 ﴿اِلَّا اَسْمَاءٌ سَمَّیْتُمُوها اَنْتُمْ وَاَبَاؤُكُمْ مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ بِهَا مِنْ سُلْطٰنٍ﴾ یعنی از  
 حجتی.<sup>۱</sup>

الَّذِیْنَ یَجْتَنِبُونَ كَبَایِرَ الْاِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ اِلَّا اللَّغْمَ اِنْ رَكِبْتَ وَاَبِغِ الْمَغْزٰوةَ هُوَ  
 اَعْلَمُ بِكُمْ اِذَا اُنْشَاَكُمْ مِنَ الْاَرْضِ وَاِذَا اَنْتُمْ اِجْعٰهُ فِیْ طُؤُنِ اُمْهَانِكُمْ فَلَا تَرْكُوْ  
 اَنْفُسَكُمْ هُوَ اَعْلَمُ بِمٰی اَنْتُمْ (۳۲)

۳۲ - کسانی که از گناهان کبیره و اعمال رشت دوری می‌کند جز گناه  
 صغیره (که گاهی مرتکب آن می‌شوند)، همانا امرزش پروردگار گسترده  
 است، او به حال شما آگاه‌تر است از آن هنگام که شما را از زمین آفرید و  
 هنگامی که در رحم مادرهایتان به صورت جنین بودید، پس خود را به  
 پرهیزکاری مربید، که او پرهیزگاران را بهتر می‌شناسد.

\* الَّذِينَ يَخْتَبُونَ كِبَايِرَ الْأَثَمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّعَمَ ﴿۳۶﴾ «لعم» آن است که سده‌ای بر اثر جهالت و نادانی مرتکب گناه صغیره‌ای شود سپس پشیمان شده و از خداوند طلب مغفرت کند و توبه نماید و خداوند هم او را ببامررد ﴿وَإِذْ أَنْتُمْ أُنْحَتُّ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ﴾ یعنی زمانی که در شکم مادرتان قرار داشتید.

### وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى (۳۷)

۳۷- و ابراهیم کسی که (بر عهدش) وفا کرد.

﴿وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى﴾ فرمود: ابراهیم علیه السلام به آنچه خداوند از امر و نهی دستور داده بود وفا کرد و هر رندش را نسخ نمود.<sup>۱</sup>

### وَأَن إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ (۴۲)

### وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَكَ وَأَنَّكَ (۴۳)

۴۲- و همانا همه امور به سوی پروردگار منتهی می‌شود.

۴۳- و اوست که (بندگان را) می‌خنداند و می‌گریاند.

﴿وَأَن إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ﴾ فرمود: هنگامی که سخن به ذات خداوند رسید باز بایستید، پائین‌تر از عرش سخن نگوئید و بالاتر از عرش سخن مگوئید زیرا گروهی بودند که بالاتر از عرش سخن گفتند و عقل‌هایشان از بین رفت بطوری که مردی از روبرو او را صدامی زد و او از پشت سر جوابش را می‌داد و شخصی از پشت سر او را صدامی زد و او از روبرو جوابش را می‌داد و این

رد بر توصیف خداوند است.<sup>۱</sup>

وَ أَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَ لَبَّكِي ۚ فرمود: آسمان به وسیله باران گریه می کند و زمین به وسیله رویاندن گیاهان می خندد.

شاعر می گوید:

كل يسوم بأقحوان جديد    تضحك الأرض من بكاء السماء  
یعنی: هر روزی با بابونه های تازه ای که گل های تازه ای دارد که زمین از گریه آسمان می خندد.<sup>۲</sup>

مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنِي (۴۶)

۴۶- از قطه ای هنگامی که خارج می شود.

مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنِي ۚ فرمود: قطه اول خون بود پس قطه شد و آن در مغز در شاهرگی مستقر می شود و در ستون فقرات می آید و در آنجا از بین نمی رود و ستون به ستون می آید تا ما بین کلیه و مثانه استقرار می یابد و سفید می شود و اما قطه زن از سینه های او بیرون می آید.<sup>۳</sup>

وَ أَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَ أَغْنَىٰ (۴۸)

وَ أَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَىٰ (۴۹)

۴۸- و اوست که (مندگان را) بی یار می کند و سرمایه می بخشد

۴۹- و اوست پروردگار ستاره شعری

۱ نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۷۰؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۶۳

۲ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۶۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۱؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۷۱

۳ مسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۰

ص ۶؛ معانی الآثار، ص ۲۱۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۶۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۱

امیر المؤمنین علیه السلام در معنای آیه ﴿وَ أَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَ أَقْنَىٰ﴾ فرمود هر انسانی به وسیله معیشت خودش بی نیاز شد و به دست رب خود راضی گردید.<sup>۱</sup>

﴿وَ أَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشُّعْرَىٰ﴾ فرمود ستاره‌ای در آسمان است که شغری نامیده می‌شود که قریش و گروهی از عرب آن را می‌پرستیدند و آن ستاره‌ای است که در آخر شب طلوع می‌کند.<sup>۲</sup>

### وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ (۵۳)

۵۳- و شهرهای (قوم لوط را) را در بر و رو ساخت

#### شهر بصره

﴿وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ﴾ فرمود: مراد از «الْمُؤْتَفِكَةَ» شهر ویران شده شهر بصره است و دلیل بر آن روایت حضرت علی علیه السلام می‌باشد که فرمود: ای اهل بصره و ای اهل موتفکه (یعنی شهرهای ویران شده)، ای لشکر زن (عایشه) و پیروان چهارپا (شتر)، که چون به فریاد آمد بسویش شتافتید و هنگامی که پی شد رو به فرار نهادید، آب‌هایتان شور و آرزوهایتان (احلاقتان) سست و نرم است، خیمه‌های نفاق در میان شماها پابرجاست، در زبان هفتاد پیامبر مورد لعن واقع شده‌اید، همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله به من خبر داد که حذرئیل علیه السلام رمیز را از برای آن حضرت پیچید که بصره را دید که نزدیک‌ترین رمیز به آب‌هاست و دورترین آن از آسمان می‌باشد، نه دهم شر و بیماری‌های لاعلاج

۱ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۶۴، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۲

۲ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۲، نورالتعلی، ج ۵، ص ۱۷۲، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۶۴



در آن است، ساکنان آنجا گنهکار و بیرون رفته‌های از آنجا آماده شده برای رحمت الهی هستند، آن شهر دو یار یا اهلش ویران و ریز و روشد و برای یار سوم بر خداوند است که آن را ویران نماید که آن روز در هنگام رجعت است.<sup>۱</sup>

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى (۵۵)

هَذَا نَذِيرٌ مِنَ النَّذْرِ الْأُولَى (۵۶)

أَرْفَتِ الْآزِفَةَ (۵۷)

لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ (۵۸)

أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ (۵۹)

وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ (۶۰)

وَأَنْتُمْ سَامِعُونَ (۶۱)

۵۵- پس به کدام یک از نعمتهای پروردگارت تردید داری؟

۵۶- این (پیامبر) انداز کننده‌ای از انداز کننده‌گان پیشین است

۵۷- روز رستاخیز نزدیک شد.

۵۸- هیچ کس به غیر از خداوند نمی‌تواند سختی‌های آن را برطرف نماید

۵۹- آیا از این سخن تعجب می‌کنید،

۶۰- و می‌خندید و می‌گرتید،

۶۱- و شما پیوسته در غفلت هستید.

﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى﴾ یعنی با کدام سلطان دشمنی می‌کنید.<sup>۲</sup>

﴿هَذَا نَذِيرٌ﴾ یعنی این رسول خدا ﷺ انداز کننده است.

۱ بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۲۲۶؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۶۲؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۷۲؛

تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۲

۲ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۳؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۶۵

﴿مِنَ النَّذْرِ الْأُولَى﴾ از انذار کنندگان پیشین است.

معمر گوید از امام صادق علیه السلام درباره معنای آیه ﴿هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ النَّذْرِ الْأُولَى﴾ سوال کردم، فرمود: هنگامی که خداوند انسان ها را در اول آفرید و آنها را در یک صف قرار داد و بعد محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث نمود که گروهی بر او ایمان آورند و گروهی نیز منکر او شدند، پس خداوند فرمود ﴿هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ النَّذْرِ الْأُولَى﴾، یعنی هنگامی که خداوند عزوجل در در اول مردم را به سوی محمد فرا خواند.<sup>۱</sup>

﴿أَزِفَتِ الْأَزِفَةُ﴾ فرمود: قیامت نزدیک شد.

﴿لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ﴾ یعنی جز خداوند آن را آشکار و نمایان نمی کند.

﴿أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ﴾ یعنی از این اخبار گذشته تعجب می کنید.

﴿وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ﴾ و اَنتُمْ سَامِدُونَ﴾ یعنی به لهو و خوشگذرانی خویش مشغول هستید.<sup>۲</sup>

۱ بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۳۴، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۳، سور الشفیع، ج ۵، ص ۱۷۳  
تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۶۵

۲ نور الثعلبی، ج ۵، ص ۱۷۳، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۴، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۶۶

# تفسیر سورة قمر

۵۴ - سورة قمر در مکه نازل

شده و دارای ۵۵ آیه است.

از تفتیک به بزرگه و سبزی

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ (۱)

وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُسْتَعِمِرٌ (۲)

وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُسْتَقَرٌّ (۳)

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا بِهِمْ مُرْدَجَرٌ (۴)

۱- قیامت نزدیک شد و ماه نیز هم شکافت.

۲- و اگر آیت و نشانه‌ای ببینند روی بر می‌گردانند و می‌گویند این سحری  
مستمر است.

۳- و آنها (آیات الهی را) نکذیب کردند و از هوای نفسشان پیروی نمودند.  
و هر امری جایگاهی دارد.

۴- و به تحقیق اخبار گذشتگان برای یادداشتن آنها از مدی‌ها به آنها رسیده  
است.

﴿اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ﴾ فرمود: قیامت نزدیک شد. و بعد از نبوت رسول

خدا ﷺ قیامت است و نبوت و رسالت به پایان رسیده است.

### معجزه شق القمر

«وَأَنشَقَّ الْقَمَرَ» قریش از رسول خدا ﷺ خواستند که معجزه‌ای بر آنها نشان دهد، پیامبر خدا را خواند و ماه دو نیم شد بطوری که قریش آن را دیدند و بعد به هم چسبید، گفتند: این سحری صحیح و کامل است.<sup>۱</sup>

و همچنین روایت شده که امام علی (ع) در معنای «أَقْرَبَتِ السَّاعَةُ» فرمود: یعنی خروج حضرت قائم (عج) نزدیک است.

یوسس گوید که امام صادق (ع) به من فرمودند: چهارده نفر از اصحاب عقبه در شب چهاردهم دی الحجه جمع شدند و به پیامبر ﷺ عرض کردند هر پیغمبری که آمده برای او معجزه‌ای بود و معجزه شما امشب چیست؟

حضرت فرمود: چه معجزه‌ای می‌خواهید؟

گفتند: اگر تو را قدری و منزلتی در پیش پروردگار عالمیان باشد بفرما که این ماه دو پاره شود بعد از این گفتگو جبرئیل (ع) نازل شده گفت: ای محمد خداوند بر تو سلام می‌رساند و می‌فرماید که به همه چیز امر نموده‌ام که از تو اطاعت و فرمانبرداری کنند. پس حضرت سرش را بلند کرده و به ماه امر کرد که دو پاره شود و ماه دو پاره شد پس پیغمبر ﷺ و شیعیان ما در آن شب بعد از رؤیت این چنین معجزه به سحده شکر افتادند سپس پیامبر و شیعیان سرشان را از سجده بلند کردند، مافقان گفتند که بفرما که بار این دو قطعه بهم پیوستند حضرت چنین فرمود و چنین شد و از روی عناد گفتند بار دیگر شق القمر کن حضرت باز به گفته ایشان شق القمر کرد.

ایشان گفتند که یاران ما به سفر شام و بمن رفته‌اند بعد از آنکه برگردند از ایشان خواهیم پرسید که درین شب چه دیدید اگر آنچه ما دیدیم ایشان نیز

دیده باشند می دانیم که این از جانب خدای تعالی است و اگر ندیده باشند این امری خواهد بود که بقوت سحر بما نشان داده‌ای از این رو است که خداوند ﴿وَأَنشَقُّ الْقَمَرُ...﴾ تا آخر سوره را نازل فرمود.<sup>۱</sup>

﴿وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ﴾ یعنی آنها به رای و نظر خودشان عمل می کردند و پیامبرانشان را تکذیب می نمودند.

﴿وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْآثْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ﴾ مزدجر به معنای متعظ، پند و اندرز دهنده است.

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَى شَيْءٍ نَّكَرٍ (۶)

۶- پس از آنها روی نگردان (تا) روزی که ندا کننده الهی مردم را به امر وحشت انگیزی دعوت می کند.

﴿فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَى شَيْءٍ نَّكَرٍ﴾ فرمود: امام علی (علیه السلام) هنگامی که خروج کرد آنها را به سوی آنچه که منکر می شدند و از آن خوش نداشتند دعوت می نمود.

مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ غَيْرٌ (۸)

كَذَّبْتُمْ قَتَلْتُمُ قَوْمَ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَنْنَا وَقَالُوا مَجْئُونٌ وَازْدُجِر (۹)

۸- در آن حال دعوت کننده به سوی وحشت را به سرعت احاط می کنند.

کافران به هم می گویند امروز همان روز وحشت و سختی است

۹- قل از آنها قوم نوح تکذیب کردند پس بندگان ما (نوح را) تکذیب کرده و

۱ بحار الانوار ج ۱۷، ص ۲۵۲، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۶۸؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۷۵.  
تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۷

گفتند او مردی دیوانه است، و (با انواع سمها از انواع رسالتش) بددشته

شد

﴿مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ﴾ هنگامی که برگشت می‌گوید: برگردانید، ﴿يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ﴾ کافران به هم می‌گویند: امروز همان روز وحشت و سختی است.<sup>۱</sup>

سپس خداوند هلاکت امت‌های گذشته را حکایت کرده و فرمود: ﴿كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ﴾ یعنی او را اذیت کردند و خواستند که سنگسارش کنند.<sup>۲</sup>

فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ (۱۱)

وَ فَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ (۱۲)

وَ حَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ الْأَلْوَاحِ وَ دُسِّرَ (۱۳)

تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءَ لِمَنْ كَانَ كُفِرَ (۱۴)

۱۱- پس ما درهای آسمان را با آبی فراوان گشودیم

۱۲- و در زمین چشمه‌های زیادی جاری ساختیم پس این دو آب به اندازه مقدر با هم آمیختند.

۱۳- و او (نوح) را بر مرکب‌هایی از چوب و میخ سوار نمودیم

۱۴- که آن زیر نظر ما حرکت می‌کرد این کبر کسی بود که کافر شده بود

﴿فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ﴾ فرمود: ﴿منهمر﴾ ریختن آب است بدون

باراندن قطرات باران.

۱ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۴۸؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۷۳

۲ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۷۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۹



﴿وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَمَى الْمَاءُ﴾ فرمود: یعنی آب آسمان و آب زمین را بهم پیوستیم.

﴿عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ﴾ و ﴿حَمَلْنَاهُ﴾ یعنی نوح را حمل کردیم.  
 ﴿عَلَى ذَاتِ الْوَاحِ وَ دُسِرَ﴾ فرمود: ﴿ذَاتِ الْوَاحِ﴾ یعنی کشتی و ﴿دُسِرَ﴾ به معنای میخ هاست، و گفته شده که ﴿دُسِرَ﴾ نوعی گیاه است که با آن کشتی را می بندند.

﴿تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا﴾ یعنی کشتی با امر ما می رود و ما آن را حفظ می کنیم.

وَلَقَدْ يَسْرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ (۱۷)

۱۷- و به تحقیق ما قرآن را برای تذکر آسان کردیم، آیا کسی هست که از آن متذکر شود؟

﴿وَلَقَدْ يَسْرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ﴾ یعنی قرآن را برای کسی که متذکر شود آسان کردیم.

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ (۱۹)

۱۹- همانا ما نزدادی سرد در یک روز نحس مستمر بر آنها فرستادیم.

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا﴾ یعنی باد سرد.<sup>۱</sup>

إِنَّا مُرْسِلُوا السَّاعَةِ فَتَتَلَقَّهُمْ فَارْتَدَّوْهُمْ وَاضْطَبَّ (۲۷)

۲۷- همانا ما برای ارمایش آنها ناله را می فرستیم، پس تو متظر عواقبش باش و صبر نما

﴿إِنَّ مُرْسِلُوا النَّاقَةِ فِتْنَةٌ لَهُمْ﴾ یعنی ما شتر را برای امتحان و آزمایش آنها فرستادیم.

فَادَوَّا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ (۲۹)

۲۹- پس آنها یکی از ماران خودشان را صدا کردند، او آمد و باقه را پی کرد

﴿فَادَوَّا صَاحِبَهُمْ﴾ فرمود: قدار کسی است که شتر را پی کرد.<sup>۱</sup>

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَبِيحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُخْتَطِرِ (۳۱)

۳۱- همانا ما یک صبحه (عذاب آسمانی) بر آنها فرستادیم که همگی

همانند گیاهی خشک از برای چهار پایان در آمدند

﴿كَهَشِيمِ الْمُخْتَطِرِ﴾ فرمود: «هشیم» یعنی گیاه خشک و تر.<sup>۲</sup>

أَكْفَارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أُولَئِكَ أَمْ لَكُمْ تَرَاهُ فِي الزُّبُرِ (۴۳)

أَمْ يَقُولُونَ سُحُرُ خَمِيعٍ مُتَّبِعٍ (۴۴)

سَيَهْرَمُ الْخَمْعُ وَيَزُولُ الدُّبُرُ (۴۵)

۴۳- آیا کفار شما بهتر از آنها (امت‌های گذشته‌ها) هستند یا نه ای شما

برائت و امان نامهای در کتب آسمانی هست؟

۴۴- بلکه می‌گویند: ما گروهی پیروز هستیم.

۴۵- به زودی جمیع آنها شکست خورده و فرار می‌کنند

﴿أَكْفَارُكُمْ﴾ خطاب به قریش است.

۱ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۷۶

۲ نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۸۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۷۷

﴿خَيْرٌ مِّنْ لَّوْنِكُمْ﴾ یعنی این امت هلاک شده.

﴿أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ﴾ یعنی در کتاب‌های نازل شده امان نامه‌ای برای

شماست همانند گذشتگان هلاک نمی‌شوید، قریش گفتند: ای محمد ما با هم

جمع شده‌ایم و همدیگر را یاری می‌کنیم تا تو را بکشیم پس خداوند نازل

فرمود ﴿أَمْ يَقُولُونَ﴾ ای محمد ﴿نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرُونَ﴾ سَيَهْزِمُ الْجَمْعُ وَيُقْلُونَ

الدُّبُرُ﴾ یعنی در جنگ بدر هنگامی که شکست خوردند، اسیر گردیده و کشته

شدند

نَبِي السَّاعَةِ مُوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَذْهَى وَأَمْرٌ (۴۶)

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ (۴۷)

يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ (۴۸)

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (۴۹)

۴۶- بلکه قیامت وعده‌گاه آنهاست و قیامت روری بسیار هولناک و ناگوار

است

۴۷- همانا مجرمان در گمراهی و آتش سوزان جهنم هستند.

۴۸- روری که در آتش جهنم با صورت کشیده می‌شود (و به آنها گفته

شود) بچشید آتش جهنم را!

۴۹- همانا ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم.

﴿بَلِ السَّاعَةِ مَوْعِدُهُمْ﴾ یعنی قیامت.

﴿وَالسَّاعَةُ أَذْهَى وَأَمْرٌ﴾ یعنی قیامت سخت‌تر و شدیدتر است

﴿إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ﴾ یعنی مجرمین در عذاب هستند، و

﴿سُعْر﴾ وادی بزرگ در جهنم است.<sup>۱</sup>

﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾ فرمود. برای هر چیزی وقت، اجل و مدت معینی است.

إسماعیل بن مسلم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: برای اهل قدر اسمی در قرآن در آیه ﴿إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ﴾ تا - خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ دیده‌ام که آنها مجرمین است.<sup>۲</sup>

وَمَا أُنْزِلْنَا إِلَّا وَاحِدَةً كَلِمَةً بِالْبَصَرِ (۵۰)

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ (۵۱)

وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ (۵۲)

وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُنْتَظَرٌ (۵۳)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ (۵۴)

فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ هُنْدٍ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ (۵۵)

۵۰- و فرمان ما یکی بیش نیست، مانند یک چشم بر هم ردن.

۵۱- و به تحقیق ما کسانی را پیشیاب را که شبیه شما بودند را هلاک

کردیم، آیا پندگیری هست؟

۵۲- و هر صلی که انجام دادند همشان ثبت است

۵۳- و هر امر کوچک و بزرگی ثبت شده است.

۵۴- همانا پرهریزگاران در ناعها و کنار بهرهای بهشتی حای دارند

۵۵- در جایگاه صدق نرد خطاوند مالک و ما اقتدار

۱ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۷۷

۲ بحار الأنوار، ج ۵، ص ۱۷

﴿وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَفِجٍ بِالْبَصَرِ﴾ یعنی می گوئیم باش پس ایجاد

می شود.

﴿وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ﴾ یعنی پیروی کردن و پرستیدن شما بت ها.

﴿وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزَّيْرِ﴾ یعنی در قرآن آمده است.

﴿وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ﴾ یعنی از گناهان کوچک و بزرگ.

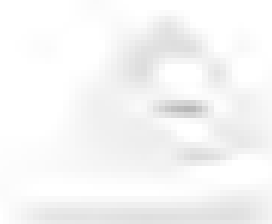
﴿مُسْتَظَرٌّ﴾ یعنی نوشته شده است.

سپس خداوند آنچه را که برای متقین آماده کرده را ذکر نموده و فرمود:

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ \* فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِندَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾ همانا

پرهیزگاران در باغها و کنار نهادهای بهشتی جای دارند. در جایگاه صدق نزد

خداوند مالک و با اقتدار.<sup>۱</sup>

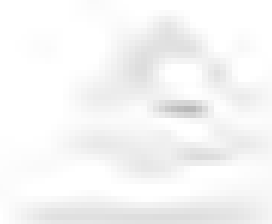


# تفسیر سورة الرحمن

۵۵ - سورة الرحمن در

مدینه نازل شده و دارای ۷۸

آیه است.





## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّحْمَنُ (۱)

عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ (۳)

عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (۴)

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (۵)

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (۶)

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (۷)

أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ (۸)

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (۹)

۱- خداوند مهربان،

۲- قرآن را یاد داد،

۳- انسان را آفرید،

۴- به او بیان را آموخت.

۵- خورشید و ماه با حساب دقیقی در گردش هستند.

۶- و گیاه و درخت (برای او) سجده می‌کنند.

۷- و آسمان را بر اهر داشت، و میران (عدل و قانون در آن) گذشت

۸- تا در میزان طغیان‌گری نکند

۹- و در آن را با قسط و عدل برپا کند، و در میران کم نگذارد

﴿الرَّحْمَنُ﴾ \* عَلَّمَ الْقُرْآنَ \* خَلَقَ الْإِنْسَانَ \* عَلَّمَهُ الْبَيَانَ \*

حسین بن خالد روایت می‌کند که امام رضا علیه السلام در معنای آیه ﴿الرَّحْمَنُ﴾ \*

عَلَّمَ الْقُرْآنَ \* فرمودند: خداوند به محمد صلی الله علیه و آله قرآن را یاد داد.

عرض کردم: معنای ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ﴾ چیست؟

فرمود: مراد از انسان امیرالمؤمنین علیه السلام است.

عرض کردم: معنای ﴿عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾ چیست؟

فرمود: تبیان هر چیزی که مردم به آن احتیاج دارند را به او یاد داد.

سوال کردم: معنای ﴿الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ﴾ چیست؟

فرمود: یعنی آن دو در عذاب هستند.

عرض کردم: خورشید و ماه در عذاب هستند؟

فرمود: از چیزی سوال کردی پس در جوابش دقت کن، همانا خورشید و

ماه آیاتی از آیه‌های خداوند هستند، به امر خداوند در گردشند و مطیع اوامر

الهی هستند، نور آن دو از عرش و حرارتشان از جهنم است، هنگامی که روز

قیامت شود نور آن دو به عرش و حرارتشان به جهنم بر می‌گردد و دیگر

خورشید و ماهی نمی‌باشد. خداوند متعال فقط آن دو را قصد کرده که لعنت

خدا بر آن دو باد، آیا چنین نیست که مردم از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند

که فرمود: خورشید و ماه دو نور در آتش می‌باشند؟

عرض کردم: بلی این چنین است.

فرمود: آیا قول مردم را نشنیدی که می‌گویند: فلانی و فلانی دو خورشید

این امت و نور آن می باشند. پس بنابراین آن دو نفر در آتش هستند، به خدا سوگند خدای تعالی جز آن دو را قصد نکرده است.

عرض کردم: معنی «النَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ» چیست؟

امام علی (علیه السلام) فرمود: نجم رسول خدا ﷺ است، که خدای تعالی در موارد متعدّد او را به این نام نامیده است، که فرموده است: «وَالنَّجْمُ إِذَا هَوَىٰ» و فرموده: «عَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ» که علامت‌ها اوصیای (علیهم السلام) هستند، و نجم رسول خدا ﷺ می باشد.

عرض کردم: «یسجدان» به چه معناست؟

فرمود: «یعبدان» یعنی آن دو عبادت می کنند. از قول خدا! «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ» سؤال شد.

امام فرمود: مقصود از آسمان رسول خدا ﷺ است که خداوند او را به سوی آسمان بالا برد. و «المیزان» امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که خداوند او را برای خلق خود نصب نموده است.

عرض کردم: «أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ» یعنی چه؟

فرمود: یعنی بافرمانی امام علی (علیه السلام) را نکنید.

سوال کردم: «وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ» یعنی چه؟

فرمود. یعنی امام را با عدل اقامه نمایند.

عرض کردم: «وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» به چه معناست؟

فرمود: یعنی حق امام را با عدل اقامه نمایید و بر او ظلم و ستم نکنید

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (۱۰)

فِيهَا فَكَيْهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (۱۱)

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ (۱۲)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۳)

۱۰- و زمین را برای مردم آفرید.

۱۱- در آن میوه ها و محل حرما را شکوفه های فراوان است

۱۲- و دانه هایی را ساقه و برگ می است و گل های خوشبو

۱۳- (ای گمراه حق و انس) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را

تکذیب می کنید؟

﴿وَالْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ﴾ فرمود: منظور از انام مردم است.

﴿فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ﴾ فرمود: میوه خرما اول درخت و ریشه

آن بزرگ می شود و سپس از آن بیرون می آید.

﴿وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ﴾ فرمود: «حب» عبارت از گندم و جو و

حبوبات است، و «عصف» انجیر و «ریحان» چیزی است که از آن حورده

می شود.

﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ فرمود: در ظاهر خطاب به جن و انس است و

در باطن خطاب به فلان و فلان می باشد.<sup>۱</sup>

ابو بصیر گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾

سوال کردم، فرمود: خداوند تبارک و تعالی می فرمایند به کدام یک از دو

بعثت کفران می کنید به محمد صلی الله علیه و آله یا به بعثت علی علیه السلام.<sup>۲</sup>

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ (۱۷)

۱ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۶۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۸۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۶۵  
۲ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۷۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۶۶؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۸۵

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۸)

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَمِيانِ (۱۹)

يَنْتَهُمَا يَنْزِعُ لِأَيْتَمِيانِ (۲۰)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۱)

يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ (۲۲)

۱۷- (او) پروردگار دو مشرق و پروردگار دو مغرب است

۱۸- (ای گروه جن و انس) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را

تکذیب می‌کنید؟

۱۹- دو دریای شور و شیرین را در کنار هم قرار داد، در حالی که با هم

می‌آمیزند

۲۰- و میان آن دو بر ریح (فاصله‌ای) است که بر حدود هم تجاوز نمی‌کند

۲۱- (ای گروه جن و انس) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را

تکذیب می‌کنید؟

۲۲- از آن دو دریا لؤلؤ و مرجان خارج می‌شود.

﴿رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ﴾ فرمود: پروردگار مشرق زمستان و

مشرق تابستان و پروردگار مغرب زمستان و مغرب تابستان است.

ابو بصیر گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ

الْمَغْرِبَيْنِ﴾ سوال کردم، فرمود: مراد از ﴿المشرقین﴾ رسول خدا صلی الله علیه و آله و

أمیرالمؤمنین علیه السلام و مراد از ﴿المغربین﴾ امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و

در همانند آن دو جاری می‌شود.

﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ فرمود: محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام می‌باشند<sup>۱</sup>

یحیی بن سعید القطان [ العطار ] گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که درباره آیه «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَمِیانِ \* بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِیانِ» فرمودند: علی و فاطمه علیها السلام دو دریای عمیق هستند که هیچ یک بر دیگری ظلم و ستم نمی کند. «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُو وَالْمَرْجَانُ» فرمود: حسن علیه السلام و حسین علیه السلام می باشند «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَمِیانِ» امیر المؤمنین علیه السلام و فاطمه علیها السلام می باشند «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُو وَالْمَرْجَانُ» امام حسن و امام حسین علیهما السلام می باشند.<sup>۱</sup>

وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (۲۴)

۲۴- و برای اوست کشتیهای بزرگ ساخته شده همچون کوه که در دریا در حرکت می باشند.

«وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ» فرمود: همچنانکه خنساء در مرثیه برادرش صخر گفت:

و إن صخر المولانا وسيدنا      و إن صخرًا إذا استوقد النار

و إن صخرًا تأنم الهداة به      كأنه علم في رأسه نار

یعنی: همانا که صخر مولا و آقای ماست، هنگامی که آتش را به گردش می آندازد، هدایت یافتگان به او اقتداء می کنند مانند علامتی که بالای سرش آتشی است.<sup>۲</sup>

برهان، ج ۷، ص ۳۸۶

۱ بخارالانوار، ج ۳۷، ص ۹۶؛ تفسیر فرائد کوفی، ص ۲۵۹؛ منابع ابن شهر آشوب، ج ۳.

۲۱۸، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۸۶؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۶۸؛ نورالتنقیح، ج ۵، ص ۱۹۱

۲ بلاغاب النساء، ۲۳۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۸۹؛ نورالتعلیق، ج ۵، ص ۱۹۲

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (۲۶)

وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۲۷)

۲۶- همه آنچه که در روی زمین است فانی می‌شوند.

۲۷- و فقط وجه ذوالجلال و کرامی پروردگارت باقی می‌ماند.

﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ﴾ فرمود: یعنی هر چه بر روی زمین است فانی شده و از

بین می‌رود.

﴿وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ﴾ فرمود: یعنی دین پروردگار تو باقی می‌ماند.

علی بن الحسین علیه السلام فرمود: وجه خدا که مردم رو به سوی آن می‌آیند ما هستیم.<sup>۱</sup>

يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (۲۸)

۲۸- هر کسی که در آسمانها و زمین است همه از او (حوادث خودشان را)

در حواست می‌کند، و او هر روز در شان و کاری مشغول است

﴿يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ﴾ فرمود: زنده

می‌کند، می‌میراند، روزی می‌دهد و کم و زیاد می‌گرداند.<sup>۲</sup>

سَنَقَرُ لَكُمْ آيَةَ الْقَلَانِ (۳۱)

۳۱- ای گروه انس و جن به رودی به حساب شما رسیدگی می‌کنیم

﴿سَنَقَرُ لَكُمْ آيَةَ الْقَلَانِ﴾ امام علیه السلام فرمود: منظور از ﴿قَلَان﴾ ما و کتاب

خدا هستیم و دلیل بر آن فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود: همانا دو

۱- منافع ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۱۴؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۳۱؛ بحار الانوار، ج ۴.

ص ۵؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۹۰؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۶۹.

۲- تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۹۰؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۷۰؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۹۳.

چیز گرانبه‌اء در میان شما به یادگار می‌گذارم کتاب خدا و اهل بیت می‌باشند.<sup>۱</sup>

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ (۳۳)

۳۳- ای گروه جن و انس، اگر می‌توانید از مرزهای آسمانها و زمین بیرون شوید، پس بیرون شوید، ولی هرگز نمی‌توانید بیرون شوید مگر با داشتن قدرتی.

﴿يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ﴾ هنگامی که روز قیامت شود آسمان دنیا بر زمین احاطه می‌کند و آسمان دوم بر آسمان دنیا، و آسمان سوم بر آسمان دوم، و هر آسمانی بر آسمان زیرین خود احاطه می‌کند سپس منادی ندا می‌کند: ﴿يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ - تا - بِسُلْطَانٍ﴾ یعنی با حجت و دلیل.<sup>۲</sup>

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ (۳۹)

۳۹- پس در آن روز هیچ از گناه‌انسان و جن سؤال نمی‌شود

﴿فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ﴾ فرمود: از شما یعنی از شیعه ﴿إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ﴾ فرمود. معنای ایه این است که هر کس امیر المؤمنین (علیه السلام) را دوست داشته باشد و از دشمنانش - که لعنت خداوند بر آنها باد - بیزاری بجوید، و حلالش را حلال و حرامش را حرام بداند سپس گناهی را مرتکب شود و توبه نکرده‌ار

۱ بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۹۰، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۹۱، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۰،  
مورد الثقلین، ج ۵، ص ۱۹۳  
۲ بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۰۳



دنیا برود خداوند او را در برزخ عذاب می‌کند و روز قیامت بیرون می‌آید گناهی ندارد که مورد بازخواست واقع شود.<sup>۱</sup>

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ (۴۳)

يَطُوفُونَ فِيهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آتٍ (۴۴)

۴۳- این همان جهنمی است که مجرمان آن را تکذیب می‌کردند

۴۴- که آنها در میان آن و آب سوزان در روت و آمد هستند

امام صادق علیه السلام آیه «هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ» را این طوری قرائت کردند: «هذه جهنم التي كنتما بها تكذبان تصليانها ولا تموتن فيها و لا تعييان ؛ این آن دوزخیست که شما در دار دنیا تکذیب آن می‌کردید در آن دوزخ وارد شوید پس در آنجا نه مرده خواهید بود و نه زنده» یعنی زریق و حبت.<sup>۲</sup>

«يَطُوفُونَ فِيهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آتٍ» فرمود: یعنی آن آب از شدت حرارت می‌جوشد و به صدا در می‌آید.<sup>۳</sup>

فِيهِمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْفِئْهُنَّ أَيْسَ قُلُوبُهُمْ وَلَا خَانَ (۵۶)

۵۶. در آن باغ‌های بهشتی، زنان زیبایی هستند که چهره همسران خود عشق نمی‌ورزد، و قلب ار همسرانشان دست هیچ انسی و جانی آنها را لمس نکرده است.

۱ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۲۶، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۹۲؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۲ بور الثقلین، ج ۵، ص ۱۹۵

۲ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۷۳؛ بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۱۷۵

۳ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۷۳؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۹۵

﴿فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ﴾ فرمود: حور العین آن قدر نورش روشن است که چشم را می‌زند، و نمی‌شود به او خیره شد.  
 ﴿لَمْ يَطْمِئِنَّ﴾ یعنی احدی آنها را مس نکرده است.<sup>۱</sup>

مَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ (۶۰)

۶۰- آیا پاداش یکی جز یکی است؟

﴿مَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾ امام علی (علیه السلام) فرمود: جزای کسی که من او را از نعمت معرفت برخوردار کرده‌ام چه چیزی جز بهشت می‌تواند باشد.<sup>۲</sup>

وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ (۶۲)

۶۲- وپایین تر از آن دو (بهشت)، دو بهشت دیگری است

عثمان بن محمد بن عمران گوید از امام صادق (علیه السلام) درباره آیه ﴿وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ﴾ سوال کردم، فرمود: دو سبزینه در دنیا است که مومنون از آن می‌خورند تا از حساب فارغ شوند.<sup>۳</sup>

مُذَاهِمَتَانِ (۶۴)

۶۴- که (درختان آن دو بهشت) سرسبز و خرم می‌باشند

یونس بن ظبیان گوید امام صادق (علیه السلام) درباره آیه ﴿مُذَاهِمَتَانِ﴾ فرمود: مایین مکه و مدینه با درختان خرما به هم متصل می‌شود.<sup>۴</sup>

۱ نورالثقلین، ج ۵ ص ۱۹۸؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۹۷

۲ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۷۶

۳ نورالثقلین، ج ۵ ص ۲۰۰؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۷۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۹۶

۴ بحرالانوار، ج ۵، ص ۳۹؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۷۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۰۰

فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ (۶۶)

۶۶- در آن دو (بهشت) چشمه گوارا می جوشد.

﴿فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ﴾ یعنی دو چشمه فوار و جوشان.

فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ (۷۰)

۷۰- در آن بهشتها ربانی در کمال بیکی و ربانی هستند.

﴿فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ﴾ فرمود: منظور دخترانی است که چون گیاه بر لب

شط کوثر می رویند، هر قدر از آنها گرفته شود دوباره به جایش می روید.

حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْبُيُوتِ (۷۲)

۷۲- حوریانی که در حیمه های بهشتی مستور می باشند.

﴿حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْبُيُوتِ﴾ یعنی چشم به خاطر شمع نورشان از نگاه

کردن به آنها عاجز است.<sup>۱</sup>

تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۷۸)

۷۸- هر حیر و برکت است اسم پروردگارت که صاحب جلال و بررگوری

است.

امام باقر علیه السلام درباره معنای آیه ﴿تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾

فرمود: ما جلال و کرامت خداوند هستیم که خداوند بندگان را به وسیله ما

گرامی داشت.<sup>۲</sup>

۱ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۰۱؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۷۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۰۱

۲ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۹۶؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۰۲؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۸۰  
تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۰۲

از تفتیک به بزرگده و سدی

## تفسیر سورة واقعه

۵۶ - سورة واقعه در مکه

نازل شده و دارای ۹۶ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ (۱)

لَيُتَسَّي لِيُوقِعَ بِهَا كَاذِبَةٌ (۲)

خَافِضَةٌ زَافِقَةٌ (۳)

إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَحًا (۴)

وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًا (۵)

فَكَانَتْ هَبَاءً مُتَّبًا (۶)

وَكُنتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً (۷)

فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (۸)

۱- هنگامی که واقعه برری (قیامت) واقع گردد

۲- که کسی نمی تواند وقوع آن را تکذیب کند.

۳- آن روز گروهی حواری و دلیل می شود و گروهی سر بلند می گردد

۴- هنگامی که زمین لرزه شدیدی می کند.

۵- و کوه ها متلاطم می شود

۶- پس چون غباری پراکنده در می آید.

۷- و شما سه گروه خواهید بود.

۸- پس اصحاب نمین (گروه دستگاران)، چه گروه دستگاران

﴿إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ \* لَيْسَ لَوْفَعَتِهَا كَادِبَةٌ﴾ فرمود: قیامت حق است

﴿خَافِصَةٌ﴾ فرمود: خوار و ذلیل کننده دشمنان خدا.

﴿رَافِعَةٌ﴾ رفعت دهنده اولیاء الهی می باشد

﴿إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا﴾ فرمود: بعضی از اعضاء زمین با بعض دیگرش

کوفته و درهم شود.

﴿وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًا﴾ فرمود کوه ها از جای خود کده شوند کنده شدنی

﴿فَكَانَتْ هَبَاءً مُبَشًّا﴾ فرمود: ﴿هَبَاءً﴾ گرد و غباری بر اثر نور خورشیدی

که از پنجره یا سوراخی درون اتاقی می تابد در هوا پراکنده بوده و دیده می شود

﴿وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً﴾ فرمود، در روز قیامت شما سه گروه می باشید

﴿فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ﴾ آنها مؤمنانی هستند که دارای

گناهی بوده و برای حساب می ایستند.

وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ (۹)

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ (۱۰)

۹- و اصحاب مشامه (گروه بدبختان)، چه گروه بدبختانی!

۱۰- و (گروه سوم) پیش گیرندگان که پیش گیرندگانند

**فضیلت پیامبر ﷺ و علی علیه السلام و حمزه و جعفر**

﴿وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ \* وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ﴾ آنها



که بدون حساب به سوی بهشت سبقت گرفتند.<sup>۱</sup>

حدیقه یمانی روایت می‌کند در روز سیزدهم ماه رجب پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به بلال امر فرمود قبل از رسیدن وقت نماز مردم را ندا کند چون صدای بلال بلند شد اهل مدینه ضجه و فریاد شدیدی نمودند؟ گفتند هور رسول اکرم صلی الله علیه و آله وفات نکرده و از میان ما غایب نشده این چه وقت نماز است؟ رسول خدا به درب مسجد به نام سده تشریف آورد و حلقه در را گرت و فرمود: ای مردم آیا می‌شنوید؟

عرض کردند: بلی ای رسول خدا مطیع و فرمان بردار هستیم  
فرمود: آیا به مردم می‌رسانید؟  
گفتند: آن را برای شما ضمانت می‌کنیم.

فرمود: خبر می‌دهم شما که خداوند مردم را دو صنف آفرید ﴿أَصْحَابُ الْيَمِينِ وَأَصْحَابُ الشُّمَالِ﴾ اصحاب راست و اصحاب چپ، مرا از اصحاب راست قرار داد و من بهترین اصحاب راست هستم، و اصحاب راست را سه طایفه نمود اصحاب میمنه و مشنمه و سابقون، من از سابقون و بهترین آنها می‌باشم و آنها را قبیله‌های متعددی قرار داد چنانکه فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾<sup>۲</sup> و قبیله من بهترین قبیله‌ها است و من بزرگترین فرزندان آدم و گرامی‌ترین شما نزد خدایتعالی هستم و فخری برای من نیست و قبیله را خانه‌هایی قرار داد و مرا از بهترین خانواده برگزید و فرمود: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ

۱ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۸۵، نورالتعلی، ج ۵، ص ۲۰۴، تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۰۶

۲ حجرات، آیه ۱۳، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همانا ما شما را مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید، همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیرگار منی شما هست.

لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً<sup>۱</sup> آگاه باشید مرا خداوند از میان سه نفر اهل بیت خود انتخاب نمود و من بهترین آن سه نفر هستم از خداوند پروا می‌کنم و فخری نمی‌نمایم، من و علی و جعفر دو فرزند ابیطالب و حمزه بن عبدالمطلب را برگزید که مادر زمین اسطح خوابیده بودیم و هر یک پیراهن خود را بصورت خود کشیده بودیم، علی طرف راست من و جعفر طرف چپ و حمزه پائین پا قرار گرفته بودند، از خواب بیدار شدم جبرئیل را با سه فرشته دیگر مشاهده نمودم یکی از آن فرشته‌ها به حمرئیل گفت: به سوی کدام یک از این چهار نفر فرستاده شده‌ای؟

جبرئیل با پایش به من زد و گفت: به سوی این، و او بزرگ پیغمبران و علی بزرگ اوصیاء و جعفر از برای او دو بال سبز است که در بهشت پرواز می‌کند و حمزه سید شهدا است.<sup>۲</sup>

ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ (۱۳)

وَقَبِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ (۱۴)

عَلَى شَرْبِ مَوْضُوءَةٍ (۱۵)

۱۳- گروه زیادی از پیشینیان.

۱۴- و عده کمی از متأخران.

۱۵- آنها بر تحت‌های اواسه و ریس داده شده تکیه می‌رند

سالم بیاع زطی گوید از ابوسعید مدائنی شنیدم که از امام صادق علیه السلام

در باره معنای آیه ﴿ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ﴾ سؤال می‌کرد

۱ احزاب، آیه ۳۳، جرایبست که خدا می‌خواهد الودگی را از شما اهل بیت بردارد و شما را کاملاً پاکیزه گرداند

۲ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۲۷۶؛ نورالتعلیق، ج ۵، ص ۳۰۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۰۶

امام علیؑ فرمود: «ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ» حزقیل مؤمن آل فرعون و «ثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ» علی بن ابی طالبؑ می باشد.<sup>۱</sup>  
 «ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ» آنها پیروان پیامبران هستند.  
 «وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ» و اینها پیروان حضرت محمد ﷺ می باشند  
 «عَلَى سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ» یعنی بر تخت‌هایی آماده و نصب شده.

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ (۱۷)

۱۷- و سو جوانانی زیبا که خوششان همیشه است در اطراف آنها می گردند.

«يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ» یعنی جوانانی که مسرور و شاد هستند.<sup>۲</sup>

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا (۲۵)

۲۵- در آنجا به سخنان لغو و بیهودهای می شنود و نه سخنان گناه‌آلودی.  
 «لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا» فرمود: یعنی فحش و دروغ و غشاه در آنجا نمی شنوند.

وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ (۲۷)

فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ (۲۸)

۲۷- و اصحاب بئیں (گروه راستگاران)، چه گروه راستگاری

۲۸- در سایه درختان سدر می خوار می آراند.

۱- تائیل الامات الطاهره، ص ۶۲۱؛ نورالنفوس، ج ۵، ص ۲۱۹؛ تفسیر برهان، ج ۵، ص ۲۲۲

۲- تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۱۴

﴿وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ﴾ فرمود: ﴿یَمِینِ﴾ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و ﴿أَصْحَابُ﴾ شیعیان آن حضرت می باشند.  
 ﴿فِي سِدْرٍ مَّنْضُودٍ﴾ فرمود: این سدر درختی است که نه برگ دارد و نه خار، و وقتی امام صادق علیه السلام آیه ﴿وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ﴾ را تلاوت کرد، در معنایش فرمود یعنی روی هم چیده شده<sup>۱</sup>.

وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ (۳۰)

وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ (۳۱)

۳۰- و در سایه گسترده درختان.

۳۱- و در کنار نهرهای روان و رلال.

﴿وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ﴾ فرمود: درختان سایه دار در وسط بهشت و در عرض آن است مانند عرض آسمان و زمین که شخص سواره در آن سایه صد سال راه می رود باز به پایان نمی رسد.<sup>۲</sup>

﴿وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ﴾ یعنی آبی که دائماً در جریان است

لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ (۳۳)

۳۳- که نه قطع می شود و نه کسی از خوردن و برداشتن آن مانع می گردد

﴿لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ﴾ یعنی نه قطع می شود و نه کسی از خوردن و برداشتن آن مانع می گردد.<sup>۳</sup>

۱ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۸۹، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۱۵؛ نوراللمعین، ج ۵، ص ۲۱۲

۲ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۱۶

۳ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۹۱؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۱۸

إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً (۳۵)

فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا (۳۶)

عُرُبًا أَتْرَابًا (۳۷)

۳۵- همانا ما آنها را در آفرینشی تازه آفریدیم.

۳۶- و آنها را باکره و دوشیزه قرار دادیم.

۳۷- ربانی که فقط به همسرانشان عشق می‌ورزید و برای آنها بار و عشو و

کرشمه کرده و هم سن و سال آنها می‌باشند

﴿إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً﴾ منظور حور العین در بهشت است.

﴿فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا﴾ فرمود: با زبان عربی سخن می‌گویند.

﴿أَتْرَابًا﴾ یعنی هم سن و سال با شوهرانشان هستند.

لِلْأَصْحَابِ الْيَمِينِ (۳۸)

ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ (۳۹)

و ثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ (۴۰)

۳۸- (این نعمتها) همه برای اصحاب پیمین است

۳۹- گروه زیادی از پیشینیان،

۴۰- و گروه کمی از امت‌های آخرین.

﴿لِلْأَصْحَابِ الْيَمِينِ﴾ اصحاب امیر المؤمنین علی علیه السلام ۱.

﴿ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ﴾ فرمود: طبقه اولی که با پیامبر صلی الله علیه و آله بودند.

﴿و ثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ﴾ فرمود: طبقه‌ای از این امت که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله

هستند.

وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ (۴۱)

فِي سَمُومٍ وَخَمِيمٍ (۴۲)

وَزَيْلٍ مِّنْ يَّخْمُومٍ (۴۳)

لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ (۴۴)

۴۱- و اصحاب شمال (گروه بدبختان)، چه گروه بدبختانی

۴۲- آنها در عذاب باد کشنده و آب سوزان می یابند

۴۳- و در زیر سایه‌ای از دود آتش جهنم.

۴۴- (سایه‌ای) که نه حک کننده است و نه آرام بخش

﴿وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ﴾ فرمود: مراد از «أَصْحَابُ

الشَّمَالِ» دشمنان محمد و اصحابشان که آنها را دوست داشتند

﴿فِي سَمُومٍ وَخَمِيمٍ﴾ فرمود: سموم نام آتش است و خمیم آبی است که

می جوشد.

﴿وَزَيْلٍ مِّنْ يَّخْمُومٍ﴾ فرمود: یعنی طلعت و تاریکی که به شدت گرم است

﴿لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ﴾ فرمود: طیب و پاکیزه نیست

فَشَارِبُونَ شُرَبَ الْهَيْمِ (۵۵)

هَذَا نَزْلُكُم يَوْمَ الدِّينِ (۵۶)

۵۵- پس همچون شتران تشنه از آب می آشامند

۵۶- این است وسیله پذیرائی آنها در روز قیامت.

﴿فَشَارِبُونَ شُرَبَ الْهَيْمِ﴾ فرمود. از آب زقوم می آشامند، و «الْهَيْم» یعنی

شتر<sup>۱</sup> (یعنی از شدت تشنگی از آب زقوم به یک باره می آشامند)<sup>۱</sup>

﴿هَذَا نُزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ﴾ فرمود: این ثواب آنها در روز مجازات است.

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ (۵۸)

۵۸- آیا طعمه‌ای را که در رحم می‌ریزید را دیدماید؟

﴿أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ﴾ یعنی آیا دریافته‌اید که نطفه‌ای بیش نبودید.

أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ (۷۱)

أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ (۷۲)

نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً وَمَتَاعاً لِلْمُقْوِينَ (۷۳)

۷۱- آیا آتشی را که روشن می‌کنید دیدماید؟

۷۲- آیا شما درخت آن را آفریدید یا ما آفریدیم؟

۷۳- ما آن را وسیله تذکر و توشه مسافران قرار داده‌ایم

﴿أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ﴾ یعنی آیا آن آتشی را که برافروخته می‌کنید و

از آن بهرمنند می‌گردید بر آن دقت کردید.

﴿أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ﴾ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً و ما آن را

برای یادآوری آتش روز قیامت قرار داده‌ایم.

﴿وَمَتَاعاً لِلْمُقْوِينَ﴾ فرمود: یعنی وسیله زندگی محتاجان.<sup>۱</sup>

فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ (۷۵)

۷۵- سوگند به منتهای نزول ستارگان.

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ﴾ فرمود: ﴿لا أقسم﴾ به معنای ﴿أقسم﴾ یعنی

سوگند به جایگاه ستارگان.<sup>۱</sup>

وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْكُمْ تُكَذِّبُونَ (۸۲)

۸۲- و بجای شکر روزیها آن را تکذیب می کنید<sup>۲</sup>

ابو عبد الرحمن سلمی از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده که آن حضرت در حین قراءت سوره واقعه این آیه را چنین می خواند که «و تجعلون شکرکم انکم تکذبون» و بعد از آن فرمود: متوجه شدم که کسی می گوید برای چه اینچنین آن را قرائت کردم زیرا از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که او سیر همینطور آن را قرائت می کردند، و هر وقت که باران می بارید می گفتند: باران ستاره (بوء)<sup>۳</sup> فلان و فلان بر ما بارید، پس خدا آیه «تجعلون شکرکم انکم تکذبون» را فرو فرستاد.<sup>۴</sup>

ابو بصیر روایت می کند که امام صادق علیه السلام درباره آیه «وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْكُمْ تُكَذِّبُونَ» فرمودند: آیه اینطوری «و تجعلون شکرکم انکم تکذبون» نازل شده است.<sup>۵</sup>

فَلَوْلَا إِذَا تَلَعَبَ الْحُلُقُومَ (۸۳)

۸۳- پس چرا هنگامی که جان به گلو می رسد

«فَلَوْلَا إِذَا تَلَعَبَ الْحُلُقُومَ» یعنی نفس هنگامی که به حلقوم برسد.

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۹۹، نورالاعلی، ج ۵، ص ۲۲۵

۲. بوء نام ستاره ای است که مردم گمان می کردند باران از آن می بارد.

۳. مسدک الوسائل، ج ۶، ص ۱۹۵ و ج ۸، ص ۱۲۲ و ج ۵۵، ص ۳۱۳ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۲۸؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۰۱؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۲۷

۴. بحرالابود، ج ۹، ص ۳۴۱؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۰۱؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۲۹



قُلُوا لَا إِن كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ (۸۶)

تَرْجِعُونَهَا إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۸۷)

۸۶- پس اگر روز قیامت و مجازاتی برای شما نیست.

۸۷- روح را دوباره به بدن مُرده برگردانید اگر راست می‌گویید؟

﴿قُلُوا لَا إِن كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ﴾ فرمود: اگر شما در برابر اعمالتان چرا داده

نمی‌شوید.

﴿تَرْجِعُونَهَا﴾ یعنی روحی را که تا حلقوم آمده به بدن برگردانید ﴿إِن كُنْتُمْ

صَادِقِينَ﴾ اگر در عقیده خود راستگو هستید.<sup>۱</sup>

فَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۸۸)

فَرُوحٌ وَرِيحَانٌ وَحَتَّى نَعِيمٍ (۸۹)

وَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (۹۰)

فَسَلَامٌ لَّكَ مِنَ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (۹۱)

وَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الصَّالِينَ (۹۲)

فَنَزَلَ مِنْ جَمِيمٍ (۹۳)

وَتَضَلِيلَةٍ جَحِيمٍ (۹۴)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ (۹۵)

فَسَمِعَ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۹۶)

۸۸- پس اگر از مقربان باشد.

۸۹- پس در روح و ریحان و بهشت پر نعمت است.

۹۰- و اگر از اصحاب یمن باشد.

۹۱- (ره او گفته می شود) پس سلام بر تو که از اصحاب یحیی همنی

۹۲- و اما اگر از نکذیب کنندگان گمراه باشد.

۹۳- به وسیله آب جوشان مورد پذیرائی واقع می شود

۹۴- و جایگاهش در آتش جهنم است

۹۵- همانا این حق و یقین است.

۹۶- پس به نام پروردگار عظیم تسبیح گو.

﴿وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ﴾ یعنی کسی که از اصحاب امیرالمؤمنین

علی علیه السلام باشد.

﴿فَسَلَامٌ لَكَ﴾ ای محمد ﴿مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ﴾ که عذاب نمی شود<sup>۱</sup>

﴿وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ﴾ فَنَزُلُ مِنْ حَمِيمٍ \* وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ \*

در باره دشمنان آل محمد صلی الله علیه و آله می باشد.<sup>۲</sup>

﴿إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿ همانا این حق و یقین

است. پس به نام پروردگار عظیم تسبیح گو.

ابو بصیر گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که درباره آیه ﴿فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ

الْمُفْرِّينَ﴾ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ می فرمود: روح و ریحان در قبر است و \* وَجَنَّةُ

نَعِيمٍ \* فرمود در آخرت می باشد. ﴿وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ﴾ فَنَزُلُ

مِنْ حَمِيمٍ \* که آن در قبر بوده ﴿وَ تَصْلِيَةُ جَحِيمٍ﴾ که در آخرت می باشد.<sup>۳</sup>

۱- نورالتقوی، ج ۵، ص ۲۲۹؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۰۳

۲- نورالتقوی، ج ۵، ص ۲۲۹؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۰۳

۳- بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۷؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۰۳؛ نور الثعلبی، ج ۵، ص ۲۲۸

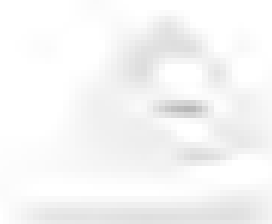
تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۳۲

# تفسیر سورة حديد

۵۷ - سورة حديد در مدينه

نازل شده و دارای ۲۹ آيه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱)  
 لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُخْفِي وَ يُعْظِي وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲)  
 هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۳)  
 هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُعْطِي  
 مَا يَلِيحُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَنْفُخُ فِيهَا وَهُوَ  
 مُعْتَكِفٌ أَيْ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۴)  
 لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۵)  
 يُوَلِّعُ اللَّيْلُ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّعُ النَّهَارُ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۶)  
 آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ  
 وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ (۷)

۱- آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح گوی خدای هستنده و او عزیر و حکیم است.

۲- حاکمیت آسمانها و زمین برای اوست، او زنده می کند و می میراند، و او بر هر چیزی تواناست.

۳- اول و آخر و ظاهر و باطن اوست، و او به هر چیزی داناست

۴- او آن کسی است که اسمانها و زمین را در شش روز آفرید. سپس بر عرش قرار گرفت، آنچه که در زمین فرو می‌رود و آنچه که از زمین بیرون می‌آید را می‌داند و بر آنچه که از اسمان باران می‌شود و آنچه که در آسمان می‌رود (را بر می‌داند)، هر کجا که باشید او را شماست. و حدود به آنچه که انجام می‌دهید بیناست

۵- حاکمیت آسمانها و زمین از برای اوست، و همه امور به سوی و بازگردانده می‌شود.

۶- شب را در روز و روز را در شب پنهان می‌سازد، و او پادشاهی که در سیه‌هاست آگاه است.

۷- به خدا و رسولش ایمان بیاورید، و از آنچه شما را جانشین در آن قرار داده اتفاق کنید، پس کسانی که از شما ایمان بیاورند و اتفاق کنند برای شما پادشاه بزرگی است

﴿سُبْحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ فرمود این همان است که رسول خدا ﷺ در باره‌اش فرمود: که جامع‌ترین کلمات به من داده‌اند.<sup>۱</sup>

﴿هُوَ الْأَوَّلُ﴾ فرمود: قبل از هر چیزی.

﴿وَالْآخِرُ﴾ فرمود: بعد از هر چیزی باقی می‌ماند.

﴿وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ یعنی از ضمائر و باطن‌ها آگاه است.<sup>۲</sup>

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ﴾ یعنی در شش وقت<sup>۳</sup>

﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلْبِغُ فِي الْأَرْضِ...﴾ سپس بر عرش قرار

۱ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۳۵

۲. نور الثقلین، ج ۵ ص ۲۴۱، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۳۸

۳ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۳۸

گرفت، آنچه که در زمین فرو می‌رود و آنچه که از زمین بیرون می‌آید را می‌داند و نیز آنچه که از آسمان نازل می‌شود و آنچه که در آن بالا می‌رود (را نیز می‌داند)، هر کجا که باشید او با شماست، و خداوند به آنچه که اسحام می‌دهید بیناست.

از آیه دوم تا آیه هفتم «أَجْرُ كَيْبَرٍ» از محکّمات است.

امام صادق علیه السلام فرمود: بر در بهشت نوشته شده که قرض دادن هیچ‌ده حسنه دارد و صدقه دادن ده حسنه، چون قرض به شخص محتاج می‌رسد ولی صدقه چه بسا به دست کسی برسد که هیچ احتیاجی نداشته باشد.<sup>۱</sup>

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرُ كَرِيمٍ (۱۱)

۱۱- کیست که به خداوند قرض بیکو بدهد (ار مالی که خداوند به او عنایت فرموده به مستحقان قرض الحسنه و صدقه بدهد) تا خداوند سرای او چندین برابر کند؟ و برای او پاداش ما ارزشی است

اسحاق بن عمار گوید از امام موسی کاظم علیه السلام درباره آیه «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرُ كَرِيمٍ» سوال کردم، فرمود: درباره صله ارحام با [ امام ] نازل شده است.<sup>۲</sup>

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَىٰ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ تُشْرَاكُمُ  
الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ  
الْعَظِيمُ (۱۲)

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۶۴؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۳۹  
۲. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۸؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۳۹؛ کافی، ج ۱، ص ۵۳۷؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۱۱؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۴۰

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْظِرْنَا نَتَّقِمْ مِنْ نُورِكُمْ قَدْ  
 ازْجَعُوا وَرَاءَكُمْ فَأَتَمَّمُوا نُورًا فَضَرَبَ سِتْرَهُمْ بِسُورٍ لَهُ نَافِثَةٌ فِيهِ الزَّخْمَةُ  
 وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ (۱۳)

بِنَادُوهُمْ أَلَمْ يَكُنْ مِنْكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَ لَكُمْ كُمْ فَسَمِ أَنْفُسَكُمْ وَ تَرَبُّصُكُمْ وَ  
 ازْتُمْ وَ غَرَّتْكُمْ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَ عَزَّكُمْ بِاللَّهِ الْعَوَزُ (۱۴)

۱۲- روزی که مردان و زنان مؤمن را می‌بینی که نورشان پیش رو و سمب  
 راستشان با سرعت حرکت می‌کند (و به آنها مزده داده می‌شود) شارت  
 باد بر شما امروز به بهشتی که بهرها از در درختانش جاری است، و در آن  
 همیشگی خواهید بود، این همان رستگاری بزرگ است

۱۳- و روزی که مردان و زنان منافق به سویی می‌گویند به ما نگاه کنید تا  
 از نور شما بگیریم، به آنها گفته می‌شود به پشت سرمان برگردید- و رستگاری  
 نور بگیرید، پس در این هنگام میان آنها دیواری رده می‌شود که دری دارد،  
 که در باطن آن رحمت و در ظاهرش عذاب است.

۱۴- (منافقین) آنها را صدا می‌زنند آیا ما ما بودیم؟ می‌گویند سی، و  
 لکن خودتان را به فتنه افکندید و انتظار (هلاکت مؤمنان و مُردن پیامبر را)  
 می‌کشیدید، و (در امور دین) شک و تردید داشتید، و آرزوهای شما را  
 فریب داد تا اسکه فرمان الهی فرا رسد، و شططان فریبده شما را در برابر  
 فرمان الهی فریب داد.

﴿يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَىٰ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ﴾  
 فرمود: در روز قیامت نور در بین مردم طبق درجات ایمانشان تقسیم  
 می‌شود، و نوری که به منافق می‌رسد تنها بین انگشت ابهام پای چپش را فرا  
 می‌گیرد، منافق به نور خود می‌نگرد، و سپس به مؤمنین می‌گوید، نایستید تا



من از نور شما اقتباس کنم.

مؤمنین به ایشان می‌گویند: ﴿اَزِجُّوْا وَّزَاءُكُمْ فَاتَمِسُّوْا تُورًا﴾ به عقب برگردید و در آنجا برای خود کسب نور کنید، در این هنگام است که بین این دو طایفه دیواری زده می‌شود، دیواری که دارای دری است، از پشت دیوار مؤمنین را صدا می‌زنند: ﴿اَلَمْ نَكُنْ مَّعَكُمْ قَالُوْا بَلٰی وَّلٰكِنْ كُنْتُمْ تَقْسِمُۙۤ۟۟۟﴾ که مگر ما در دنیا با شما نبودیم؟ می‌گویند: بله بودید، و لیکن شما خود را مفتون و هلاک کردید، امام فرمود: یعنی با نافرمانی خدا، خود را هلاک کردید. ﴿وَاَرْبَبْتُمْ﴾ یعنی همواره در انتظار بودید و شک داشتید ﴿وَتَرَبَّصْتُمْ﴾<sup>۱</sup>

فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَّلَا مِنَ الدِّیْنِ كَفَرْتُمْ مَّا وَاَكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ  
وَبَشِّرِ الْمَصِیْرَ (۱۵)

۱۵- پس امروز نه از شما فدیة گرفته می‌شود و نه از کافران، جایگاهتان

آتش جهنم است، و آن سرپرستان می‌باشد، و چه بد جایگاهی است.

﴿فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ﴾ فرمود: به خدا سوگند منظور یهود و نصاری نیست، بلکه منظور همین مسلمانان اهل قبله است؛ سپس فرمود: ﴿مَّا وَاَكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ﴾ یعنی آتش اولی و سزاوارتر برای شما است.

اَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِیْنَ آمَنُوْا اَنْ تَخْشَعَ قُلُوْبُهُمْ لِذِكْرِ اللّٰهِ وَّمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ  
وَلَا يَكُوْنُوْا كَالَّذِیْنَ اُوْتُوْا الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَیْهِمْ الْاَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوْبُهُمْ  
وَكَثِیْرٌ مِنْهُمْ فٰسِقُوْنَ (۱۶)

۱۶- آیا وقت آن نرسیده کسانی که ایمان آوردند دل‌هایشان در برابر ذکر

حد وید و آنچه که از خو بارل می شود خاشع گردد، و مانند کسانی که در  
از اینها کتاب داده شده باشد که چون زمانی طولانی بر آنها گذشت  
قلب هایشان را قساوت گرفت، و بسیاری از آنها فاسد هستند.

﴿أَلَمْ يَأْتِ لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾ یعنی آیا وقت آن نرسیده که ایمان آورندگان  
ظاهری دعوت حق را اجابت کنند.

﴿أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ﴾ یعنی قلبهایشان ترسان شود

﴿لِيَذْكُرَ اللَّهُ﴾ در برابر ذکر الهی.<sup>۱</sup>

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ  
نُزِّلَ بِهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۲۲)

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَبِرٍ  
فَخُورٍ (۲۳)

۲۲ - هیچ رنج و مصیبتی در زمین و نه در وجود شما بوجود نمی آید مگر  
آنکه قبل از اینکه زمین را بیاوریم همه (در لوح محفوظ) ثبت شده است،  
همانا که آن هر خداوند آسان است

۲۳ - این بدین خاطر است که نسبت به آنچه که از دست داده اید ساسف  
نخورید، و نسبت به آنچه که به شما داده شده خوشحال مباشید، و خادوبند  
هیچ متکبر خودستایی را دوست نمی دارد.

حسن بن عباس بن حریش گوید امام جواد علیه السلام درباره آیه ﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا  
عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ﴾ فرمودند که امام صادق علیه السلام فرمودند: مردی از پدرم درباره

همین آیه سوال کرد که فرمود: نازل شده دربارهٔ... که به زودی می آید<sup>۱</sup>

عبد الرحمن بن کثیر روایت می کند که امام صادق علیه السلام دربارهٔ آیه  
 ﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِی الْأَرْضِ وَلَا فِی أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِی كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ  
 نُنَزِّلَهَا﴾ فرمودند: خداوند راست فرمود و رسولش نیز آن را رساند، کتاب خدا  
 در آسمان علم خدا به آن است و کتاب خدا در زمین علوم ما در شب قدر و غیر  
 آن می باشد.<sup>۲</sup>

امام جواد علیه السلام دربارهٔ آیه ﴿لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ﴾ فرمودند: که امام  
 صادق علیه السلام فرمود: مردی از پدرم از معنای این آیه سوال کرد که حضرت  
 فرمود: این آیه دربارهٔ رریق و اصحاب او می باشد که یکی از این دو مقدم  
 است و یکی مؤخر ﴿لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ﴾ چسبیده است که  
 اختصاص به علی بن ابی طالب علیه السلام دارد ﴿وَلَا تَقْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾ یعنی از  
 فتنه ای که بعد از رسول خدا برای اهل بیت علیهم السلام اتفاق می افتد خوشحال  
 نگردید. آن مرد گفت: شهادت می دهم که شما اهل بیت صاحبان حکم و  
 موالیان هستید که هیچ خلافتی در آن نیست، سپس آن مرد بلند شد و رفت و  
 کسی او را ندید.<sup>۳</sup>

۱ صاحب تفسیر نورالثقلین این حدیث را از تفسیر قمی اینطور نقل می کند: قال أبو  
 حمزة علیه السلام لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ قال قال أبو عبد الله علیه السلام سأل رجل أبا عبد الله علیه السلام عن ذلك  
 فقال بولت فی ابی بکر و أصحابه، واحدة مقدمه، و واحدة مؤخره، لا تأسوا علی ما فاتکم مع  
 حصصه به علی بن ابی طالب علیه السلام و لا تقرحوا بما آتاکم من الفتنه التي عرصت بکم بعد رسول  
 الله صلی الله علیه و آله، فقال الرجل اشهد انکم أصحاب الحکم الذي لا خلاف فيه، ثم قال الرجل فذهب وسم  
 أرمه. تفسیر نور الثقلين، ج ۵ ص ۲۴۸.

۲ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۲۳ و ج ۹۴، ص ۱۳، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۱۹، نور الثقلین،  
 ج ۵ ص ۲۴۸، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۵۷

۳ کافی، ج ۱، ص ۲۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۲۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۱۹  
 نور الثقلین، ج ۵ ص ۲۴۸، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۵۷

### گفتگوی بین یزید و علی بن الحسین (ع)

﴿مَا أَضَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ...﴾

امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که سر مبارک حسین بن علی (ع) را نزد یزید بن معاویه لعنه الله آوردند علی بن الحسین و دختران امیر المؤمنین (ع) را نیز وارد بارگاه یزید نمودند و دست و کتف علی بن الحسین در این هنگام به غل و زنجیر بسته شده بود. یزید بعنوان شماتت به علی بن الحسین رو کرد و گفت: ای علی بن الحسین شکر و سپاس مر خدائی را که پدر ترا بقتل رسانید.

زین العابدین در پاسخ او فرمود: لعنت خدا بر کسی باد که پدرم را کشت یزید از جواب علی بن الحسین در خشم شد دستور داد گردن او را ببرند، علی بن الحسین فرمود: ای یزید اگر تو مرا بکشی چه کسی این دختران رسول خدا را به منازل ایشان در مدینه خواهد رسانید در حالتی که آنان سرپرست و محرمی جز من ندارند.

در اینجا خشم یزید فرو نشست و گفت: ای علی بن الحسین جز تو دیگری آنان را به منازل خویش نخواهد رسانید سپس دستور داد سوهانی حاضر کردند و خود با دست خویش به وسیله سوهان زنجیر کردن علی بن الحسین را برید و از گردن او بیرون آورد، سپس گفت: ای علی بن الحسین آیا می دانی چرا زنجیر را از گردن تو باز کردم؟

فرمود: بلی، خواستی بدینوسیله منتی بر ما گذاشته باشی.

یزید گفت: آری بخدا قسم جز این قصد دیگری نداشتم سپس این آیه را خواند ﴿وَمَا أَضَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ﴾<sup>۱</sup> یعنی آنچه رنج و

مصیبت بشما رسید بر اثر اعمالی است که انجام داده‌اید.

علی بن الحسین فرمود: ای یزید این آیه درباره ما نازل نشده است بلکه این آیه ﴿ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ - تَا - لَا تَفْرَحُوا بِهَا آتَاكُمْ ﴾ درباره ما نازل شده است و فرمود: زیرا ما از آن کسانی هستیم که اگر چیزی از ما در این دنیا هت شده و از دست برود دلتنگ و آزرده خاطر نمی‌شویم و نیز اگر اقبال و خوبی بما برسد به خاطر آن شاد و مغرور نمی‌گردیم.<sup>۱</sup>

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ نَاسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (۲۵)

۲۵ - به تحقیق ما رسولانی را با دلالتی روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان مازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند، و آهن را نازل کردیم که در آن قدرتی قوی و منافع برای مردم است، تا خداوند بداند که چه کسی او و رسولش را یاری می‌کند، بدون آنکه او را ببینند، همانا خداوند قوی و عزیز است

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ﴾ فرمود: مراد از ﴿المیزان﴾ امام علی است.<sup>۲</sup>

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرُسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيُخَفِّلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيُغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ (۲۸)

۱ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۶۸، نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۴۷، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۵۷

۲ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۲۹، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۶۳، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۲۰

لَنَلَّا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ إِلَّا يَتَّقِدُونَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ أَنَّ الْفَضْلَ مِنَ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۹)

۲۸- ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خداوند بهره‌مند و به رسولش سماع بیاورید تا خداوند دو بهره از رحمتش به شما عایت کند و برای شما بوری قرر دهد که به وسیله آن راه بروید و گناهانتان را بپارزد و خداوند آمرزنده و مهربان است.

۲۹- تا اهل کتاب بدانند که چیزی از فضل خداوند را قادر نیستند و همانا فضل به دست خداوند است که به هر کسی که بخواهد می‌دهد و خداوند دارای فضل بزرگ است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ﴾<sup>۱</sup> فرمود: دو بهره از رحمت الهی می‌برند یکی اینکه خداوند آنها را داخل آتش جهنم نمی‌کند و دیگر اینکه آنها را وارد در بهشت می‌کند.

﴿وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ﴾ یعنی ایمان.

سماعة بن مهران گوید امام صادق علیه السلام در معنای آیه ﴿يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ﴾ فرمود: امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و ﴿وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ﴾ فرمود: امامی که به آن اقتداء می‌کنید و از او پیروی می‌نمائید.

﴿لَنَلَّا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ إِلَّا يَتَّقِدُونَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ أَنَّ الْفَضْلَ مِنَ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ تا اهل کتاب بدانند که چیزی از فضل خداوند را قادر نیستند و همانا فضل به دست خداوند است که به هر کسی که بخواهد می‌دهد و خداوند دارای فضل بزرگ است.

۱- بوبل الاباب الطاهره، ص ۶۴۲، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۰۹؛ سور الشعی، ج ۵ ص ۲۵۲؛ بحرالانوار، ج ۹، ص ۲۲۲ و ج ۲۳، ص ۳۱۹؛ کافی، ج ۱، ص ۴۳۰؛ تفسیر صافی ج ۷، ص ۱۲۳؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۶۵

# تفسیر سورة مجادله

۵۸ - سورة مجادله در

مدینه نازل شده و دارای ۲۲

آیه است.





## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الْتَّبِ تَجَادَلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوَزَ كَمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (۱)

الَّذِينَ يَظَاهِرُونَ مِنكُم مِّن بَنَاتِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنَّ أُمَّهَاتَهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُكْرَماً مِنَ الْقَوْلِ وَزُوراً وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ عَقُورٌ (۲)  
وَالَّذِينَ يَظَاهِرُونَ مِن بَنَاتِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِن قَبْلِ أَنْ يَتَمَآشَا ذَلِكَم تَوْعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۳)

فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِن قَبْلِ أَنْ يَتَمَآشَا فَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِيْنًا ذَلِكَ لِيُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَبِأَنَّكَ خَدُودُ النَّبِ وَبِالْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۴)

۱- به تحقیق خداوند سخن رمی را که درباره شوهرش به تو مراجعه کرده و به خداوند شکایت می‌کرد را شنید، و خداوند گفتگوهای شما دو سر را می‌شنید، همانا که خداوند شنوا و بیناست

۲ کسانی از شما که با راناشان اظهار می‌کنند (می‌گویند) هست تو به من مانند مادرم به من است، آنها مادر حقیقی شوهران نیستند، مادران حقیقی آنها همان‌هایی هستند که آنها را به دنیا آوردند، همانا که آنها سبحان

شت و ناظر می‌گویند، و همانا که خداوند بخشنده و مهربان است.

۳- و کسانی که نارمان خود اظهار می‌کنند و بعد از گفته خود - می‌گردند... قبل از اینکه با آنها تماس بگیرند بردهای را آزاد کنند. این کلامی است که به آن بد و اندر داده می‌شود، و خداوند بدانچه که احسان می‌دهد، نگاه است.

۴- پس کسی که بردهای نیافت قبل از تماس (با همسرش) دو ماه بی دربی روزه بگیرد، و کسی که استطاعت آن را هم ندارد پس شصت مسکین ر طعام دهد، این (حکم کفاره) برای آن است که به خداوند و رسولش ایمان بیاورید، که این حدود الهی است، و برای کافران عذابی دردناک است.

﴿قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَخَاوُزَ كُلِّ شَيْءٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ﴾

سبب نزول سوره به خاطر اول طهاری بود که در اسلام اتفاق افتاد و علتش این بود که مردی به نام اوس بن صامت از انصار که پیرمردی بود، روزی از زنش عصبانی شد و به او گفت: تو به من مانند پشت مادرم هستی، پس از مدتی اوس از گفته خود پشیمان شد. در زمان جاهلیت هرگاه کسی این جمله را به همسرش می‌گفت تا آخر بر او حرام می‌شد، اوس به همسرش گفت، ای خوله مادر زمان جاهلیت با این جمله به هم حرام می‌شدیم، حال که خداوند اسلام را برای ما آورده به نزد رسول خدا ﷺ برو و در این باره از آن حضرت سوال کن. خوله نزد رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ که پدر و مادرم فدای تو باد، اوس بن صامت شوهرم و پدر بچه‌هایم و پسر عمویم است که به من گفت: که تو به من مانند پشت مادرم به من هستی و مادر زمان جاهلیت با این جمله به هم دیگر حرام می‌شدیم و حال خداوند به

وسيلة شما اسلام را برای ما فرستاد، حکم چیست؟<sup>۱</sup>

### اولین ظاهر در اسلام

حمران روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام فرمود: زنی از مسلمانان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت و عرضه داشت: یا رسول الله! فلانی همسر من است که عمری رحم خود را در اختیارش گذاشتم، و در امور دنیا و آخرت یاریش کردم، و هیچ نامالیمی از من ندیده، می‌خواهم از او شکایت کنم.

فرمود: از چه شکایت کنی؟

عرضه داشت: به من گفته تو بر من حرامی، همان طور که پشت مادرم حرام است، و مرا از خانه‌ام بیرون کرده، حال در کار من چاره‌ای بیندیش. حضرت فرمود: خدای تعالی درباره این مساله آیه‌ای نازل نفرموده تا طبق آن میان تو و شوهرت حکم کنم، و من نمی‌خواهم از کسانی باشم که پاسخ روشن نمی‌دهند. زن شروع کرد به گریه کردن، و شکوه نمودن به درگاه خدای عز و جل، و از نزد رسول خدا بیرون رفت.

راوی می‌گوید: خدای تعالی گفتگوی او با رسول خدا صلی الله علیه و آله و شکایتش در امر شوهرش را شنید، و این آیات را نازل کرد: «يَسْمِ اللّٰهُ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ قَدْ سَمِعَ اللّٰهُ قَوْلَ النِّبِيِّ تَجَادَلْكَ فِي زَوْجِهَا - تَا - وَ اِنَّ اللّٰهَ لَعَمُوٌّ غَفُوْرٌ»

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی را به دنبال آن زن فرستاد، و به وی فرمود، برو شوهرت را بیاور، زن شوهرش را آورد. حضرت به او فرمود: آیا تو به همسرت گفته‌ای که تو بر من حرام هستی مانند پشت مادرم؟

۱ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۷۱ و ج ۱۰۱، ص ۱۶۵؛ تفسیر مرقا، ج ۷، ص ۴۷۰ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۲۹

عرض کرد: بله آن را گفته‌ام.

رسول خدا ﷺ به او فرمود خدای تعالی درباره کار تو و همسرت، قرآنی (آیاتی) نازل کرده، و آیات را برایش خواند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا - تَا - إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ». بنابراین همسرت را به خانه ببر، زیرا تو سخنی منکر و نامشروع گفته‌ای، و خدا از جرمت گذشت، و دیگر چنین کاری را تکرار مکن.

راوی می‌گوید: مرد برگشت، در حالی که از آنچه به همسرش گفته بود پشیمان بود، و خدای تعالی برای اینکه مؤمنین دچار چنین ندامتی نشوند، این آیه را فرستاد: «الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا» کسانی که همسر خود راظهار می‌کنند، و پشیمان می‌شوند یعنی آن مرد که به ریش گفت تو بر من همچون پشت مادرم حرام هستی، و بعد از آنکه این مرد چنین کرد و خدا او را عفو فرمود، اگر کسی چنین کند، بر او واجب می‌شود قبل از هم خوابگی با همسرش برده‌ای آزاد کند «ذَلِكَ لَكُمْ تُوعِظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ و اگر کسی نمی‌تواند برده آزاد کند، قبل از تماس دو ماه پی در پی روزه بگیرد، «فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَمُ سِتِّينَ مِسْكِينًا» و کسی که استطاعت این را هم ندارد شصت مسکین را طعام دهد. آن گاه فرمود: خدای تعالی عقوبت کسی را که بعد از این نهی اظهار کند این قرار داده و فرموده: «ذَلِكَ لِيُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَبِالَّذِي خَدَّوْهُ اللَّهُ» یعنی این است حدظهار.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام فرمود: اظهار بر اثر سوگند، و برای زیان رساندن (اضرار)، و در حال خشم واقع نمی‌شود، و جز در زمان پاکیزگی زن بدون هم‌آغوشی و

بیز گواهی دو گواه مسلمان صورت نمی گیرد.<sup>۱</sup>

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۷)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَهَوْنَا النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نَهَوْا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَاؤُكَ حَبَّوكَ يَمْلِكُ بِمَا لَمْ يَحِيطْ بِكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصَلُّونَهَا فَيَنْتَسِلُونَ الْمَصِيرَ (۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۹)  
إِنَّمَا السُّخْرَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئاً إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۰)

۷- آیا می دانی که خداوند آنچه در آسمان ها و زمین است را می داند، هیچ سه نفری با همدیگر نجوا نمی کنند مگر آنکه چهارمین آنها خداوند است، و پنج نفری با هم نجوا نمی کنند مگر آنکه ششمین آنها خداوند است، و هیچ تعداد کمتر از اینها یا بیشتر از اینها نیست مگر آنکه خداوند را بهاست هر کجا که باشد، سپس روز قیامت آنها را به آنچه که انجام داده اند نگاه می کند، همانا که خداوند به همه چیز داناست

۸- آیا ندیدی کسانی را که از نجوا کردن نهی شده بودند سپس از آنچه که

بھی شدہ بودند بہ آن برگشتند و برای گناہ و دشمنی و نافرمانی رسول با ہم  
 بہ نجوا می‌پردارند و چون بہ بردن تو می‌آیند سختی بہ تو می‌گویند کہ  
 خداوند تو را با آن تحیت نگفتہ است و در دل می‌گویند: چرا خداوند ما  
 بہ آنچه کہ می‌گوئیم عذاب نمی‌کند؟ ۹- ہنم برای آنها کفایت می‌کند و ر-  
 آن می‌شوند، پس چہ جایگاہ ندی است

۹- ای کسانی کہ ایمان آوردہ‌اند، هنگامی کہ بہ نجوا پرداختید دربارہ گناہ و  
 دشمنی و نافرمانی رسول نجوا نکنید بلکہ دربارہ یکی و پرهیزگاری نجوا  
 کنید، و از خداوندی پرهیزید کہ بہ سوی او محسور می‌شوید.  
 ۱۰- همانا کہ نجوا از شیطان است کہ می‌خواہد بہ وسیلہ آن مومنان را  
 اندوہگین کند، ولی نمی‌تواند ضرری بہ آنها بزند مگر بہ اذن الہی، پس  
 مومنین فقط بر خداوند توکل می‌کنند.

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَىٰ ثُمَّ يَقُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ﴾ فرمود  
 اصحاب رسول خدا ﷺ بہ نزد آن حضرت می‌آمدند و از آن حضرت سوال  
 می‌کردند کہ از خداوند سوال نماید، و گاهی از مسالہ‌ای سوال می‌کردند کہ  
 برای آنها حلال و جائز نبود، پس خداوند این آیہ را بارل فرمود: ﴿وَيَتَنَاجَوْنَ  
 بِالْأَيْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ﴾ و برای گناہ و دشمنی و نافرمانی رسول  
 با ہم بہ نجوا می‌پردازند.

و ہر وقت نزد پیامبر ﷺ می‌آمدند می‌گفتند: «أَنعَم صَبَاحًا وَأَنعَم مَسَاءً» کہ  
 این تحیت اہل جاہلیت پس خداوند این آیہ را بارل فرمود: ﴿وَإِذَا جَاؤُكَ  
 حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يَحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ﴾ کہ رسول خدا ﷺ بہ آنها فرمود: بہ تحقیق  
 خداوند تحیتی بہتر از آن را کہ تحیت اہل بہشت «السلام علیکم» را بہ ما  
 عنایت فرمودہ است سپس خداوند عز و جل فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا

تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَخْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَ  
 اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿۱﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که به  
 سجوا پرداختید درباره گناه و دشمنی و نافرمانی رسول نجوا نکنید بلکه  
 درباره نیکی و پرهیزگاری نجوا کنید، و از خداوندی بپرهیزید که به سوی  
 محشور می‌شوید.<sup>۱</sup>

### تعویذی جهت خواب بد دیدن

﴿إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ  
 اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾

ابو بصیر روایت می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمودند: سبب نزول آیه این  
 بود که حضرت فاطمه علیها السلام در خواب دید که رسول خدا صلی الله علیه و آله قصد دارد، پ  
 فاطمه، علی، حسن و حسین علیهم السلام از مدینه خارج شوند، پس بیرون آمدند و از  
 دیوارهای مدینه گذشته و به دوراهی رسیدند که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دست  
 راست رفتند تا به جایی رسید که در آنجا درخت خرما و آب بود.

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله گوسفندی را خرید که در یکی از دو گوشش نقطه‌های  
 سفیدی بود و دستور ذبح آن را داد، وقتی آن را خوردند در همانجا از دنیا  
 رفتند.

فاطمه علیها السلام در حالی که گریه می‌کرد و ناراحت بود بیدار شد و این خواب را  
 به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت، صبح که شد رسول خدا صلی الله علیه و آله با الاغی آمد و  
 فاطمه علیها السلام را بر آن سوار نمود و دستور داد که امیر المؤمنین، حسن و  
 حسین علیهم السلام از مدینه بیرون روند همان طور که فاطمه علیها السلام در خواب دیده

بود، وقتی دیوارهای مدینه را پشت سر گذاشتند به یک دو راهی رسیدند، رسول خدا ﷺ از طرف راست حرکت کرد همان طور که فاطمه علیها السلام در خواب دیده بود تا رسیدند به جایی که در آنجا نخل و آب بود، رسول خدا ﷺ گوسفندی را با همان اوصافی که فاطمه علیها السلام در خواب دیده بود خرید و دستور ذبح آن را داد، بعد از ذبح آن را بریان نمودند.

تا خواستند از گوشت آن بخورند فاطمه علیها السلام بلند شد و از آنان دور شد در حالی که گریه می کرد و می ترسید که آنان از دنیا بروند.

رسول خدا ﷺ فاطمه علیها السلام را خواست و با گریه او روبرو شد و فرمود: دخترم چه شده که گریه می کنی؟

فاطمه عرض کرد: یا رسول الله ﷺ دیشب در خواب چنین و چنان دیدم. رفتار شما همان طور بود که من در خواب دیده بودم و لذا از شما دور شدم تا مرگ شماها را نبینم.

پس رسول خدا ﷺ بلند شد و دو رکعت نماز خواند، سپس با پروردگارش مناجات نمود و جبرئیل بر او نازل شد، گفت: یا محمد ﷺ کسی که به فاطمه علیها السلام این خواب را پیش آورده شیطان است که به او «زها» گفته می شود و مؤمنین را در خوابشان اذیت می کند و چیزهایی به آنان نشان می دهد که موجب اندوهشان می گردد.

پس رسول خدا ﷺ به جبرئیل امر نمود که آن شیطان را بیاورد، وقتی که شیطان خدمت رسول خدا ﷺ رسید، رسول خدا ﷺ به او فرمود: تو این خواب را برای فاطمه علیها السلام پیش آوردی؟

شیطان گفت: بلی یا محمد ﷺ

پس رسول خدا ﷺ سه مرتبه در سه جابراو تف کرد و آب دهان انداخت



سپس جبرئیل به محمد ﷺ عرض کرد: ای محمد ﷺ هرگاه تو یا هر یک از مؤمنین در خواب چیز ناخوشایندی را دید بگوید: «أَعُوذُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ الْمُرْسَلُونَ وَ عِبَادَهُ الصَّالِحُونَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتَ مِنْ رُؤْيَايَ» و سورة حمد و معوذتین و قل هو الله احد را بخواند و سه مرتبه آب دهان به طرف چپ بیاندازد. دیگر آنچه که در خواب دیده به او ضرری نمی‌رساند.

پس خدای تعالی بر رسولش این آیه را نازل نمود ﴿إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ...﴾<sup>۱</sup>

سلیمان بن خالد گوید از امام باقر علیه السلام درباره معنای آیه ﴿إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ﴾ سوال کردم، فرمود: فلانی است.

﴿مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَافِعُهُمْ﴾ فلانی و فلانی و فرزند فلانی که امین مردم بودند جمع شده و وارد کعبه شدند و بین خودشان کاغذی نوشتند که اگر محمد مُرد هرگز نگذارند که خلافت به بنی هاشم برگردد.<sup>۲</sup>

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانْشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۱)

۱۱- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که به شما گفته شود در مجالس به دیگران جای دهید، جای دهید، که خداوند سیر (در بهشت) جایتان را وسعت می‌بخشد؛ و هنگامی که گفته شود بر حیرید، پس

۱ بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۹۰ و ج ۵۸، ص ۱۸۷ و ج ۷۳، ص ۱۹۸؛ سور التفلین، ج ۵، ص ۲۶۱؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۲۵

۲ بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۲۹ و ج ۲۸، ص ۸۵؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۷۵

محریرید، که خداوند کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علوم و دانش داده شده را در حجاب رفیع می‌دهد، و خداوند بدانچه که «حجاء می‌دهید آگاه است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ» فرمود: هر وقت رسول خدا ﷺ وارد مسجد می‌شد مردم برای آن حضرت بلند می‌شدند، پس خداوند آنها را از بلند شدن نهی کرده و فرمود: «تفاسحوا» در مجلس به آن حضرت حاضری دهید «وَ إِذَا قِيلَ انشُزُوا فَانْشُزُوا» یعنی هنگامی که به شما گفت برخیزید پس از جایتان برخیزید.<sup>۱</sup>

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاحَيْتُمُ الرُّسُولَ فَقَدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَحْوِكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَظْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ رَحِيمٌ (۱۲)  
أَسْأَلُكُمْ أَنْ تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَحْوِكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ تَأْتِ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقْبِمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۳)

۱۲- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که می‌خواهید رسول خدا را بخوابانید قبل از آن صدقه‌ای بدهید، که آن برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است، و اگر چیزی (برای صدقه دادن) نیافتید که خداوند آمرزیده و مهربان است.  
۱۳- آیا بر می‌سازید از اینکه قبل از نحوه صدقه دهید فقیر شوید و با خودداری کردید؟ پس حال که این کار را نکردید و خداوند توبه شما را پذیرفت پس نماز به پا دارید و زکات بپردازید و از خداوند و رسولش اطاعت کنید، که خداوند بدانچه که انجام می‌دهید آگاه است.

## آیه‌ای که جز علی (علیه السلام) کسی دیگر به آن عمل نکرد

\* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ \*  
 هنگامی که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درخواستی داشتید همان هنگام صدقه بدهید  
 که حاجتتان برآورده می‌شود، کسی جز امیرالمومنین علی (علیه السلام) به آن عمل  
 نکرد که آن حضرت یک دینار صدقه می‌داد و ده سخن یا رسول خدا (صلی الله علیه و آله)  
 گفتگو می‌کرد.<sup>۱</sup>

ابو بصیر روایت می‌کند که از امام صادق (علیه السلام) درباره معنای آیه \* إِذَا  
 نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ \* سوال کردم، فرمود: علی بن  
 اسی طالب (علیه السلام) در هنگام سخن گفتن با پیامبر (صلی الله علیه و آله) صدقه می‌داد سپس خداوند  
 آن را با این آیه ﴿أَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ﴾ منسوخ نمود.<sup>۲</sup>  
 مجاهد گوید حضرت علی (علیه السلام) فرمود: همانا در قرآن آیه‌ای است که کسی  
 قبل از من به آن عمل نکرد و بعد از من نیز کسی به آن عمل نمی‌کند و آن آیه  
 نجوی است، یک دینار داشتم و آن را به ده درهم خرد نمودم، و هر سخنی که  
 با پیامبر می‌نمودم یک درهم صدقه می‌دادم. که خداوند آن را با آیه ﴿أَأَشْفَقْتُمْ  
 أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا  
 الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ منسوخ  
 نمود.<sup>۳</sup>

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا عَصَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ بِمُسْكَمٍ وَلَا مِثْنَهُمْ وَ  
 يَخْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ (۱۴)

۱ نورالتقلید، ج ۵، ص ۲۶۵؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۲۸

۲ بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۳۷۸؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۸۳؛ نورالتقلید، ج ۵، ص ۲۶۵

تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۲۸

۳ بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۲۹ و ج ۳۵، ص ۳۷۸؛ نورالتقلید، ج ۵، ص ۲۶۵؛ تفسیر برهان  
 ج ۷، ص ۲۸۳

أَعِدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَاباً شَدِيداً إِنَّهُمْ شَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۵)  
 اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (۱۶)  
 لَنْ تَغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَزْوَاجُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ  
 فِيهَا خَالِدُونَ (۱۷)  
 يَوْمَ يَنْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعاً فَيُخَلِّفُونَ لَهُ كَمَا يَخْلِفُونَ لَكُمْ وَيَخْشَوْنَ أَنَّهُمْ عَلَى  
 شَيْءٍ أَلَا يَتَّبِعُهُمُ الْكَاذِبُونَ (۱۸)

۱۴- آیا بلیدی کسانی را که با قومی دوست شدید که مورد عصب حداد بود  
 بودند؟ که آنها به ما شما بودند و نه از آنها، و سوگند دروغ می خورید در  
 حالی که می دانند (دروغ است).

۱۵- خداوند برای آنها عذاب شدیدی آماده کرده است، چرا که آنها اعدای  
 بدی انجام می دادند.

۱۶- آنها سوگندهای خود را سببی قرار دادند، و مردم را از راه خدا سار  
 داشتند، پس برای آنها عذاب شدیدی قرار داده است.

۱۷- و هرگز اموال و فرزندان آنها را از عذاب خداوند نمی رهند، آنها  
 اهل آتش جهنم هستند، و در آنجا همیشگی خواهند بود.

۱۸- روزی که خداوند همه آنها را سر می انگیزد، پس آنها برای خداوند هم  
 سوگند (دروغ) می خورند همچنانکه برای شما یاد می کند، گمار می کند  
 که برای آنها آتری خواهد داشت، آگاه باشید که آنها دروغگویان هستند.

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾ فرمود: این آیه درباره  
 دومی نازل شده است رسول خدا بر او گذشت دید نزد مرد یهودی نشسته و  
 خبر پیامبر ﷺ را می نویسد پس خداوند نازل فرمود: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ  
 تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ﴾ پس حضور پیغمبر ﷺ

آمد آن حضرت به او فرمود: چه چیز از یهودیها می نوشتی و حال آنکه خداوند شما را از نوشتن آن نهی فرموده است؟

گفت: ای رسول خدا اوصاف شما را از روی تورات آنها می نوشتم و آن را برای پیامبر ﷺ خواند که پیغمبر در خشم و غضب شد.

مردی از اصحاب به او گفت: وای بر تو آیا نمی بینی که پیامبر ﷺ از تو خشمگین است؟

گفت: من از غضب خداوند و رسولش به خداوند پناه می برم من اوصاف تو را آنچه در تورات دیده ام نوشته ام.

پیغمبر به او فرمود: اگر موسی بن عمران میان آنها بود و نزد ایشان می رفتی برای آن چیزیکه میل داری همانا تو کافر بودی<sup>۱</sup> و آن قول خداوند است که فرمود: ﴿اتَّخَذُوا اِيْمَانَهُمْ جُنَّةً﴾ یعنی ایمانشان پرده ای در میان آنها و کفار است و ایمان آوردن آنها اقرار زبانی و به خاطر ترس از شمشیر و ندادن جزیه است.<sup>۲</sup>

و فرمود: ﴿يَوْمَ يَنْعَثُهُمُ اللّٰهُ جَمِيعًا فَيَخْلِفُوْنَ لَهُ كَمَا يَخْلِفُوْنَ لَكُمْ﴾ یعنی هنگامی که روز قیامت شود خداوند آنها را که حق آل محمد ﷺ را غضب نموده اند را جمع می کند و اعمال آنها را به ایشان عرضه می دارد، آنها سوگند می خورند این کارها را انجام نداده اند، همچنانکه در دنیا قسم خورده بودند که بگذارند ولایت به بنی هاشم برسد و بعد برای رسول خدا ﷺ به دروغ سوگند خوردند که آن را نگفته اند، و در عقبه تصمیم گرفتند که پیغمبر اکرم ﷺ را بقتل برسانند وقتی خداوند خبر داد و رسولش را از تصمیم و

۱ بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۴۲

۲ بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۱۵۹

عهد بستن ایشان آگاه گردانید، حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آمدند سه دروغ سوگند یاد کردند که ما چنین تصمیمی نداشتیم و عهد و پیمانی ببستیم از وقت این آیه را نازل فرمود: ﴿يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَيُنْبِتُوا لَكُ خَيْرًا لَّهُمْ﴾ (مناقصان) به خدا سوگند می‌خورند که (سخنانی نادرست) نگفته‌اند، و به تحقیق سخنانی کفرآمیز گفته‌اند و بعد از اسلام آوردن کافر شدند، و تصمیم گرفتند ولی دست بدان نیافتند، آنها در پی انتقام هستند که خداوند و رسولش آنها را از فضل خود بی‌نیاز ساختند، اگر توبه کنند برای آنها بهتر است.<sup>۱</sup>

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۲۲)

۲۲- هیچ قومی را نمی‌یابید که به خداوند و روز رستاخیز ایمان آورده باشد و با دشمنان خداوند و رسولش دوستی کرده باشد، هر چند که (از دشمنان) پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشان آنها باشند اینها کسانی هستند که خداوند بر دلهایشان ایمان را بوشه و با روحی از جانب خود در آنها را تقویت نموده است، و آنها را به نافع‌های بهشتی وارد می‌کند که در رحمتش بهر حال جاری است و در آن همیشگی خواهد بود، خداوند از

۱- تفسیر نرمان، ج ۷، ص ۴۸۵، نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۶۶، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۱

آنها حشود است، و آنها سیراز خداوند حشود می باشد، آنها حزب الهی

هستند، آگاه باشید که حزب الله رستگاران هستند

﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ - تَأ - أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ ....﴾ یعنی هر کس

به خداوند و روز آخرت ایمان دارد کسی را که از خداوند و رسولش روی بر

گردانده یا او دوستی و برادری نکند، تا اینکه فرمود: ﴿أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ

الْإِيمَانَ﴾ که آنها ائمه علیهم السلام هستند.

﴿وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ﴾ فرمود: روح فرشته ای بزرگتر از جبرئیل و میکائیل

بود که با رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و یا ائمه علیهم السلام نیز می باشد.<sup>۱</sup>

﴿أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ﴾ یعنی ائمه علیهم السلام یاوران خدا هستند.

﴿أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ آگاه باشید که حزب الله رستگاران

هستند.<sup>۲</sup>

۱ عورت الثقلین، ج ۵، ص ۲۷۰: تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۸۸

۲ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۹۰

از تفتیک به بزرگده و سدی



# تفسیر سورة حشر

۵۹ - سورة حشر در مدینه

نازل شده و دارای ۲۴ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (١)  
هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا  
ظَنُّوا أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ  
حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْتَ يُخِرُّونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ  
وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (٢)

وَلَوْ لَا أَنْ كُنْتَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبْتَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ  
النَّارِ (٣)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (٤)  
مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِيْنَةٍ أَوْ نَزَعْتُمْهَا فَأِنَّهُمْ عَلَىٰ أَصُولِهَا قِيَادِنَ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ  
الْفَاسِقِينَ (٥)

وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَا كُنْ  
اللَّهُ يَسْلُطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٦)

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَاللِّرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ  
وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمْ  
الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (٧)

لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَسْعَوْنَ فِصْلًا مِنَ  
اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصَرُّونَ لِلَّهِ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (۸)

وَالَّذِينَ تَتَوَّأ الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قُلُوبِهِمْ يُخْشَوْنَ مِنْ هَاجِرِ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ  
فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ  
خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوْثِ شَحْ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (۹)

وَالَّذِينَ حَافُوا مِنْ نَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا  
بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ (۱۰)  
أَلَمْ تَرِ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ نَئِنْ  
أُخْرِجْتُمْ لِنُخْرِجَنَّهُمْ مَعَكُمْ وَلَا نَطِيعُ بِكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ  
وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۱۱)

ثَلَاثَ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ  
لَيُقْبَلُنَّ الْأُذْيَارُ ثُمَّ لَا يَنْصُرُونَ (۱۲)

۱- آنچه که در آسمانها و زمین است همه تسبیح خداوند را می‌گویند، که و  
عزیز و حکیم است

۲- اوست کسی که کافران از اهل کتاب را برای محشیش باز در خانه‌هایشان  
بیرون راند، و هرگز شما گمان نمی‌کردید که آنها از دیارشان بیرون روند، و  
آنها نیز می‌پنداشتند که حصارهای محکمشان آنها را از عذاب الهی مصون  
می‌گردد، اما خداوند از آنجایی که گمان نمی‌کردند آمد، و در دل‌هایشان  
ترس و وحشت فرا گرفت، به طوری که خانه‌هایشان را با دست خودشان و  
دست مومنین حراب کردند، پس ای اهل مصیرت عرب بگریید

۳- و اگر خداوند برای آنها ترک وطن را مقرر نمروده بود در همین دنیا  
عذابشان می‌کرد، و برای آنها در آخرت عذاب آتش جهنم است.

۴- این همه گرفتاری به خاطر آن است که آنها با خدا و رسولش دشمنی کردند، و هر کس با خداوند دشمنی کند همانا که خداوند عقابش سخت و شدید است

۵- آنچه از درختان حرام را قطع کردند و یا آنها را سالم نگه داشتید همه به فرمان خداوند بود تا فلسفین خوار و رسوا شوند.

۶- و آنچه خداوند از آنها (عنائم) به رسول خود باز گردانده از آن چیزهایی است که نه شما برای بدست آوردنش اسبی ناخته‌اید و نه شتری را، و لکن خداوند رسولش را بر هر کسی که بخواهد مسلط می‌گرداند، و خداوند بر هر چیزی تواناست.

۷- آنچه را که خداوند از اموال اهل این سرزمین‌ها به رسول خودش بازگرداند پس از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا این (اموال) به دست ثروتمندان شما نرسد، و آنچه که رسول برای شما آورده را نگیرید و از آنچه که شما را بهی کرده خودداری نمائید، و از خداوند بپرهیزید، همانا که خداوند عقابش سخت و شدید است.

۸- این اموال برای فقراء مهاجرینی است که از سرزمین و اموال خودشان رانده شدند به خاطر آنکه فصل و رضایت الهی را بدست بیاورند، و خدا و رسولش را یاری کند، اینها همان راستگویان هستند

۹- و نیز برای کسانی است که در این سرزمین (مدینه) و خانه اعیان قبل از آنها (مهاجران) مسکن گریه‌ند و کسانی که به سوی‌شان هجرت می‌کند را دوست می‌دارند، و در دل خودشان هیچ حاجتی (کیه و حسدی) نیست به آنچه (از عنائم) به مهاجرین داده می‌شود نمی‌یابند هر چند که آن

سازمند باشند، و هر کسی که خودش را از حرص و بخل باز دارد همین  
اینها رستگاران هستند

۱۰- و کسانی که بعد از آنها آمده و می‌گویند پروردگار، بر ما و بر برادران  
ما که در ایمان آوردن بر ما سبقت گرفته‌اند را بیامرز، و در دلهای ما حسد را  
کبه‌ای مست به کسانی که ایمان آورده‌اند قرار ده. پروردگار که تر و خوف  
و مهربان هستی.

۱۱- آیا مدیدی که منافقین به برادران کافرشان از اهل کتاب می‌گفتند اگر  
شما را از خانه هابشان بیرون کنند ما نیز با شما بیرون می‌نیم و هر هیچ‌کس  
درباره شما بیروی می‌کیم، و اگر ما شما جنگ کند ما شما را باری  
می‌کیم، و خداوند شهادت می‌دهد که آنها دروغ می‌گویند

۱۲- اگر آنها (کفار) را بیرون کند (منافقین) با آنها بیرون می‌روند، و اگر  
(مسلمانان) با آنها (کفار) جنگ کند (منافقین) یاریشان می‌کند، و اگر هم  
یاریشان کند در میدان جنگ پشت کرده فرار می‌کند سپس کسی آنها را  
باری نمی‌کند

### کوچ دادن بنی‌نضیر از مدینه

﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ \* هُوَ الَّذِي  
أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا \*  
سبب نزول آیه این بود که در مدینه سه طایفه و دودمان از یهودیان زندگی  
می‌کردند، یکی بنی‌النضیر بود، و یکی بنی قریظه، و دیگری بنی قینقاع و این  
سه طایفه با رسول خدا ﷺ عهدی داشتند که تا مدتی مورد احترام بود، و  
بعداً یهودیان آن عهد را شکستند.

و سبب این عهدشکنی در بنی النضیر این بود که مردی از اصحاب آن جناب دو نفر را ترور کرده بود، و قرار شد که به صاحبان خون، دیه و خوبها بپردازند، رسول خدا ﷺ به میان بنی النضیر آمد تا از آنان مقداری پول برای این منظور قرض کند. در بین افراد بنی النضیر کعب بن اشرف بود که رسول خدا ﷺ بر وی وارد شد. کعب گفت: مرجبا ای ابو القاسم، خوش آمدی. و برخاست و چنین وانمود کرد که می‌خواهد طعامی درست کند، ولی در دل نقشه کشتن آن جناب را می‌ریخت، و در سر می‌پروراند که بعد از کشتن آن جناب بر سر اصحابش بتازد. در همین حال جبرئیل نازل و جریان را به آن جناب اطلاع داد. حضرت برخاست و به مدینه برگشت، و به محمد بن مسلمه انصاری فرمود: برو در قبیله بنی النضیر، و به مردم آنجا بگو که خدای عزوجل توطئه شما را به من خبر داد، یا از سرزمین ما بیرون شوید، و یا آماده جنگ باشید. آنان گفتند از بلاد تو بیرون می‌رویم.

از سوی دیگر عبد الله بن ابی شخصسی را نزد ایشان فرستاد که بیرون نروید، و هم‌چنان در محل خود بمانید، و با محمد جنگ کنید که اگر چنین کنید من با قوم خود و هم‌سوگندانم شما را یاری خواهم کرد، و اگر هم بیرون بروید من نیز با شما بیرون می‌آیم، و اگر قتال کنید با شما در قتال همدست می‌شوم. قبیله بنی النضیر چون این وعده را شنیدند دلگرم شده، تصمیم گرفتند بمانند، و به اصلاح قلعه‌ها پرداخته آماده جنگ شدند، و شخصی را نزد رسول خدا ﷺ فرستادند که ما از دیار خود بیرون نمی‌رویم، هر کاری که می‌خواهی بکن رسول خدا ﷺ برخاست و تکبیر گفت، اصحابش یک صدا تکبیر گفتند. به امیر المؤمنین فرمود: تو پیشاپیش لشکر به قبیله بنی النضیر برو امیر المؤمنین پرچم جنگ را برداشت، و به راه افتاد، و رسول

خدا ﷺ قلعه آنان را محاصره کرد، و عبد الله بن ابی به کمک آنان نیامد، و بدینسان ایشان را قریب داد.

رسول خدا ﷺ به هر یک از قلعه‌های ایشان که نزدیک می‌شد آن قلعه را حراب می‌کردند، و به قلعه بعدی منتقل می‌شدند. و با اینکه بعضی از یهودیان حابه‌های گران بها داشتند، رسول خدا ﷺ دستور داد درختان حرماي آنان را قطع کنند یهودیان به جزع در آمدند، و گفتند: ای محمد! مگر خدای تعالی تو را امر به فساد کرده، اگر این درختان از تو شد بگذار سالم از آن تو باشد، و اگر از ما است چرا قطع می‌کنی.

یهودیان وقتی چنین دیدند گفتند: ای محمد! ما حاضریم از سرزمین تو بیرون شویم، به شرطی که اموال ما را به ما بدهی حضرت فرمود: این کار را نمی‌کنم، و لیکن به شما اجازه می‌دهم از اموالتان آن مقدار را که شتران شما حمل کند یا خود ببرید. یهودیان قبول نکردند، و چند روزی هم ماندند، آن گاه گفتند می‌رویم، و به مقدار بار شتران از اموال خود می‌بریم، فرمود، نه باید بروید و هیچ چیز ما خود نبرید، هر کس از شما را ببینیم که با خود چیزی می‌برد او را خواهیم کشت.

یهودیان از قلعه‌های خود بیرون شده، جمعی از ایشان به فدک، و جمعی به وادی القری، و گروهی به شام رفتند در این باره بود که آیات زیر بارل شد:

﴿هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا - تَا - فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾

و در باره اعتراضی که یهودیان به آن جناب در مورد قطع درختان خرما کرده بودند، فرمود: ﴿مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَى أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ



اللَّهِ وَلِيُخْرِجِي الْفَاسِقِينَ - تا - رَتْنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ

و در باره عبد الله بن ابی، و همفکرانش این آیه نازل شد ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَزَّلُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ - تا - ثُمَّ لَا يُمْسِرُونَ﴾ آیا ندیدی که منافقین به برادران کافرشان از اهل کتاب می گفتند. اگر شما از خانه هایتان بیرون کنید ما نیز با شما بیرون می آئیم و از هیچ کس درباره شما پیروی نمی کنیم، و اگر با شما جنگ کنند ما شما را یاری می کنیم، و خداوند شهادت می دهد که آنها دروغ می گویند. اگر آنها (کفار) را بیرون کنند (منافقین) با آنها بیرون نمی روند، و اگر (مسلمانان) با آنها (کفار) جنگ کنند (منافقین) یاریشان نمی کنند، و اگر هم یاریشان کنند در میدان جنگ پشت کرده فرار می کنند سپس کسی آنها را یاری نمی کند.

كَمَثَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا دَافُوا وَنَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۵)  
كَمَثَلَ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَذْتُ  
اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۱۶)

فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدَيْنِ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْعَاطِلِينَ (۱۷)  
۱۵ - (کار این گروه از یهود) مانند کسانی هست که کسی قبل از آنها برود  
که وبال کار خودشان را چشیدند و برای آنها عذابی دردناک است  
۱۶ - (کار آنها) مانند شیطان است که به انسان گفت کافر شو پس هنگامی  
که کافر شد گفت من از تو برات می جویم همانا من از خدای پروردگار  
عالمیان می ترسم

۱۷ پس عاقبت کار هر دو آنها (شیطان و انسان) این شد که در آتش جهنم  
همیشگی خواهند بود، که آن کیفر متمکاران است.

﴿كَمَثَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ یعنی بنی قینقاع ﴿قَرِيبًا دَافُوا وَنَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ

## عَذَابُ أَلِيمٌ

سپس مثلی برای عبد الله بن ابی و بنی النضیر زده و فرمود: «كَمَثَلَ الشَّيْطَانُ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَتَّ الْعَالَمِينَ» \* فكان عاقبتهم أنهما في النار خالدَيْن فيها وَ ذَلِكَ جزاء الظَّالِمِينَ \* در آن حرف زیادی است که در روایت علی بن ابرهیم نیامده است

آبان بن عثمان از ابی بصیر در غزوه بنی النضیر که در آن اصافه نموده که رسول خدا ﷺ به انصار فرمود: اگر بخواهید فیء (درآمد حاصل از تسلیم کافران) مهاجران را از آن به شما می‌دهم و اگر بخواهید میان شما و آنان قسمت می‌کنم، و شما را همراه آنان می‌گذارم. گفتند: ما می‌خواهیم که آن را میان آنان تقسیم کنی، پس پیامبر خدا ﷺ آن را میان مهاجران تقسیم کرد و از انصار بازداشت و حز به دو نفر از انصار سهل بن حنیف و ابا دحانه بداد که این دو نیاز خود را بدان مال یادآور شدند.

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمُ الْعَزِيزُ  
الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۲۳)  
هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ  
وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۴)

۲۳- اوست جداوندی که غیر او هیچ معودی نیست. مالک صلی و ست. او هر عیب و نقص پاک است. شتم کننده نیست. ایمنی بخش است. رها کننده  
چیز مراقبت می‌کند، قادر نمایی می‌دهد. هر امری را به برده‌اش  
اصلاح می‌کند. سر او را عظمت و برترگوازی است. پاک و صبر است

خداوند از هر آنچه که برای او شریک قرار می‌دهد

۲۴- اوست خداوندی که حلقه افرسده و صورتگر است، برای او نامهای

بیکوئی است، آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح‌گوی او هستند، و او

عزیز و حکیم است.

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ ۝ فَرَمُودُ ۝ الْقُدُّوسُ ۝﴾ یعنی اینکه

از آفتی که موجبات جهل و نادانی است به دور است.

﴿السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ ۝ فَرَمُودُ ۝ اُولَیَّائِش رَا از عذاب در امان می‌دارد.

﴿الْمُهِنِینُ ۝﴾ یعنی شاهد.

﴿هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ﴾ که ﴿الْبَارِئُ﴾ یعنی اوشی را از چیزی که نیست

خلق می‌کند ﴿لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ برای او نامهای نیکوئی است، آنچه در آسمانها و زمین است

تسبیح‌گوی او هستند، و او عزیز و حکیم است.

يعقوب بن جعفر گوید از امام موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود

خداوند متعال بر پیغمبرش محمد صلی الله علیه و آله نازل فرمود ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ

الْقَيُّومُ﴾ را، و به این اسماء ﴿الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ نامیده

شد، که عقل‌های آنها درباره خدای تعالی بحیرت افتاد و هوشها از دست داده

شده لذا برای خدا مثلها زده‌اند و او را به اشیائی تشبیه کردند و اشیاهی برای

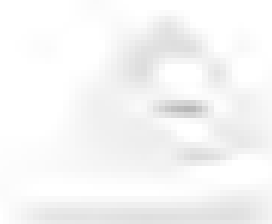
او قرار دادند و گفتند خدا در اشیاء حلول می‌کند و از اشیائی زایل می‌شود این

قبیل از مردم در دریای بی‌پایانی فرو رفتند که انتهای آن را نمی‌دانند و اندازه

دوری آن را درک نمی‌کنند.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۵۹؛ نورالتقلین، ج ۵، ص ۲۹۶؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۵۰۹

۲. بحار الانوار، ج ۴، ص ۲۹۶؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۵۱۲

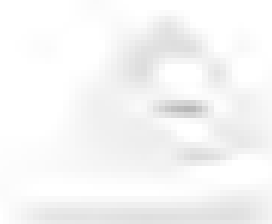


# تفسیر سورة مجتحنه

۶۰ - سورة مجتحنه در

مدینه نازل شده و دارای ۱۳

آیه است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ  
وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ  
رَبِّكُمْ إِنَّ كُنتُمْ تَرْتَضُونَ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَاتِّعَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ  
بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَمْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ بِكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ  
السَّبِيلِ (۱)

إِنْ يَتَفَقَّهْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَسْطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتُهُمْ بِالسُّوءِ  
وَوُودُوا لَوْ تَكْفُرُونَ (۲)

لَنْ تَنفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصَلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا  
تَعْمَلُونَ نَصِيرٌ (۳)

۱- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خودتان را دوست  
نگیرید، شما با آنها با دوستی و محبت برخورد می‌کنید در حالی که بها  
ست به آنچه که از سوی حق به سوی شما آمده کافر شده‌اند، آنها رسوب و  
شمارا به خاطر آنکه به خداوندی که پروردگار شماست ایمان آورده‌اند از  
سرزمین‌تان بیرون می‌رانند، اگر شما به خاطر جهاد در راه من و دوست  
آوردن دصاییم از وطن‌تان بیرون شده‌اید، در بهانی با آنها دوست

می‌شوید، و من آنچه را که پنهان می‌دارید و آنچه را که آشکار می‌کنید، می‌دانم، و هر کس از شما چنین کاری را انجام ندهد به تحقیق روزه رسته گمراه شده است.

۲- اگر آنها بر شما تسلط یابند دشمنانان می‌شوید، و دست و پاها را به بدی به سوی شما باز می‌کنید، و دوست می‌دارید که شما با رکود شریک. ۳- هرگز روزه قیامت خویشان و فرزندان شما معنی به خیانت نخواهد داشت، میان شما جدایی می‌افتد، و جداوند به آنچه که انجام می‌دهید، بیناست.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ﴾<sup>۱</sup>  
این آیه در شان حاطب ابن ابی بلتعہ نازل شده، هر چند لفظ آیه عام است، و لیکن معنایش مخصوص به این شخص است، و داستان‌ش بدین قرار بود که حاطب ابن ابی بلتعہ در مکه مسلمان شد، و به مدینه هجرت کرد، در حالی که عیالش در مکه مانده بودند از سوی دیگر کفار قریش ترس آن را داشتند که لشکر رسول خدا ﷺ بر سر آنان بتازد، ناچار نزد عیال حاطب رفته، از این خانواده خواستند نامه‌ای به حاطب بنویسند، و از وی خبر محمد ﷺ را بپرسند که آیا تصمیم دارد با مردم مکه جنگ کند یا نه؟

خانواده حاطب نامه‌ای به او نوشته، جویای وضع شدند او در پاسخ نوشت: آری رسول خدا ﷺ چنین قصدی دارد، و نامه را به دست زنی به نام صفیه داد، و او نامه را در لای گیسوان خود پنهان نموده به راه افتاد در همین میان خبر نازل شد، و رسول خدا ﷺ را از ماجرا خبر داد.

رسول خدا ﷺ امیر المؤمنین علی علیه السلام و زبیر بن عوام را به طلب آن زن فرستاد، این دو نفر خود را به او رساندند. امیر المؤمنین پرسید: نامه کجاست؟



صفیه گفت: نزد من چیزی نیست.

حضرت علی و زبیر زن را تفتیش کردند، و چیزی همراه او نیافتند. ربیر گفت: حال که چیزی نیافتیم برگردیم.

امیر المؤمنین فرمود: به خدا سوگند رسول خدا ﷺ به ما دروغ نگفته، و جبرئیل هم به آن جناب دروغ نگفته، و او هم به جبرئیل دروغ نمی‌بندد، و جبرئیل هم به خدا دروغ نمی‌بندد، و به خدا سوگند ای زن یا نامه را در می‌آوری و می‌دهی، و یا سر پریده‌ات را نزد رسول خدا ﷺ می‌برم.

صفیه گفت: پس از من دور شوید تا در آورم. آن گاه نامه را از لای گیسوانش در آورد. امیر المؤمنین نامه را گرفت و نزد رسول خدا ﷺ آورد. رسول خدا ﷺ از حاطب پرسید: این چکاری است که کردی؟

حاطب عرض کرد: یا رسول الله! به خدا سوگند این کار را از روی نفاق نکردم، و چیزی تغییر و تبدیل ندادم، و من شهادت می‌دهم به اینکه جز خدا معبودی نیست، و اینکه تو رسول بر حق اویی، و لیکن اهل و عیال من از مکه به من نوشتند که قریش با ما خوشرفتاری می‌کند، من خواستم در حقیقت حسن معاشرت آنان را با خدمتی تلافی کرده باشم. بعد از سخنان حاطب خدای تعالی این آیه را فرستاد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ - تَالَيْتُ لَأَكْفُرَنَّ عَنْكُمْ وَلِيَّاءُ الَّذِينَ هُمْ أَعْدَائُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾<sup>۱</sup>

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ

۱ بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۱۱۲ و ج ۷۲، ص ۲۸۸؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۶۵؛ مورد التعلیل، ج ۵، ص ۲۹۹؛ تفسیر موهمان، ج ۷، ص ۵۱۴

وَالْتَفَاءُ أُنْدَا حَتَّى تُوْمِنُوا بِاللّٰهِ وَخَذَهُ الْإِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ لِأَسْتَعْفِرَ لَكُمْ  
وَمَا أَمْلَكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ زِنَّا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ تَسَاءلُكَ  
الْمَقْصِرُ (۴)

زِنَّا لَا تَحْفَلْنَا فَنَتَّ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْمُرُوا زِنَّا إِيَّاكَ أَلَّتِ الْعَرَبُ لِحَكِيمِ (۵)  
لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَهُوَ يُرِي  
فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۶)

عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ  
عَزَّوَجَلَّ (۷)

لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ  
أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (۸)

۴- به تحقیق برای شما در ابراهیم و کسانی که ما او بوده‌اند، الگوی خوبی  
است. هنگامی که به قوم (مشرک) خود گفتند ما از شما و از آنچه غیر ر  
خدا را می‌پرستید بی‌ارزی می‌جوئیم، ما به شما کافریم. و ما را و شما  
دشمنی و کدورت آغار شده تا زمانی که به خداوند بگانه ایمان سوزید،  
مگر سخن ابراهیم که به پدرش (عمویش) گفت (اگر ایمان بیاوری) برای  
تو (ار خداوند) طلب معرفت می‌کند، و (اگر ایمان بیاوری) و من در برابر  
خداوند برای تو مالک چیزی نیستیم، پروردگارا ما بر تو توکل نمودیم و به  
سوی تو باز گشتیم، که بار گشت همه امور به سوی توست.

۵- پروردگارا، ما را مایه فتنه و امحان کافران قرار مده، پروردگار ما را  
بیاورد، همانا که تو عزیز و حکیم هستی.

۶- به تحقیق برای شما در زندگی آنها الگوی بیکویی بود. برای کسانی که  
امید به خدا و روز آخرت دارند، و هر کس دوی بگرداند (به خود دارد)

(رسانده) همانا که خداوند بی‌نیاز و ستوده است.

۷- امید است که خداوند میان شما و دشمنانان دوستی برقرار کند، و خدا

تواناست، و خداوند آمرزنده و مهربان است.

۸- خداوند شما را بسبب به کسانی که در امر دین با شما جنگ کردند، و در

سرزمینان بیرون برانند از نیکی کردن به آنها و رعایت نمودن عدالت بهی

می‌کند، همانا که خداوند عدالت پیشکار را دوست می‌دارد

ابی‌الجارود گوید، امام باقر علیه السلام در معنای آیه «عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ

وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» فرمود: همانا

خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و مومنین امر نموده تا از گروهی که کافر هستند برائت

بجویند

«قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ

مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ تَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» خداوند

عزوجل ولایت مؤمنین را از آنها قطع نموده و آنها نیز دشمنی‌شان را بر آنها

ظاهر کردند، پس فرمود: «عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ

مَوْدَّةً» امید است که خداوند میان شما و دشمنانان دوستی برقرار کند

هنگامی که اهل مکه اسلام آوردند، اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله با آنها روابط

برقرار نمودند و از آنها زن گرفتند و رسول خدا صلی الله علیه و آله با ام حبیب دختر

ابی‌سفیان بن حرب ازدواج نمود سپس فرمود: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ» تا آخر

دو آیه.<sup>۱</sup>

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مِنْهَا جَرَّابَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ

بِإِيمَانِهِمْ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ  
وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُنَّ مَا آتَفَقُوا وَلَا خُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَتَكَبَّرُوا فِيهِ  
إِنْ تَشْتَرُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَرِ وَاسْتَلُوا مَا آتَفَقْتُمْ وَلَيْسَلَكُمْ  
مَا آتَفَقُوا ذَلِكَكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَخَكِّمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۰)

وَإِنْ فَانَكُم شَيْءٌ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعاقِبْتُمْ فَانْتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ  
أَرْوَاحُهُمْ مِثْلَ مَا آتَفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الْبَدِيَّ أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ (۱۱)

۱۰- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که زنان با ایمان به عنوان مباحره  
به مرد شما آمدند آنها را امتحان کنید، خداوند به ایمان آنها آگاه‌تر است  
پس اگر علم یافتید که با ایمان هستند آنها را به کفار تحويل ندهید که به  
آنها برای کفار حلال هستند و به کفار برای آنها حلال می‌باشد. و آنچه که  
همسران کافر آنها به ایشان پرداختند به آنها بپردازید، و هیچ گاهی برای  
شما نیست که با آنها ازدواج کنید در صورتی که مهرشان را بپردازید، و  
هرگز زنان کافر را در همسری خود نگه ندارید. (اگر زنان کافر شده و به  
بزد کفار رفتند) مهر و نفقه را از کفار نگیرید همچنانکه آنها می‌توانند مهر و  
نفقه (رسمی که مسلمان شده را از شما) بگیرند. این حکم خداوند است که  
بیشتر حکم می‌کند و خداوند دانا و حکیم است

۱۱- و اگر بعضی از همسران شما از دستتان رفته و به کفار ملحق شدند، و  
شما در جنگی بر آنها پیروز شدید و عیانمی بدست آوردید به کسانی که  
همسرانشان به کفار ملحق شده‌اند مهر و نفقه‌اش را (از عیانم) بپردازید، و  
(از مخالفت) خداوندی که به او ایمان آورده‌اید بپرهیزد

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مِنْهَا جِرَاتُ الْفَلَسِ فَلْيُنْكِلْنَهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ﴾ فرمود هنگامی که  
بِإِيمَانِهِمْ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ

ربی از مشرکین به مسلمین پیوست مورد امتحان قرار بگیرد به اینکه سوگند به خدا بخورد که به خاطر بغض از شوهر کافرش و نیز به خاطر دوستی یکی از مسلمانان به آنها ملحق شده است همانا فقط به خاطر اسلام به مسلمانان ملحق شده است و هنگامی که بر آن سوگند خورد اسلامش مورد قبول واقع می شود، سپس خداوند عز و جل فرمود: ﴿فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا»<sup>۱</sup> یعنی شخص مسلمان مهریه آن زن را به شوهر کافرش برده و سپس با او ازدواج نماید و این قول الهی است که می فرماید: ﴿وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ﴾ و هیچ گناهی برای شما نیست که با آنها ازدواج کنید در صورتی که مهرشان را بپردازید.<sup>۲</sup>

ابی الحارود گوید، امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿وَلَا تَنْكِحُوا بِعَصَمِ الْكُفَّارِ﴾<sup>۳</sup> فرمود: هر مسلمانی که در نزد او زن کافری باشد یعنی به غیر مسلمان باشد، پس اسلام را بر او عرضه کند، اگر قبول کرد پس زن او می شود و الا از او دوری نماید و خداوند نهی نموده است که به آن زن دست درازی کند.<sup>۴</sup>

﴿وَسَأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ﴾ یعنی هنگامی که زن مسلمانی به کفار ملحق شود بر شخص کافر است که مهریه او را بر مسلمان برگرداند، و اگر کافر مهریه او را نپرداخت و مسلمانان غلبه پیدا کردند و از آنها غنیمت گرفتند قبل از تقسیم غنیمت مهریه زن ملحق شده به کافر را برداشته و به مسلمان می دهند.

ابی الجارود گوید که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ

۱ بحار الأنوار ج ۱۰، ص ۱۴، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۷۱، نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۰۳.  
تفسیر برهان، ج ۷، ص ۵۱۶.  
۲ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۵۴۲، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۴، نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۰۵.  
۳ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۵۱۷.

أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقِبْتُمْ\* فرمود. یعنی اگر زن مسلمانی به کفار ملحق شود مهریه او را از کفار طلب کنید و اگر زن کافری بر شما ملحق شد مهریه اش را به آنها اعطا کنید<sup>۱</sup>

\* وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ\* می فرماید اگر زن مسلمان ملحق به کافرانی شود که میان شما و میان ایشان عهده و پیمانی نبوده و شما از آن کافران غنیمت بدست آورده باشید باید که شما از آن غنیمت مهر آن زن را بشوهر مسلمان او بدهید

\* فَأَتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِثْلَ مَا أَنْفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ\* سبب نزول آیه این است که عاطمه دختر ابی امیه بن المغیره زن عمر خطاب بوده و آن زن هجرت با او را مکروه داشته در مکه با مشرکین اقامت نمود پس معاویه بن ابی سفیان او را حواستگاری کرد بعد از این خدای تعالی به پیغمبر خود را امر کرد که مثل مهر آن زن را به عمر بن خطاب بدهد.<sup>۲</sup>

ابی الجارود گوید امام باقر (علیه السلام) در معنای آیه \*وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ\* فرمود: اگر زنی از شما به کفاری که میانتان عهد و پیمان نوشته شده است ملحق شد مهریه اش را از آنها بخواهید و اگر زنی از آنها به شما ملحق شد مهریه او را به آنها بپردازید \*ذَلِكَ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ\* این حکم خداوند است که بینتان حکم می کند.<sup>۳</sup>

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ مَالَهُنَّ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَنْهَبْنَ وَلَا يَمُوتُنَّ أَوْلَادُهُنَّ وَلَا يَلْتَمِسْنَ يَهْنَاءَ بَعْتَرِيَّةٍ بَيْنَ اللَّهِ هُنَّ

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۵

۲. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۷۲؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۰۵

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۵؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۰۶

وَأَرْجُلُهُنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ قَبَائِعُهُنَّ وَاسْتَعْمِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ  
رَحِيمٌ (۱۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَنْسُوا مِنَ الْآجِرَةِ كَمَا  
يَبْسُ الْكَفَّازُ مِنَ أَصْحَابِ الْقُبُورِ (۱۳)

۱۲- ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن مرد تو بایند که ما تو بیعت کند که دیگر هرگز برای خداوند شریک قرار ندهند، دزدی نکند، ربا ندهد، و فرزندانشان را نکشد، تهمت و افترا بی دست و پای خود بیارند. یعنی فرزندی را که خود از راه نامشروع دنیا آورده‌اند و علم به انعقاد طفل او دارند نه دروغ نه کسی دیگر نیست بدهد، و در هیچ امر معروفی مامورانی تو را نکند، پس (نابین شرایط) با آنها بیعت کن، و از خداوند سزای آنها طلب مغفرت نما، همانا که خداوند آمرزنده و مهربان است

۱۳- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، با قومی که خداوند بر آنها غضب کرده دوستی نکنید که آنها از آخرت مأیوس هستند همچنان که کفار مدعی در قیامت (از دوباره ریختن خود) مأیوس هستند.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِهَتَّانٍ يَقْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ قَبَائِعُهُنَّ وَاسْتَعْمِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ \* این آیه روز فتح مکه نازل شد پیغمبر اکرم ﷺ میان نماز ظهر و عصر در مسجد الحرام نشست و مردها با حضرتش بیعت کردند و پس از نماز عصر امر فرمود ظرفی را پر از آب کردند، آن حضرت دست مبارک خود را در آن آب گذاشت و به زن‌ها فرمود: هر کس می‌خواهد بیعت کند دست خود را داخل آب کند و من با زنان مصافحه نمی‌کنم و آیه ﴿عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ

شَيْئًا وَلَا يَسْرِقَنَّ وَلَا يَزْنِيَنَّ وَلَا يَقْتُلَنَّ أَوْلَادَهُمْ وَلَا يَأْتِيَنَّ بِبُهْتَانٍ يَقْتَرِبُهُ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَأُزْجِيهِمْ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ قَبَائِعُهُمْ\* راقرائت کرد.

ام حکیم دختر حارث بن عبد المطلب عرض کرد: ای رسول خدا معروف چیست که ما را باید در آن نافرمانی شما نکنیم و خداوند ما را امر به آن نموده است؟

فرمود: معروف عبارت از آن است که صورتهای خود را مخراشید و سیلی بصورت خود مزید و موهای خود را نکنید و گریبان چاک زنید و لبس سیاه نپوشید و صدا را به واویلا بلند نکنید و کنار قبرها توقف ننمائید. آن زنان با شروط در آیه مکفیت مزبور به امر پیغمبر خدا بیعت کردند<sup>۱</sup>

عبد الله بن سنان گوید از امام صادق (ع) از معنای جمله شریفه ﴿وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ﴾ سؤال کردم، فرمود: معروف همان اموری است که خدای تعالی بر زنان واجب کرده، مانند نماز و زکات و هر عمل خیر دیگری که به ایشان دستور داده است.<sup>۲</sup>

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾ عطف بر آیه ۱ همین سوره ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ﴾ می باشد<sup>۳</sup>

۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۴۹؛ بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۱۱۳

۲. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۷۷؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۷۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۵۲۰

۳. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۵۲۲

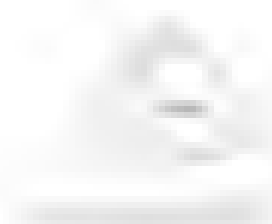


# تفسیر سورة صف

۶۱ - سورة صف در مدینه

نازل شده و دارای ۱۴ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّخْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱)  
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (۲)  
كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (۳)

۱- هر آنچه در آسمانها است هر آنچه در زمین همه تسبیح گوی خداوند هستند، و او عزیر و حکیم است

۲- ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا چیزی را می گویید که عمل نمی کنید؟

۳- موجب حشم خداوند می شود اینکه سحی را بگویید و خود عمل نکنید.

\* سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ \* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ \*

خطاب به اصحاب رسول خدا ﷺ است که به آن حضرت وعده دادند که او را یاری کنند و از دستوراتش مخالفت نورزند، و عهد و پیمانشان را درباره امیر المؤمنین علیؑ نقض نکنند، پس خداوند دانست که آنها به عهد و پیمانشان وفا نمی کنند پس فرمود: ﴿لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ کَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ...﴾ به تحقیق خداوند به خاطر اقرارشان آنها را مومنین نامیده است اگر

چه آنها را تصدیق نمی‌کند

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُنْيَانُ مَرْصُوصٍ (۴)  
وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تَقُولُونَ لَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ  
فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْهَاسِقِينَ (۵)

۴- خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او جهاد می‌کنند... که گویی  
همچون سدی آهنین هستند.

۵- (بیاد بیاور) هنگامی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، چرا من  
ربیع و آرام می‌دهید در حالی که می‌دانید من فرستاده خداوند به سوی شما  
هستم؟ پس هنگامی که منحرف شدند خداوند همه قلب‌هایشان را منحرف  
نمود، و خداوند گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند.

خداوند مومنینی را که مجاهده نمودند و در راه خداوند جنگ کردند را ذکر  
نموده و فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُنْيَانُ  
مَرْصُوصٍ﴾ یعنی چنان صف می‌بندند که گویی بنیانی استوار و انهدام  
ناپذیرند.<sup>۱</sup>

﴿فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ﴾ یعنی خداوند قلب‌های آنها را به شک و  
تردید انداخت.

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقٌ لِمَا بَيْنَ  
يَدَيَّ مِنَ الْوَسَاةِ وَ مَبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَمَنْ حَاجَّهُمْ  
فَالْتَبَتَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ (۶)

عرو هنگامی که عیسی بن مریم گفت ای بنی اسرائیل من فرستاده خدا و به سوی شما هستم. و من تصدیق کننده تورات که قبل از من آمده هستم و به فرستادهای بشارت می دهم که بعد از من می آید و اسمش احمد است. پس هنگامی که (احمد) با دلائلی روشن به مرد آنها آمد گفتد اس سحری روشن و آشکار است.

خداوند قول عیسی علیه السلام به بنی اسرائیل را حکایت می کند ﴿إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ﴾

فرمود: بعضی از یهودیان از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: چرا به نام احمد و محمد و بشیر و نذیر نامیده شدی؟

فرمود: اما محمد نامیده شدم، بدین جهت که من در زمین محمود هستم. و اما احمد نامیده شدم بدین جهت که من در آسمان احمد و ستوده تر از ستودگی در زمین می باشم. و اما بشیر خوانده شدم به خاطر این که هر کس مرا اطاعت کند او را به بهشت بشارت می دهم. و نذیر خوانده شدم چون هر کسی را که نافرمانی خدا را بکند او را با آتش جهنم اندازش می کنم.

يُرِيدُونَ لِيُطْفَئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۸)

۸- آنها می خواهند نور خدا را با دهانشان (سحان باطل و یهوده) خاموش کنند، و خداوند نور خود را کامل می کند و اگر چه کافران را آن کراهت داشته باشد

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفَئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ﴾ فرمود: به وسیله

حضرت قائم از آل محمد علیهم السلام تا اینکه قیام می‌کند و خداوند به وسیله او دیش را ظاهر می‌گرداند بطوری که غیر از خداوند چیزی مورد پرستش واقع نمی‌شود. و آن فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله است که می‌فرماید: زمین را پر از عدس و داد می‌کند همچنانکه از ظلم و ستم پر شده باشد.<sup>۱</sup>

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (۱۰)  
تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ  
خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۱)  
يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ يُدْخِلْكُمْ خِتَابَ نَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِسَ  
طَيِّبَةٍ فِي خِتَابٍ عَذْبٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۲)

وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَ نُفِثَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۳)  
۱۰- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آیا شما راه تجارتی را همانی بکم که  
از عذاب دردناک نجاتتان دهد؟

۱۱- به خدا و رسولش ایمان بیاورید، و در راه خدا با اموال و جانانتان جهاد  
کنید، که این عمل برای شما بهتر است اگر بدانید.

۱۲- (اگر این عمل را انجام دهید خداوند) گناهان شما را می‌آمرزد، و شما  
را وارد باغ‌های بهشتی می‌کند که از زیر درختانش بهرها جاریست، و در  
مساکینی پاکیزه در بهشت عدد جای می‌دهد، و این رستگاری بزرگ است.  
۱۳- و (بار نعمت) دیگری که آن را دوست دارید یاری خداوند و پیروی  
بردیک است و مومنان را (به این نعمت بزرگ) مشاره ده

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ

عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿۱۳﴾ نقل کرده که فرمود: اصحاب گفتند: چه خوب بود می فهمیدیم این تجارت چیست که اگر بفهمیم جان و مال و حتی اولادمان را هم در به دست آوردن آن می دانیم. خدای تعالی فرمود: ﴿تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ - ت - ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ ای کسانی که ایمان آورده اید، آیا شما را به تجارتی راهنمایی نکم که از عذاب دردناک نجاتتان دهد؟ به خدا و رسولش ایمان بیاورید، و در راه خدا با اموال و جانتان جهاد کنید، که این عمل برای شما بهتر است اگر بدانید.

﴿وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ﴾ یعنی در دنیا فتح امام قائم علیه السلام و در روایتی دیگر فرموده: یعنی فتح مکه.<sup>۱</sup>

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَّا نَتَّ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَأَصْحَوْا ظَاهِرِينَ (۱۴)

۱۴ - ای کسانی که ایمان آورده اید، از یاران الهی باشید، همچنانکه عیسی مسیح به حواریین گفت: چه کسی مرا به سوی خداوند یاری می کند؟ حواریون گفتند: ما یاوران حلانیم پس گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی دیگر کافر شدند، پس ما بر کسانی که ایمان آورده بودند را در برابر دشمنانشان تایید کردیم تا بر آنها پیروز شدند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ - تا - فَأَمَّا نَتَّ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ﴾ فرمود: آنهایی که کافر شدند آنهایی بودند که شبیه

عیسی علیه السلام به عنوان عیسی گرفته و او را کشتند و به صلیب کشیدند و آنهایی که ایمان آوردند آنهایی بودند که شبیه عیسی علیه السلام را نکشتند، پس گروهی که او را گرفته و به صلیب کشیدند خود نیز کشته شدند و آن قول خداوند است که فرمود: «فَأَيُّدُنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَاصْبِرُوا ظَاهِرِينَ» \* پس ما بزرگوارانی که ایمان آورده بودند را در برابر دشمنانشان تایید کردیم تا بر آنها پیروز شدند.<sup>۱</sup>

۱. تورات، ج ۵، ص ۳۱۹؛ تفسیر ترمذی، ج ۷، ص ۵۳۱

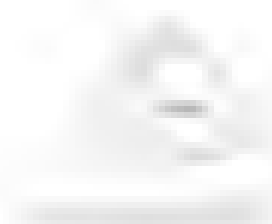


# تفسیر سورة جمعه

۶۲ - سورة جمعه در مدینه

نازل شده و دارای ۱۱ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ  
الْحَكِيمِ (۱)

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ  
الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۲)  
وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ لُمَّا يُلَخِّفُوا فِيهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳)

۱- آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین همه تسبیح گوی خداوند هستند  
خداوندی که حاکم و از هر عیب و نقصی به دور و عزیز و حکیم است  
۲- اوست کسی که در میان امت بی سواد، رسولی مثل خودشان را فرستاد  
که آیاتش را بر آنها می خواند، و آنها را ترکیه می کند، و به آنها کتاب و  
حکمت تعلیم می دهد، و اگر چه قبل از آن در گمراهی آشکاری بودند  
۳- و بر رسول قوم دیگریست که همواره آنها (عرب) ملحق شده اند، و او  
عزیز و حکیم است.

﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ﴾ که  
«قدوس» یعنی از آفاتی که موجب جهل و نادانی است بری می باشد<sup>۱</sup>

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ» فرمود: «امیون \* کسانی هستند که کتابی با آنها نباشد».

معاویه بن عمار روایت می‌کند که امام صادق علیه السلام در معنای آیه «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ» فرمود: آنها می‌نوشتند و لکن از حاسب خداوند کتابی با آنها نبود، و رسولی به سوی آنها فرستاده شده بود پس خداوند نسبت «امیین» به آنها داد.<sup>۱</sup>

«وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ لِمَا يُتْلَىٰ مِنْهُمْ» فرمود: بعد از آنها داخل در اسلام شدند.<sup>۲</sup>

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَثْقَارًا مِنْ مَثَلِ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵)  
قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ رَعَيْتُمْ أَوَّلِيَاءَ اللَّهِ مِنْ ذَوِي السَّيِّئَاتِ فَسَتَمُوتُوا الْمَوْتُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۶)

۵- مثل کسانی که تورات به آنها داده شده ولی به آن عمل نمی‌کردند همانند حری است که کتاب‌هایی را حمل می‌کند (و نمی‌داند که بارش چیست)، قومی که آیات خداوند را تکذیب کردند چه بد مثلی دارند، و خداوند قوم ستمکاران را هدایت نمی‌کند.

۶- بگو، ای قوم یهود، اگر می‌پندارید که شما دوستان خداوند به معنای دیگر، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می‌گویند.

خداوند درباره بنی اسرائیل مثالی زده و فرمود: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَثْقَارًا» هر کتاب را حمل می‌کند و نمی‌داند

۱ بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۴۳ و ج ۱۶، ص ۱۲۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۸؛ تفسیر صافی

ج ۷، ص ۱۸۷؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۲۲

۲ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۲۳؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۸

که در آن چه است و به آن عمل نمی کند همچنان بنی اسرائیل همانند حر کتاب را حرص می کنند و نمی دانند که در آن چه است و به آن عمل هم نمی کنند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنكُمُ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَتَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ» فرمود. همانا در تورات نوشته شده که اولیاء خداوند آرزوی مرگ می کنند.<sup>۱</sup>

قُلْ إِن الْمَوْتَ الَّذِي تَقْرُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مَلَائِكُمْ ثُمَّ تَرُدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيَسْأَلُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۸)

۸- بگو مرگی که از آن فرار می کنید سرانجام شما را ملاقات خواهد کرد، سپس به سوی کسی که دانا به پنهان و آشکار است بازگردانیده می شود. و او شما را به آنچه که انجام می دادید آگاه می سازد

«قُلْ إِن الْمَوْتَ الَّذِي تَقْرُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مَلَائِكُمْ» امیر المومنین علیه السلام فرمود: ای مردم هر کس آنچه را از آن می گریزد درخواهد یافت، و اجل خود را به او می رسانند، و گریز از آن همان رسیدن و دریافتن آن است.<sup>۲</sup>

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَوَدَّيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۹)

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱۰)

۹ ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که روز جمعه برای نماز دعوت

۱ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۸۹؛ نورالتعلیل، ج ۵، ص ۲۲۴؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۹  
 ۲ بحار الانوار، ج ۴، ص ۱۲۶؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۹؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۹۰  
 نورالتعلیل، ج ۵، ص ۲۲۴

می‌شوید نه سوی ذکر خداوند شناسد، و حریص و فروش را رها کند، که  
این عمل برای شما بهتر است اگر بدانید.

۱۰- پس هنگامی که نماز پایاد یافت در روی زمین پراکنده نشوید، و در  
فصل خداوند (روزی) تطلید، و خداوند را ربادت یاد کند شاید که رسک  
شوید.

﴿فَاسْعُوا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ﴾ که ﴿سعی﴾ به معنای سرعت در راه  
رفتن است.<sup>۱</sup>

اسی الجارود گوید امام باقر (علیه السلام) در معنای آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ  
لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ﴾ فرمود: وقتی گفته  
می‌شود ﴿فاسعوا﴾ معنایش این است که بروید و چون گفته می‌شود  
﴿اسعوا﴾ معنایش این است که برای فلان هدف عمل کنید، و معنای آیه این  
است که برای نماز جمعه شارب (سبیل) خود را کوتاه کنید، و موی زیر بغل را  
زائل سازید، ناخن بگیرید، غسل کنید، بهترین و نظیف‌ترین جامه را بپوشید  
و خود را معطر سازید، اینها سعی برای نماز جمعه است. و سعی برای روز  
قیامت هم این است که آدمی خود را برای آن روز مهیا کند، هم چنان که  
فرموده: ﴿وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ﴾<sup>۲</sup> و هر کس طالب  
آخرت باشد و برای رسیدن به آن نهایت تلاش و کوشش را بکند او مؤمن  
است.<sup>۳</sup>

﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ﴾ فرمود: یعنی روز شنبه در

۱- بورائین، ج ۵، ص ۳۲۶، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۹۱

۲- اسراء، آیه ۱۹

۳- مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۸۹، بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۲۴۴، تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۱

۴- بورائین، ج ۵، ص ۳۲۶

زمین پراکنده شوید.

وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۱۱)

۱۱- و هنگامی که آنها تجارت یا لهوی را می بینند به سوی آن می روند و تو

را در حالی که ایستاده هستی ترک می کنند، بگو آنچه مرد خداوند است و

لهو و تجارت بهتر است، و خداوند بهترین روزی دهنده است

﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا﴾ رسول خدا ﷺ در روز جمعه با

مردم نماز می خواند که کاروان تجاری وارد مدینه شد که در جلوی آن کاروان گروهی دف و طبلور می زدند، مردم از شنیدن آن نماز را ترک کرده رفتند تا به آن کاروان تماشا کنند که چه آورده است که خداوند این آیه را نازل فرمود: ﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾<sup>۱</sup>

این مسکن گوید از اسی بصیر سوال شد که امام چگونه خطبه می خواند، گفت: ایستاده خطبه می خواند زیرا خداوند می فرماید: ﴿وَ تَرَكُوكَ قَائِمًا﴾ و تو را ایستاده ترک کردند.<sup>۲</sup>

ابن ابی یعفور گوید امام صادق (علیه السلام) فرمود آیه اینچنین نازل شده است: ﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انصرفوا إِلَيْهَا وَ تَرَكُوكَ قَائِمًا﴾

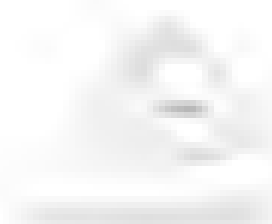
﴿قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ﴾ یعنی برای کسانی که تقوی دارند ﴿وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ و خداوند بهترین روزی دهنده است.<sup>۳</sup>

۱. نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۲۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۴

۲. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۳۲ بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۱۸۵؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۲۹

تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۴

۳. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۴؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۲۹



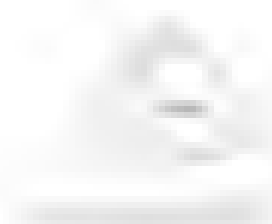


# تفسیر سورة منافقون

۶۳ - سورة منافقون در

مدینه نازل شده و دارای ۱۱

آیه است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَكَ الْمُنافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ  
وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ (١)

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (٢)  
ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطَغَىٰ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (٣)  
وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُمٌ  
مُّسْتَنْدَءٌ يَخْسُونَ كُلَّ صَنِيعٍ عَلَيْهِمْ هُمْ الْعُدُوُّ فَاحْذَرُهُمْ فَاتْلُوهُمُ اللَّهُ أَتَىٰ  
يُؤْفَكُونَ (٤)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّاْ رُؤُسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَقْصِدُونَ  
وَهُمْ مُّسْتَكْبِرُونَ (٥)  
سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ  
لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (٦)

هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُبْعَثُوا عَلَىٰ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَتَفَضَّلُوا وَبِئْسَ  
خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ (٧)  
يَقُولُونَ لَنْ يَرْحَمَنَا إِلَىٰ الْمَدِينَةِ لِنُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ بِهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ  
وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ (٨)

۱- هنگامی که منافقین به برد تو می‌آیند می‌گویند ما شهادت می‌دهیم که تو رسول خداوند هستی، و خداوند می‌داند که تو رسول او هستی و خداوند می‌داند که منافقین به دروغ شهادت می‌دهند. (و این رسول ندارند)

۲- آنها سوگندهایشان را مبنی بر قرار داده‌اند تا به وسیله آن مردم را ببرد خداوند باز دارند، و آنها چه بد عمل می‌کنند

۳- این به خاطر آن است که آنها اول ایمان آوردند سپس کافر شدند پس خداوند بر دل‌های آنها مهر رده و آنها واقعیت را درک نمی‌کنند

۴- و هنگامی که آنها را می‌بینی جسمشان تو را به تعجب می‌آورد، و اگر سعی بکنی بگویند، به سخنانشان گوش می‌دهی، مباد اینکه چوب حساسی هستند که بر دیوار تکیه کرده‌اند، هر صدایی که می‌شنوند گمان می‌کنند که بر علیه خودشان است، آنها دشمنان تو هستند پس از آنها دروی کن، خداوند آنها را بکشد که از حق محرف شدند

۵- و هنگامی که به آنها گفته شود بابتد تا رسول خدا برای شما حسب معرفت بکند، سرهایشان را نکات می‌دهد، و آنها را می‌بینی که (از سر) اعراض کرده و تکبر می‌ورزند.

۶- برای آنها فرجی نمی‌کند که برایشان طلب معرفت کسی یا طلب معرفت نکنی، خداوند آنها را هرگز نمی‌آورد، همانا خداوند قوم منافقین را هدایت نمی‌کند

۷- آنها کسانی هستند که می‌گویند بر کسانی که اطراف رسول خدا هستند اتفاق نکند تا پراکنده شوند، حربه‌های آسمانها و زمین برای خداوند است و لکن منافقین نمی‌فهمند

۸- می‌گوید: اگر به مدینه برگشیم عرب‌را دلیل شدگان و ابرو می‌کشد.  
در حالی که عزت برای خداوند و برای رسولش و برای مومنین است و منافقین نمی‌دانند.

### سخن عبدالله بن ابی

«إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَ  
اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ» فرمود. این آیه در جنگ مریسع که جنگ با  
بنی المصطلق که و در سال پنجم هجرت اتفاق افتاد نازل شده است. رسول  
خدا ﷺ خودش در این جنگ شرکت کرد و در مراجعت کنار چاهی کم آب  
فرود آمد. انس بن سیار، همپیمان انصار و جهجاه بن سعید غفاری اجیر عمر  
بن خطاب در کنار چاه به هم برخوردند، و هر دو سطل در چاه انداختند تا آب  
بکشند، سطل در چاه به هم پیچید.

ابن سیار گفت: سطل من، جهجاه هم گفت سطل من. و همین باعث درگیری  
بین آن دو شد، جهجاه به صورت ابن سیار سیلی زد، و خون از روی او جاری  
شد. ابن سیار قبیله خزرج را و جهجاه قریش را به کمک طلبید، هر دو گروه  
سلاح برگرفتند، و چیزی نمانده بود که فتنه‌ای به پا شود

عبدالله بن ابی سر و صدا را شنید، پرسید: چه خبر شده؟ حریان را برایش  
گفتند، و او سخت در خشم شد و گفت. من از اول نمی‌خواستم این مسیر را  
بروم، و من امروز خوارترین مردم عرب هستم، و من هیچ پیش‌بینی  
نمی‌کردم که زنده بمانم و چنین سخنانی بشنوم، و نتوانم کاری بکنم، و  
وضع را به دلخواه خود تغییر دهم.

آن گاه رو کرد به اطرافیان خود و گفت: این کاری است که شما کردید، اینها

را در منازل خود جای دارید، و مال خود را با آنان تقسیم نمودید، و با حال خود جانشان را از خطر حفظ کردید، و گریزهای خود را آماده شمشیر ساخته، زنان خود را بیوه و فرزندان را یتیم کردید، آن هم از مردمی که اگر شما بیرونشان کرده بودید وبال گردن مردمی دیگر می شدند. آن گاه گفت: ﴿لَئِنْ رَجَعْتُ إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ﴾ اگر به مدینه برگردیم، آن کس که عزیزتر است ذلیل تر را بیرون خواهد کرد.

یکی از حضار در آن مجلس زید بن ارقم بود که تازه داشت به حد بلوغ می رسید، و آن روز رسول خدا ﷺ در هنگام گرمای ظهر در سایه درختی با جمعی از اصحاب مهاجر و انصارش نشسته بود، زید از راه رسید، و سخنان عبد الله بن ابی را به رسول خدا ﷺ گزارش داد. حضرت فرمود: ای پسر! شاید اشتباه شنیده باشی.

عرض کرد: به خدا سوگند اشتباه نکردم.

فرمود: شاید از او خشمگین باشی.

عرض کرد: به خدا قسم هیچ دشمنی با او ندارم.

فرمود: ممکن است خواسته سر بسرت بگذارد؟

عرض کرد: نه به خدا سوگند.

رسول خدا ﷺ به علامش شقران فرمود: مرکب را زیس کرده و آماده حرکت کن، و فوراً سوار شد. مردم به یکدیگر خبر دادند ولی کسی باور نمی کرد که در آن گرمای ظهر حرکت کرده باشد، ولی بالأخره سوار شدند، و سعد بن عبادہ خود را به آن جناب رسانیده، عرض کرد: السلام علیک یا رسول الله و رحمة الله و برکاته.

حضرت فرمود: و علیک السلام.

عرض کرد: شما هیچ وقت در گرمای ظهر حرکت نمی کردید.

فرمود: مگر سخنان رفیقان را تشنیده ای؟

پرسید: کدام رفیق یا رسول الله؟ ما به غیر تو رفیقی نداریم؟

فرمود: عبد الله بن ابی، او پیش بینی کرده که اگر به مدینه برگردد آن کس که عزیزتر است دلیل تر را از شهر بیرون کند.

سعد عرض کرد: یا رسول الله ﷺ تو و اصحاب عزیزتر و او و اصحابش دلیل ترند.

رسول خدا ﷺ آن روز را تا به آخر به حرکت ادامه داد، و با احدى سخن نگفت، قبیله خزرج نزد عبد الله بن ابی آمدند، و او را ملامت کردند. عبد الله قسم خورد که من هیچ یک از این حرفها را نزده ام. گفتند: اگر چنین حرفی نزده ای برخیز تا نزد رسول خدا ﷺ برویم تا از آن جناب عذرخواهی کنی، عبد الله سر و کلاهش را تکان داد که نه.

چون شب شد رسول خدا ﷺ آن شب را هم تا به صبح حرکت کرد، و اجازه استراحت نداد، مگر به مقدار نماز صبح. فردای آن روز رسول خدا ﷺ پیاده شد، اصحاب هم پیاده شدند، در حالی که آن قدر خسته بودند که خاک زمین برایشان بهترین رختخواب شد. عبد الله بن ابی نزد رسول خدا ﷺ آمد، و سوگند یاد کرد که من این حرفها را نزده ام، و به وحدانیت خدا و رسالت آن حضرت شهادت داد، و گفت: زید بن ارقم به من دروغ بسته است.

رسول خدا ﷺ عذرش را پذیرفت، آن وقت قبیله خزرج نزد زید بن ارقم رفته شماتش کردند که تو چرا به بزرگ قبیله ما تهمت زدی.

هنگامی که رسول خدا ﷺ از آن منزل حرکت کرد زید با آن جناب بود، و می گفت: بار الها! تو می دانی که من دروغ نگفته ام، و به عبد الله بن ابی تهمت

زدهام چیزی از راه را ترفته بودند که حالت وحی و شبیه بیهوشی به رسول خدا ﷺ دست داد و آن قدر سنگین شد که نزدیک بود شترش زانو بریزد و بخوابد، و خود او عرق از پیشانی مبارکش می چکید، و بعد از آن که به حالت عادی برگشت، گوش زید بن ارقم را گرفته، او را از جایش بلند کرد و فرمود ای پسر سخت راست و دلت فراگیر است، و خدای تعالی قرآنی در ساراهات نازل کرده است و چون به منزل رسیدند و پیاده شدند، سوره منافقین را از او تا جمله ﴿وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾<sup>۱</sup> در آمان خواند، و خدای تعالی عبدالله بن ابی را رسوا ساخت.<sup>۲</sup>

أبان بن عثمان گوید: رسول خدا ﷺ روز و شب و فردایش نیز حرکت کرد تا اینکه خورشید بالا آمده و هوا روشن شد و حصرت توقف فرمودند و مردم نیز به استراحت پرداختند، رسول خدا ﷺ قصد داشتند که با مردم سخن گویند که پسر عبدالله بن ابی نزد آن حضرت آمده و عرض کرد: ای رسول خدا! اگر قصد کشتن پدرم را داری به من امر کن که سرش را در نزد شما حاضر کنم، به خدا سوگند که من نیکوترین فرزند نسبت به پدرم هستم، و اوس و خرج این را می دانند، می ترسم که شما به غیر از من دستور بدهید که او را بکشد و من خوش ندارم که به قاتل عبدالله نگاه کنم، و شخص مومنی را به خاطر پدر کافرم بکشم و داخل در آتش جهنم شوم. رسول خدا ﷺ فرمودند: مادامی که با ما هستی با پدرت مدارا کن و با او رفتاری بیگو داشته باش.<sup>۳</sup>

ابی الحارود گوید که امام باقر علیه السلام درباره معنای آیه ﴿كَانَهُمْ خُشْبٌ

۱ بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۲۸۵، تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۷، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۹۹  
بورالتفلیس، ج ۵، ص ۳۳۱

۲ بورالتفلیس، ج ۵، ص ۲۳۳، تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۸



مُسْنَدُهُ ﴿ می فرمودند: نه می شنوند و نه اندیشه می کنند.

﴿يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ﴾ یعنی هر صدائی را دشمن خود می دانند.  
 ﴿هُمْ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُهُمْ قَالَتْ لَهُمُ اللَّهُ أَنِّي يُؤَفِّكُونَ﴾ هنگامی که خداوند خبر منافقین را برای رسولش بیان کرد و پیامبر زشتی های آنها را برای آنها و اهل قبیله و نزدیکانشان فرمود، آنها به نزد منافقین رفته و گفتند: وای بر شما که رسوا شدید، به نزد پیامبر خدا بروید تا برای شما طلب مغفرت بکند، آنها از روی کبر و غرور سرهایشان را برگرداندند و هیچ رغبتی به استغفار آن حضرت نشان ندادند لذا خداوند می فرماید: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّاْ رُؤُسَهُمْ﴾ و هنگامی که به آنها گفته شود: بیایید تا رسول خدا برای شما طلب مغفرت بکند، سرهایشان را تکان می دهند.<sup>۱</sup>

وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَّ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ  
 لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ (۱۰)  
 وَلَنْ يُؤَخَّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۱)

۱۰- و از آنچه به شما روزی کرده ایم انفاق کنید، قبل از اینکه مرگ یکی از شما فرا برسد و بگوید: پروردگارا، چرا مرا مرگ مرا اندکی به تأخیر نپساختی تا صدقه دهم و از نیکوکاران باشم؟<sup>۱</sup>

۱۱- و خداوند هرگز مرگ کسی را به تأخیر نمی اندازد وقتی که اجلش رسیده باشد، و خداوند بداند چه که می کنید آگاه است.

﴿وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَّ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ﴾ یعنی «أَصَّدَّقَ» یعنی حج بجا بیاورم و

أَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ» یعنی در هنگام مرگ از صالحین خواهم بود پس خداوند آنها را رد کرده و فرمود: «وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» و خداوند هرگز مرگ کسی را به تاخیر نمی اندازد وقتی که اجلش رسیده باشد، و خداوند بدانچه که می کنید آگاه است<sup>۱</sup>

ابو بصیر از امام باقر علیه السلام روایت کرده که در ذیل کلام خدا که فرموده: «وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا» فرموده: نزد خدا کتابها و مقدراتی موقوف و غیر حتمی است، هر کدام را بخواهد عملی می کند، تا شب قدر برسد، در آن شب همه چیزهایی را که تا سال بعد باید رخ دهد نازل می کند، این است معنای آیه «وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا» یعنی وقتی که خدا آن مقدر را در شب قدر نازل کرده باشد، و نویسندگان آسمانها آن را نوشته باشند، و این همان مقدری است که دیگر تاخیر داده نمی شود.<sup>۲</sup>

۱ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۱

۲ بحر الانوار، ج ۴، ص ۱۰۲ و ج ۵، ص ۱۳۹ و ج ۹۴، ص ۱۳؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۲

تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۰۳؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۲۷

# تفسیر سورة تغابن

۶۴ - سورة تغابن در مدینه

نازل شده و دارای ۱۸ آیه

است.

از تفتیک به بزرگده و سدی

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَقْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ يَمَّا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲)

۱- آنچه که در آسمان‌ها است و آنچه که در زمین همه تسبیح‌گوی خداوند هستند، مالکیت و حکومت از برای اوست، حمد و سپاس سیرا برای اوست، و او بر هر چیزی تواناست.

۲- اوست که شما را آفریده که گروهی از شما کافر و گروهی مؤمن هستند، و خداوند به آنچه که انجام می‌دهید بیناست.

﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَقْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ ﴿ فرمود: این آیه مخصوص درباره مؤمنین و کافرین نازل شده است.

حسین بن نعیم صحاف گوید از امام صادق علیه السلام درباره معنای آیه ﴿فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ﴾ سوال کردم، فرمود: خداوند هنگامی که در عالم نر و در صلب آدم از آنها عهد و پیمان گرفت به آنها شناساند که ایمان ولایت

ماست و کفرشان ترک و قبول نکردن ولایت ما می باشد.<sup>۱</sup>

ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكُفُّوا وَتَوَلَّوْا  
وَاسْتَعْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (۶)

۶- این به خاطر آن است که رسولانشان با دلائلی روشن به مردمان می آمدند پس گفتند آیا بشرهایی ما را هدایت می کنند؟ پس کافر شدند و روی گردانیدند، و خداوند (از آنها بی بار بود)، و خداوند بی سار و ستوده است.

علی بن سويد شيعيانی گوید از امام کاظم علیه السلام درباره آیه «ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ» سوال کردم، فرمود: مراد از «ببینات» ائمه علیهم السلام می باشد.<sup>۲</sup>

زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُغْنُوا قُلُوبُنَا وَ زَيْي لَنُغْنُنَّ ثُمَّ لَنَحْنُ بِمَا عَمَلْنَاهُمْ  
وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۷)

فَأَمُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۸)

۷- کافران گمان کردند که هرگز برانگیخته نمی شوند بگو حرا، به پروردگارم سوگند که همه شما برانگیخته می شوید و سپس به آنچه که عمل می کردید آگاهتان می گرداند، و این کار بر خداوند آسان است

۸- پس به خداوند و رسولش و نوری که نازل کرده ایم ایمان بیاورید، و خداوند بدانچه که عمل می کنید آگاه است.

۱ کافی، ج ۱، ص ۴۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۷۱ و ج ۵۷، ص ۲۸۴؛ تفسیر صافی، ج ۷ ص ۲۰۷؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۳۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۶

۲ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۰۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۶؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۴۰

خداوند گفتار مادیون را حکایت کرده و فرمود: ﴿رَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّيُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ۝ قَامُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أُتْرُقْنَا﴾ که مراد از «نور» امیرالمؤمنین علی (ع) است.<sup>۱</sup>

ابو خالد کابلی گوید از امام باقر (ع) در معنای آیه ﴿قَامُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أُتْرُقْنَا﴾ سوال کردم، فرمود: ای ابو خالد نور به خدا سوگند ائمه (ع) از آل محمد (ص) تا روز قیامت هستند، به خدا سوگند ائمه آن نور الهی هستند که خداوند نازل فرموده است، به خدا سوگند ائمه نور الهی در آسمان ها و زمین هستند.

ای ابا خالد نور امام در دل های مؤمنین از نور آفتاب که می تابد روشن تر است، سوگند بخدا امان قلوب مؤمنین را نور افشانی می کند و خداوند می پوشاند نور امامان را از هر کس که بخواهد پس دل آنها تاریک و ظلمانی شود، بخدا قسم ای ابا خالد دوست نمی دارد ما را کسی مگر آنکه خداوند قلب او را پاکیزه گرداند و خداوند دل کسی را پاکیزه نگرداند تا آنکه تسلیم ما ائمه شود و چون تسلیم ما شد خداوند او را از سختی حساب سالم گرداند و از ترس و هول روز قیامت و عذاب جهنم در امان باشد.<sup>۲</sup>

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ وَجْهَهُ لِلدِّينِ أَكْبَرُ ۚ  
عَلَيْكُمْ (۱۱)

۱۱- هیچ مصیبتی (به کسی) نمی رسد مگر به فرمان خدا، و هر کس به

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۰۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۷  
۲. تائیل الآیات الظاهره، ص ۶۷۱؛ کافی، ج ۱، ص ۱۹۴؛ نورالقلوب، ج ۵، ص ۳۴۱؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۰۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۷

خداوند ایمان را وارد قلش را هدایت می‌کند، و خداوند به هر جایی  
دانا است

«وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ» یعنی خداوند در قلش تصدیق می‌کند، پس  
هنگامی که خداوند برای او روشن نمود و هدایت را اختیار کرد بر هدایتش  
می‌افزاید همچنانکه فرمود: «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى»<sup>۱</sup> و کسانی که  
هدایت یافته‌اند بر هدایتشان افزوده می‌شود.<sup>۲</sup>

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن مِّنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوِّكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِن  
تَغْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَتَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۴)  
إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَخْرَ عَظِيمٌ (۱۵)

۱۴- ای کسانی که ایمان آورده‌اید همانا بعضی از همسران و فرزندان  
دشمنان شما هستند، پس از آنها حذر کنید، و اگر عفو کنید و چشم‌پوشی  
نمائید و ببخشید (خداوند میر شما را می‌آمرزد) که خداوند مهربان و  
مهربان است.

۱۵- همانا اموالان و فرزندان وسیله آرمایش شما هستند و برد خداوند  
اجری بزرگ است.

«إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» یعنی دوست داشتن اموال و اولاد فتنه  
است.

ابی الحارود از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت در ذیل آیه «إِن  
مِّنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوِّكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ» فرموده: این آیه راجع به

۱ محمد، آیه ۱۷

۲ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۱۰؛ تفسیر بهران، ج ۸، ص ۲۸



مسلمانانی است که وقتی می‌خواستند از وطن کافر نشین خود به دار هجرت مهاجرت کنند، زن و فرزندشان دست به دامنشان انداخته، از رفتن بارشان می‌داشتند، و می‌گفتند: تو را به خدا سوگند می‌دهیم که از ما دست بردار که بعد از رفتن از بین خواهیم رفت، بعضی از مسلمانان تسلیم خواسته زن و فرزند خود می‌شدند، و در دار الکفر می‌ماندند، و آیه شریفه آنان را از چنین زن و فرزندانی بر حذر داشته، از اطاعت آنان نهی می‌فرماید، بعضی دیگر از مسلمانان تسلیم نمی‌شدند، و راه خدا را پیش گرفته از زن و فرزند دست برد می‌داشتند، و می‌گفتند: به خدا سوگند اگر شما با من هجرت نکنید، و خدای تعالی روزی بین من و شما در دار الهجرة جمع خواهد کرد تا ابد سودی به شما نخواهم رساند و دیگر کاری به کارتان نخواهم داشت، هنگامی که خداوند بین او و آنها جمع کرد و خداوند امر نمود که به آنها وفا و نیکی کند و فرمود: ﴿وَإِنْ تَغْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ و اگر عفو کنید و چشم‌پوشی نمائید و ببخشید (خداوند نیز شما را می‌آورد) که خداوند آمرزنده و مهربان است.<sup>۱</sup>

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرَ الْأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۶)

۱۶- پس با می‌توانید از خداوند بپرهیزید، بشوید و اطاعت کنید و بپای  
نمائید که برای خود شما بهتر است، و کسانی که از بخل و حرص خودشان  
را نکه ندارند همان‌ها رستگاران هستند

۱ بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۸۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۹؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۱۱؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۴۲

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ﴾ با آیه ﴿اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ﴾<sup>۱</sup> نسخ شده است.<sup>۲</sup>  
 ﴿وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ﴾ فرمود: ﴿یوق الشح﴾ یعنی هنگامی که اتفاق در  
 اطاعت خداوند را اختیار کند.

فضل بن اسی قره [ مرة ] گوید امام صادق علیه السلام را دیدم که از او شب تا  
 صبح طواف می کرد و می گفت، بار الها مرا از شر بخل نفسم بگه بدار.  
 عرض کردم، فدایت شوم من امشب از شما به غیر از این دعا را شنیدم  
 فرمود: چه بلایی بالاتر از بخل نفس سراغ داری؟ خدای تعالی می فرماید  
 ﴿وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَلَوْلِيكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ و کسانی که از بخل و حرص  
 خودشان را بگه بدارند همان ها رستگاران هستند.<sup>۳</sup>

۱ آل عمران، آیه ۱۰۲: از خداوند همانطوری که شایسته پرهیزگاری است بپرهیزید

۲ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۰

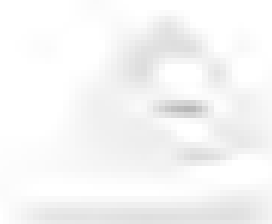
۳ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۳۰؛ بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۰۱؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۰

# تفسیر سورة طلاق

۶۵ - سورة طلاق در مدینه

نازل شده و دارای ۱۲ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ  
وَمَا تَعْلَمُونَ لَأُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بَيْتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِعَاقِبَةٍ مُبَيَّنَةٍ  
وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ  
يُخْبِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا (١)

فَإِذَا تَلَفَتْ أُجْلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا  
ذَوِي عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ  
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا (٢)

وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ  
أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (٣)

وَاللَّاتِي يَنْسَنَ مِنَ الْمُحْضِرِ مِنَ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبَسْتُمْ فَبِعِدَّتِهِنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ  
وَاللَّاتِي لَمْ يَحْضُرْ وَأُولَئِ الْأَحْمَالُ أَجْلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ  
اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا (٤)

۱- ای پیامبر هنگامی که حواستید زن را طلاق دهید، پس در زمان عدّه  
انها را طلاق دهید (یعنی در زمان پاکي از حیض و در آن پاکي هم مردیکی  
نکرده باشد)، و زمان عدّه را بگه دارید، و از حواستید که پروردگار

شماره پیر هیرد، و نه شما آن ریان را (تا در عذّه باشد) از خانه هایشان بیرون کنید و نه آنها از خانه بیرون بروید مگر آنکه کار رشت شکاری مرتکب شوید، که این احکام حدود حداست، و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به تحقیق به خودش ستم کرده است، نمی دانی شاید حدایت بعد از این امر تازه ای بوجود نیاورد (مناشان را اصلاح کند)

۲- پس هنگامی که عذّه آنها تمام شد، آنها را به شایستگی بگه دارید و یا به شایستگی از آنها جدا شوید، و در مورد را بعنوان شاهد عادل از خودتان گواه بگیرید که برای خداوند شهادت بدهد، به ایس پند و اسدر ایمان آورندگان به خداوند و آخرت پند و اسدرر داده می شود، و هر کس ر خداوند پیر هیرد خداوند برای او راه خروجی (از مشکلات) قرار می دهد. ۳- و او را از جایی که گمان می کند روزی می دهد، و هر کس به خداوند توکل کند همان کفایتش می کند، همانا خداوند فرمایش را انجام می دهد، به تحقیق خداوند برای هر چیزی انداره ای قرار داده است

۴- و از ریاشان آنهایی که از حیض دیدن مایوس هستند، اگر درباره آنها شک کنید پس عذّه شان سه ماه است، و بر زمانی که حیض ندیده اند، و عذّه ریان ندارد هنگامی است که بارشان را به رمین بگذارند، و هر کس ر خداوند پیر هیرد، خداوند کار او را برایش آسان می سازد

### احکام طلاق

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلَّوْهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ﴾ فرمود.

خطاب به پیامبر ﷺ است ولی معنایش مردم می باشد.

و آن فرمایش امام صادق علیه السلام است که فرمود: همانا خداوند پیامبرش را

برای تو مبعوث نمود به این عنوان که «دخترم به تو می‌گویم، عروسم تو بشنو».<sup>۱</sup>

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که در معنای آیه ذیل فرمودند: «فَطَلَّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ» که مراد از عده پاکی از حیض است.

«وَ أَحْضُوا الْعِدَّةَ» و آن این است که او را به حال خود و ابگذار تا حیض ببیند، پس هنگامی که حیض دید و سپس پاک شد و غسل نمود بدون اینکه با او نزدیکی نماید طلاقش دهد و شهادتی نیز بر طلاق بگیرد سپس اگر خواست رجوع کند و بر رجوعش نیز شاهد بگیرد، هنگامی که خواست برای بار دوم طلاق دهد پس زمانی که حیض دید و از آن پاک شد و غسل کرد برای بار دوم بدون اینکه مجامعت نماید طلاقش دهد، و شاهد نیز بر آن بگیرد، سپس اگر خواست رجوع کند و بر رجوعش نیز شاهد بگیرد، سپس او را به حال خود و امی‌گذارد تا حیض ببیند و پاک گردد پس هنگامی که غسل کرد برای بار سوم او را طلاق می‌دهد و او قبل از طلاق سوم مالک زن است اگر خواست رجوع می‌کند و اگر خواست رجوع نمی‌کند؛ و همچنین است طلاق سنت که طلاق جاری نمی‌شود مگر بعد از پاک شدن از سه حیض و بدون نزدیکی کردن با زن، که در هر طلاق دامن و رجوع نمودن شاهد بر آن می‌گیرد، که طلاق دوم و سوم نیز چنین است و اگر حامله باشد همان وضع حمل او عده‌اش تمام می‌شود و آن قول الهی است که می‌فرماید: «وَاللَّائِي يَكْسَنُ مِنَ الْمَحِضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبَسْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحْضَنْ» که عده آنها همچنین سه ماه است.

«وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» و عده زنان باردار هنگامی

است که بارشان را به زمین بگذارند.<sup>۱</sup>

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تَخْرُجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ﴾ فرمود: این عمل برای مرد حلال نیست، که زنش را بعد از آنکه طلاق داد- و در مدتی که می‌تواند به او رجوع کند- از خانه جود خارج سازد، و بر خود زن نیز حلال نیست که از خانه شوهرش بیرون رود، مگر آنکه زن گناهی آشکار مرتکب شود که در آن صورت مرد می‌تواند او را بیرون کند.

و کلمه «فاحشه» به معنای آن است که زن نامبرده یا زناکار باشد و یا از خانه شوهر سرقت کند، و یکی هم از مصداق فاحشه زبان درازی زن در شوهر است، که اگر زن طلاق یکی از این اعمال را مرتکب شود، مرد می‌تواند او را از خانه خود بیرون کند.<sup>۲</sup>

﴿لَا تَذَرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا﴾ فرمود: شاید شوهر آن زن او را طلاق دهد و بعد از طلاق به او رجوع نماید.<sup>۳</sup>

﴿فَإِذَا بَلَغَ أَجْلُهُنَّ فَلْيَنْسِكُوهُنَّ بِتَرَوْفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِتَرَوْفٍ﴾ یعنی هنگامی که عده زن تمام شد یا بر او رجوع می‌کند و یا از او جدا می‌شود و طلاقش می‌دهد و بنابر حال خویش او را از مالش بهر مند می‌سازد.<sup>۴</sup>

﴿وَ أَشْهَدُوا ذَوِي عَدْلٍ مِنْكُمْ﴾ عطف بر آیه «إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلَّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَشْهَدُوا ذَوِي عَدْلٍ مِنْكُمْ» است.<sup>۵</sup>

۱ بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۴۸

۲ مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۵۸ بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۸۶ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۱۸

۳ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۹؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۱۹

۴ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۹

۵ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۱۹



﴿وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ﴾ فرمود: زن حامله اگر مطلقه شد، اتمام عده‌اش همان وقتی است که بچه را به دنیا بیاورد، و آنچه در شکم دارد بگذارد، حتی اگر بین طلاق و زائیدنش یک روز فاصله شود، پس بعد از زائیدن و پاک شدن می‌تواند شوهر کند، و همچنین به عکس، اگر بین طلاق و زائیدن نه ماه طول بکشد، عده‌اش نه ماه است، و نمی‌تواند شوهر کند، مگر بعد از وضع حمل.<sup>۱</sup>

محمد بن مسلم گوید از امام صادق علیه السلام درباره معنای آیه ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾ و يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ سؤال کردم، فرمود: در دنیا.<sup>۲</sup>

أَسْكِنُوهُمْ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُحْدِكُمْ وَلَا تَنْصَارُوا لَهُمْ إِنْ طَلَّقُوا عَلَيْكُمْ وَإِنْ كُنْ أُولَاتٍ حُمْلٍ فَأَتِمُّوا عَلَيْهِمْ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأُتِمُّوا بِكُمْ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَإِنْ تَعَاذَرْتُمْ فَسَرِّعْ لَهُ الْآخِرَى (٦)

يُتَّقِ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُتَّقِ اللَّهَ لَعَلَّ يُكْفِ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ تَعْدَ عَشْرَ بَشْرًا (٧)

۶- آنها را در همان جایی که خودتان سکونت دارید و در توانایی شماست ساکن کنید، و بر آنها ضرر نرسانید تا (زندگی را) بر آنها سخت نگیرد، و اگر حامله باشند بر آنها نفقه بدهید تا وضع حمل کند، و اگر فرزند شما را شیر می‌دهد اجرت آنها را بپردازد، و (درباره امور فرزند) در میان خودتان به نیکی مشورت کنید، و اگر با هم به توافق نرسیدید در دیگری را

۱ بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۸۶، نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۶۱، تفسیر برهان، ج ۸، ص ۴۴  
 ۲ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۳، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۹، تفسیر سرمد، ج ۸، ص ۴۲، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۲۰

برای شیر دادن بچه انتخاب کند

۷- کسی که دارای وسعت و فراوانی مال است باید از آنها انفاق کند و بچه را شیرده را بدهد، و کسی که رزقش تنگ باشد از آنچه که خداوند به او داده انفاق کند، خداوند هیچ کسی را جز به مقدار آنکه به او داده بکفایت نمی‌کند، خداوند بزودی بعد از سختی اساسی قرار می‌دهد

﴿إِنْ كُنْ أُولَاتٍ حَمَلٍ فَأَنْقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَاتَّبِعُوا بَيْتَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَغَاسَرْتُمْ فَنَسْتَرْضِعْ لَهُ أُخْرَى ۙ﴾<sup>۱</sup> می‌فرماید: اگر زن راضی بود بچه را شیر می‌دهد، و اگر مرد راضی نبود که بچه در نزد زن بماند می‌گوید: ﴿فَنَسْتَرْضِعْ لَهُ أُخْرَى ۙ﴾ یعنی: «و اگر دیگری را بگیری و بچه را برای شیر دادن بچه انتخاب کنی، کسی که دارای وسعت و فراوانی مال است باید از آنها انفاق کند (نفقه زن شیرده بدهد)، و کسی که رزقش تنگ باشد از آنچه که خداوند به آنها داده انفاق کند»<sup>۱</sup>

﴿أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ﴾ فرمود: زنی که طلاق رجعی گرفته و شوهر حق رجوع داشته باشد مادامی که در عده است حق سکونت و نفقه او با شوهر است و اگر حامله باشد آنقدر نفقه او را می‌دهد تا حملش را به دنیا بیاورد.

امو بصیر گوید امام صادق علیه السلام در معنای آیه ﴿وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ﴾ فرمود: مرد باید بر زنش آنقدر نفقه بدهد که تا او بتواند آبرو و صدانه زندگی کند و الایین آن دو جدائی می‌افتند.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۶

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۵۱۲؛ بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۷۲؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۶۳

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۲۵؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۲

وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ عَثَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَتْهَا جَسَاساً شَدِيداً وَعَذَّتْهَا  
عَذَاباً نَكِراً (۸)

۸- و چه بسیار شهرها و سرزمین‌هایی که مردمان آنها از امر پروردگار و  
رسولانش سرپیچی کردند و ما شدیداً به حساب آنها رسیدگی کردیم، و  
آنها را با عذاب‌های بسیار سخت کیفر نمودیم.

﴿وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ﴾ فرمود: منظور از قریه اهل قریه است.  
﴿عَثَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا﴾ از امر پروردگار سرپیچی کردند.

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَاباً شَدِيداً فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ  
إِلَيْكُمْ ذِكْراً (۱۰)

رَسُولاً يَنْتَلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا  
الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحاً يُدْخِلْهُ  
جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَداً قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ  
لَهُ رِزْقاً (۱۱)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا  
أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً (۱۲)

۱۰- خداوند برای آنها عذاب سخت آماده ساخت، پس ای صاحبان حرد  
که ایمان آورده‌اید از حلا پیر هیرید، به تحقیق خداوند برای (هدایت) شما  
ذکر (قرآن) نازل فرمود.

۱۱- و رسولی به سوی شما فرستاد که آیات روشن الهی را برای شما  
تلاوت می‌کند، تا کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند را ر  
ظلمات و تاریکی‌ها به سوی نور بیرون کند، و هر کس به خداوند ایمان

بیاورد و عمل صالح انجام دهد وارد باغ‌های بهشتی می‌شود که در آن درختانش بهرها جاری است و در آن همیشگی خواهد بود، به تحقیق خداوند روزی نیکویی برای او آماده کرده است

۱۲ - خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید و همانا آن زمین را، همان او تمام میان آنها نازل می‌شود تا بداند که خداوند بر هر چیزی تواناست، و همانا علم خداوند به هر چیزی احاطه دارد

﴿قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا \* رَسُولًا﴾ فرمود: ذکر اسم رسول خدا ﷺ می‌باشد؛ که فرمودند: ما اهل ذکر هستیم.<sup>۱</sup>

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ﴾ دلیل است بر اینکه زیر هر آسمانی زمینی می‌باشد.

﴿لَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ تا بدانید که خداوند بر هر چیزی تواناست، و همانا علم خداوند به هر چیزی احاطه دارد.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۲۶؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۴

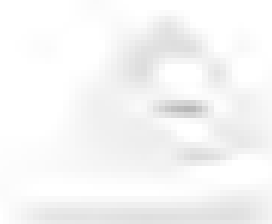
۲. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۵

# تفسیر سورة تحریم

۶۶ - سورة تحریم در مدینه

نازل شده و دارای ۱۲ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَتَغَيَّرُ مَرْضَاتُ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ  
رَحِيمٌ (۱)

قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۲)  
وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلىٰ نَفْصِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَأَتْ بِهِ وَأُظْهِرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ  
نَفْسَهُ وَاعْرَضَ عَنْ نَفْصِ فَلَمَّا نَبَأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَأَنِيَ الْعَلِيمُ  
الْخَبِيرُ (۳)

إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ  
وَجَنَّتَ بِهُمَا وَمَنَاجِلُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةِ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ (۴)  
عَسَىٰ زُيْنَةُ أَنْ يُلَاقِيَنَّكَ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ  
تَاجِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيَّابَاتٍ وَأَنْكَارًا (۵)

۱- ای پیامبر چرا چیزهایی که حلالند بر تو حلال کرده برای حسودی  
همسرانت بر خود حرام می‌کنی؟ و خداوند آمرزنده و مهربان است.  
۲- به تحقیق خداوند راه گشایش مسوگدها را برای شما روشن نموده،  
و خداوند مولای شماست، و او دانا و حکیم است.

۳- و هنگامی که پیامبر بعضی از اسرار خود را به بعضی از زنان خود

فرمود، پس هنگامی که آن را فاش نمود، خداوند پیامبرش را در آن آگاه کرد. گوشه‌ای از آن را به او (همسرش) گفت و از گیس قسسی دیگر خودداری نمود، پس هنگامی که همسرش را از آن آگاه ساخت و گفت چه کسی این را به تو خبر داده است؟ (پیامبر) فرمود: خداوند دانا و آگاه مرا به آن خبر داد.

۴- اگر (شما همسران پیامبر) توبه کنید (به معنای شمامست، چون) دل‌های شما از حق منحرف گشته، و اگر بر علیه او اقدام کنید همانا خداوند پاور اوست و همچنین جبرئیل و مومنان صالح، و فرشتگان بعد از آنها مددگر او هستند.

۵- امید است که اگر پیامبر شما را طلاق داد، خداوند همسرانی بهتر از شما به او قسمت کند، همسرانی که مسلمان، مومن، متواضع، توبه کننده، عابد، هجرت کننده، غیر باکره و باکره هستند.

### راز گفتن پیامبر ﷺ به حفصه

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۖ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ۝﴾  
 ابن سبأ گوید که امام علی (ع) در تفسیر آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ...﴾ فرمودند عایشه و حفصه روزی که رسول خدا ﷺ در خانه ماریه قبطیه بودند از آن مطلع شده و به آن جناب اعتراض کردند، حضرت سوگند خورد که و الله دیگر نزدیک او نمی‌شوم، خدای تعالی در این آیه به آن حضرت امر کرد که کفار سوگندت را بده.<sup>۱</sup>



سبب نزول این آیات آن بود چون پیغمبر در خانه هر یک از زنان تشریف می برد ماریه قبطیه کنیز آن حضرت خدمتش را می نمود روزی پیامبر ﷺ در خانه حفصه دختر عمر تشریف داشت، حفصه برای حاجتی از منزل بیرون رفته بود، پیغمبر به ماریه میل نمود، وقتی حفصه بارگشت و از آن آگاهی یافت خشمگین شد و رو به پیامبر کرد و گفت: ای رسول خدا ﷺ امروز توبت من است و این خانه و فراش به من تعلق دارد رسول خدا حیاء کرد و فرمود: بس است بیش از این مرا آزرده نکن من دیگر به ماریه نزدیک نمی شوم و او را بر خود حرام کردم، سزای بتو می گویم آن را بکسی اظهار نکن و اگر این سزا را اظهار و افشا نمودی لعنت خداوند و فرشتگان و مردم بر تو باد.

عرض کرد: البته آن را اظهار نخواهم کرد، آن سر چیست؟

حضرت فرمود: بدان ابوبکر بعد از من بحور و ستم متصدی خلافت می شود و بعد از او پدرت عمر به ظلم و جور خلافت را غصب می کند.

حفصه سؤال کرد: این را چه کسی به شما گفته است؟

فرمود: خداوند مرا آگاه فرموده است.

حفصه همان روز این را به عایشه دختر ابوبکر خبر داد و عایشه فوراً به پدرش ابوبکر گفت.

ابوبکر نزد عمر رفت و گفت: عایشه از قول حفصه چنین خبری بمن داده ولی من بقول عایشه اطمینان ندارم ای عمر برو از دخترت این خبر را سؤال کن

عمر به نزد حفصه آمد گفت: این چه خبری است که به عایشه گفته ای

حفصه اول انکار کرد ولی پس از اصرار گفت: بلی پیغمبر این سخن را

فرمود.

عمر به او گفت: اگر این خبری که به ما گفتی درست باشد ما بر آن پیشی می‌گیریم.

حفصه گفت: بله! رسول خدا آن را فرمود. پس چهار نفری جمع شدند تا رسول خدا ﷺ را مسموم کنند، که جبرئیل با این سوره نازل شد: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ - تَا - تَحِلَّةً لِّأَيْمَانِكُمْ» یعنی خداوند برای تو مباح نمود که از سوگندت کفاره بدهی.

«وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» \* وَ إِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ \* یعنی چه کسی آن را به تو خبر داد.

«وَ أَظْهَرَهُ اللَّهُ» یعنی خداوند برای پیامبرش اظهار نمود که حفصه آن راز را آشکار و از آنچه که ناراحت و غمگین بود را برای عایشه گفته است.

«عَرَفَ بَغْضَهُ» یعنی پیامبر آن را به حفصه گفته و فرمود: چرا رازی را که برای تو گفتم آن را برای عایشه گفتی؟

«وَ أَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ» فرمود: پیامبر قسمتی از آن راز اشاء شده را برای حفصه گفت و قسمت دیگرش را که از شنیدن آن ناراحت و غمگین می‌شد به او نگفت.

«قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ» \* إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ \* یعنی امیرالمؤمنین علی علیه السلام.

«وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ» یعنی فرشتگان نیز بعد از آن پشتیبان امیرالمؤمنین علی علیه السلام خواهند بود.

سپس خداوند او را مورد خطاب قرار داده و فرمود: «عَسَىٰ رَبُّهُ أَنْ يُلَاقَكَ

أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجاً خَيْراً مِنْكُمْ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَاراً<sup>۱</sup> این آیه تعرض به عایشه است که پیامبر با زن باکره‌ای به غیر از عایشه از دواج نکرده بود.<sup>۱</sup>

ابو بصیر گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که در معنای آیه «إِنْ تَوْبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا - تَا - وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ» فرمود: که «صالح المؤمنین» علی بن ابی طالب علیه السلام است.<sup>۲</sup>

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظُ شِدَادٍ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (۶)  
۶- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده حویث را از آتشی که  
هیزمش انسان‌ها و سنگ‌هاست نگاه دارید، که بر آن دورخ مرشکاس  
حسن و سخت‌گیر مأمور هستند که از حرمان الهی سربلندی نمی‌کند، و  
آنچه که به آن امر شده‌اند را انجام می‌دهند.

ابو بصیر گوید از امام صادق علیه السلام درباره معنای آیه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» سوال کردم که من خودم را از آتش نکه می‌دارم چگونه خانواده‌ام را از آن نکه دارم؟

فرمود: به آنچه خداوند بدان امر نموده امرشان کن و از آنچه خداوند نهی کرده نهی‌شان نما، اگر از تو اطاعت کردند تو آنها را از آتش جهنم نکه داشته‌ای و اگر نافرمانی کردند تو آنچه را که بر عهده تو بود را بجا آورده‌ای.<sup>۳</sup>

۱ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۲۳۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۵۱

۲ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۷؛ شواهد التریل، ج ۲، ص ۲۴۳؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۵۱

۳ بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۷۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۵۵

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم حَتَابٍ نَّخْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاعْزِمْ لَنَا بِكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۸)

۸- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به سوی خداوند توبه کنید، توبه‌ای حائضه، امید است که پروردگارتان گناهانتان را ببخشد، و شما را وارد باغ‌های بهشتی کند که از زیر درختانش بهرها جاری است. روزی که خداوند پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده‌اند را حواری و دلیل سعی‌کنان، و پورشان در روبروی آنها و از سمت راستشان در حرکت است و می‌گردد. پروردگارا نور ما را کامل کن و ما را بامر ز که نور هر چیزی قادر و توانا

هستی

ابو الحسن علیه السلام در معنای آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا» فرمود: بنده توبه می‌کند و دیگر به سوی آن گناه بر نمی‌گردد و همان دوست داشتنی‌ترین بنده خدا در مزد پروردگار، شخص پرهیزگار توبه کننده است<sup>۱</sup>

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه «يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ» فرمود هر کس در آن روز نور داشته باشد نجات می‌یابد و هر مومنی دارای نور است<sup>۲</sup> صالح بن سهل گوید امام صادق علیه السلام درباره معنای آیه «نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ» فرمود: ائمه مؤمنین نور آنهاست که در روز قیامت از

۱ بحار الانوار، ج ۴، ص ۲۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۵۷

۲ بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۵۷

پیش رو و سمت راست آنها حرکت می کنند تا به منزل هایشان وارد شوند<sup>۱</sup>

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَهُمْ جَهَنَّمُ وَنَسِ  
الْمُضِيرَ (۹)

۹- ای پیامبر، با کفار و منافقین جهاد کن و بر آنها سخت بگیر، که جایگاه

آنها جهنم است و چه جایگاه بدی است

امام صادق علیه السلام در معنای آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ»<sup>۲</sup>  
فرمود: آیه اینطور تارل شده است «فجاهد رسول الله صلی الله علیه و آله الکفار و جاهد  
علي عليه السلام المنافقين فجاهد علي عليه السلام جهاد رسول الله صلی الله علیه و آله یعنی رسول  
خدا صلی الله علیه و آله با کفار جهاد کرد و علي عليه السلام با منافقین جهاد کرد پس جهاد علي عليه السلام  
همان جهاد رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد<sup>۳</sup>

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ  
عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِ عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ  
الدَّاخِلِينَ (۱۰)

۱۰- خداوند برای کسانی که کافر شده اند زن نوح و زن لوط را قتل می زند  
که آن دو تحت سرپرستی دو بنده صالح ما بودند پس به آن دو (سده صالح)  
حیات کردند، و این دو بنده نتوانستند آن دو را از عذاب الهی رهایی بخشند  
و به آن دو گفته شد با جهنمیان وارد آتش جهنم شوید

«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا» سپس خداوند درباره آن دو مثلی زده و فرمود

۱ بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۳۰۹، نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۷۵

۲ بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۱۲۶، تفسیر دهاد، ج ۸، ص ۶۰، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۳۸

﴿صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا﴾ به خدا سوگند معنای ﴿فَخَانَتَاهُمَا﴾ حر فاحشه نیست، و حد مر فلان زن اقامه می شود به خاطر اینکه در راهی (بصره) می آمد و فلانی (طلحه) او را دوست می داشت، هنگامی که خواست که به سوی فلان شهر (بصره) برود (طلحه) به آن زن گفت: فلانی جایز نمی داند که با غیر محرم بیرون بروی، پس خودش را به ازدواج فلانی (طلحه) در آورد.<sup>۱</sup>

وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ انِّي عِنْدَكَ نَيِّبًا هِيَ الْحَبَّةُ وَنَجَّيْتُ مِنْ فِرْعَوْنَ وَغَمَلِهِ وَنَجَّيْتُ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۱۱)  
وَمَرْيَمُ ابْنُتُ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَيْتُ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِي وَصَدَقْتُ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُنِيَ وَكَانَتْ مِنَ الْقَائِمِينَ (۱۲)

۱۱- و سر خداوند برای کسانی که ایمان آورده اند زن فرعون را مثل می رسد هنگامی که گفت، پروردگارا برای من در نزد خودت (بهشت) جایی بساز کن و مرا از شر فرعون و عملش نجات ده و مرا از گروه ستمکاران نجات بده

۱۲- و مریم دختر عمران که دامنش را (از آلودگی به گناه) پاک نگاه داشت پس ما از روح خویش بر او دمیدیم، و او کلمات پروردگارش و کتاب او را تصدیق کرد، و از بندگان مطیع خداوند بود

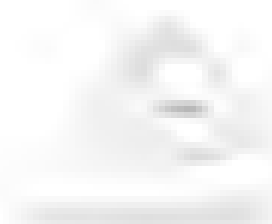
﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ - تآ - وَمَرْيَمُ ابْنُتُ عِمْرَانَ الَّتِي

۱ کلمات داخل پرانتز از کتاب بودالتفلیس ج ۵ ص ۲۷۵ است که از تفسیر قمی نقل کرده است ولی در نسخه تفسیر قمی دارالکتاب نیامده است.

أُخْصِنَتْ فَرْجَهَا ﴿ فرمود: به سوی او نگاه نمی کنند.

﴿فَنَقَحْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا﴾ یعنی روح مخلوق است.

﴿وَكَاَنَتْ مِنَ الْقَائِمِينَ﴾ یعنی از دعوت کنندگان به سوی خداوند بود.<sup>۱</sup>



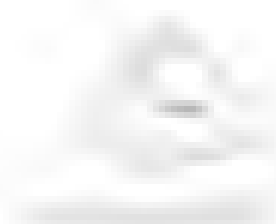


# تفسیر سورة ملک

۶۷ - سورة ملک در مکه

نازل شده و دارای ۳۰ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)  
الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَتْلُوَكُمْ أَفْئَتَكُمْ أَحْسَنُ حَسَبًا وَهُوَ الْغَفُورُ (۲)

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَوتٍ فَاذْجِعِ  
الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ (۳)

۱- بربرکت است خداوندی که حاکمیت ملک هستی به دست قدرت اوست، و او بر هر چیزی تواناست.

۲- خداوندی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیارماید که کدام یک عمل نیکوی انجام می دهد، و او هریر و آمرزیده است

۳- خداوندی که هفت آسمان را در طبقاتی مضطرب آفرید، در آفرینش خداوند رحمان هیچ عیب و نقصی نمی بینی، بار دیگر بنگر آیا هیچ نقص و خللی در آن می بینی؟

﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ \* الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ﴾ فرمود: یعنی حیات و مرگ را مقدر کرد و معنای قدر حیات و سپس مرگ است.

﴿يَتَّبِعُكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ یعنی شما را با امر و نهی امتحان می‌کند تا مشخص شود که کدام از شماها عمل نیکوتری دارد  
 ﴿وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ﴾ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا \* یعنی بعضی‌ها روی بعضی قرار گرفتند.

﴿مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَوتٍ﴾ یعنی از فساد  
 ﴿فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ﴾ یعنی آیا هیچ عیبی می‌بینی؟

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ غَافِياً وَهُوَ خَمِيرٌ (۴)  
 وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُوماً لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ (۵)

۴- سپس بار دیگر بگرد که چشمانت حسنه و سائنوار به سوی تو بر می‌گردد.

۵- و به تحقیق آسمان دنیا را با چراغ‌هایی درخشان زینت داده‌ایم. و آنها را تیرهایی برای شیاطین قرار داده‌ایم، و برای آنها عذاب آتشی در درازان آماده کرده‌ایم.

﴿ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ﴾ فرمود: در ملکوت آسمان‌ها و زمین نگاه کن  
 ﴿يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ غَافِياً وَهُوَ خَمِيرٌ﴾ یعنی کم می‌شود و «هو خسر»  
 یعنی منقطع می‌شود.

﴿وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ﴾ فرمود: مراد از «مصابیح» ستارگان است یعنی آسمان دنیا را با ستارگان زینت داده‌ایم.

إِذَا لَعَنُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ (۷)

تَكَادُ تَمَيَّرُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلْتَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ (۸)

۷- و هنگامی که در آن (جهنم) انداخته می شوند صدای دهشتناکی از آن می شود در حالی که می جوشد.

۸- نزدیک است که جهنم از شدت حشم قطعه قطعه شود، هر گروهی که در آن انداخته می شود نگهبانان جهنم از آنها سؤال می کند: آیا اسرار کسده ای برای شما پیامد؟

«إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقاً» یعنی صدای افتادن در آتش را می شنوند  
 «و هي تَفُورٌ» یعنی می جوشد و بالا می آید  
 «تَكَادُ تَمَيَّرُ مِنَ الْغَيْظِ» یعنی غیظ بر دشمنان خدا.  
 «كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلْتَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ» و آنها ملائکه عذاب هستند که کافران را در آتش جهنم عذاب می کنند.<sup>۱</sup>

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ (۱۰)

فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقاً لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ (۱۱)

۱۰- و می گویند: اگر ما گوش شنوا یا اندیشه می کردیم (امروز) در میان دورخیان نبودیم.

۱۱- پس نه گناهانشان اعتراف می کنند پس اهل آتش جهنم (از رحمت الهی) دور باد.

«لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» فرمود: به تحقیق می شنیدید و اندیشه هم می کردید و لکن اطاعت نمی کردید و قبول نمی نمودید و دلیل بر اینکه می شنیدید و اندیشه هم می کردید ولی قبول نمی کردید آیه

﴿فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾<sup>۱</sup> می باشد.

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ  
النُّشُورُ (۱۵)

۱۵ - اوست خدایی که زمین را برای شما نرم کرد. پس شما در شاهه های

راه بروید و از ررقش بحورید و بازگشت شما به سوی اوست

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا﴾ «ذلول» به معنای فراش است.

﴿فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا﴾ یعنی در اطراف آن<sup>۲</sup>

فَلَمَّا زَاوَاهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ  
تَدْعُونَ (۲۷)

۲۷ - پس هنگامی که (عذاب الهی را) از نزدیک می بیند صورت کافران

رشت و سیاه می شود و به آنها گفته می شود این است همان عذبی که آن را

درخواست می کردید.

﴿فَلَمَّا زَاوَاهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ فرمود. هنگامی که روز قیامت

شود و دشمنان نگاه می کنند که خداوند چه منزلت شریف و بزرگی به

امیرالمومنین علیه السلام عنایت کرده است و در دست او پرچم حمد بوده و در کنار

حوض دوستان را سیراب می کند و دشمنان را از آشامیدن آن منع می نماید

صورت دشمنان امیرالمومنین علیه السلام سیاه می شود، پس به آنها گفته می شود:

﴿هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ﴾ یعنی این است آن شخصی که شماها آرزوی

۱ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۲۴؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۷۲

۲ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۷۴

منزلت و جایگاه و اسمش را که امیرالمومنین است را می‌کردید.<sup>۱</sup>

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ (۳۰)

۳۰- بگو اگر آب‌های شما در زمین فرو رود چه کسی می‌تواند دوباره آن را

روان و گوارا برای شما بدهد آورد؟

﴿أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ﴾ فرمود. آیا هنگامی

که صبح کنید و ببینید که امامتان غائب شده پس چه کسی امامی مانند آن را برای شما می‌آورد.<sup>۲</sup>

فضالة بن ایوب گوید از امام رضا علیه السلام درباره معنای آیه ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ

أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ﴾ سوال کردم، امام علیه السلام فرمود. مراد

از ﴿ماؤکم﴾ ابوابکم یعنی ائمه علیهم السلام هستند و ائمه ابواب خداوند بین او و

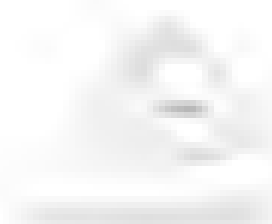
آفریده‌هایش هستند ﴿فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ﴾ یعنی به علم امام علیه السلام.<sup>۳</sup>

۱ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۵۲

۲ نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۸۶؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۵۲

۳ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۰۰؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۸۶؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۵۲

تفسیر برهان، ج ۸، ص ۸۱

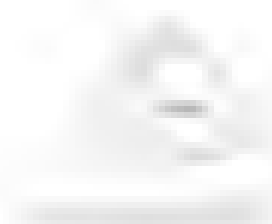




# تفسیر سورة قلم

۶۸ - سورة قلم در مکه نازل

شده و دارای ۵۲ آیه است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (۱)

مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ (۲)

وَإِنْ لَكَ لَأَجْرٌ آخِرٌ مِمَّنْ تُوتُونَ (۳)

۱- ن و سطر کنند به قلم و آنچه می نویسند

۲- که تو به نعمت (لطف و رحمت) پروردگارت دیوانه نیستی

۳- و همانا برای تو پاداشی همیشگی است

### قلم چیست؟

﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ﴿

عبد الرحمن [ عبد الرحیم ] قصید گوید از امام صادق علیه السلام درباره معنای

﴿ن وَالْقَلَمِ﴾ سوال کردم، فرمود: خداوند قلم را از درختی در بهشت به نام

خلد آفرید سپس به نهری در بهشت فرمود مرکب شو پس آن نهر منجمد شد

که از برف سفیدتر و از شهد شیرین تر بود سپس به قلم فرمود بنویس.

قلم گفت: پروردگارا چه بنویسم.

خداوند فرمود: آنچه که هست و آنچه که تا روز قیامت خواهد بود را بنویس

پس آن را در پوستی نوشت که سفیدتر از نقره و صافتر از یاقوت بود سپس آن را پیچید و در رکن عرش گذاشت و سپس بر دهان قلم مهر زد و دیگر سخن نگفت و هرگز نیز سخن نخواهد گفت، و آن کتاب مکنون است که ملائکه از همانجا امورات عالم را استنساخ می‌کنند، آیا شما عرب هستید چگونه معنی کلام را نمی‌دانید، یکی از شما به دیگری می‌گوید از آن کتاب استنساخ کن آیا او از کتابی که اصل نداشته باشد استنساخ می‌کند، پس اصلی هست که از روی آن استنساخ می‌شود و این است معنای قول خداوند که فرمود: ﴿إِنَّ كِتَابَنا نَسْتَنسِخُ مَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ هر آنچه را انجام می‌دادید همه را نوشته‌ایم<sup>۱</sup>

﴿وَمَا يَسْطُرُونَ﴾ یعنی آنچه نوشته می‌شود، که این آیه قسم و جوابش ﴿مَا أَنْتَ بِنِعْمَةٍ رَبِّکَ بِمَجْنُونٍ﴾ می‌باشد.  
﴿إِنَّ لَکَ لَأَخْرَأَ غَیْرَ مَسْنُونٍ﴾ یعنی آن ثواب عظیمی را که به تو عطا کردیم بر تو منت نمی‌گذاریم.<sup>۲</sup>

ابی الجارود روایت می‌کند که امام باقر (علیه السلام) درباره معنای آیه ﴿وَإِنَّکَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِیمٍ﴾ فرمود: یعنی «علی دین عظیم» تو بر دین بزرگی هستی

فَسْتَصِیْرُ وَیَنْصَرُونَ (۵)

بِأَیْکُمْ الْمُتَقِنُونَ (۶)

۵- پس به زودی تو می‌بینی و آنها نیز می‌بینند

۶- که کلام یک از شما معجون است.

۱ بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۲۶۶؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۸۶؛ نورالانفس، ج ۵، ص ۲۸۸

۲ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۸۷

﴿فَسْتَبْصِرُ وَ يُبْصِرُونَ﴾ بِأَيْكُمْ الْمُفْتُونُ﴾ یعنی ﴿بِأَيْكُمْ تَفْتَنُونَ﴾ همچنین درباره بنی امیه نازل شده است. ﴿بِأَيْكُمْ﴾ یعنی حبترو زهر و علی علیه السلام را امام صادق علیه السلام فرمود: روزی فلانی (عمر) امیرالمؤمنین علی علیه السلام را ملاقات کرد و عرض نمود: ای علی آیا شما این آیه ﴿فَسْتَبْصِرُ وَ يُبْصِرُونَ بِأَيْكُمْ الْمُفْتُونُ﴾ را درباره من و رفیقم تلاوت می کنی؟ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: ای ابا فلان آیا به تو خبر ندهم آنچه را که درباره بنی امیه نازل شده که این آیه ﴿وَالشَّجَرَةُ الْمَلْعُونَةُ فِي الْقُرْآنِ﴾<sup>۱</sup> است. گفت: ای علی دروغ می گوئی بنی امیه از تو بهتر هستند و صله رحم را بجا می آورند.<sup>۲</sup>

فَلَا تُطْعِ الْمُكَذِّبِينَ (۸)

وَذُوا لَوْ تَذْمِيهِ فَيُنْهَوْنَ (۹)

وَلَا تُطْعِمْ كُلَّ حَلَّاقٍ مُّهِينٍ (۱۰)

هَمَّازٍ مَّشَاوٍ يَنْبِئُ (۱۱)

مَتَّاعٍ بِالْخَيْرِ مُغْتَدٍ أَنْ يُسَمِّىَ (۱۲)

عُتِّلَ بَعْدَ ذَلِكَ رَأَیْ (۱۳)

۸- پس از تکذیب کنندگان پیروی مکن

۹- آنها دوست دارند که تو (یا آنها) ملذذاتی را آنها سیر با تو ملذذ کنند

۱۰- و تو هرگز از کسی که سیار سوگند می خورد و بیست است پیروی مکن

۱- اسراء، آیه ۶۰؛ و درجعت مطبوعه در قرآن

۲- تفسیر برهان، ج ۸، ص ۹۰؛ نورالتقلین، ج ۵، ص ۳۹۲

۱۱- کسی که اهل عیجوبی است و پیوسته سحرچیی می‌کند.

۱۲- بسیار مانع حیر می‌گردد و متجاوز و گناهکار است.

۱۳- گذشته از آنها کینه‌توز و بی‌اصل و سب است.

«فَلَا تُطْعِ الْمُكَذِّبِينَ» فرمود از کسانی که علی علیه السلام را تکذیب می‌کنند پیروی مکن.

«وَدُّوا لَوْ تَدْرَهُنَّ فَيُدْهِنُونَ» یعنی منافقین دوست دارند که درباره علی علیه السلام غش کنند و با نفاق و پرده پوشی با تو مدارا کنند.

«وَلَا تُطْعِ كُلَّ خَلَاقٍ مَّهْيَبٍ» فرمود مراد از «خلاف» فلاسی است که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله سوگند خورد که آن عهد و پیمانی را که با رسول خدا صلی الله علیه و آله بسته است را نقض نکند.

«هَمَّا زِ مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ» فرمود: یعنی بین رسول خدا صلی الله علیه و آله و میان اصحاب آن حضرت سخن چینی می‌کردند.

«مَنَاعٌ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٌ» فرمود: مراد از «خیر» امیرالمؤمنین علیه السلام است و مراد از «مُعْتَدٍ» یعنی بر آن ظلم و ستم شده است.

«عُتِّلَ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٌ» فرمود: مراد از «عتل» یعنی کسی که کفرش بزرگ است و مراد از «زنیم» یعنی زنازاده.

شاعر گوید:

زنیم تداعاه الرجال تداعیا      كما زيد في عرص الأديم الأكارع  
یعنی، حرام زاده این است که مردان زیادی ادعای فرزندی او را می‌کنند و زیادی مدعیان به اندازه بیابان کراع است.<sup>۱</sup>

إِذْ تُكَلِّمُ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۵)

سَنَسِيحُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ (۱۶)

۱۵- هنگامی که آیات ما بر او حواله می‌شود می‌گوید این سخنان مسخره پیشینیان است.

۱۶- به زودی بر پیک او داغ می‌دهیم

﴿إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا﴾ فرمود: کنایه از فلانی است.

﴿قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾ یعنی تکذیب کنندگان اولین.

﴿سَنَسِيحُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ﴾ فرمود: در زمان رجعت هنگامی که

امیرالمومنین علیه السلام و دشمنان آن حضرت رجعت می‌کنند آنها را داغ می‌کنند همچنانکه بر بینی و لب‌های چهارپایان داغ می‌زنند.<sup>۱</sup>

إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا نَبْلُوهُنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْبَمُوا لِيَصْرِفْنَهَا مَصِيبِينَ (۱۷)

وَلَا يَنْتَقُونَ (۱۸)

فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ (۱۹)

فَأَصْبَحَتْ كَالصُّرْبِ (۲۰)

فَتَنَادَوْا مُصِيبِينَ (۲۱)

أَنْ ائْتِدُوا عَلَيْنَا خَزَائِكُمْ إِنَّكُمْ كُنْتُمْ ضَارِبِينَ (۲۲)

فَانْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ (۲۳)

أَنْ لَا يَدْخُلَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَشْكِبٌ (۲۴)

وَعَدَدُوا عَلَيْنَا خَزْدَ قَادِرِينَ (۲۵)

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَصَّالُونَ (۲۶)

تَلَّ نَحْرُ مَخْرُومٍ (۲۷)

قال أَوْسَطُهُمُ الْمَ أَقْلَ لَكُمْ لَوْ لَا تُسَبِّحُونَ (۲۸)

قَالُوا سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (۲۹)

فَأَقْبَلَ تَعْصُهُمْ عَلَى نَفْسٍ يَتْلَاوُمُونَ (۳۰)

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ (۳۱)

عَسَى رَبَّنَا أَنْ يُبدِلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَى رَبَّنَا مُزِعُونَ (۳۲)

كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْثَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۳۳)

۱۷- ما آنها را آرمودیم همچنان که صاحبان باغ را آرمودیم، هنگامی که سرگند حوردد که میوه‌های باغ را صبح رود بچید (تا صغیران ساحر نگردند).

۱۸- و هیچ اشتاء نکند:

۱۹- پس هنگام شب که هنگامی در خواب بودند عذاب (آتش) باغ آنها را مرا گرفت.

۲۰- پس هنگام صبح آن باغ به خاکستری بدل گشت

۲۱- صبحگاه همدیگر را صدا زدند

۲۲- به سوی باغ حرکت کید اگر می‌خواهید میوه‌ها را بچید

۲۳- پس به سوی باغ حرکت کردند و آرام ما همدیگر حرف می‌زدند

۲۴- مواظب باشید که امروز حتی یک فقیر بر شما وارد بشود

۲۵- و نامدادان به قصد اینکه تهیستان را محروم کند به سوی باغ رفتند

۲۶- پس هنگامی که باغ را دیدند گفتند (این نه باغ ما است) راه را گم کردیم.

۲۷- یا بلکه (باغ ماست و) ما (از آن) محروم شده‌ایم؟



۲۸- عاقلترین آنها گفت: آیا به شما نگفتم که چرا نمیشود حدوته

نمی‌گویند؟

۲۹- گفتند، پاک و سزه است پروردگار ما، که ما از ستمکاران بودیم.

۳۰- پس روبه همدیگر کرده و به ملامت و سرزنش یکدیگر پرداختند.

۳۱- گفتند: ای وای بر ما که از طعنانگران بودیم.

۳۲- امیدواریم که پروردگار ما به جای آن، بهتر از آن را به ما عطا کند. چرا

که ما به پروردگارمان علاقه‌مند هستیم

۳۳- این چنین است عذاب (الهی در دنیا)، و عذاب آخرت از آن سرگشته

است، اگر می‌دانستند.

### گناه از رزق محروم می‌کند

﴿إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا﴾ یعنی سوگند خوردند.

﴿لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ﴾ وَ لَا يَسْتَنْشُونَ ﴿ قَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَهُمْ

نَائِمُونَ ﴾ و سبب آن این بود که روایت شده که شخصی به ابن عباس گفت:

جمعی از همین امت معتقدند اگر بنده خدا گناه کند از رزق محروم می‌شود

ابن عباس گفت: سوگند به آن خدایی که غیر از او معبودی نیست، این

مطلب در کتاب خدا از آفتاب نیم روز روشن‌تر است، و خدا آن را در ضمن

قصه صاحبان باغ در سوره ﴿ن وَالْقَلَمِ﴾ آورده است؛ که پیر مردی باعی

داشت، و هیچ میوه‌ای از آن باغ به خانه‌اش برده نمی‌شد، مگر آنکه حق هر

صاحب حقی را از آن می‌داد بعد از آنکه از دنیا رفته فرزندان آن باغ را به

ارث بردند، و آنان پنج پسر بودند، در همان سالی که پدرشان از دنیا رفت آن

باغ آن قدر حاصل آورد که در هیچ سالی آن طور نیاورده بود، جوانان بعد از

نماز عصر به طرف باغ رفتند، میوه و رزقی بسیار زیاد دیدند که تا آن روز و در حیات پدرشان چنان حاصلی بر آن باغ ندیده بودند.

وقتی حاصل بسیار را دیدند طاغی و یاغی شده به یکدیگر گفتند پدر ما پیر و خرفت شده و عقلش را از دست داده بود، بیایید با هم قرار بگذاریم امسال به احدی از فقرای مسلمین چیزی از این میوه ها ندهیم، تا اموالمان زیاد شود، آن گاه سال های بعد روش پدر را دنبال کنیم، چهار نفر از برادران قبول کردند، و پنجمی ایشان در خشم شد و او همان بود که بعد از سوخته شدن باغ گفت: «أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْ لَا تُسَبِّحُونَ»؛ آیا به شما نگفتم چرا خدای را تسبیح نمی گوئید؟

شخص سوال کننده گفت: ای فرزند عباس! آیا نفر پنجمی از برادران وسطی آنها بود؟

ابن عباس گفت: نه اتفاقاً از حیث سن و سال از همه کوچکتر بود، بلکه منظور از کلمه «أوسط» این است که از همه بهتر و عاقلتر بود، به دلیل اینکه قرآن کریم در باره امت محمد ﷺ که از همه امت ها کوچکتر است به خاطر همین که از همه امت ها بهتر است فرموده: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» و اینچنین شما را امت وسط قرار دادیم.

آن برادر به سایر برادران گفت: از خدا بترسید، و طریقه پدر را پیش نگیرید تا سالم باشید و سود ببرید، برادران بر او خشم کردند، و او را به شدت کتک زدند، وقتی آن برادر یقین کرد که برادران قصد کشتن او را دارند، تسلیم گهتارشان شد، و به اکراه و بدون رضایت درونی رأی آنان را تصویب کرد. از آنجا به خانه های خود برگشته، هم سوگند شدند که هر وقت خواستند

میوه بچینند صبح خیلی زود بچینند، و در این سوگند خود آن شاء الله هم بگفتند، خدای تعالی به خاطر این جرمشان مبتلاشان نمود و بین آنان و آن رزق حائل شد، رزقی که ایام چیدنش بسیار نزدیک بود، مع ذلک حتی یک دانه هم عایدشان نشد، و این داستان را در قرآن کریم آورده فرمود: ﴿إِنَّ بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ وَلَا يَسْتَشُونَ قَطْفَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ﴾ یعنی مثل باغی که درختانش آتش گرفته باشد.

سائل پرسید، ای ابن عباس «صریم» چیست؟

گفت: «صریم» به معنای شب بسیار تاریک است، آن گاه گفت شبی که هیچ نور و روشنائی در آن نباشد.

برادران وقتی صبح برخاستند: ﴿فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ﴾ \* «أَنْ اغْدُوا عَلَيَّ حَرْبَكُمْ» \* ان کنتم صاریمین \* یکدیگر را صدا زدند که زودتر به باغتان بروید، اگر می خواهید بچینید تا کسی با خبر نشده بچینید،

فرمود ﴿فَانْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ﴾ \* برادران به طرف باغ روانه شدند، \* و هم يتخافتون \* و آرام با همدیگر حرف می زدند

سائل پرسید، ای ابن عباس «تخافت» به چه معنا است؟

گفت، آهسته و آرام با یکدیگر سخن می گفتند که کسی صدایشان را نشنود، و سخن آهسته شان این بود که ﴿لَا يَلْحُلْنَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مِسْكِينٌ﴾ \* وَغَدُوا عَلَيَّ حَرْبٌ قَادِرِينَ \* احدی از فقرا نباید داخل باغتان شود، همه فکرشان در پیاده کردن این نقشه بود که چگونه میوه ها را بچینند که هیچ یک از فقرا حبردار نشود، «قادرین» و خاطر جمع بودند که میوه را خواهند چید، و هیچ احتمال نمی دادند که میوه و باغی در کار نباشد، و عذاب خدا و خشم او ایشان

را گرفته باشد

«فَلَمَّا رَأَوْهَا» وقتی دیدند که چه بلایی بر آنان نازل شده

«قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ» بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ\* آری خدای تعالی از آن درق

محرومشان کرد، و این به خاطر گناهی بود که مرتکب شدند و خدا به ایشان ظلم نکرد.

پس برادر کوچک به آنها گفت: «أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْ لَا تُسَبِّحُونَ» قَالُوا سُبْحَانَ

رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا طَالِمِينَ» فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَوْهُمْ\* ابن عباس گفت یعنی

خود را ملامت می کردند که این چه تصمیمی بود که ما گرفتیم. «قَالُوا يَا وَدَّكَ

إِنَّا كُنَّا طَائِفِينَ» عَسَى رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ\* و خداوند

فرمود: «كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْأَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»<sup>۱</sup>

«إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْهَنَةِ» همانا اهل مکه به گرسنگی مبتلا

شدند همچنانکه اهل آن باغ مبتلا شده بودند آن باغی که در ناحیه یمن بود، در

نه میلی صنعا قرار داشت که به آن رضوان می گفتند.

«فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ» پس در حالی که صاحبان باغ

در خواب بودند، عذاب بلایی فراگیر از سوی پروردگار آن باغ را فرا گرفت

«إِنَّا لَضَالُّونَ» فرمود: یعنی ما راه را اشتباه آمده ایم

«لَوْ لَا تُسَبِّحُونَ» چرا استغفار نمی کنید.<sup>۲</sup>

سَلَّمْتُمْ أَنفُسَكُمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ (۴۰)

۴۰ - از آنها پرس کلام یک از آنها چیر را ضمانت می کند؟

۱ بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۰۱، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۶۵، تفسیر برهان، ج ۸، ص ۹۲

۲ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۹۴

﴿سَلِّمُوا إِلَيْهِمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ﴾ «زَعِيم» به معنای کفیل است

يَوْمَ يَكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ (۴۲)  
خَاشِعَةً أَنْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ  
سَالِمُونَ (۴۳)

فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبْ بِهِذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (۴۴)  
۴۲ - روزی که ساق پایشان نمایان گردد و به سجود فراخوانده شوند اما  
نمی‌توانند.

۴۳ - چشمانشان به زیر افتاده، ذلت و خواری آنها را فرا گرفته، و آنها پس  
از این در حالی که سالم بودند به سجود دعوت می‌شدند

۴۴ - پس مرا با کسانی که این سخنان را تکذیب می‌کند و اگرندار، که ما آنها را  
از آنجا که نمی‌دانند به سوی عذاب سخت می‌بریم.

﴿يَوْمَ يَكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ﴾ فرمود: روزی که کشف  
می‌شود از اموری که پنهان و مخفی است و کشف می‌شود از آنچه که از حق  
آر محمد ﷺ غصب کرده‌اند و دعوت به سجود می‌شوند.

فرمود: برای امیرالمؤمنین کشف می‌شود و گردن‌های آنان مانند  
شاخ‌های گاو می‌شود و ﴿فَلَا يَسْتَطِيعُونَ﴾ دیگر نمی‌توانند سجده نمایند و این  
عقوبتی است برای آنان، چون اینان در دنیا اطاعت امر خدا را درباره علی علیه السلام  
نکردند.

﴿وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ﴾ فرمود آنها در دنیا دعوت  
به ولایت علی علیه السلام می‌شدند در حالی که توانائی پذیرش ولایت را داشتند<sup>۱</sup>

«سَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» یعنی هنگامی که بنده‌ای گداهی را مرتکب می‌شود خداوند نعمتش را بر او زیاد می‌کند تا بیشتر در دنیا عرق باشد و خداوند را فراموش نماید این در صورتی است که خداوند برای بنده‌اش شری را بخواهد اگر خداوند برای بنده‌اش خیری را بخواهد بگناه کردن او بر او سخت می‌گیرد و او را در سختی و گرفتاری می‌اندازد تا به جوار آمده و از گناهش توبه نماید.

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْخُوْتِ إِذْ يَدْعُو وَهُوَ  
مَكْظُومٌ (۴۸)

لَوْ لَا أَنْ تَذَرَكَ نِعْمَةً مِنْ رَبِّهِ لَئِدَ بِالْقَارِءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ (۴۹)

۲۸- پس به حکم پروردگارت صبر نما و مانند صاحب ماهی (یونس) مباش که خداوند را با غم و اندوه بخواند

۴۹- که اگر رحمت پروردگارش شامل حال او نمی‌شد، در شکم ماهی بیرون انداخته می‌شد در حالی که از سرزنی شدگان می‌بود

خداوند به پیامبرش ﷺ فرمود: «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْخُوْتِ» یعنی یونس علی‌ه السلام هنگامی که بر امتش نفرین کرد و نفرین او مورد قبول واقع نشد پس او خشمگین بر خدا از میان امتش بیرون رفت ابی الجارود روایت می‌کند که امام باقر علی‌ه السلام در معنای آیه ذیل فرمود «إِذْ يَدْعُو وَهُوَ مَكْظُومٌ» که «مکظوم» به معنای مغموم یعنی آندوه‌ناک است.<sup>۱</sup> «لَوْ لَا أَنْ تَذَرَكَ نِعْمَةً مِنْ رَبِّهِ» فرمود: که مراد از نعمت رحمت خداوند است

﴿لَنُنْزِلَ بِالْعَرَاءِ﴾ فرمود: ﴿عراء﴾ جایی است که سقف نداشته باشد.<sup>۱</sup>

وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ (۵۱)

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۵۲)

۵۱- و نزدیک است کسانی که کافران شده‌اند هنگامی که ذکر (قرآن) را

می‌شنوند با چشم زخم خود تو را از بین ببرند، و می‌گویند او دیوانه است

۵۲- در حالی که آن حر دگری برای عالَمیان بیست

﴿وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ﴾ فرمود:

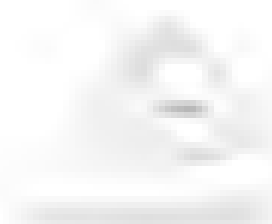
هنگامی که رسول خدا ﷺ به مردم از فضائل امیر المؤمنین علیه السلام خبر داد،

آنها گفتند، او دیوانه شده است پس خداوند سبحان فرمود: ﴿وَمَا هُوَ﴾ یعنی

امیر المؤمنین علیه السلام ﴿إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ مگر تذکری برای جهانیان.<sup>۲</sup>

۱ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۸۰

۲ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۷۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۹۶





# تفسیر سورة الحاقه

۶۹ - سورة الحاقه در مکه

نازل شده و دارای ۵۲ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَاقَّةُ (۱)

مَا الْحَاقَّةُ (۲)

وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ (۳)

كَذَّبْتَ ثُمُودَ وَغَادَ بِالْقَارِعَةِ (۴)

فَأَمَّا ثُمُودُ فَأَمْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ (۵)

وَأَمَّا غَادُ فَأَمْلِكُوا بِرِيحِ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ (۶)

۱- روز قیامت مسلماً واقع خواهد شد.

۲- چه واقع شدنی

۳- و تو چه می دانی که آن روز چه روزی است؟

۴- قوم ثمود و عاد عذاب آن روز را تکذیب کردند

۵- پس اما قوم ثمود با عدایی سرکش هلاک شدند.

۶- و اما قوم عاد به وسیله باد سرد و سرکش به هلاکت رسیدند.

\* الْحَاقَّةُ \* مَا الْحَاقَّةُ \* وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ \* فرمود: هشدارى به نازل

شدن عذاب است و دليل بر آن آیه \* وَخَاقٍ يَالِ قِرْعَوْنَ سُوءِ الْعَذَابِ \*<sup>۱</sup>

می باشد

﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَاعَادَ بِالْقَارِعَةِ﴾ فرمود: به وسیله عذاب آنها را در هم کوبید.  
﴿فَإِذَا ثَمُودُ فَاهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ﴾ \* وَأَمَّا عَادُ فَاهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ یعنی باد

سرد

﴿عَاتِيَةٍ﴾ فرمود: یعنی باد بیشتر از آنچه که به آن امر شده بود از خزینه  
خود بیرون آمد.<sup>۱</sup>

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ  
أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ (۷)

۷- خداوند این باد را بر آنها (قوم عاد) هفت شب و هشت روز پی در پی  
مسلط کرد، آن قوم را می دیدی همچون نه هایی خشک و پوسیده درختان  
زحل بر روی افتاده و هلاک شده بودند

﴿سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا﴾ فرمود: ماه به سبب زحل  
هفت شب و هشت روز حبس شده بود تا اینکه همگی هلاک شدند.<sup>۲</sup>

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ (۹)

۹- و فرعون و کسانی که قبل از او بودند و نیز مردم شهرهای ریز و رو شده  
(قوم لوط) گناهان بزرگی را مرتکب شدند

﴿وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ﴾ که مراد از  
﴿المؤتفكات﴾ یعنی بصره و مراد از ﴿الخاطئة﴾ فلان زن است.<sup>۳</sup>

۱. نور: انفلیس، ج ۵ ص ۴۰۱

۲. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۷۶

۳. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۰۰

فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخَذَةً رَابِيَةً (۱۰)

۱۰- پس فرستاده پروردگارشان را نافرمانی کردند پس خداوند دیر آنها به عذابی سخت گرفتار ساخت.

ابی الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿فَأَخَذَهُمْ أَخَذَةً رَابِيَةً﴾ فرمود: مراد از «الرابیة» یعنی اینکه آن کارهای زشتی که انجام دادند خداوند به عذاب سختی گرفتارشان نمود.<sup>۱</sup>

إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ (۱۱)

۱۱- هنگامی که آب طغیان کرد ما شما را بر کشتی حمل نمودیم.

﴿إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ﴾ یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام و اصحاب آن حضرت.<sup>۲</sup>

وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً (۱۴)

۱۴- و زمین و کوه‌ها را جا برداشته شود و یک باره از هم متلاشی گردند

﴿وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ﴾ فرمود: آن روز اتفاق افتاده و زمین و کوه‌ها بر روی هم می‌ریزند.

وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ (۱۶)

وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ (۱۷)

۱۶- و آسمان از هم می‌شکافت و در آن روز سست شده و فرو می‌برد

۱ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۰۰

۲ نورالتعلیل، ج ۵، ص ۴۰۲

۱۷- و مرشکان بر اطراف آسمان می‌باشند و عرش پروردگارت را در ۸

روز هشت ملک بر بالای سرشان بر می‌دارند.

﴿فَبِهِ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ﴾ که «واهیة» یعنی باطل.<sup>۱</sup>

﴿وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ﴾ فرمود:

حاملان عرش هشت نفر هستند چهار نفر از اولین و چهار نفر هم از آخرین که

چهار نفر از اولین نوح و ابراهیم و موسی و عیسی است و چهار نفر از آخرین

محمد و علی و حسن و حسین علیهم‌السلام می‌باشند.<sup>۲</sup>

معنی ﴿يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ﴾ یعنی علم را حمل می‌کنند که «عرش» به معنای

علم است.

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَذَا مَا آغْرَأْتُ كِتَابِيَّةَ (۱۹)

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَّةَ (۲۰)

فَقَدْ هِيَ عِشَّةٌ زَاهِيَةٌ (۲۱)

۱۹- پس اما کسی که نامه اعمالش را به دست راستش دهد می‌گوید: ای

اهل محشر! بیا بید نامه اعمال مرا بخوانید.

۲۰- من بقیس داشتم که همچون روزی نامه اعمال را حو هم دید

۲۱- پس او در زندگانی رضایت‌مند خواهد بود

﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ﴾

امام صادق علیه‌السلام فرمود: هر امتی را که در زمان امام زمان خود از دنیا رفته

باشد با آن امام محاسبه می‌کنند و ائمه علیهم‌السلام دوستان و دشمنانشان را از

۱- تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۰۳

۲- تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۰۴

سیما و قیافه می شناسند و این است معنای قول خدا: ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ﴾<sup>۱</sup> و اینان ائمه علیهم السلام می باشند ﴿يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيْمَاهُمْ﴾<sup>۲</sup> که سیمای مردم را می شناسند، نامه دوستانشان را به دست راستشان می دهند بدون حساب به بهشت می روند و نامه دشمنانشان را به دست چپ آنها می دهد که بی حساب به سوی آتش می روند، دوستان ائمه هرگاه به نامه اعمال خویش نظر کنند به برادرانشان می گویند: ﴿هَآؤُمْ أَقْرَبُوا كِتَابِيَّةً﴾ \* إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَّةً \* فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ که ﴿راضیه﴾ به معنای ﴿مرضیه﴾ \* است که فاعل در مکان مفعول قرار گرفته است.<sup>۳</sup>

### قُطُوفُهَا ذَاتِيَّةٌ (۲۳)

۲۳- که میوه های آن همیشه در دسترس است.

﴿قُطُوفُهَا ذَاتِيَّةٌ﴾ فرمود: میوه های آن آویزان است بطوری که نشسته و ایستاده از میوه های آن می توانند بخورند.<sup>۴</sup>

وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِئْنِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَّةً (۲۵)

وَلَمْ أَذِرْ مَا حِسَابِيَّةً (۲۶)

يَا لَيْتَنِي كُنْتُ الْقَاضِيَةَ (۲۷)

مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَّةً (۲۸)

۲۵- و اما آن کس که نامه عملش را به دست چپ او دهد (ما شرمندگی)

۱. اعراف، آیه ۳۶؛ و در اعراف مردانی هستند که می شناسند...

۲. اعراف، آیه ۴۶؛ که از چهره شان می شناسند

۳. بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۳۳۹، نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۰۷؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۰۷

۴. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۰۸

می گوید. ای کاش مأمه اعمالم را به من نمی دادند.

۲۶- و من نمی دانستم که حساب اعمالم چیست؟

۲۷- ای کاش می مردم (و چنین روری را نمی دیدم)

۲۸- اموالم مرا بی یار نکرد.

﴿وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ﴾ فرمود: درباره معاویه نازل شده است

﴿فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَّةً \* وَلَمْ أُدْرِ مَا حِسَابِيَّةً \* يَا لَيْتَهَا كَانَتْ

الْقَاضِيَّةُ﴾ که «قاضیه» یعنی مرگ.

﴿مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَّةُ﴾ یعنی مالی که جمع کرده است.

مَلَكٌ عَنِّي سُلْطَانِيَّةُ (۲۹)

خُدوة فَعَلُوهُ (۳۰)

ثُمَّ الْحَجِيمَ صَلَوُهُ (۳۱)

ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ (۳۲)

إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ (۳۳)

وَلَا يَخْصُ عَلَى طَعَامِ الْيَتَامَى (۳۴)

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ (۳۵)

وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينَ (۳۶)

۲۹- قدرت و حشمت همه از دست رفت.

۳۰- (و گفته شود) او را بگیرد و در غل و رجیر کشد

۳۱- سپس او را در دوزخ بیافکند.

۳۲- سپس او را در زنجیری که هفتاد ذراع است ببندد

۳۳- چرا که او به خلاقند بزرگ ایمان نیاورد.



۳۴- و مردم را به اطعام مستعملان تشویق نمی‌کرد.

۳۵- پس امروز برای او در اینجا هیچ یآوری نیست.

۳۶- و نیز هیچ غذایی جز چرک و خون ندارد.

﴿هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَّةٌ﴾ یعنی حجت من از دست رفت پس گفته می‌شود

﴿خُذُوهُ فَغُلُّوهُ﴾ \* ثُمَّ الْبَاحِيمَ صَلُّوهُ \* یعنی در جهنم ساکن شوید.

﴿ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ﴾ فرمود: معنی «سلسله

السبعین ذراع» در باطن همان هفتاد ستمکار می‌باشند.<sup>۱</sup>

﴿إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ﴾ \* وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ \* حقوق آل

محمد ﷺ را که غصب کردند، خداوند فرمود: ﴿فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ﴾

یعنی امروز دیگر خویشی و قرابتی نیست

﴿وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ﴾ فرمود: که عرق کافران است.<sup>۲</sup>

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ (۴۴)

لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ (۴۵)

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (۴۶)

فَمَا يَنْكُمُ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِرِينَ (۴۷)

۴۴- و اگر او (پیامبر) بر ما سخنان دروغی می‌یست،

۴۵- او را با قدرت کامل می‌گرفتیم،

۴۶- سپس رگ قلبش را قطع می‌کردیم،

۴۷- پس هیچ کدام شما نمی‌توانست مانع (آن مجازات) از او شود

۱- نورالتعلیق، ج ۵، ص ۴۰۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۰۸

۲- تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۸۲؛ نورالتعلیق، ج ۵، ص ۴۱۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۱۰

﴿وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ﴾ یعنی اگر رسول خدا ﷺ مر ما دروغ

می بست.

﴿لَا خُذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ﴾ فرمود: با تمام قدرت از او انتقام می گرفتیم  
 ﴿ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ﴾ فرمود: رگی در پشت که بچه از آن بوجود می آید.  
 ﴿فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ﴾ یعنی احدی نمی تواند مانع مجازات  
 خداوند شود و نیز نمی تواند آن را از رسول خدا ﷺ دفع نماید.

وَإِنَّهُ لَخُسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ (۵۰)

وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ (۵۱)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۵۲)

۵۰- و آن باعث حسرت کافران است

۵۱- و این یقین محض است.

۵۲- پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی

﴿وَإِنَّهُ لَخُسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ و إِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام

﴿فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ﴾ پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی.<sup>۱</sup>

عبد الکریم بن عبد الرحیم گوید: من می شناسم که چه در کتاب  
 اصحاب یمین است و کتاب اصحاب شمال، و اما در اول کتاب اصحاب یمین  
 ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ است.<sup>۲</sup>

۱- تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۸۳، توراتین، ج ۵، ص ۴۱۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۱۰

۲، بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۱۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۰۶

# تفسیر سورة معارج

۷۰ - سورة معارج در مکه

نازل شده و دارای ۴۴ آیه

است.

از تفتیک به بزرگده و سدی

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ (۱)

لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ (۲)

مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ (۳)

تَفْرُخُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ (۴)

فَأَصْبَحُوا صَبْرًا خَمَلًا (۵)

۱- سوال کننده‌ای از واقع شدن عذاب‌ها پرسید (که وقوعش حتمی است)؟

۲- این عذاب برای کافران است، و کسی قادر به دفع آن نیست

۳- (آن عذاب) از سوی خداوند دی‌المعارج است

۴- فرشتگان و روح در روزی که مقدارش پندجاه هزار سال است به سوزش

خروج می‌کنند.

۵- پس صبرکن صبری نیکو.

«سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ»

راوی گوید از امام باقر علیه السلام از معنای این آیه سوال شد، فرمود: آتشی است

که از جانب مغرب بیرون می‌آید و آن را ملکی از پشت سر خویش می‌کشد تا

اینکه به خانه‌های بنی سعد بن همام که در مسجد هستند می‌رسد، خانه‌های

بنی امیه و کسانی را که عرصه را بر آل محمد علیهم السلام تنگ نمودند را با اهلش می‌سوزاند، و آن حضرت مهدی علیه السلام است<sup>۱</sup>

و در حدیث دیگری آمده است هنگامی که دو لشکر در جنگ بدر مقابل هم صف کشیدند ابوجهل دست‌هایش را بلند کرده و گفت خداوند! او رحم مرا قطع کرد و چیری آورد که نمی‌شناسیم پس او را به عذاب گرفتار کن، پس خداوند آیه **سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ** را نازل فرمود<sup>۲</sup>

عبد الرحمن بن کثیر از ابوالحسن علیه السلام روایت می‌کند که در معنای آیه **سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ** فرمود: مردی از اوصیا از شأن و منزلت شب قدر سؤال کرد اینکه چه چیز در آن شب الهام می‌شود، فرمود از پیامبر صلی الله علیه و آله از عذاب واقع شده سؤال شد و سپس کافر شد که آن عذاب اتفاق نمی‌افتد، پس هنگامی که اتفاق افتاد **لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ** **مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ** این عذاب برای کافران است، و کسی قادر به دفع آن نیستند (آن عذاب) از سوی خداوند ذی‌المعارج است.

**تَفْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ** یعنی در صبح شب قدر ملائکه و روح از نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و وصی آن حضرت به سوی خداوند بر می‌گردند<sup>۳</sup>  
**فَاصْبِرْ صَبْرًا جَبِيلًا** یعنی در تکذیب کسی می‌گوید آن اتفاق نمی‌افتد صبر جمیل داشته باش.<sup>۴</sup>

**فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ** فرمود: در روز قیامت پسحاه

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۸

۲. بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۲۰۹: تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۸۹: تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۳

بورانقلین، ج ۵، ص ۴۱۲

۳. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۱۳: بورانقلین، ج ۵، ص ۴۱۳: تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۳

۴. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۱۳

موقف است که هر موقف هزار سال طول می کشد.<sup>۱</sup>

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ (۸)

۸- روزی که آسمان چون فلز گداخته می شود

«يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ» فرمود «مهل» به معنای قلع و مس آب شده است، آن روز آسمان نیز اینطور ذوب می شود.

وَلَا يَسْتَلُ حَمِيمٌ حَمِيماً (۱۰)

يُخْصَرُونَهُمْ يَوْمَ الْمُجْرِمِ لَوْ يَفْقَدُ مِنْ عَذَابٍ يَوْمِيذٍ يَتَّبِعُهُ (۱۱)

وَصَاحِبِهِ وَأَخِيهِ (۱۲)

وَفَصِيحَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ (۱۳)

۱۰- و هیچ دوستی از دوست خودش (حالی) نمی پرسد

۱۱- آنها را نشانسان می دهد، مجرم دوست دارد که اگر امکان داشت

فرزندانش خودش را در برابر عذاب او عذاب می کردند (و او را عذاب

رهائی می یافت)

۱۲- و همسرش را و برادرش را،

۱۳- و قبیله اش را که همیشه از او حمایت می کردند

«وَلَا يَسْتَلُ حَمِيمٌ حَمِيماً» یعنی نفع نمی رسانند.<sup>۲</sup>

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام در جمله آیه «يُخْصَرُونَهُمْ»

فرمود، یعنی با اینکه دوستان ایشان را معرفی می کنند که این فلاں رفیق تو

۱. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۱۸

۲. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۱۹

است با این حال احوال یکدیگر را نمی‌پرسند.<sup>۱</sup>

﴿يَوْمَ الْمُجْرِمُ لَوْ يَتَذَكَّرُ مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بَيْتِهِ \* وَضَاجِبَتِهِ وَآخِيهِ \* وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ \* وَآن مَادَرِيْ اَسْتِ كِهْ اَزْ اَنْ بِهْ نَمِيَا اَمْدِهْ اَسْتِ.﴾<sup>۲</sup>

كَلَّا بِئْهَا لَطْفِي (۱۵)

بِرَّاعَةً لِلشَّوْىِ (۱۶)

تَدْعُوا مَنْ أَذْبَرَ وَتَوَلَّى (۱۷)

وَجَمَعَ فَأَوْعَى (۱۸)

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا (۱۹)

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا (۲۰)

وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا (۲۱)

إِلَّا الْمُسْلِمِينَ (۲۲)

الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ (۲۳)

۱۵ - هرگز (چسب) اتفاقی نخواهد افتاد و کسی بجای دیگری عذاب

نمی‌شود، همانا شعله‌های آتش دورح شعله‌ور است.

۱۶ - دست و پا و سر و صورت و پوست را می‌سوزد.

۱۷ - و کسانی که به خلل‌وند پشت کرده را می‌خوانند،

۱۸ - و (نیز) کسانی که مال جمع کرده‌اند.

۱۹ - همانا انسان حریص و بی‌صبر آفریده شده است.

۲۰ - هنگامی که شری به او می‌رسد بی‌تابی می‌کند.

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۰۷

۲. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۱۹



۲۱- و هنگامی که حیری به او می‌رسد احسان نمی‌کند.

۲۲- مگر نماز خوانان.

۲۳- کسانی که بر نمازشان مداومت می‌کنند.

﴿كَلَّا إِنَّهَا لَأُظْفَىٰ﴾ فرمود: آتش جعتم به سوی آنها شعله می‌کشد.

﴿تَزَاوَعَهُ لِّلشَّوَىٰ﴾ فرمود: چشم گناهکاران و کافران او را می‌کند و رویشان

را سیاه می‌کند.

﴿تَدْعُوا مَن أَذْبَرَ وَ تَوَلَّى﴾ یعنی او را به سوی آتش می‌کشد

﴿وَجَمَعَ فَأَوْعَى﴾ یعنی مالی را جمع کرده و دفن نمود و آن را در راه

خداوند انفاق نکرد.

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا﴾ یعنی انسان حریص آفریده شده است.

﴿إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا﴾ فرمود: مراد از «شر» فقر و تنگدستی است.

﴿وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا﴾ فرمود: مراد از «خیر» بی‌نیازی و وسعت است.<sup>۱</sup>

ابی الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام فرمود: سپس نمازگزاران را با

جمله ﴿إِلَّا الْمُصَلِّينَ﴾ استثناء کرد و آنان را به بهترین اعمالشان که همان

مداومت در نماز است ستود و فرمود: ﴿الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ﴾

می‌فرماید: وقتی نمازی مستحبی را بر خود واجب می‌کنند، بر آن مداومت

دارند.<sup>۲</sup>

### لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (۲۵)

۲۵- برای سؤالی کننده و محروم.

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۱۹

۲. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۹۲؛ نورالتنقیح، ج ۴، ص ۴۱۵؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۲۰

﴿اللسائل والمَحْرُوم﴾ فرمود: سائل کسی است که درخواست می‌کند و محروم کسی است که از کار کردن منع شده است.

فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ (۳۶)

عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ عِزِينَ (۳۷)

أَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ (۳۸)

كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ (۳۹)

فَلَا أَقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ (۴۰)

عَلَى أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمُسَوِّقِينَ (۴۱)

۳۶- این کافران را چه شده است که ما عجله به سوی تو می‌ایند؟

۳۷- از راست و چپ، گروه گروه،

۳۸- آیا هر یک از آنها طمع دارد که به بهشت پر نعمت وارد شود؟

۳۹- هرگز (چیس نمی‌شود) ما آنها را از آنچه که می‌دانست آوریده‌ایم

۴۰- سوگند به پروردگار مشرق‌ها و مغرب‌ها که ما قادریم

۴۱- اینکه بجای آنها افراد بهتری قرار می‌دهیم و ما هرگز معصوم

نمی‌شویم.

﴿مُهْطِعِينَ﴾ یعنی ذلیل و فرمانبردار هستند

﴿عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ عِزِينَ﴾ یعنی در اطراف تو نشسته‌گاندند

﴿كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ﴾ فرمود: از نطفه سپس از علقه.

﴿فَلَا أَقْسِمُ﴾ یعنی أقسم، سوگند می‌خورم

﴿بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ﴾ یعنی مشرقهای زمستانی، و مشرقهای

تابستانی، مغربهای زمستانی و مغربهای تابستانی. این آیه قسم است و

حواش «إِنَّا لَنَقَادِرُونَ» \* عَلَى أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ<sup>۱</sup> می باشد.

يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَانَهُمْ إِلَى نُصْبٍ يُوفِضُونَ (۴۳)

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمَ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ (۴۴)

۴۳- روزی که به سرعت از قبرها بیرون آورده می شوند، که گویی به سوی

بتها می شتابند

۴۴- در حالی که چشمهایشان از هول و وحشت قیامت به زیر افتاده و ذلت

و خواری آنها را پوشانده است آن همان روزی است که به آنها وعده داده

می شدند.

«يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا» یعنی از قبر.

«كَانَهُمْ إِلَى نُصْبٍ يُوفِضُونَ» یعنی به طرف دعوت کنندگان می روند و صدا

می زنند.

«تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ» یعنی دچار ذلت می شوند.

«ذَلِكَ الْيَوْمَ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ» آن همان روزی است که به آنها وعده

داده می شدند.<sup>۲</sup>

۱ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۹۵؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۲۲؛ نورالتقلید، ج ۵، ص ۴۲۰

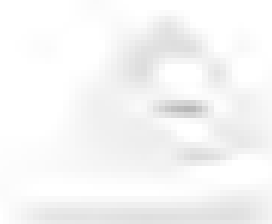
۲ نورالتقلید، ج ۵، ص ۴۲۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۲۵

از تفتیک به بزرگده و سدی

# تفسیر سورة نوح

۷۱ - سورة نوح در مکه نازل

شده و دارای ۲۸ آیه است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (١)

۱- همانا ما نوح را به سوی قومش فرستادیم (و به او گفتیم) قومت را قبل

از اینکه عذاب دردناک به سراغشان بیاید، بترسان.

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

داستان نوح را قبلاً نوشته ایم.

وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْشُوا لِنَافِثِهِمْ

وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا (٧)

۷- و من هر وقت که آنها را دعوت کردم و اینکه توبه آنها را بپذیری،

انگشتانشان را بر گوششان می گذاشتند و لباسشان را بر خود می پیچیدند.

و لحاجت و مخالفت می کردند و تا می توانستند تکبر می ورزیدند.

﴿وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْشُوا لِنَافِثِهِمْ﴾

یعنی به وسیله آن خودشان را می پوشاندند و پنهان می کردند

﴿وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا﴾ یعنی تصمیم گرفته بودند که چیزی را

نشنوند.

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِشْرَارًا (۹)

۹- سپس (آنها را به سوی تو) آشکارا خواندم و در پنهانی نیز خواندم (و بی

هیچ اثری نکرد)

﴿ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِشْرَارًا﴾ یعنی در پنهان و آشکار آنها را

دعوت کردم.<sup>۱</sup>

مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا (۱۳)

وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا (۱۴)

۱۳- شما را چه شده که برای خداوند عظمت و وقاری قائل نیستید؟

۱۴- و به تحقیق شما را به انواع گوناگون بیافرید

ابی الجارود گوید که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا﴾

فرمود: برای خداوند عظمتی که از آن بترسید قائل نیستید<sup>۲</sup>

﴿وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا﴾ یعنی با گوناگونی خواسته‌ها و اراده‌ها و رفتارها

وَاللَّهُ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا (۱۷)

۱۷- و خداوند شما را مانند گیاه از زمین رویانید.

﴿وَاللَّهُ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا﴾ یعنی علی الأرض نباتا . خداوند شما را بر

روی زمین همچون گیاه رویانید . که «مِن» به معنای «علنی» است.

قَالَ نُوحٌ رَّبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَأَنْتَ عَزِيزٌ عَلٰى عَصْيَانِي ۚ وَلَدُّهُ إِلَّا

۱- تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۰۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۲۷

۲- بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۳۲۶ و ج ۶۷، ص ۳۲۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۲۸



خَسَاراً (۲۱)

وَمَكْرُوًا مَّكَرًا كُبَرًا (۲۲)

وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَ

نَسْرًا (۲۳)

وَقَدْ أَصْلَوْا كُثْرًا وَلَا تَرِدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا (۲۴)

۲۱- نوح گفت: پروردگارا ایها مرا مافرمانی کردید و از چیری پیروی کردند

که هر مال و فرزندان آنها چیری جز زیان و خسران بیافزود

۲۲- و مکرو و حيله بزرگی به کار بردند.

۲۳- و گفتند: دست از خدایان خودتان برندارید، خصوصاً دست از

بت‌های «ود» و «سواع» و «یغوث» و «یعوق» و «نسر» بردارید

۲۴- و به تحقیق بسیاری را گمراه کردند، و (خدایاندا) هر ستمکاران جزء

گمراهان میفرای.

«رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا» یعنی از اغنیا

پیروی می‌کردند.

«وَمَكْرُوًا مَّكَرًا كُبَرًا» به معنای کبیراً یعنی بزرگ است<sup>۱</sup>

«وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا»

فرمود: قبل از حضرت نوح علیه السلام گروهی مومن بودند که مردند، مردم از مردن

آنها محزون و غمگین شدند، ابلیس نزد آنها آمده و صورت‌های آنها را برای

مردم درست کرد تا با آن صورت‌ها انس بگیرند، و مردم نیز با آن صورت‌ها

انس و الفت گرفتند تا اینکه زمستان شد آن صورت‌ها (مجسمه‌ها) را داخل

خانه هایشان کردند، بعد از یک قرن ابلیس به نزد مردم آمده و گفت: اینها

خدایانی هستند که پدران شما آنها را می پرستیدند، پس آنها نیز این صورت ها را پرستیدند و مردمان زیادی به خاطر آن صورت ها گمراه شدند تا اینکه نوح علیه السلام بر آنها نفرین کرد و خداوند هلاکشان نمود.<sup>۱</sup>

امی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه «سَبَّحَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا» فرمود: بعضی از آنها فوق بعض دیگر است.

«وَلَا تَذَرْنَّ وُدًّا وَلَا سُوعًا وَلَا يُعُوثَ وَيُعُوقَ» فرمود: «ود» بتی برای کلب و «سوع» برای هذیل و «یعوث» برای مراد و «یعووق» برای همدان و «نسر» برای حصین بود.<sup>۲</sup>

«وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا» یعنی بر ستمکاران عذاب و عقاب را زیاد کن.

إِنَّكَ إِن تَذَرْنَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا (۲۷)

۲۷- اگر تو آنها را به حال خودشان باقی گذاری، ستمگات را گمراه می کنی.

و مرزندی جر فاجر و کافر از آنها به وجود نمی آید.

«إِنَّكَ إِن تَذَرْنَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا» پس خداوند آنها را هلاک نمود.<sup>۳</sup>

صالح بن میثم گوید به امام باقر علیه السلام عرض کردم: نوح علیه السلام از کجا متوجه شد که از آن قوم بچه های فاجر و کافر بدنیا می آیند؟

امام علیه السلام فرمود: آیا قول خداوند را نشنیده ای که به نوح علیه السلام فرمود: «أَنَّهُ

۱ بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۴۸ و ج ۱۱، ص ۳۱۵؛ قصص الانبیاء، جزئی، ص ۷۴؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۰۵؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۲۹

۲ بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۴۸

۳ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۰۵؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۲۳

لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ<sup>۱</sup> جز آنها که ایمان آورده اند دیگر هیچ  
کسی از قوم تو ایمان نمی آورد.<sup>۲</sup>

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا  
تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا (۲۸)

۲۸- پروردگارا من و پدر و مادرم و کسی که با ایمان به خانه ام وارد می شود

و همه مردان و زنان با ایمان را ببامرور برای ستمکاران جر هلاکت میبخش

محمد بن علی حلبی گوید که امام صادق علیه السلام درباره معنای آیه «رَبِّ اغْفِرْ

لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا» فرمود: ولایت که هر کس بر آن وارد شد  
در خانه های پیامبران داخل شده است.

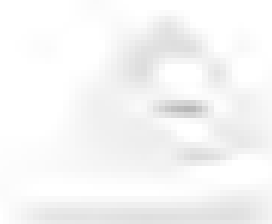
ابی الجارود گوید که امام باقر علیه السلام در معنای آیه «وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا

تَبَارًا» فرمود: بر ستمکاران خسران و زیان را زیاد کن.<sup>۳</sup>

۱ هود، آیه ۲۶

۲ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۱۵؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۲۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۳۳؛  
تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۰۶

۳ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۱۶؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۲۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۳۳؛  
تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۰۶



# تفسیر سورة جن

۷۲ - سورة جن در مکه نازل

شده و دارای ۲۸ آیه است.

از تفتیک بزرگ و سبزی

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أُوْحِي إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا (۱)  
يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُفْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا (۲)  
وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا (۳)  
وَأَنَّهُ كَانَ يَفُولُ سَفِيهًا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا (۴)

۱- بگو به من وحی شده است که گروهی از جیان به سخنانم گوش

دادماند و پس گفته اند: ما قرآن عجیبی شنیدیم

۲- که به سوی رشد هدایت می کرد، پس به آن ایمان آوردیم و هرگز به

پروردگارمان احدی را شریک قرار نمی دهیم.

۳- و همانا بسیار بلند مرتبه است شأن و عظمت پروردگار ما، و او برای

خودش همسر و فرزندی نگرفته است.

۴- و البته سفيه ما به حدی که سخنان ناروا نسبت می داد

ای محمد به قریش بگو: «أُوْحِي إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا

قُرْآنًا عَجَبًا يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ» که داستان آن را در سوره احقاف نوشته ایم.

«وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا» فرمود: آن چیزی بود که

جن گفته بود و خداوند از آنها راضی نمی شود و «جَدُّ» به معنای بخت است

﴿وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا﴾ که «شطط» به معنای ظلم و ستم است.<sup>۱</sup>

امام صادق (علیه السلام) در معنای آیه ﴿وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا﴾ فرمود: چیز دروغی را جن گفته و خداوند همان گفته آنها را نقل فرموده است.<sup>۲</sup>

﴿وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنسِ يَقُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَرَادُوهُمْ رَهَقًا﴾<sup>(۶)</sup>  
 ۶- و همانا مردانی از بشر به مردانی از گروہ جن پناه می بردند و آنها سب گمراهی طغیانگری آنها می افزودند.

زراره گوید از امام باقر (علیه السلام) از معنای آیه ﴿وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنسِ يَقُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَرَادُوهُمْ رَهَقًا﴾ سوال کردم، فرمود: رسم دوره جاهلیت این بود که مردی راه می افتاد تا به نزد کاهن برود، و معتقد بود شیطان به کاهن وحی می کند، و از کاهن می خواست تا به شیطان بگوید علان شخص به تو پناه برده است.<sup>۳</sup>

﴿وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنسِ...﴾ فرمود: جنیان به نزد گروهی از مردم می آمدند و آنها را از اخباری که در آسمان شنیده بودند قبل از تولد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مردم می گفتند، و آن مردم نیز به آنچه جنیان گفته بودند کفایت می کردند.

﴿فَرَادُوهُمْ رَهَقًا﴾ که «رهق» به معنای خسران است.<sup>۴</sup>

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۰۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۳۶  
 ۲. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۹۸؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۱۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۳۶  
 ۳. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۹۸؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۳۶  
 ۴. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۱۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۳۷



- وَأَنَا مِنَ الصَّالِحِينَ وَمَا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرِيقَ قَدَادَا (۱۱)
- وَأَنَا طَرِيقَ أَنْ لَنْ نَعْبُدَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نَعْبُدَهُ هَرَبَا (۱۲)
- وَأَنَا سَمِعْنَا الْهُدَى آمَنَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ سُخْطًا وَلَا رَمَقًا (۱۳)
- وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَمِنَ الْقَاسِطِينَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا (۱۴)
- وَأَنَا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا (۱۵)
- وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً عَذَقًا (۱۶)
- لِنَقِيتَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا (۱۷)
- وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا (۱۸)
- وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا (۱۹)
- قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا (۲۰)
- قُلْ إِنِّي لَا أُمْنِيكَ لَكُمْ صَرًّا وَلَا رَشَدًا (۲۱)
- قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيبَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا (۲۲)
- إِلَّا بِلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ قَبْلَ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَتَدَارُ (۲۳)
- حَتَّى إِذَا زَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْتَفْلِمُونَ مِنْ أَوْعَفِّ نَاصِرًا وَأَقْلَ عَدَدًا (۲۴)
- قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا (۲۵)
- عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُطْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا (۲۶)
- إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا (۲۷)
- لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَخْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا (۲۸)

گروه‌های گوناگونی هستیم.

۱۲- و همانا ما یقین داریم که در روی زمین هرگز نمی‌توانیم بر قدرت خداوند غالب شویم و از زیر قدرت او فرار کنیم.

۱۳- و همانا ما چون سخنان هدایت‌گر (آیات قرآن) را شنیدیم به آن ایمان آوردیم، پس هر کس به پروردگارش ایمان بیاورد پس از هیچ سختی و ستمی نمی‌ترسد.

۱۴- و اینکه گروهی از ما مسلمان و گروهی ستمکارند، پس کسی که اسلام بیاورد راه راست را انتخاب کرده است.

۱۵- و اما ستمکاران هیرم آتش جهنم هستند

۱۶- و اگر آنها بر راه (اسلام و ایمان) استقامت ورزید با آب (سعت) فراوان سیرایشان می‌کنیم.

۱۷- تا به وسیله آن امتحانشان کنیم، و هر کس از یاد پروردگارش غرض کند، او را به علایی بسیار سخت مبتلا می‌سازد.

۱۸- و همانا مساجد مخصوص خداست، پس هیچ کسی را با خداوند محواید

۱۹- و اینکه هنگامی که بنده حلا (محمد ﷺ) برای عبادت قیام می‌کرد و او را می‌خواند گروهی (طایفه جتیا) برای شنیدن آیات قرآن در اطراف او به شدت ازدحام می‌کردند

۲۰- بگو همانا من فقط حلائی خودم را می‌خوانم و هرگز احدی را با او شریک نمی‌کنم.

۲۱- و بگو: من مالک زیان و هدایت شما نیستم.

۲۲- بگو: (اگر من نیز بر خلاف فرمان الهی رفتار کنم) هرگز کسی نمی‌تواند

مرا (دو برابر غضب الهی) پناه دهد، و هرگز پناهگاهی نه غیر از او می یابم  
 ۲۳- تنها وظیفه من ابلاغ کردن و رساندن پیام اوست، و هر کس خداوند و  
 رسولش را نافرمانی کند همانا برای او آتش جهنم است که همیشگی و  
 ابدی در آن می ماند.

۲۴- (انها را رها کن) تا آنچه را که به آنها وعده داده شده را ببیند، و به  
 رودی می دانند که چه کسی یاورش صعب تر و تعدادش کمتر است  
 ۲۵- بگو: من نمی دانم آنچه که به شما وعده داده شده (عذاب الهی)  
 نزدیک است یا پروردگارم مدتی برای آن قرار می دهد.

۲۶- او دانای عیب است و کسی را بر غیب خود آگاه نمی کند  
 ۲۷- مگر کسی را که به رسالت برگزیده است و نخبهانی از پیش رو و  
 پشت سر برای آنها قرار می دهد

۲۸- تا بداند فرستادگانش پیامهای پروردگارشان را ابلاغ کرده اند، و او به  
 آنچه که مرد اوست احاطه دارد، و شمار و تعداد همه چیز را می داند

﴿فَمَنْ يُؤْمِنْ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا﴾ فرمود. «بخس» به معنای  
 نقصان و «رهق» به معنای عذاب است.<sup>۱</sup>

﴿كُنَّا طَرَائِقُ قِدْدًا﴾ یعنی بر مذاهب گوناگون.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت می کند که در معنای آیه ﴿فَمَنْ  
 أَسْلَمَ فَلَوْلِكَ تَحَرُّوا رَشَدًا﴾ فرمود. آنهائی که به ولایت ما اقرار نمودند پس  
 آنها به راه رشد و صواب رو نهادند.<sup>۳</sup>

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۱۳؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۲۷؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۳۷  
 ۲. بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۹۸؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۱۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۳۸؛  
 نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۳۷  
 ۳. تفسیر فرائد کوفی، ص ۵۱۱

\* وَ أَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا \* که مراد معاویه و یاراننش است  
 \* وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا \* که مراد از \* الطریقه \*  
 ولایت علی علیه السلام است

\* لِنُقَرِّبَهُمْ فِيهِ \* تا با شهادت حسین علیه السلام آنها را امتحان و آزمایش کنیم  
 \* فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا \* یعنی با آل محمد احدی را نخوانید و غیر آل  
 محمد را ولی خود نگیرید.

\* وَ أَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ \* یعنی محمد صلی الله علیه و آله آنها را به ولایت علی علیه السلام  
 دعوت می کرد

\* كَذَّبُوا قَرِيشَ يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا \* یعنی بر سر او ریختند و اطرافش را  
 گرفتند

\* قُلْ إِنِّي أَدْعُوا رَبِّي \* فرمود. همانا پروردگارم مرا به آن امر نموده است.  
 \* لَا أَصْلِيكُمْ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا \* اگر از ولایت علی علیه السلام روی برگردانید  
 \* قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ \* اگر به آنچه که خداوند امر نموده آن ر  
 کتمان کنم

\* وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا \* یعنی هرگز جایگاهی غیر از او ندارم.  
 \* إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ \* خداوند به آنچه از ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام به من  
 امر نموده بود را به شما ابلاغ نمودم.

\* وَ مَنْ يَفْضِ اللَّهُ وَ رَسُوْلُهُ \* در ولایت علی علیه السلام \* فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا \* همانا برای او آتش جهنم است که همیشگی او ابدی در آن می ماند  
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود یا علی تو تقسیم کننده آتش هستی، به آتش  
 می گویی. این برای من و این برای تو قریش گفتند: ای محمد! آنچه را که برای  
 ما از امر علی و آتش آماده کرده ای چه وقت اتفاق می افتد پس خداوند این آیه

را نازل فرمود: ﴿حَتَّىٰ إِذَا زَاوَا مَا يُوعَدُونَ﴾ یعنی مرگ و روز قیامت  
 ﴿فَسَيَعْلَمُونَ﴾ یعنی فلانی و فلانی و معاویه و عمرو بن العاص و  
 یاران کینه جو و بدخواه آنها از قریش.

﴿مَنْ أضعفُ ناصراً وَّ أَقلُّ عدداً﴾<sup>۱</sup> گفتند ای محمد این چه وقت اتفاق  
 می افتد، خداوند به محمد ﷺ فرمود: ﴿قُلْ إِنْ أَذْرِي أَقْرَبُ مِمَّا تُوعَدُونَ أَمْ  
 يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمداً﴾ «امده یعنی اجل، مدت

﴿غَالِمُ الْعِيبِ فَلَا يُظْهَرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا﴾ إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ﴾ یعنی  
 علی مرتضی از رسول ﷺ است و رسول خدا ﷺ از اوست.

﴿فَأَنَّهُ يَنْسِلُكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصداً﴾ فرمود: در قلب او علم و در  
 پشت سرش نگهبانی است، که به علی علم را تعلیم می کند و علم را به او  
 می چشاند و خداوند هم به او الهام را تعلیم می کند. و ﴿رصد﴾ تعلیم از  
 پیامبر ﷺ است ﴿لِيَعْلَمَ﴾ پیامبر ﷺ ﴿أَنْ قَدْ ابْتَلَوْا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَ أَحَاطَ﴾  
 علی علیه السلام به آنچه از علم در نزد رسول خدا ﷺ بود آگاه بود.

﴿وَ أَحصى كُلَّ شَيْءٍ عَدداً﴾ از آنچه که بود و از آنچه که خواهد بود، از  
 زمانی که خداوند آدم را خلق نمود تا روز قیامت از فتنه ها یا لرزه یا در زمین  
 فرو رفتن یا قذف یا امتی که بر گذشته هلاک شدند و یا در آینده هلاک خواهند  
 شد، چه تعداد از پیشوایان جائز و ستمکار و یا عادل که به اسم و نسب  
 می شناسد، و چه کسانی به وسیله مرگ های طبیعی از دنیا می روند و یا کشته  
 می شوند، چه تعداد پیشوایان شکست خورده که شکستشان هیچ ضرری به  
 او نمی رساند و چه تعداد امام یاری شده های که یاری کردنشان هیچ نفعی برای

او در پی نداشت.<sup>۱</sup>

این عباس در معنای آیه ﴿وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ﴾ فرمود مراد از ذکر ربه ﴿ولایت علی بن ابی طالب علیّه السلام است.<sup>۲</sup>

﴿فَمَنْ أَسْلَمَ فَلَوْلِيكَ تَحَرَّوْا رَشْدًا﴾ یعنی کسی که حق را طلب کند ﴿وَأَمَّا الْفَاسِقُونَ﴾ قاسط کسی است که مانع از رفتن شود<sup>۳</sup> ﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ مساجد هفتگانه که بر آنها سجده می‌شود عبارتند از: دو کف دست، دو زانو، دو انگشت بزرگ پا و پیشانی.<sup>۴</sup>

امام رضا علیّه السلام فرمود: مساجد همان ائمه علیهم السلام هستند.<sup>۵</sup>

﴿وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ﴾ یعنی رسول خدا ﷺ ﴿يَدْعُوهُ﴾ کنایه از خداوند است.

﴿كَادُوا﴾ یعنی قریش

﴿يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا﴾ یعنی بر او قوی شدند

﴿حَتَّى إِذَا زَاوَا يُوْعَدُونَ﴾ فرمود: قائم و امیرالمؤمنین علیّه السلام در رحمت.

﴿فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا﴾

فرمود: آن فرمایش امیرالمؤمنین علی علیّه السلام به رفر است که فرمود: ای

فرزند صهاک به خدا سوگند اگر آن عهد و پیمانی که با رسول خدا ﷺ بستم

۱ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۸۹، تفسیر فرات کرمی، ص ۵۱۱؛ سور التعلیل، ج ۵، ص ۲۳۸  
تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۴۰

۲ بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۳۹۵ و ج ۳۶، ص ۹۰؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۸۶  
۳ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۴۱

۴ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۳۳؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۳۳

۵ بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۳۱؛ تفسیر صائغ، ج ۷، ص ۲۱۴؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۴۳.  
سور التعلیل، ج ۵، ص ۲۴۰

نمود و در علم الهی رقم نخورده بود که من در دنیا طلب خلافت نکم  
می دانستی که کدام یک از مایارانی ضعیف و تعداد کمی دارد.

فرمود. هنگامی که رسول خدا ﷺ آنچه که در هنگام رجعت واقع خواهد  
شد را به آنها خبر داد، گفتند: این در چه وقت است؛ خداوند فرمود: ای محمد  
به آنها بگو: ﴿إِنْ أَذْرِي أَقْرَبُ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا﴾ من نمی دهم  
آنچه که به شما وعده داده شده (عذاب الهی) نزدیک است یا پروردگارم مدتی  
برای آن قرار می دهد.

﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يَظْهَرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا...﴾ فرمود: خداوند به رسولش خبر  
می دهد از آنچه که از اخبار گذشته و از آنچه که از اخبار آینده حضرت  
قائم ﷺ و رجعت و قیامت را برای اوستی پسندد.<sup>۱</sup>

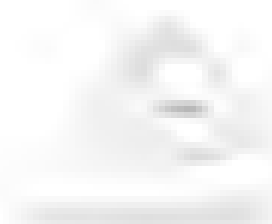
حسین بن زیاد گوید از امام صادق ﷺ شنیدم که در معنای آیه ﴿وَ أَنَا  
لَأَنْذَرِي أَشْرًا أُرِيدُ يَمُنُّ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا﴾ فرمود به خدا  
سوگند خداوند شر را برای مردم اراده نکرد مگر زمانی که با معاویه بیعت  
کردند و حضرت حسن بن علی ﷺ را رها کردند.<sup>۲</sup>

جابر گوید از امام باقر ﷺ شنیدم که در معنای آیه ﴿وَ أَن لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى  
الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾ فرمودند: یعنی کسی که چیزی از شرک شیطان  
از منکرین ولایت در آن جاری شود ﴿عَلَى الطَّرِيقَةِ﴾ یعنی بر ولایت استقامت  
بورزند؛ نسبت به آن عهد و میثاقی که خداوند از فرزندان آدم گرفت (در عالم  
ذر) به آنها آب خوشگوار می آشامانیم.<sup>۳</sup>

۱ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۸، نورالتقلید، ج ۵، ص ۲۴۱؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۴۴

۲ بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۱۶۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۳۷

۳ بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۳۴؛ نورالتقلید، ج ۵، ص ۲۳۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۴۰



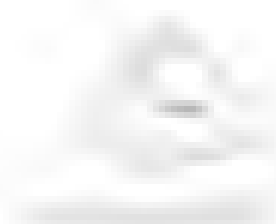


# تفسیر سورة مزمل

۷۳ - سورة مزمل در مکه

نازل شده و دارای ۲۰ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الْمَرْمُلُ (۱)  
 قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا (۲)  
 نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا (۳)  
 أَوْ رَدِّ عَلَيْهِ وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْجِيلاً (۴)  
 إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا (۵)  
 إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا (۶)

۱- ای جامه به خود پیچیده،

۲- شب را به پانحیز جز کمی،

۳- نیمی از شب یا کمی از آن را کم کن،

۴- یا بر آن نصف بجز و قرآن را با تدبیر تلاوت کن،

۵- همانا بروی محسوس سبکین بر تو الفا حوامیم کرد

۶- همانا نماز شب مستحکمترین صادت است

﴿يَا أَيُّهَا الْمَرْمُلُ \* قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا \* نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ﴾ فرمود: او

پیامبر ﷺ بود که خودش را با لباسی پوشانده و خوابیده بود، پس خداوند

فرمود ﴿يَا أَيُّهَا الْمَرْمُلُ \* قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا \* نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا﴾ یعنی

اندکی از نصف.

﴿أَوْزِدْ عَلَيْهِ﴾ یعنی مقداری بر آن قلیل بیفزاید.<sup>۱</sup>

\* وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیلاً ﴿ فرمود: قرآن را با حروفی روشن بیان کن، و آن را مانند ریگ پراکنده مکن، و همچون موی سر به هم نزدیک مگردان و حروف آن را چنان ادا کن که در دلهای سخت جا گیرد.<sup>۲</sup>

﴿إِنَّا سَتْلِفِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا﴾ یعنی قیام شب و آن قول الهی است که فرمود: ﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا﴾ یعنی راست‌ترین قول است.<sup>۳</sup>

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْعًا طَوِيلًا (۷)

وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتَلًا (۸)

۷- همانا برای تو در روز وقت کافی و طولانی است

۸- و اسم پروردگارت را یاد کن و فقط به او علاقه‌مند شو

﴿وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتَلًا﴾ فرمود: بلند کردن دو دست و حرکت نمودن انگشتان سیبانه است.<sup>۴</sup>

ابی الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْعًا طَوِيلًا﴾ فرمود: وقت زیادی برای خواب و برآوردن حاجت است ﴿وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتَلًا﴾ یعنی عملت را برای او خالص کن.<sup>۵</sup>

۱. نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۴۶، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۲۱

۲. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۲۷

۳. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۲۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۴۸

۴. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۸۵؛ بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۳۷؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۲۴؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۴۸

۵. نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۴۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۴۹

وَطَعَاماً ذَا غُصَّةٍ وَعَذَاباً أَلِيماً (۱۳)

يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيباً مَهِيلاً (۱۴)

۱۳- و طعامی گلوگیر، و طغایی دردناک

۱۴- روزی که زمین و کوهها نه لرزه در می آید، و کوهها نه صورت نهایی

ثبی در می آید

﴿وَطَعَاماً ذَا غُصَّةٍ﴾ یعنی قادر نیست که آن را ببلعد.

﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ﴾ یعنی فروروند

﴿وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيباً مَهِيلاً﴾ یعنی مانند ریگ پراکنده می شود.<sup>۱</sup>

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا (۱۷)

۱۷- پس اگر کافر شوید چگونه خود را (از عذاب الهی) نجات می دهید؟

آن روزی که کودکان را (از مول و سحری) پیر می کند

﴿فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا﴾ یعنی اینکه امروز کافر

می شوید چگونه از عذاب روزی که بچه ها را پیر می کند خودتان را نکه

می دارید.

﴿فَكَيْفَ تَتَّقُونَ...﴾ یعنی کودکان از هول ناله ای که می شنوند پیر

می شوند.<sup>۲</sup>

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَبِضْعَةٍ وَتُلْكَ وَطَائِفَةٌ مِنَ

الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَوْ تُخَوِّصُوهُ فَتَاتَ عَلَيْكُمْ

۱. نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۵۱: تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۲۳، تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۵۰

۲. بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۲۸

فَاقْرَؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَ آخَرُونَ بِضُرٍّ  
فِي الْأَرْضِ يَسْتَشْعِرُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ آخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاَقْرَأُوا مَا  
تَيَسَّرَ مِنْهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ مَا  
تَقْدُمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَ اعْظَمُوا أَجْرًا وَ اسْتَغْفِرُوا  
اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۰)

۲۰- همانا پروردگارت می‌داند که تو و کسانی که با تو هستند دو سوم شب یا نصف شب و با یک سوم شب را به پا می‌حیرید، و خداوند شب و روز را اندازه‌گیری می‌کند، او دانست که شما نمی‌توانید آن را اندازه‌گیری کنید پس از شما در گذشت پس تا حدّ توان قرآن بخوانید، او دانست که بروی گروهی از شما مریض می‌شوند و گروهی دیگر برای به دست آوردن فضل الهی به سفر می‌روند و گروهی دیگر نیز در راه خداوند به جهاد می‌پردازد پس باز در حدّ توان قرآن بخوانید، سار به پا دارید، و رکات بپردازید، و به خداوند قرص بیکو بدهید، و آنچه از کارهای خیر برای خودتان پیش می‌رستید آن را برد خداوند به بهترین وجه و بزرگ‌ترین پاداش خود ببخش یافت، و از خداوند طلب مغفرت کنید، همانا که خداوند آمرزنده و مهربان است.

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که در تفسیر آیه ﴿إِنْ رَجَا يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ﴾ فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله این عمل را انجام داد، و مردم را به آن بشارت داد، ولی بر آنان دشوار آمد. ﴿عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ﴾ و خدای تعالی دانست که ضبط یک سوم و نصف، و دو سوم برای مردم دشوار است، یک مسلمان نیمه شب از خواب برمی‌خیزد، در حالی که نمی‌داند چه ساعتی نصف یا دو سوم می‌شود، و چه بسا برای

درک آن ساعت‌های معین تا به صبح بیدار بماند. لذا خدای تعالی این آیه را نازل کرد: ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ - تَا - عَلِيمٌ أَن لَّسْتَ تُخْصَوُهُ﴾ و فرمود: خدا می‌داند که شما نمی‌توانید نصف و ثلث را به دست بیاورید. و لذا این آیه شریفه آن حکم را نسخ کرد.

﴿فَأَقْرُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾ و بدانید که هیچ پیغمبری نیامده مگر اینکه نماز شب را در خلوت می‌خواند، و هیچ پیغمبری این نماز شب را در اول شب بجا نمی‌آورد.<sup>۱</sup>

سماعه گوید از امام علیه السلام در معنای آیه ﴿وَأَقْرِضُوا اللَّهَ فَرْضًا حَسَنًا﴾ سوال کردم، فرمود: آن به غیر از زکات است.<sup>۲</sup>

۱ بحار الانوار، ج ۸۴ ص ۱۳۵  
 ۲ بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۹۴؛ نورالقلین، ج ۵، ص ۴۵۲؛ تفسیر صافی، ج ۷ ص ۳۲۸.  
 تفسیر برهان، ج ۸ ص ۱۵۱

از تفتیک به بزرگده و سدی

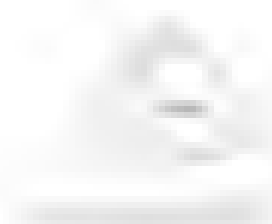


# تفسیر سورة مدثر

۷۴ - سورة مدثر در مکه

نازل شده و دارای ۵۶ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ (۱)

قُمْ فَأَنْذِرْ (۲)

وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ (۳)

وَتِلْكَ فَسَهِّرْ (۴)

وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ (۵)

وَلَا تَمَسُّنَّ نَسْكَكُمُ (۶)

۱- ای جامه خواب بر خود بپوش.

۲- برخیز و انداز کن.

۳- و پروردگارت را به بزرگی یاد کن.

۴- و لباس را پاک گردان.

۵- و از ناپاکی دوری کن.

۶- و مت مگذار و زیاده طلب مباش.

﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ \* قُمْ فَأَنْذِرْ \* وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ \* وَتِلْكَ فَسَهِّرْ﴾ یعنی ای

رسول بیم بده، «مدثر» یعنی لباس به خود بپوش.

﴿قُمْ فَأَنْذِرْ﴾ آن قیام حضرت در هنگام رجعت است که در آن زمان مردم

را انذار می کند

﴿وَيَا بَنِي إِسْرَءِيلَ فَطَهِّرُوا كِبَاسَكُمْ﴾ که تطهیر لباس کردن آن است و فرمود، شیعیان ما پاک هستند.<sup>۱</sup>

﴿وَالرَّجْزَ فَافْجُرْ﴾ که ﴿رجز﴾ یعنی خبیثت و کثیفی<sup>۲</sup>  
﴿وَلَا تَعْنُنْ تَسْتَكْثِرُ﴾

ابی الجارود روایت می کند، هیچ وقت چیزی عطا مکن که چشم داشت بیشتر از آن را داشته باشی.<sup>۳</sup>

فَإِذَا نُفِزَ فِي النَّاقُورِ (۸)

فَذَلِكَ يَوْمٌ عَسِيرٌ (۹)

عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ (۱۰)

ذُرِّي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيداً (۱۱)

وَجَعَلْتُ لَهُ مَالاً مَمْدُوداً (۱۲)

وَتَبَنٍ شُهوداً (۱۳)

وَمَهْدُتٌ لَهُ تَمْهيداً (۱۴)

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَرِيدَ (۱۵)

كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عِيباً (۱۶)

سَازِهُهُ ضَعُوداً (۱۷)

إِنَّهُ فَكَّرَ وَفَدَّرَ (۱۸)

۱. بورالتقی، ج ۵ ص ۴۵۳؛ تفسیر صافی، ج ۷ ص ۳۳۱

۲. تفسیر برهان، ج ۸ ص ۱۵۵؛ تفسیر صافی، ج ۷ ص ۳۳۲

۳. بحار الانوار، ج ۹ ص ۲۴۴ وح ۹۳، ص ۱۲۴؛ نور الثقلین، ج ۵ ص ۴۵۴؛ تفسیر برهان،

ج ۸ ص ۱۵۵؛ تفسیر صافی، ج ۷ ص ۳۳۲

فَقَتِلَ كَيْفَ قَدَرُ (۱۹)

ثُمَّ قَتِلَ كَيْفَ قَدَرُ (۲۰)

ثُمَّ نَطَرَ (۲۱)

ثُمَّ عَسَىٰ وَ يَسَّرُ (۲۲)

ثُمَّ أَذْبَرَ وَ اشْتَكَّرُ (۲۳)

فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ (۲۴)

إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ (۲۵)

سَأُضْلِيهِ سَقَرُ (۲۶)

وَ مَا أَذْرَاكَ مَا سَقَرُ (۲۷)

لَا تُبْهِجْ وَلَا تَنْدُرُ (۲۸)

لَوْ حَقَّ لِلْبَشَرِ (۲۹)

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ (۳۰)

وَ مَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا وِتْنَةً يُلْدُونَ كَفَرُوا  
يَسْتَبْشِرِينَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ يَزْدَادُ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَ لَا يَزْنَاتُ الَّذِينَ  
أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لَيَقُولُ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْكَافِرُونَ مَا دَا  
أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُفَصِّلُ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ مَا يُغْنِمُ  
يُخَوِّذُ رَيْكَ إِلَّا هُوَ وَ مَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ (۳۱)

۸- پس هنگامی که در صور دمیده می شود،

۹- پس آن روز، روز بسیار سختی است،

۱۰- و برای کافران آسایشی نیست،

۱۱- کسی را که خود او را به نهایی آفریده ام به من واگذار،

۱۲- و برای او مال فرلوانی قرار نادم،

- ۱۳- و فریادانی که در نزد او هستند،
- ۱۴- و تمام وسائل زندگی را برای او مهیا نمودم
- ۱۵- سپس طمع دارد که آن را زیاد کنم.
- ۱۶- هرگز (چسب نمی‌شود) چرا که او به آیات ما دشمنی می‌ورزد
- ۱۷- به رودی او رایه بالا رفتن از گردنه عذابی بسیار سخت مجبور می‌کنم
- ۱۸- همانا او اندیشه کرد و آماده نمود.
- ۱۹- پس مرگ بر او باد چگونه اندیشه غلطی کرد
- ۲۰- بار هم مرگ بر او باد که چگونه اندیشه (شیطانی) کرد
- ۲۱- سپس نگاه کرد
- ۲۲- سپس چهره او هم گرد و آلوده آماده شد.
- ۲۳- سپس پشت کرد و تکبر ورزید.
- ۲۴- پس گفت: این (قرآن) سحر و بیان سحرانگیزی همچون سحرهای گذشتگان است.
- ۲۵- این (آیات قرآن) گفتار بشری بیش نیست
- ۲۶- بزودی او را وارد آتش دوزخ می‌کنم
- ۲۷- و آنچه می‌دانی که سقر چیست؟
- ۲۸- به چیری را باقی می‌گذارد و به چیری را رها می‌سازد
- ۲۹- از بین برنده پوست بدن‌هاست.
- ۳۰- بر آن آتش موزده (فرشته عذاب) گمارده شده‌اند
- ۳۱- و ما مأموران دوزخ را فرشتگان (عذاب) قرار دادیم. و بعد از آنها ر
- حر برای فتنه و آزمایش کافران قرار دادیم تا کسانی که به آنها کثابت داده

شده نصیب کنند و بر ایمان مومنان بیفزاید، کسانی که به آنها کتب داده شده و ایمان آوردند شک نکنند، و کسانی که در قلب‌هایشان مرصی هست و کافران بگویند خداوند از این توصیف کردن چه منظوری دارد؟ بسچین خداوند کسی را که بخواهد گمراه می‌کند و کسی را که می‌خواهد هدایت می‌کند، و لشکریان پروردگار را جبر خداوند نمی‌داند، و این تذکری جر برای بشر نیست.

### رنگ به رنگ شدن کافران از شنیدن آیات قرآن ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي النُّاقُورِ - تَا - دُزْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيداً﴾

این آیات درباره ولید بن مغیره که پیر مردی مجرب از هوشمندان زیرکان عرب بود نازل شد، وی یکی از کسانی بود که رسول خدا ﷺ را استهزاء می‌کرد.

رسول خدا ﷺ در حجر اسماعیل می‌نشست و قرآن می‌خواند، روزی قمریش که دور ولید بن مغیره جمع شده بودند از او پرسیدند: ای ابو عبد الشمس این چیست که محمد ﷺ می‌گوید؟ آیا شعر است یا کهانت، و یا خطابه؟

گفت: بگذارید نزدیکش شوم و کلامش را بشنوم پس نزد آن حناب رفت و گفت: ای محمد از اشعاری که سروده‌ای برایم بخوان.

حضرت ﷺ فرمود: آنچه می‌خوانم شعر نیست، بلکه کلامی از خداوند متعال است، که آن را برای ملائکه و انبیا و رسولان خود پسنجیده است ولید گفت: مقداری از آن را برایم تلاوت کن.

رسول خدا ﷺ سوره ﴿حم سجده﴾ را خواند، وقتی رسید به آیه شریفه

﴿فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثُودَ﴾<sup>۱</sup> لرره بر اسدام ولید افتاد و موی بدنش راست شد، و بدون اینکه برای قریش خبر سرد که چه شد، مستقیماً به خانه خود رفت.

قریش نزد ابوجهل رفته گفتند: ای ابو حکم، ابو عبد الشمس از دین خود بیرون شد و به دین محمد گروید مگر نمی بینی که از آن زمان که به نزد محمد صلی الله علیه و آله رفت دیگر نزد ما برنگشت. روزی صبح ابو جهل نزد ولید رفت و گفت: ای عمو تو ما را سرافکنده و رسوا کردی، و زبان شحاتت دشمن را بر سر ما دراز کردی، و به دین محمد گرویدی.

ولید گفت: من به دین او نگرویده‌ام و لیکس از او کلامی شنیدم که از سنگینی و دشواری پوست بر بدن جمع می‌شود.

ابو جهل گفت: حال بگو ببینم آیا کلام او خطابه نبود؟

گفت: نه، برای اینکه خطابه کلامی متصل و پیوسته است، و کلام او بند بند است، آن هم بند بندگی که بندهایش شباهتی به هم ندارند.

ابو جهل پرسید: آیا شعر است؟

گفت: نه، شعر هم نیست، برای اینکه تو خود آگاهی که من همه اقسام اشعار عرب را شنیده‌ام، بسیطش و مدیدش و رجزش را، و کلام محمد به هیچ وجه نمی‌تواند شعر باشد.

ابو جهل پرسید: پس چیست؟

ولید گفت: باید به من مهلت بدهی درباره‌اش فکر کنم

مردای آن روز قریش به ولید گفتند: ای ابو عبد الشمس، نظرت در باره

۱. قصت، آیه ۱۳: پس اگر اعراض کند به آنها بگو من شما را از صاعقه‌ی مانند صاعقه‌ی عاد و ثمود ترسانیدم.



سؤال ما چه شد؟

گفت شما بگوئید کلام محمد ﷺ سحر است، برای اینکه دل انسان را مسخر می‌کند، لذا خدای تعالی درباره وی فرمود: ﴿ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيداً﴾ و اگر او را وحید خواند، برای آن بود که او به قریش گفته بود پوشش خانه کعبه یک سال به عهده من به تنهایی است، و یک سال به عهده همه شما، چون او مال بسیار و باغهای زیادی داشت، و دوازده پسر در مکه داشت، و دارای ده برده بود، که نزد هر یک از آنها هزار دینار مال التجاره بود، و قنطار آن روز هم همین هزار دینار بود. می‌گویند: «قنطار» عبارت بود از پوست گاوی که مملو از طلا باشد.

پس خداوند نازل فرمود: ﴿ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ - تا - صَعُوداً﴾ در جهنم کوهی است که آن را صعود می‌گویند.<sup>۱</sup>

﴿ثُمَّ نَظَرَ﴾ «ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ» یعنی رویش را ترش کرد و «بسر» یعنی اخم کرد.

﴿ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ - تا - مَا سَقَرُ﴾ که «سقر» وادی در آتش جهنم است

﴿لَا تُبْعِي وَلَا تَذَرُ﴾ یعنی آتشی است که نه چیزی را باقی می‌گذارد و نه از چیزی می‌گذرد.

﴿لَوْاحَةٌ لِّلْبَاسِرِ﴾ «عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ» بر او گرم شده و او را می‌سوراند. ﴿عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ﴾ ملائکه آنها را عذاب می‌کنند و آن قول الهی است که فرمود. ﴿وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً﴾ و آنها ملائکه در آتش هستند که گناهکاران را عذاب می‌کنند.

﴿وَمَا جَعَلْنَا عَذَّتَهُمُ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا﴾ برای هر مردی نوزده ملائکه است که او را عذاب می‌کنند.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام در معنای آیه ﴿وَذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَجِيداً﴾ فرمود وحید یعنی ولد الزنا است که منظور زفر باشد.<sup>۲</sup>

﴿وَجَعَلْتُ لَهُ مَالاً مَمْدُوداً﴾ یعنی اجلی را تا مدت مشخص شده برای او قرار دادم.

﴿وَبَيِّنَ شُهُوداً﴾ اصحابی که شهادت دادند ارث نمی‌گدارد  
﴿وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيداً﴾ آنچه را که برای او آماده کرده بودم ملک او قرار دادم.

﴿ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ﴾ کلاً اینكه كان لا ياتينا عنيذاً یعنی ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را منکر می‌شدند به خاطر اینکه با رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره ولایت آن حضرت دشمنی می‌کردند.

﴿سَأَزِيدُهُ صَعُوداً﴾ اینكه فُكِّرَ وَقَدَّرَ که «فکر» یعنی درباره ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام که به آن امر شده بود فکر کرد، و «قَدَّرَ» یعنی اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله از این عالم رحلت کرد تسلیم آن بیعتی که با امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله کردن بود نشود.

﴿فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَرٌ﴾ ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَرٌ عذاب بر روی عذاب، حصرت قائم علیه السلام او را عذاب می‌کند.

﴿ثُمَّ نَظَرَ﴾ به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام

﴿عَسَ وَبَسَرَ﴾ از آنچه به آن امر شده بود.<sup>۳</sup>

۱ بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۹۴، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۳۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۵۷

۲ بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۱۶۸

۳ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۳۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۵۸؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۵۴

﴿ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ۖ فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ﴾ زفر گفت که پیامبر ﷺ

مردم را به وسیله علی علیه السلام سحر کرده است.

﴿إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ﴾ یعنی آن وحی از جانب خداوند نیست.

﴿سَأُصْلِيهِ سَقَرَ﴾ تا آخر درباره زفر نازل شده است.<sup>۱</sup>

إِنَّمَا لِإِخْدَى الْكَبِيرِ (۳۵)

نَذِيرًا لِلْبَشَرِ (۳۶)

۳۵- که این یکی از بزرگترین آیات خلعت

۳۶- پند و اندرز برای انسان‌هاست.

امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿إِنَّمَا لِإِخْدَى الْكَبِيرِ ۖ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ﴾ فرمود:

یعنی فاطمه علیها السلام.<sup>۲</sup>

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنٌ (۳۸)

إِلَّا أَصْحَابَ الْبَيْتِ (۳۹)

فِي جَنَابٍ يُشَاقُّوْنَ (۴۰)

عَنِ الْمُجْرِمِيْنَ (۴۱)

مَا سَكَكُمْ فِي سَقَرٍ (۴۲)

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّيْنَ (۴۳)

وَلَمْ نَكُ نَطْعُمُ الْمَسْكِيْنَ (۴۴)

وَكُنَّا نَحْوُ مَعَ الْخَائِضِيْنَ (۴۵)

۱. نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۵۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۶۲

۲. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۳۱ و ج ۴۳، ص ۲۳؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۵۸؛ تفسیر برهان،

ج ۸، ص ۱۵۹

وَكَانَ يَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ (۴۶)

حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ (۴۷)

فَمَا تَنْفَعُهُمْ شِيعَةُ الشَّافِعِينَ (۴۸)

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُغْرِصِينَ (۴۹)

كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنَفَرَةٌ (۵۰)

فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ (۵۱)

۳۸- هر نفسی در گرو عمل خود است.

۳۹- مگر اصحاب یمین.

۴۰- در باغهای بهشت، سوال می‌کند.

۴۱- از مجرمان. | ۹۳

۴۲- چه چیز شما را در دوزخ افکند؟

۴۳- می‌گویند: از نمارگزاران نبودیم.

۴۴- و مستملدان را اطعام نمی‌کردیم.

۴۵- و با اهل باطل رفت و آمد داشتیم.

۴۶- و ما روز قیامت را تکذیب می‌کردیم.

۴۷- تا اینکه مرگ ما فرا رسید.

۴۸- پس شیعای شفاعت کنندگان به حال آنها معنی نمی‌رساند.

۴۹- پس چرا از تذکر شدن آن روز اعراض می‌کند؟

۵۰- گویی گورخران رمیده‌ای هستید.

۵۱- که از شیر درنده می‌گیرید.

﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ ۖ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ﴾ مراد از یمین

امیرالمؤمنین (علیه السلام) و مراد از اصحاب شیعیان آن حضرت می‌باشند که به

دشمنان آل محمد ﷺ می گویند: ﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ﴾ چه چیز شما را در دوزخ افکند؟

انها می گویند: ﴿لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ﴾ یعنی از پیروان ائمه علیهم السلام نبودیم  
 ﴿وَلَمْ نَكُ نَطْعُمُ الْمَسْكِينِ﴾ حقوق آل محمد ﷺ از خمس برای ذوی قریبی و یتامی و مساکین و ابن السبیل که آنها از آل محمد ﷺ هستند  
 ﴿وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ﴾ و كُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ یعنی روز مجازات.

﴿حَتَّىٰ أَتَانَا الْيَقِينُ﴾ که یقین یعنی مرگ.  
 ﴿فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ﴾ اگر هر ملک مقرب و نبی مرسلی درباره ناصب آل محمد ﷺ شفاعت کنند شفاعتشان مورد قبول واقع نمی شود، سپس فرمود: ﴿فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ مُعْرِضِينَ﴾ از آنچه از موالات و دوستی امیر المؤمنین علیه السلام برای آنها گفته می شود.  
 ﴿كَانَتْهُمْ حُمْرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ﴾ فرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ که «قسوره» یعنی شیر.

بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ صُحُفًا مُّثْقَلَةً (۵۲)

۵۲- بلکه هر یک از آنها می خواهند که نامه ای خداگاه سرایش فرستاده

شود

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام در تفسیر جمله ﴿بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ صُحُفًا مُّثْقَلَةً﴾ فرمود: شان نزول این آیه آن بود که مردم به رسول خدا ﷺ گفته بودند: ای محمد به ما چنین رسیده که در بنی اسرائیل هر کس مرتکب گناهی می شد صبح، گناه و کفاره گناه خود را در نوشته ای

پهلوی سرش می دید

جبرئیل به رسول خدا ﷺ نازل شد، و گفت: قوم تو سست جاریه در بنی اسرائیل در باره گناهان را خواستند، اگر بخواهند ما با ایشان نیز همان رفتار را می کنیم، و آنان را به همان عذابهایی که بنی اسرائیل را گرفتیم می گیریم، و مردم حس کردند رسول خدا ﷺ دوست ندارد که چنین سستی در میان امتش جریان یابد.<sup>۱</sup>

وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ (۵۶)

۵۶- و هیچ کسی یاد نمی گیرد مگر آنکه خداوند بخواند، او اهل تقوا و

اهل آمرزش است

﴿هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ﴾ یعنی خدا اهلیت آن را دارد که از او پروا کنند و اهلیت آن را دارد که ببامرزد.<sup>۲</sup>

۱ بحر الانوار، ج ۹، ص ۲۴۶، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۶۱، تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۶۳.

۲ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۶۰.

۲ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۶۰.

# تفسیر سورة قیامت

۷۵ - سورة قیامت در مکه

نازل شده و دارای ۴۰ آیه

است.





## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ (۱)

وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ (۲)

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ (۳)

بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ (۴)

بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَانَهُ (۵)

يَسْأَلُ أَتَىٰ أَنْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۶)

فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ (۷)

۱- سوگند به روز قیامت.

۲- سوگند به نفس ملامتگر.

۳- آیا انسان می‌پندارد که ما هرگز استخوانهای او را جمع نمی‌کنیم؟

۴- آری ما قادریم که حتی سرائکشان او را بر منظم و موزون درست کنیم.

۵- بلکه انسان می‌خواهد تمام عمرش را به هجور بگذراند.

۶- (لذا) می‌پرسد قیامت چه وقت خواهد بود؟

۷- (بگو) هنگامی که برق چشم‌ها (از شدت وحشت و هول) حیره نماید.

﴿لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ یعنی به روز قیامت سوگند می‌خورم.

\* وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ \* نفسِ لواامه، نفسِ آدمی است که نافرمانی کرده و خدای عز و حل ملامتش فرموده است.

\* أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ \* بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ \* اگر خداوند می‌خواست اطراف انگشتان را مورون و منظم درست می‌کرد  
 ﴿بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ﴾ گناه را جلو می‌اندازد و توبه را به تاخیر و می‌گوید: به زودی توبه می‌کنم.<sup>۱</sup>

﴿يَسْتَأْذِنُ أَتَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ یعنی چه وقت می‌باشد  
 ﴿فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ﴾ چشم برقی می‌زند و دیگر نمی‌تواند در حدقه بگردد

كَلَّا لَا وَزَرَ (۱۱)

۱۱- هرگز (چنین نیست) فرار و پناهگاهی ندارد

\* كَلَّا لَا وَزَرَ \* یعنی پناهگاهی ندارد

يُسْأَلُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ (۱۳)

نَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ نَصِيبَهُ (۱۴)

وَلَوْ أَلْقَىٰ مُعَازِرَهُ (۱۵)

۱۳- آن روز انسان را به اعمالی که پیش و پس هرسانده آگاه می‌کند

۱۴- بلکه انسان بر خویشش آگاه است.

۱۵- اگر چه (برای رهایی) عذرهایی بیاورد

﴿يُسْأَلُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ﴾ آنچه از گذشته و آینده است خبر

می‌دهد.

﴿بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ۚ وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ﴾ یعنی می‌داند که چه کار کرده است اگر چه عذر و بهانه بیاورد.<sup>۱</sup>

ابی الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ﴾ فرمود: به آنچه از خیر و شر که مقدم داشت، و به آنچه سفت قرار داد که پس از او جریان پیدا کند که اگر بد و شر باشد همچون دیگران گرفتار و زر آن خواهد شد و از وزر دیگران چیزی کاسته نمی‌شود، و اگر خیر و نیک باشد، او را همچون دیگران پاداشی است و از پاداشهای دیگران چیزی نمی‌کاهد.<sup>۲</sup>

إِن عَلَيْنَا جُمُعَةٌ وَقُرْآنَةٌ (۱۷)

فَإِذَا قُرْآنُاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَةٌ (۱۸)

ثُمَّ إِنِّ عَلَيْنَا بَيِّنَاتٌ (۱۹)

كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ (۲۰)

وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ (۲۱)

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ (۲۲)

إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ (۲۳)

وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاسِرَةٌ (۲۴)

۱۷- همانا جمع کردن و خواندنش بر عهده ماست.

۱۸- پس هنگامی که آن را خواندیم، از خواندن آن پیروی کن.

۱۹- سپس بیان کردن آن بر عهده ماست.

۱ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۲۷

۲ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۲۷؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۶۱؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۶۶

۲۰- هرگز (چس نیست)، بلکه شما دیای رود گنر را دوست دارید

۲۱- و آخرت را او می‌گذارد.

۲۲- در آن روز صورت‌هایی سرور و نورانی است.

۲۳- و (با چشم دل) به سوی پروردگارش می‌نگرد

۲۴- و در آن صورت‌هایی عبوس و عمگین است

﴿إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ﴾ یعنی جمع کردن قرآن و خواندن آن بر عهده آل

محمد ﷺ است

﴿فَإِذَا قَرَأَهُ فَتَبِعَ قُرْآنَهُ﴾ هنگامی که از آیات قرآن می‌خوانید از آن پیروی

کنید.

﴿ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ﴾ یعنی تفسیر قرآن.

﴿كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ﴾ که مراد از «عاجله» همین دنیای حاضر است.

﴿وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ﴾ یعنی آخرت را رها می‌کنید.

﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ﴾ یعنی نورانی.

﴿إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ﴾ به وجه الهی نظاره می‌کنند یعنی به رحمت و نعمت‌های

الهی نظاره می‌کنند.<sup>۱</sup>

﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاسِرَةٌ﴾ یعنی خوار ذلیل.

كَلَّا إِذَا تَلَعَتْ الثَّغَابِي (۲۶)

وَقَبْلَ مَنْ رَاقِي (۲۷)

وَوَظَنَ أَنَّهُ الْغَرَّاقِي (۲۸)

وَالْتَقَبَّ الشَّقَاؤُ بِالشَّقَا (۲۹)

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُنَاقُ (۳۰)

۲۶- هرگز (چنین نیست)، هنگامی که حاشاں به گلوگاه برسد

۲۷- و گفته شود: آیا کسی هست که این بیمار را نجات دهد؟

۲۸- و یقین به جلایی از دنیا می‌کند.

۲۹- و (هنگام جان دادن) ساقهای پا به هم پیچد

۳۰- در آن روز مسیر همه به سوی پروردگارت حواله بود.

﴿كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ الثَّرَاقِي﴾ هنگامی که جان به ترقوه برسد.

﴿وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ﴾ به او گفته می‌شود: چه کسی می‌تواند تو را با افسون

نجات دهد.

﴿وَوَظَنَ أَنَّهُ الْفِرَاقُ﴾ یعنی یقین می‌کند که زمان فراق و جدایی از دنیا

رسیده است.

﴿وَالْتَفَتِ السَّاقِ إِلَى السَّاقِ﴾ یعنی دنیا با آخرت در هم می‌پیچد.

﴿إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُنَاقُ﴾ به سوی خدا رانده می‌شوند.<sup>۱</sup>

فَلَا صَدُوقٌ وَلَا صَلَىٰ (۳۱)

وَلَكِنْ كَذِبٌ وَتَوَلَّىٰ (۳۲)

ثُمَّ دَفَعَتْ إِلَىٰ أَعْلَىٰ يَتَمَطَّىٰ (۳۳)

أَوَّلَىٰ لَكَ فَأَوَّلَىٰ (۳۴)

۳۱- (آن روز گفته شود) او به تصدیق کرد و به سمار حواله.

۳۲- ولیکن تکذیب کرد و اعراض نمود.

۳۳- سپس متکبرانه به سوی خانواده‌اش رفت.

۳۴- (به گفته شود عذاب الهی) برای تو سزاوارتر است، سزاوارتر

﴿فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّی﴾

سبب نزول آیه این بود که رسول خدا ﷺ در روز غدیر خم مردم را به بیعت با علی علیه السلام فرا خواند چون به مردم رسانید آنچه را که از جانب پروردگار درباره آن حضرت مأمور بود و مردم از امر پیغمبر اکرم ﷺ برگشتند معاویه ملعون بر مغیره بن شعبه و ابی موسی اشعری تکیه کرده بود متوجه عشیره خود شد و گفت بخدا قسم من هرگز ایمان و اقرار به ولایت علی علیه السلام نخواهم آورد و گفتار محمد ﷺ را درباره علی علیه السلام تصدیق نمی‌کنم خداوند این آیات را نازل فرمود: ﴿فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّی﴾ \* وَلَکِنْ کَذَبَ وَتَوَلَّی \* ثُمَّ ذَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ يَتَمَطَّى \* اُولَی لَکَ فَاُولَی \* وای بر او که امر ما را تکذیب می‌کند و از حکم ما بر می‌گردد و به سوی اهلیش با تکرر و نخوت روی آورد وای بر چنین شخصی که به عذاب و مرگ سزاوارتر است.

بعد از نازل شدن این آیات، آن فاسق از پیامبر ﷺ دور شده و فرار نمود پیغمبر اکرم ﷺ بالای منبر تشریف برد خواست از معاویه بیزاری بجوید خداوند این آیه را نازل فرمود: ﴿لَا تُحَرِّکْ بِهِ لِسَانَکَ لِتَفْجَلَ بِهِ﴾ پیغمبر اکرم به امر خداوند سکوت اختیار کرد.<sup>۱</sup>

أَتَخَسَّتِ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتْرَكَ سُدًى (۳۶)

أَلَمْ يَكُنْ نَظْفَةً مِنْ مَنًى يُمْنَى (۳۷)

ثُمَّ كَانَ عِلْقَةً فَطَلَقَ فَتَوَلَّى (۳۸)

۱ بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۶۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۵۱، موالفتیلین، ج ۵، ص ۴۶۵.  
تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۷۲

فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى (۳۹)

أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُخْزِيَ الْمَوْتَى (۴۰)

۳۶- آیا انسان می‌پندارد که او را بدون هدفی رها می‌کند؟

۳۷- آیا او قطعه‌ای از می‌بود که بر رحم ریخته می‌شود؟

۳۸- سپس به صورت علقه (خون بسته) شد، پس خداوند او را آفرید و آراسته‌اش نمود.

۳۹- پس از او زوج مرد و زن قرار داد.

۴۰- آیا چنین کسی قادر نخواهد بود که مردگان را زنده کند؟

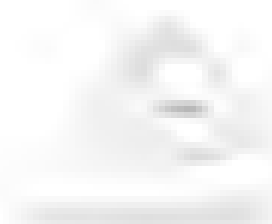
﴿أَلَيْسَ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتْرَكَ سُوءٍ﴾ یعنی آیا انسان گمان می‌کند به

حسابش نمی‌رسند و عذاب نمی‌شود و از او بازخواست نمی‌کنند؟

سپس فرمود: ﴿أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُُمْنٍ﴾ بعد از اینکه ازدواج کرد.

﴿ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى - تا - أَلَيْسَ

ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُخْزِيَ الْمَوْتَى﴾ رد کسانی است که بعث و نشور را منکر می‌شوند.<sup>۱</sup>



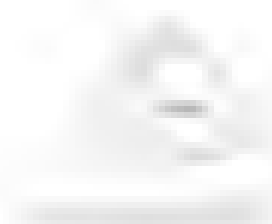


# تفسیر سورة دهر (انسان)

۷۶ - سورة دهر (انسان) در

مدینه نازل شده و دارای ۳۱

آیه است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَذْكُوراً (۱)  
 إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعاً بَصِيراً (۲)  
 إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِراً وَ إِمَّا كَفُوراً (۳)

۱۔ آیا روزگارانی بر انسان نگذشت که چیزی قابل ذکر بود؟

۲۔ ما انسان را از نطفهٔ مختلط آفریدیم و او را می آزماییم، و او را شنوا و بینا قرار دادیم.

۳۔ همانا ما او را به راه راست هدایت کردیم خواه شاکر باشد و یا کفران کند.

﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَذْكُوراً﴾ فرمود:  
 ﴿لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَذْكُوراً﴾ یعنی نه در علم بود و نه در ذکر، و در حدیث دیگری فرمود: در علم بود و در ذکر نبود.

﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ﴾ یعنی او را امتحان می کنیم.  
 ﴿فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعاً بَصِيراً﴾ و او را شنوا و بینا قرار دادیم.

﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ﴾ یعنی برای او راه خیر و شر را روشن کردیم  
 ﴿إِمَّا شَاكِراً وَ إِمَّا كَفُوراً﴾ و این رد بر جبریون است که گمان می کنند هیچ

فعل و عملی در اختیار آنها نیست.<sup>۱</sup>

ابن ابی عمیر گوید از امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ سوال کردم، فرمود یا آن را قبول می‌کند که در این صورت شاکر است و یا آن را ترک می‌کند که کافر است.<sup>۲</sup>

اسی الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿أَمْشِجْ نَبْتَلِيهِ﴾ فرمود: نطفه مرد با نطفه زن با هم مخلوط می‌گردد.<sup>۳</sup>

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا (۵)

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا (۶)

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا (۷)

۵- همانا بیکوکاران از حاسی می‌نوشند که با کافور آمیخته است

۶- از سرچشمه‌ای که سدگان خاص خداوند از آن می‌نوشند، و به هر کس که خواستند جاریش می‌سارند.

۷- به بدر خود وفا می‌کنند، و از روری که شرش همه‌گیر است می‌ترسند.

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا﴾ یعنی در خنکی و پاکیزگی زیرا کافور در آن است.

﴿عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا﴾ یعنی ﴿يَشْرَبُ مِنْهَا﴾ از آن می‌نوشند.

﴿يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا﴾ مراد از «مستطیر» یعنی

عظیم و بزرگ.<sup>۴</sup>

۱ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۷۶

۲ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۶

۳ بحار الامور، ج ۵۷، ص ۳۷۶؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۶۹؛ صیر صافی، ح ۷، ص ۲۵۶

تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۷۶

۴ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۷۷

و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا (۸)

۸- و در حالی که غنایشان را دوست دارند به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند.

﴿و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾

عبد الله بن میمون قجاج از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: نزد فاطمه زهرا علیها السلام مقداری جو بود، با آن عسیده‌ای (غذایی است که جو را با روغن آغشته نموده و سپس می‌پزند) درست کرد، همین که آن را پختند و پیش روی خود نهادند تا میل کنند، مسکینی آمد و گفت خدا رحمتان کند مسکینی هستم، علی علیه السلام برخاست و یک سوم آن غذا را به سائل داد، چیزی نگذشت که یتیمی آمد و گفت: خدا رحمتان کند، باز علی علیه السلام برخاست و یک سوم دیگر را به یتیم داد، پس از لحظه‌ای اسیری آمد و گفت خدا رحمتان کند باز علی علیه السلام ثلث آخر را هم به او داد، و آن شب حتی طعم آن غذا را نچشیدند، و خدای تعالی این آیات را تا آیه ۲۲ ﴿وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا﴾ را در شان امیرالمؤمنین علیه السلام نازل کرد و این آیات در مورد هر مؤمنی که در راه خدا چنین کند جاری است.<sup>۱</sup>

قمطیر یعنی شدید، سخت.

مُسْكِينٍ فِيهَا عَلَى الْأَذْنِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا (۱۳)

و ذَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ أَقْطُوفُهَا تَذَلُّلًا (۱۴)

و يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا (۱۵)

قَوَارِيرًا مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا (۱۶)

۱۳- در بهشت بر تنه‌های دریا تکیه رد فاند، و آنجا به آفتابی سوزان می‌رسد

و به سرما را

۱۴- و سایه درختان بهشتی بر سر آنها سایه افکنده و چیدن میوه‌هایش برای آنها بسیار آسان است.

۱۵- و در اطراف آنها ظرف‌هایی سیمس و کوزه‌های بلورین می‌گردد.

۱۶- که آن ظرف‌های بلورین از نقره را به اندازه مناسب مهیا نموده‌اند.

﴿مُكِنِّينَ فِيهَا عَلَى الْأَزْوَاجِ﴾ یعنی در حلقه‌هایشان بر سریر تکیه داده‌اند.

﴿وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا﴾ سایه‌های درختان بر آنها نزدیک است.

﴿وَدَلَّلْتُ قُطُوفَهَا تَذِيلًا﴾ میوه‌های آن درختان بر آنها نزدیک است بطوری که ایستاده و نشسته از آن می‌خورند.

﴿أَكْوَابٌ كَانَتْ قَوَارِيرًا \* قَوَارِيرًا مِنْ فِضَّةٍ﴾ یعنی کوزه‌هایی بزرگ که نه دسته دارد و نه لوله، و جام‌هایی از نقره در بهشت است که به وسیله آن می‌نوشند.

﴿قَدَرُوهَا تَقْدِيرًا﴾ یعنی آن کوزه‌ها به قدر مقامشان درست کرده‌ایم

﴿مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ﴾<sup>۱</sup> استبرق یعنی ابریشم<sup>۲</sup>

﴿وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآيَةِ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا﴾ چشم از پشت آن می‌بینند همچنانکه از پشت آینه می‌بیند.

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنُورًا (۱۹)

۱. کهنه، آیه ۳۱، یعنی از سندس و ابریشم.

۲. بحار الانوار ج ۸، ص ۱۲۵، تفسیر برهان ج ۸، ص ۱۷۷

وَإِذْ رَأَيْتَ ثُمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلُكًا كَبِيرًا (۲۰)  
 عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَخُلُوعًا شَاوِرٌ مِنْ بَصُرَةٍ وَنِقَاصُهُمْ رُتْنُهُمْ  
 شَرَابًا طَهُورًا (۲۱)

۱۹- و در اطراف آنها نوجوانانی ربابا تا ابد می‌گردند هنگامی که آنها را  
 ببینی می‌پنداری که مرواریدی پراکنده هستند.

۲۰- و هنگامی که ببینی، (مانند این است که) نعمت‌ها و ملک عظیمی را  
 می‌بینی

۲۱- بر اندام بهشتیان لباس‌هایی از دیبای سبز و حریر صحیم و بر  
 دستهایشان دستبدهایی از نقره است، و پروردگارشان نوشیدنی پاک و  
 طهور به آنها می‌نوشاند

﴿وَلِدَانٌ مُخَلَّدُونَ﴾ یعنی خدمتگزارانی که دستبند به دست دارند.  
 ﴿وَمُلُكًا كَبِيرًا﴾ یعنی نه زوال می‌پذیرد و نه فانی می‌گردد.  
 ﴿عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ﴾ یعنی لباس‌هایی از حریر سبز و  
 ابریشم بر آنها می‌پوشاند.<sup>۱</sup>

إِنَّا نَحْنُ مَرْبُّنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَتَرَبَّلًا (۲۳)  
 فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا (۲۴)  
 وَاذْكُرْ إِسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (۲۵)  
 وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا (۲۶)  
 ۲۳- همانا ما پروردگارت را نازل کردیم.

۲۴- پس به حکم پروردگارت صبر کن، و از هیچ گناهکار و کافری از آنها

بیروی مکن.

۲۵- و نام پروردگارت را هر صبح و شب یاد کن

۲۶- و شب برای او سجده کن، و شب هنگام مقلاری طولانی او را تسبیح

گوی

خداوند پیامبرش را مورد خطاب قرار داده و فرمود: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا - تَا - هُكْرَةً وَ أَصِيلًا﴾ یعنی صبح و نیم روز.  
﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَ سَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا﴾ یعنی نماز شب بخوان.

نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَ شَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَ إِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَلَهُمْ تَبْدِيلًا (۲۸)

۲۸- ما آنها را آمریدیم و نیاشان را محکم ساختیم، و هرگاه بخواهیم

بجای آنها گروه دیگری قرار می دهیم.

﴿نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَ شَدَدْنَا أَسْرَهُمْ﴾ یعنی خلقت ایشان را محکم کردیم.

شاعر می گوید:

و ضامرة شد الملیک أسرها یکاد ماذنها أسفلها و ظهرها و بطنها

گفت: ضامره یعنی: اسب او که ملیک آن را محکم کرد؛

اسرها یعنی: خلق کرد به وجود آورد؛

یکاد ماذنها یعنی: گردنش را

یکون شطرها یعنی: نصف آن.<sup>۱</sup>

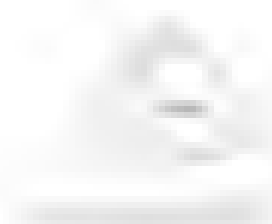


# تفسیر سورة مرسلات

۷۷ - سورة مرسلات در

مکه نازل شده و دارای ۵۰

آیه است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْمُزَلَّاتِ عُزْفًا (۱)

فَالْمَاضِيَاتِ غَضًّا (۲)

وَالنَّاسِاتِ نَشْرًا (۳)

فَالْمَارِقَاتِ فَرْقًا (۴)

فَالْمُفْقِيَاتِ ذِكْرًا (۵)

عُدْرًا أَوْ نُذْرًا (۶)

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعَ (۷)

فَإِذَا التَّجُومُ طُمِسَتْ (۸)

۱- سوگند به فرستادگان پی در پی

۲- سوگند به آنها که همچون تند باد در شتابند.

۳- سوگند به آنها که گسترانند.

۴- سوگند به آنها که جدا کننده هستند

۵- سوگند به آنها که القا کننده ذکر (به انبیاء) هستند

۶- برای اتمام حجت با انکار کننده.

۷- همانا آنچه که به شما وعده داده می شود واقع خواهد شد.

۸- پس هنگامی که ستارگان بی نور و محو می شوند.

﴿وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا﴾ فرمود. این آیات تابع یکدیگر و مترتب بر هم هستند

﴿قَالَصِفَاتٍ عَصْفًا﴾ یعنی قهر.

﴿وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا﴾ یعنی مرگ را نشر می دهند.

﴿قَالَفَارِقَاتٍ فَرْقًا﴾ یعنی چهارپا.

﴿قَالَسُلْقِيَّاتٍ ذِكْرًا﴾ یعنی ملائکه.

﴿عُذْرًا أَوْ نُذْرًا﴾ یعنی شما را می ترسانم و حجت را بر شما تمام می کنم.

که این آیه قسم است و جوابش ﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ﴾ می باشد.

﴿فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ﴾ یعنی نور ستارگان از بین می رود و سقوط

می کنند.<sup>۱</sup>

وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ (۹)

وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّفَتْ (۱۰)

وَإِذَا الرَّسْلُ أُنْثِيَ (۱۱)

لِأَيِّ يَوْمٍ أُخِّلَتْ (۱۲)

لِيَوْمٍ الْقَضَى (۱۳)

۹- و هنگامی که آسمان شکافته می شود.

۱۰- و هنگامی که کوهها از جا کنده می شوند.

۱۱- و هنگامی که برای رسولان، وقت (گواهی بر امتان) معین گشت

۱۲- برای چه روزی تعیین وقت شده؟

۱۳- برای روز حلامی.

﴿وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ﴾ یعنی هنگامی که آسمان منفجر شده و منشق

می گردد.

﴿وَإِذَا الْجِبَالُ سُفَّتْ﴾ یعنی هنگامی که کوه ها از جا کنده می شود

﴿وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِثَتْ﴾ یعنی رسولان در اوقاتی مختلف مبعوث می شوند.<sup>۱</sup>

﴿لَا إِلَهَ يَوْمَ إِلَّا جَلَّتْ﴾ یعنی تاخیر انداخته شده است.

﴿لِيَوْمِ الْفَصْلِ﴾ برای روز جدایی.

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿فَإِذَا النُّجُومُ

طُمِسَتْ﴾ فرمود: یعنی نورش از بین می رود.<sup>۲</sup>

أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَهِينٍ (۲۰)

فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ (۲۱)

إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ (۲۲)

۲۰- آیا ما شما را از آب بی مقدار میافریدیم؟

۲۱- پس آن را در قرارگاهی محفوظ قرار دادیم.

۲۲- تا مدتی معین و معلوم

﴿أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَهِينٍ﴾ یعنی آب گندیده.

﴿فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ﴾ یعنی در رحم.

﴿إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ﴾ یعنی تا انتهای اجل.<sup>۳</sup>

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا (۲۵)

۱- تفسیر صدقی، ج ۷، ص ۳۷۰، نورالتقلین، ج ۵، ص ۴۸۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۸۹

۲- نورالتقلین، ج ۵، ص ۴۸۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۸۹

۳- بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۲۴

أَحْيَاءُ وَأَمْوَاتًا (۲۶)

وَجَعَلْنَا فِيهَا زَوَاجِي شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً قُرًاتًا (۲۷)

۲۵- آیا ما زمین را محل اجتماع قرار ندادیم؟

۲۶- هم برای مردگان و هم برای زندگان؟

۲۷- و در آن کوه‌های بلندی قرار دادیم و شما را آب گوارانی بوشانیم

﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا﴾ «أَحْيَاءُ وَأَمْوَاتًا» فرمود: «کفات» یعنی مسکن‌ها.

در روایت آمده است که امیر المؤمنین علی علیه السلام در هنگام برگشتن از صفین گذرش از گورستان افتاد و فرمود: اینجا محل سکونت مرده‌هاست، سپس به خانه‌های کوفه نظری انداخت و فرمود: آنها هم محل سکونت زنده‌ها است و سپس این آیه را تلاوت نمود: ﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا أَحْيَاءُ وَأَمْوَاتًا﴾.

﴿وَجَعَلْنَا فِيهَا زَوَاجِي شَامِخَاتٍ﴾ کوه‌های بلند

﴿وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً قُرًاتًا﴾ یعنی آب خنک و گوارا و هر آب گوارا از فرات

است.<sup>۱</sup>

انطَبِقُوا إِلَى طَلِيٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ (۳۰)

۳۰- بروید به سوی سایهٔ دره‌ای سه شاخه

﴿انطَبِقُوا إِلَى طَلِيٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ﴾ در آن سه شعبه از آتش است.

إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ (۳۲)

كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صَفَرٌ (۳۳)

۳۲- همانا آن شعله‌هایی همچون قصر از خود پرتاب می‌کند

۲۳- گویی (آن شراره‌ها) همچون شعله زرد رنگی هستند.

﴿إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ﴾ شراره‌هایی همچون کاخ‌ها و کوه‌ها پرتاب می‌کنند.

﴿كَأَنَّهُ جِبَالٌ صُفْرٌ﴾ یعنی سیاه.<sup>۱</sup>

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ (۴۱)

۴۱- همانا پرهیزگاران (در بهشت) در زیر سایه (درختان و در کنار) چشمه‌ها قرار دارند

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ﴾ همانا متقین در سایه‌ای از نور که روشن‌تر از نور خورشید است، می‌باشند.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اذْكُوا لَا يَرْكَعُونَ (۴۸)

وَيَلَّيْ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۹)

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (۵۰)

۴۸- و هنگامی که به آنها (کافران) گفته شود که رکوع کنید رکوع نمی‌کند

۴۹- در آن روز وای بر تکذیب کنندگان.

۵۰- پس به کدامین سخن بعد از آن (قرآن) ایمان می‌آورند

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اذْكُوا لَا يَرْكَعُونَ﴾ یعنی وقتی به ایشان گفته می‌شود، امام

را دوست بدارید و ولایتش را بپذیرید، نمی‌پذیرند.

سپس خداوند به پیامبرش ﷺ فرمود: ﴿فَبِأَيِّ حَدِيثٍ﴾ بعد از اینکه آن را

برای تو بیان کردم ایمان می‌آورند.<sup>۲</sup>

۱ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۷۲، تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۹۰

۲ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۷۴، المیزان، ج ۵، ص ۴۹۰، تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۹۲





# تفسیر سورة نبا

۷۸ - سورة نبا در مکه نازل

شده و دارای ۴۱ آیه است.

از تفتیک بزرگ و سبزی

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (۱)

عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ (۲)

الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ (۳)

۱- از چه چیزی سؤال می‌کنند؟

۲- از خبر بزرگ (قیامت).

۳- خبری که در آن اختلاف دارند.

﴿عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ﴾ عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ ﴿الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ﴾

حسین بن خالد گوید امام رضا علیه السلام در معنای آیه ﴿عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ...﴾ فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: برای خداوند نبأ بزرگتری از من نیست، و برای خداوند آیه‌ای بزرگتر از من نیست، و به تحقیق فضیلت من بر امت‌های گذشته عرضه شد با اختلاف زبان‌هایی که داشتند به فضیلت من اقرار نکردند<sup>۱</sup>

۱ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۶۱، تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۹۴، مورد الثقلین، ج ۵، ص ۴۹۱، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۸۰

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا (۶)

وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا (۷)

۶- آیا ما زمین را محل آسایش قرار ندادیم؟

۷- و کوهها را میخهای زمین»

﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا﴾ زمین گهواره‌ای است که بشریت در آن

پرورش می‌یابد.

﴿وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا﴾ یعنی کوهها میخ‌های زمین هستند

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا (۱۰)

۱۰- و شب را پوشش قرار دادیم.

﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا﴾ یعنی شب روز را می‌پوشاند.<sup>۱</sup>

وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا (۱۳)

وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا (۱۴)

۱۳- و در آن چراغی نورافشان قرار دادیم.

۱۴- و از ابرها آب فراوان نازل کردیم.

﴿وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا﴾ منظور خورشید نورانی است.

﴿وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ﴾ از ابرها.

﴿مَاءً ثَجَّاجًا﴾ یعنی بارشش پی در پی.

وَحَنَاتٍ أَلْفَافًا (۱۶)

۱۶- و باعهایی بر درخت.

﴿وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا﴾ باغ‌هایی که با درختانی در هم پیچیده است.<sup>۱</sup>

وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا (۱۹)

وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا (۲۰)

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا (۲۱)

بِلَطَافٍ مَّا يَأْتِي (۲۲)

لَا يَشِينُ فِيهَا أَخْطَاؤُا (۲۳)

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا (۲۴)

إِلَّا خَمِيمًا وَغَسَّاقًا (۲۵)

۱۹- و آسمان بار شده و به صورت درهای گوناگون در می‌آید.

۲۰- و کوه‌ها به حرکت در آمده و به صورت سراب می‌گردند.

۲۱- همانا جهنم کمینگاه (کافران و گنهکاران) است.

۲۲- و جایگاهی برای طغیانگران.

۲۳- مدت‌های بسیار طولانی در آن می‌ماند.

۲۴- در آبدانه چیر حکمی می‌آشامد و نه نوشیدنی (گوارانی)

۲۵- مگر آبی سوزان از چرک و خون.

﴿وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا﴾ یعنی درهای بهشت باز می‌شود

﴿وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا﴾ یعنی کوه‌ها چون سراب می‌شود، که در

بیابان از دور برق می‌زند.

﴿إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا﴾ که «مرصاد» به معنای قائم است یعنی بدرستی

که جهنم قائم و ثابت باشد.

﴿لِلطَّغْيَنِ مَآبًا﴾ یعنی منزلگاه سرکشان است.

﴿لَا يَشِينُ فِيهَا أَحْقَابًا﴾ احقاب به معنای سالها، و ﴿حَقَبٌ﴾ به معنای هشتاد

سال است، و هر سال سیصد و شصت روز است، و یک روز قیامت برابر هزار

سال از سالهای دنیا است که شما می‌شمارید.<sup>۱</sup>

حمران بن أعین گوید از امام صادق (ع) درباره آیه ﴿لَا يَشِينُ فِيهَا أَحْقَابًا﴾

لَا يَذْوُقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ﴿ إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَاقًا﴾ سوال کردم، فرمود، این

درباره کسانی است که از آتش بیرون نمی‌آیند.<sup>۲</sup>

﴿لَا يَذْوُقُونَ فِيهَا بَرْدًا﴾ مراد از «برد» خواب است

### إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا (۳۱)

۳۱- همانا برای پرهیزگاران پیروزی و کامیابی است

﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا﴾ متقیان در آن روز رستگار می‌شوند.

در روایت ابی الجارود از امام باقر (ع) در معنای جمله ﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا﴾

آمده که امام فرمود: متقین کراماتی دارند.<sup>۳</sup>

### وَكُذَّابٌ أَثَرَانَا (۳۳)

### وَكَاَسًا دِهَاقًا (۳۴)

۳۳- و دخترانی جوان و همسن و سال که شیبه هم هستند

۳۴- و جامه‌هایی پراز نوشیلنی (پاکیزه)

۱ بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۹۵، معانی الاحبار، ص ۲۲۱

۲ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۹۴، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۸۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۱۹۸

۳ بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۳۴، ج ۶۷، ص ۲۸۲؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۸۴

﴿وَكَوَاعِبُ أَثْرَابًا﴾ یعنی کنیزانی شبیه به هم، که در خدمت اهل بهشت

هستند<sup>۱</sup>

﴿وَكَوَاعِبُ أَثْرَابًا﴾ یعنی دختر نورس.

﴿كَأْسًا دِهَاقًا﴾ یعنی کاسه هائی پر.

يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ

صَوَابًا (۳۸)

۳۸- روزی که روح و فرشتگان در یک صف می ایستند، و هیچ یک سخن

نمی گویند مگر به اذن خداوند رحمان (که در این صورت) سخن درست و

صواب می گویند.

﴿يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ﴾ روح ملکی بزرگتر از

جبرئیل و میکائیل است که بار رسول خدا ﷺ بود و او با ائمه علیهم السلام نیز هست.<sup>۲</sup>

إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي

كُنْتُ ثَرِيًّا (۴۰)

۴۰- همانا ما شما را از عذاب نزدیک (عذاب) روزی که اسماء

هر چه از قبل فرستاده را در مقابل خود می بیند، و کافر (با دیدن اعمال

خود) می گوید ای کاش حاکم بودم (و نتیجه اعمالم را نمی دیدم)

۱ بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۳۴

۲ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۹۶؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۸۵؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۰۰

﴿إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا﴾ یعنی در آتش.

﴿يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ یعنی ای

کاش علوی بودم.

فرمود: همانا رسول خدا ﷺ کنیه ابوتراب را به امیر المؤمنین علی علیه السلام

داد.



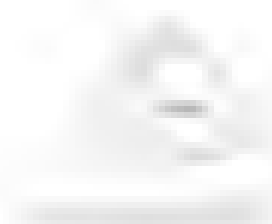


# تفسیر سورة نازعات

۷۹ - سورة نازعات در مکه

نازل شده و دارای ۴۶ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّارِغَاتِ عَزْفًا (۱)

وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا (۲)

وَالسَّابِقَاتِ سَبْحًا (۳)

فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا (۴)

۱- سوگند به فرشتگانی که (به سختی) جان (کافران) را می گیرند

۲- سوگند به فرشتگانی که (به راحتی) جان (مومنان) را می گیرند

۳- سوگند به فرشتگانی که برای اجرای فرمان الهی به سرعت عمل

می کنند.

۴- سوگند به فرشتگانی که برهم سبقت می گیرند

﴿وَالنَّارِغَاتِ عَزْفًا﴾ یعنی فرشتگانی که روح را می گیرند.

﴿وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا﴾ یعنی کفار در دنیا در فرح و شادی هستند.

﴿وَالسَّابِقَاتِ سَبْحًا﴾ مؤمنینی که تسبیح الهی را می گویند<sup>۱</sup>

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿فَالسَّابِقَاتِ

سَبْقًا﴾ فرمود: ارواح مؤمنین همانند دنیا به سوی بهشت سبقت می گیرند و

ارواح کافرین نیز به سوی آتش جهنم سبقت می گیرند.<sup>۱</sup>

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاحِفَةُ (۶)

تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ (۷)

قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ (۸)

أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ (۹)

يَقُولُونَ إِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْخَافِرَةِ (۱۰)

أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا تَجَزَّءَ (۱۱)

قَالُوا بَلْكَ إِذَا كُرَّةٌ خَاسِرَةٌ (۱۲)

فَأَيُّهَا زُجْرَةٌ وَاجِدَةٌ (۱۳)

فَإِذَا هُمْ بِالشَّاهِرَةِ (۱۴)

۶- روزی که رلرله های وحشتناک عالم را بلرراند.

۷- و به دنبال آن صیحه (آسمانی) بیاید.

۸- در آن روز دلهایی به شدت در اضطراب باشد.

۹- چشمهایشان از شدت ترس به زیر افکنده باشد.

۱۰- ولی نار می گویند آیا ما دوباره رنده خواهیم شد؟

۱۱- هنگامی که استخوان های ما پوسیده شد؟

۱۲- می گویند اگر رنده شدیم، در این صورت رانکار خواهیم بود.

۱۳- رنده شدن دوباره فقط با یک صیحه (صور دوم) است.

۱۴- پس هنگامی که همه در یک جا گرد هم می آیند.

۱ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۲۸ و ج ۷، ص ۴۶؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۹۷؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۰۴.

﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ﴾ یعنی زمین زیر پای اهلس شکافته می شود، و «راندن» به معنای صیحه است.<sup>۱</sup>

﴿قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ﴾ یعنی قلب ها در آن روز ترسان است.  
﴿أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ﴾ يَقُولُونَ أَنَا لَمَزْدُونُ فِي الْخَافِرَةِ ﴿قریش گفتند آیا بعد از مرگ دوباره زنده شده و بر می گردیم.

﴿أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا نَّخِرَةً﴾ یعنی پوسیده و از هم پاشیده شده.  
﴿بَلِّغْ إِذَا كُرَّةٌ خَاسِرَةٌ﴾ کفار این سخن را از روی استهزاء گفتند.  
﴿فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ﴾ فَإِذَا هُمْ بِالشَّاهِرَةِ ﴿منظور از «زجرة» نفخه دوم در صور است و «ساهره» محلی در شام در نزدیکی بیت المقدس می باشد.<sup>۲</sup>  
ابی الجارود روایت می کند که امام باقر (علیه السلام) در معنای آیه ﴿أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا نَّخِرَةً﴾ فِي الْخَافِرَةِ ﴿فرمود: یعنی در خلقتی جدید.

﴿فَإِذَا هُمْ بِالشَّاهِرَةِ﴾ «ساهره» یعنی زمین، چون کفار در قبرها قرار دارند، همین که زجره و صیحه را می شنوند از قبرشان بیرون می آیند، و با خلقتی تمام عیار روی زمین قرار می گیرند.<sup>۳</sup>

إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (۱۶)

۱۶- هنگامی که پروردگارش او را در وادی مقدس طوی ندا داد

﴿بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ﴾ یعنی پاک و مطهر  
﴿طُوًى﴾ اسم بیابانی است.<sup>۴</sup>

۱ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۰۵؛ نورالتقلید، ج ۵، ص ۲۹۹؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۹۲

۲ بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۰۷؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۰۶

۳ بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۶

۴ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۰۷؛ نورالتقلید، ج ۵، ص ۲۹۹؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۹۳

فَحَشَرَ فَنَادَى (۲۳)

فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى (۲۴)

فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى (۲۵)

۲۳- پس (فرعون و ساحران را) جمع کرد و (مردم را) دعوت کرد

۲۴- پس گفت: منم پروردگار بزرگ شما

۲۵- پس خداوند او را به عذاب دنیا و آخرت گرفتار کرد

«فَحَشَرَ» یعنی فرعون.

«فَنَادَى» \* «فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى» \* «فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى» \*

«نکال» یعنی عقوبت، و عقوبت آخرتش به خاطر این بود که گفت: \* أَنَا رَبُّكُمُ

الْأَعْلَى \* و کلمه اولی که گفت این بود: «مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي» \* پس

خداوند او را به خاطر همین دو گفتار هلاک کرد.<sup>۱</sup>

وَأَنفُطِشَ لَيْلَهَا وَأَخْرِجَ صُخَاهَا (۲۹)

وَالْأَرْضَ بَقْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا (۳۰)

۲۹- و شبش را تیره و درخش را روشن گردانید

۳۰- و زمین را بعد از آن گسترش داد.

\* «وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا» یعنی شبش را تاریک کرد.

اعشی گوید:

و بهماء باللیل غطش الغداة موتسی فنون فنداها

یعنی: به وسیله آن دو شب صبح را تیره و تاریک کرد که در این تاریکی شب

مونس من داد و فریاد بود.

۱ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۹۴، نورالتعلیل، ج ۵، ص ۵۰۰، تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۰۷

﴿وَأُخْرِجَ ضُحَاهَا﴾ یعنی خورشید.  
 ﴿وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا﴾ یعنی گستراند

وَالْجِبَالَ أُرْسَاهَا (۳۲)

۳۲- و کوه ها را ثابت نمود.

﴿وَالْجِبَالَ أُرْسَاهَا﴾ یعنی ثابت داشت.

يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى (۳۵)

وَيُؤْزَبُ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى (۳۶)

۳۵- روزی که انسان آنچه را که عمل کرده متذکر می شود

۳۶- و جهنم برای هر پستیدهای آشکار شود

﴿يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى﴾ تمام اعمالش را که مرتکب شده همه را به یاد

بیاورد.

﴿وَيُؤْزَبُ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى﴾ فرمود: حاضر می شود.

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ (۴۰)

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ (۴۱)

۴۰- و اما کسی که از مقام پروردگارش ترسد و نفسش را از هوا باز دارد

۴۱- پس همانا بهشت منزلگاه اوست.

﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ﴾ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ﴿

که این درباره بنده خدا است، که وقتی در برابر معصیت خدا قرار می گیرد با اینکه می تواند مرتکب شود، از ترس خدا مرتکب نمی شود، و به خاطر نهی خدا

نفس خود را از ارتکاب آن نهی می‌کند، و تلاقی این عملش همان بهشت است<sup>۱</sup>

يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا (۴۲)

پس آنست من ذکرها (۴۳)

إِلَىٰ رَبِّكَ مُتَّهَاهَا (۴۴)

۴۲- از تو درباره قیامت سؤال می‌کنند که چه وقت سرا می‌شود؟

۴۳- تو را دیگر با این یادآوری چه کار است؟

۴۴- نهایت کار آن به سوی پروردگارت است.

﴿يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا﴾ یعنی چه وقت بیا می‌شود؟

و خداوند متعال در پاسخش فرمود: ﴿إِلَىٰ رَبِّكَ مُتَّهَاهَا﴾ یعنی علم آن نزد

پروردگار قواست.

كَانَتْهُمْ يَوْمَ يُزَوُّنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا (۴۶)

۴۶- آنها چون روز قیامت را ببینند گویی همه عمر دنیا شامگاهی یا

چاشتگاهی بیش نبوده است

﴿إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا﴾ یعنی قسمتی از یک روز.<sup>۲</sup>

۱. نورالتقین، ج ۵، ص ۵۰۶

۲. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۹۶؛ نورالتقین، ج ۵، ص ۵۰۸

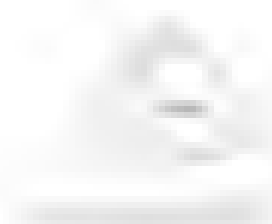


# تفسیر سورة عبس

۸۰ - سورة عبس در مکه

نازل شده و دارای ۴۲ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- عَبَسَ وَتَوَلَّى (۱)  
أَنْ جَافَهُ الْأَعْمَى (۲)  
وَمَا يَذُرُّكَ لَعَلُّهُ يُزَكِّي (۳)  
أَوْ يَذْكُرُ فِتْنَةً أَلَذَّكَرُنِي (۴)  
أَمَّا مَنْ اسْتَفْتَنِي (۵)  
فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى (۶)  
وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَكِّي (۷)  
وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى (۸)  
وَهُوَ يَخْشَى (۹)  
فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى (۱۰)  
كَأَلَا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ (۱۱)

۱- چهره در هم کشید و اصراف نمود

۲- هنگامی که آن مرد نابینا به نردش آمد.

۳- و آنچه می دانی شاید که او مردی مانتقوا و پاکیزه باشد.

۴- یا متلکر گردد پس ذکرش به حال او سودمند باشد.

۵- اما آن کسی که ثروتمند است،

۶- پس توبه او روی می‌آوری.

۷- و اگر او خود را پاکیزه نسارد چیزی بر تو نیست.

۸- و اما کسی که به نزد تو می‌آید و کوشش می‌کند.

۹- و او می‌ترسد.

۱۰- تو از او عاقل می‌شوی.

۱۱- هرگز (چس نیست)، همانا این (آیات قرآن) برای هد و تذکر است

﴿عَبَسَ وَ تَوَلَّى \* أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى﴾

در شأن عثمان و عبد الله بن ام مکتوم که مؤذن رسول خدا ﷺ و نایب او بود نازل شده بدین سبب که روزی ابن ام مکتوم بخدمت حضرت رسول ﷺ آمد و در مجلس آن سرور عالمیان ﷺ اصحاب نشست بودند، حضرت ابن ام مکتوم را مقدم بر عثمان نشانید. عثمان از توجه حضرت به ابن ام مکتوم عبوس کرده از او اعراض نمود پس این آیه نازل شد ﴿عَبَسَ وَ تَوَلَّى﴾ یعنی عثمان ﴿أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى وَ مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزْكِي﴾ و چه چیز تو را به حال شخص کور دانا گردانید یعنی ابن ام مکتوم که او پاکیزه و مطهر از گناهان می‌باشد ﴿أَوْ يَذْكُرُ﴾ یعنی رسول خدا ﷺ او را پند و اندرز داد و سپس عثمان را مورد خطاب قرار داد و فرمود: ﴿أَمَّا مَنْ اسْتَغْنَى \* فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى﴾ اما آن کس که مستغنی است بمال خود و ریاستی نظر به اقوام و عشایر خود دارد پس تو ای عثمان به سوی او روی می‌آوری و متوجه به او می‌شوی و اگر مقدم بر تو نشیند آن را مکروه نمی‌داری ﴿وَ مَا عَلَيْكَ إِلَّا يَزْكِي﴾ یعنی باکی نداری تو که آیا آن مستغنی خوب است یا نه و آراسته به ایمان است یا در کفر خود غوطه‌ور می‌باشد.

﴿وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى﴾ واما آن کسی که آمد بتو یعنی ابن ام مکتوم در  
حالتی که سعی می نمود و شتاب می کرد.  
﴿وَهُوَ يَخْشَى﴾ فَإِنَّتَ عَنْهُ تَلَهَّى یعنی پس تو از او رو می گردانی و ملتفت  
به او نمی شوی.<sup>۱</sup>  
﴿كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ﴾ یعنی قرآن.

فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ (۱۳)

مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ (۱۴)

بِأَيْدِي سَفَرَةٍ (۱۵)

كِرَامٍ بَرَرَةٍ (۱۶)

قِيلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرُهُ (۱۷)

مِنْ أَيِّ شَيْءٍ وَخَلَقَهُ (۱۸)

مِنْ نُطْقِهِ خَلَقَهُ قَدَرَهُ (۱۹)

ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرَهُ (۲۰)

ثُمَّ أَمَانَةً فَأَتِرَهُ (۲۱)

ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ (۲۲)

كَلَّا لَأَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ (۲۳)

۱۳ - در صحیفه هایی با ارزش محفوظ است.

۱۴ - صحیفه هایی بلند مرتبه و پاکیزه.

۱۵ - به دست سفیران حق است.

۱ بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۸۵ و ج ۳۰، ص ۱۷۴، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۳۹۹، نور الثقلین،  
ج ۵، ص ۵۰۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۱۲

۱۶- که عالی مقام و میگوکارند

۱۷- مرگ بر انسان باد که چقدر باسپاس است

۱۸- (نگاه نمی کند که خداوند) او را از چه چیز حلی کرده است؟

۱۹- او را از بطعنه بی مقلاری آفرید پس او را آراست

۲۰- سپس راه را بر او آسان نمود

۲۱- سپس او را میراند و در قبر گذاشت.

۲۲- سپس هر وقت که خواست او را زنده می کند.

۲۳- چپس بیست (که او می پندارد)، او شور آنچه خداوند امر کرده ر به

جا نیاورده است.

﴿فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ \* مَرْفُوعَةٍ﴾ یعنی نزد خدا.

﴿مُطَهَّرَةٍ \* بِأَيْدِي سَفَرَةٍ﴾ یعنی در دست ائمه علیهم السلام ﴿كِرَامٍ بَرَرَةٍ﴾<sup>۱</sup>

﴿قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ﴾ مراد از انسان امیرالمؤمنین علیه السلام است.

﴿مَا أَكْفَرَهُ﴾ یعنی آن حضرت چه عمل و گناهی کرده بود که کشت شد؟

﴿مِنْ أَيْ شَيْءٍ خَلَقَهُ \* مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ \* ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرَهُ﴾ یعنی

خداوند مسیر خیر را برای انسان آسان کرده است.

﴿ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ \* ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ﴾ در رجعت.

﴿كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ﴾ یعنی درباره امیرالمؤمنین علیه السلام هر چه به او امر

کرده بودیم را بجا نیاورده است و بزودی برمی گردد تا آنچه بدان امر شده را

بجا بیاورد.<sup>۲</sup>

ابی اسامه گوید از امام باقر علیه السلام درباره آیه ﴿قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ﴾ سوال

۱- نورالثقلین، ج ۵، ص ۵۱۰، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۰۰، تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۱۳

۲- بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۷۴ و ج ۵۳، ص ۹۹

کردم، فرمود: بله! درباره امیر المؤمنین علی علیه السلام نازل شده است  
 ﴿مَبْ أَكْفَرُهُ﴾ یعنی ای منافقین چه قدر کفران و عبادت به کشتن  
 امیرالمؤمنین علیه السلام می ورزید. سپس کرامت و نسبت امیر المؤمنین علیه السلام و  
 آنچه که خداوند به آن حضرت گرامی داشته را بیان کرده و می فرماید: \* مِنْ  
 أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ﴾ یعنی او را از طینت پیامبران آفرید.

﴿فَقَدَرَهُ﴾ و آن حضرت را برای خیر و نیکوئی معین نمود.  
 ﴿ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرَهُ﴾ یعنی آن حضرت مسیر هدایت و حق است.  
 ﴿ثُمَّ أَمَاتَهُ﴾ آنگاه مانند پیامبران مرد.  
 ﴿ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ﴾ روای گوید: عرض کردم معنای ﴿ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ﴾  
 چیست؟

امام علیه السلام فرمود: یعنی او را در زمان رجعت زنده کند و درباره دشمنان  
 آنچه خداوند به او امر فرموده بود حکم فرماید.<sup>۱</sup>

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ (۲۴)

أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا (۲۵)

ثُمَّ شَفَقْنَا الْأَرْضَ شَفَاً (۲۶)

فَأَنْشَأْنَا مِنْهَا حَدًّا (۲۷)

وَعَيْنًا وَقَضْبًا (۲۸)

وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا (۲۹)

وَخَدَائِقَ غُلْبًا (۳۰)

وَفَاكِهَةً وَأَبًّا (۳۱)

مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِإِنْعَامِكُمْ (۳۲)

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ (۳۳)

۲۴- پس انسان به طعامش بنگرد.

۲۵- همانا ما آب فراوان از آسمان فرو ریختیم

۲۶- سپس زمین را از هم شکافتیم.

۲۷- پس در آن دانه‌ها رویانیدیم.

۲۸- و انگور و ناناتی بسیار

۲۹- و درخت ریشون و نخل حرما.

۳۰- و باغهای پر از درختان.

۳۱- و میوه‌ها و چراگاه.

۳۲- تا شما و چهارپایان از آن بهره‌مند شوید.

۳۳- پس هنگامی که صدای مهیب آن فرا رسد.

﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا - تَا - وَقَضَبًّا﴾ فرمود

﴿قَضَب﴾ به معنای ﴿قَت﴾ است یعنی سبزی‌های خوردنی است.

﴿وَحَدَائِقَ غُلْبًا﴾ یعنی باغ‌هایی با درختان گوناگون است

﴿وَفَاكِهَةً وَأَبًّا﴾ فرمود: ﴿أَب﴾ گیاه چهارپایان است.

﴿مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِإِنْعَامِكُمْ﴾ فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ که مراد از «صاخه» یعنی

قیامت است.<sup>۱</sup>

ابن عباس درباره معنای آیه ﴿مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِإِنْعَامِكُمْ﴾ گوید: منظور منافع

شما و چهارپایان است.



لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ (۳۷)

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ (۳۸)

ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ (۳۹)

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ (۴۰)

تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ (۴۱)

أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجِرَةُ (۴۲)

۳۷- در آن روز هر کدام از آنها چنان گرفتار امور خود می باشد که ز

پرداختن به امور دیگری نیاز است.

۳۸- در آن روز چهره هایشان نورانی است.

۳۹- خندان و شادمانند.

۴۰- و صورت هایی در آن روز غبار آلود.

۴۱- و تاریکی آنها را دزبر گرفته است.

۴۲- آنها همان کافران و فاجران هستند.

﴿لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ﴾ یعنی شغلی است که او را از هر شغل

دیگری باز می دارد.<sup>۱</sup>

سپس خداوند عز و جل آنهایی را که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را دوست

داشت و از دشمنانش بیزاری می جویند را ذکر کرده و فرمود: ﴿وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ

مُسْفِرَةٌ﴾ ضاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ در آن روز چهره هایشان نورانی است خندان و

شادمانند.

سپس دشمنان آل محمد (علیهم السلام) را ذکر کرده و فرمود: ﴿وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا

غَبَرَةٌ﴾ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ یعنی از خیر و ثواب دستش خالی است

- ﴿أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجَرَةُ﴾<sup>۱</sup> آنها همان کافران و فاحران هستند.
- ﴿وَجُودٌ يُؤْمِنُ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ﴾ که «غبره» یعنی سیاهی.
- ﴿تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ﴾ یعنی دود و بخار جهنم.
- ﴿أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجَرَةُ﴾<sup>۲</sup> یعنی کافرانی که منکر هستند.



۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۷۴

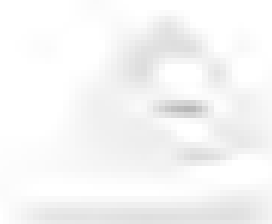
۲. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۷۶؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۱۶

# تفسیر سورۃ تکویر

۸۱ - سورۃ تکویر در مکه

نازل شده و دارای ۲۷ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ (۱)

وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ (۲)

وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ (۳)

وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ (۴)

۱- هنگامی که خورشید در هم پیچیده شود

۲- و هنگامی که ستارگان تیره گردند

۳- و هنگامی که کوه‌ها به حرکت در آیند

۴- و هنگامی که شتران آبتن رها گردند

﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ﴾ هنگامی که خورشید تاریک و ظلمانی شود.

﴿وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ﴾ هنگامی که نور ستارگان از بین برود.

﴿وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ﴾ کوه‌ها چنان گردند که فرمود: ﴿تَحْسِبُهَا جَامِدَةً وَ

هِيَ تَمْرٌ مَرٌّ السَّخَابِ﴾<sup>۱</sup> یعنی تو خیال می‌کنی که کوه‌ها جامد و در یک جا

ساکن هستند ولی آنها مانند ابرها در حرکتند.

﴿وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ﴾ وقتی که همهٔ خلق مُردند شتران بی‌صاحب

می مانند، کسی نیست شیر آنها را بدوشد.

وَ إِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ (۶)

وَ إِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ (۷)

۶- و هنگامی که دریاها بجوشند.

۷- و هنگامی که جانها جفت گردند.

﴿وَ إِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ﴾ دریاهایی که پیرامون کره زمین هستند همه آتش

می شوند.

﴿وَ إِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ﴾ یعنی با حور العین ازدواج می کنند.<sup>۱</sup>

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿وَ إِذَا النُّفُوسُ

زُوِّجَتْ﴾ فرمود: اما اهل بهشت با خیرات حسان (حور العین) ازدواج می کنند،

و اما اهل دوزخ، باید دانست که با هر انسانی از دوزخیان شیطانی است، یعنی

هر یک از آن کفار و منافقین با شیطان خود که قرین اوست ازدواج می کنند.<sup>۲</sup>

وَ إِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ (۸)

بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ (۹)

وَ إِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ (۱۰)

وَ إِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ (۱۱)

۸- و هنگامی که از دختران زنده به گور شده سوال شود

۹- به چه گامی کشته شدند؟

۱ بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۰۷

۲ بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۰۷ و ج ۸، ص ۲۱۲، نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۱۳، تفسیر صافی.

ج ۷، ص ۴۰۹، تفسیر پرهان، ج ۸، ص ۲۲۰

۱۰- و هنگامی که نامه اعمال گشوده شود

۱۱- و هنگامی که آسمان از جای کنده شود

﴿وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾ عرب به خاطر غیرت دخترانشان را می‌کشتند، چون روز قیامت شود از دختران زنده به گور سوال می‌شود به کدامین گناه کشته و قطعه قطعه شده‌اند.<sup>۱</sup>

جابر گوید امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾ فرمود: کسی که در دوستی ما کشته شود و دلیل بر آن قول خداوند به رسولش است که فرمود: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾<sup>۲</sup> بگو: من بر رسالت خود از شما هیچ اجری نمی‌خواهم جز مودت و دوستی با اهل بیت خود.<sup>۳</sup>

﴿وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ﴾ یعنی نامه اعمال.

﴿وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ﴾ یعنی باطل می‌شود.

وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ (۱۲)

وَإِذَا الْجَنَّةُ أُرْلَتْ (۱۳)

۱۲- و هنگامی که آتش دوزخ شعله‌ور گردد.

۱۳- و هنگامی که بهشت نزدیک شود

این عباس در معنای آیه ﴿وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ﴾ گفت: اراده می‌کند که برای کافرین آتش را شعله‌ور نماید. جحیم آتشی بالاتر و شدیدتر از جهنم است و جحیم در کلام عرب چیزی است که عظیم‌تر از آتش می‌باشد مانند قور

۱. بحارالانوار، ج ۷، ص ۱۰۷؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۱۰

۲. شوری، یه ۲۳

۳. نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۱۵؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۲۱

خداوند که فرمود: ﴿ابْتُوا لَهُ بُيُوتًا فَأَلْقَوْهُ فِي الْجَحِيمِ﴾<sup>۱</sup> که اراده از آتش عظیم و بزرگ را می‌کند.<sup>۲</sup>

﴿وَإِذَا الْجَنَّةُ أُنْفِلَتْ﴾ یعنی بهشت به اولیاء خدا از متقیین نزدیک می‌شود.<sup>۳</sup>

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ (۱۵)

الْجَوَارِ الْكُنُوسِ (۱۶)

وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ (۱۷)

وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ (۱۸)

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (۱۹)

ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ (۲۰)

مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ (۲۱)

وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ (۲۲)

وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ (۲۳)

وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَلِيلٍ (۲۴)

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ (۲۵)

فَأَيُّنَ تَدْمَعُونَ (۲۶)

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۲۷)

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ (۲۸)

وَمَا تَشَاوُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۲۹)

۱۵- سوگند به ستارگانی باز گردانده شود

۱. صودت، آیه ۹۷؛ برای او بنائی بپایان کنید و او را در آتش دروخ بیندازید

۲. بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۹۴

۳. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۰۸؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۱۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۲۳



- ۱۶- حرکت کرده و از دیده‌ها دور گردند.  
 ۱۷- و سوگند به شب هنگامی که به اتمی می‌رسد.  
 ۱۸- و سوگند به صبح هنگامی که نفس زند.  
 ۱۹- که همانا قرآن کلام رسول بزرگواری است  
 ۲۰- که صاحب قدرت است و برد صاحب عرش دارای جاه و منزلت  
 است.

- ۲۱- (در آسمان‌ها) مورد اطاعت و امین است.  
 ۲۲- و همنشین شما دیوانه نیست.  
 ۲۳- و به تحقیق او را در افق روشن دیده است.  
 ۲۴- و او بر عیب (وحی که می‌گیرید) بحل نمی‌ورود.  
 ۲۵- و این (قرآن) سخن شیطان رانده شده بیست.  
 ۲۶- پس به کجا می‌روید؟  
 ۲۷- این (قرآن) چیزی جز تذکری برای عالمیان نیست.  
 ۲۸- برای کسی از شما که بخواهد راه مستقیم برود.  
 ۲۹- و شما نمی‌خواهید، مگر آنکه خداوند پروردگار عالمیان بخواهد  
 ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ﴾ یعنی قسم به خُنُس می‌خورم، که «خُنُس» اسم  
 ستاره‌هایی است.  
 ﴿الْجَوَارِ الْكُنُوسِ﴾ فرمود: ستارگانی که در روز پنهان می‌شوند و دیده  
 نمی‌شوند.<sup>۱</sup>  
 ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا عَنَصَصَ﴾ یعنی شب هنگامی که تاریک شود.  
 ﴿وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ﴾ صبح هنگامی که بالا آید. این آیات همه‌اش قسم و

جواش ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ﴾ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ می باشد یعنی دارای منزلت عظیم در نزد خداوند است.

﴿مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ﴾ این آن چیزی است که خداوند به وسیله آن پیامبرش را فضیلت داده و مانند آن را به احدی از انبیاء اعطا نکرده است<sup>۱</sup>

ابو بصیر گوید از امام صادق (ع) درباره معنای آیه ﴿ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ﴾ سوال کردم.

فرمود: یعنی جبرئیل.

عرض کردم: معنای آیه ﴿مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ﴾ چیست؟

فرمود: یعنی رسول خدا (ص) در نزد پروردگار مورد اطاعت است؛ و روز قیامت امین است.

سوال کردم: معنای آیه ﴿وَمَا ضَاحِكُمْ بِمَجْنُونٍ﴾ چیست؟

فرمود: یعنی پیامبر (ص) هنگامی که علی (ع) را برای مردم نصب کرد مجنون نبود.

عرض کردم: معنای آیه ﴿وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ﴾ چیست؟

فرمود: خداوند تبارک و تعالی از اینکه غیبش را بر پیامبرش بگوید بخیر نیست.

عرض کردم: معنای آیه ﴿وَمَا هُوَ يَقُولُ شَيْطَانٍ رَجِیمٍ﴾ چیست؟

فرمود: منظور از آن، کاهنانی هستند که در قریش بودند، و سخنان خود را به سخنان شیطان هایی نسبت می دادند که به اصطلاح خود، آنان همراهِ آنان بودند، و ایشان به زبان آن همزاده ها سخن می گفتند، و این ایه شریفه می فرماید: ﴿وَمَا هُوَ يَقُولُ شَيْطَانٍ رَجِیمٍ﴾ قرآن مانند سخنان کاهنان را

سخنان شیطانهای رانده شده نیست.

عرض کردم. معنای آیه ﴿قَائِنٌ تَذْهَبُونَ \* إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ چیست؟  
فرمود. یعنی درباره ولایت علی علیه السلام به کجا می روید، ﴿إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ  
لِّلْعَالَمِينَ﴾ یعنی برای کسی که خداوند از او عهد و پیمان بر ولایت علی علیه السلام را  
گرفت

عرض کردم: معنای آیه ﴿لَمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَعِيمَ﴾ چیست؟

فرمود: در طاعت علی علیه السلام و ائمه بعد از آن حضرت.

عرض کردم: معنای آیه ﴿وَمَا تَشَاوُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾

چیست؟

فرمود. همانا طی مسیر به سوی خداوند تبارک و تعالی است نه به سوی

مردم.<sup>۱</sup>

ابوالحسن علیه السلام فرمود. خداوند قلوب ائمه را محل اراده خود قرار داده و هر

وقت خداوند چیزی را بخواهد و اراده فرماید ائمه نیز می خواهند و آن است

معنی آیه ﴿وَمَا تَشَاوُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ که مشیت به سوی خدا

است نه به سوی مردم.<sup>۲</sup>

## کوه قاف

ابن عباس در معنای جمله ﴿رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ گفت: خداوند سیصد و هفده

عالم پشت کوه قاف و پشت هفت دریا خلق نموده و آنها اطلاعی از خلقت آدم

۱ بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۴۸ و ج ۳۶، ص ۱۷۵؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۱۳، نور لنگلین،

ج ۵، ص ۵۱۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۲۵

۲ بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۱۴ و ج ۲۴، ص ۳۰۵ و ج ۲۵، ص ۳۷۲؛ بصائر الدرحاب،

ص ۵۱۷؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۲۷

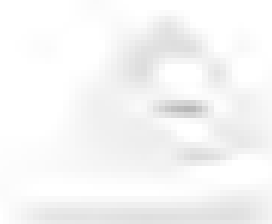
و فرزندان او ندارند و هر عالمی سیصد و سیزده برابر عالمی است که آدم و فرزندان او را در آن خلق نموده است اهل آن عوالم به مقدار چشم به هم زدن معصیت خداوند را بجا نیاورده اند و آن است معنای آیه ﴿إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ مگر آنکه خداوند پروردگار عالمیان بخواهد.<sup>۱</sup>

# تفسیر سورة انفطار

۸۲ - سورة انفطار در مکه

نازل شده و دارای ۱۹ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ (۱)

وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ (۲)

وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ (۳)

وَإِذَا الْقُورُ بُعْثِرَتْ (۴)

حَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ (۵)

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ (۶)

لَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ (۷)

فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ (۸)

۱- هنگامی که آسمان شکافته شود

۲- و هنگامی که ستارگان فرو ریزند

۳- و هنگامی که آب دریاها به هم پیوندند

۴- و هنگامی که قبرها زیر و رو گردد

۵- هر کسی می‌داند آن چه که از پیش فرستاده و آنچه که برای بعد گذاشته

است

۶- ای انسان، چه چیز تو را به پروردگار کریمت معرور کرده است؟

۷- همان خدایی که تو را آفرید، صورتی کامل داد و موزون نمود

۸- در هر صورتی که خواست تو را بیاراست و ترکیب نمود

﴿إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ \* وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ \* وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ \*﴾ یعنی وقتی که دریاها آتش سوزنده شوند.

﴿وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ \*﴾ یعنی قبرها شکافته می شود، و مردگان بیرون می آیند.<sup>۱</sup>

﴿عَلِمْتَ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ \*﴾ یعنی آنچه از خیر و شر پیش فرستاده را می داند.

سپس مردم را مورد خطاب قرار داده و فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ \* الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ \*﴾ یعنی هیچ کجی و ناموزنی در تو نیست.

﴿فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ \*﴾ اگر می خواست، به صورتی غیر این صورت تو را ترکیب می کرد.<sup>۲</sup>

كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالَّذِينَ (۹)

وَإِنْ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ (۱۰)

كِرَامًا كَاتِبِينَ (۱۱)

۹- هرگز (چنین نیست) بلکه شما روز حرا را تکذیب می کنید.

۱۰- و همانا برای شما نگهبانانی گذاشته شده،

۱۱- گرامی هستند و نویسند (اعمال شما)

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۰۸

۲. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۱۷؛ نورالتقلید، ج ۵، ص ۵۲۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۳۰



«كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالَّذِينَ ﴿﴾ بلكه رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علی را

تکذیب کردند.

«وَإِنْ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ ﴿﴾ همان دو فرشته‌ای که موکل بر انسان هستند.

﴿﴾ کراما کاتبین ﴿﴾ یعنی نیکی‌ها و زشتی‌ها را می‌نویسند.

إِنَّ الْأُبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (۱۳)

وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ (۱۴)

يَصَلُّونَهَا يَوْمَ الدِّينِ (۱۵)

وَمَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ (۱۷)

ثُمَّ مَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ (۱۸)

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ (۱۹)

۱۳- همانا نیکوکاران در نعمت‌های فراوان هستند

۱۴- و همانا فاجران در آتش دوزخند

۱۵- روز جزا به آن دوزخ وارد می‌شوند

۱۷- و توجه می‌دانی که روز جزا چیست؟

۱۸- سپس باز چه می‌دانی که روز جزا چیست؟

۱۹- آن روزی است که هیچ کس قادر نیست برای کسی دیگر کاری انجام

دهد، و همه امور در آن روز برای خداوند است.

﴿إِنَّ الْأُبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ وَ إِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ﴾ تا - يَصَلُّونَهَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿﴾

«یوم‌الدین» یعنی روز مجازات و سپس برای تعظیم روز قیامت فرمود: ﴿وَمَا

أَذْرَاكَ﴾ ای محمد ﴿مَا يَوْمُ الدِّينِ﴾ ثُمَّ مَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿﴾ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ

نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئاً وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ<sup>۱</sup>

ابن عباس در معنای آیه «وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ» گوید: مُلک و قدرت و سلطنت و عزت و جبروت و جمال و بهاء و هیبت و الهیت برای خداوندی است که شریکی ندارد.<sup>۲</sup>



۱. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۳۰

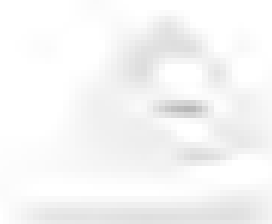
۲. بحارالانوار، ج ۷، ص ۱۰۸، تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۳۱

# تفسیر سورة مطفین

۸۳ - سورة مطفین در مکه

نازل شده و دارای ۳۶ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ (۱)

الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ (۲)

وَإِذَا كَالُوا لَهُمْ أَوْ وَزَنُوا لَهُمْ يُخْسِرُونَ (۳)

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ (۴)

۱- وای بر کم فروشان.

۲- و هنگامی که از مردم پیمانه می گیرند کامل می گیرد

۳- و هنگامی که می خواهند برای مردم پیمانه یا وزن کند کم می گذارد

۴- آیا آنها گمان نمی کنند که برانگیخته می شوند.

﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ﴾ آنهائی که از پیمانه و وزن کم می کنند.<sup>۱</sup>

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمود: سوره

مطففین وقتی نازل شد که رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد مدینه شده بود، و مردم مدینه

در آن روز از حیث ترازو داری بدترین مردم بودند، و در نتیجه آمدن این

سوره ترازو داریشان خوب شد.

و أما ﴿وَيْلٌ﴾ خدا عالم است بدرستی که آن چاهی در جهنم است<sup>۱</sup>  
 ابن عباس در معنای آیه ﴿الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ﴾ \* و إِذَا  
 كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ﴾ فرمود: آنها هنگامی که می‌خواستند جنسی را  
 بخرند با پیمانه‌ای پر می‌خردند و وقتی که می‌خواستند بفروشند از پیمانه و  
 وزن کم می‌کردند و عملشان اینطور بود<sup>۲</sup>

﴿الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا﴾ آنها که از مردم کالائی را برای خود می‌خریدند.  
 ﴿عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ﴾ \* و إِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ﴾ و از مردم  
 می‌گیرند کامل می‌گیرند و هنگامی که می‌خواهند برای مردم پیمانه یا وزن  
 کنند کم می‌گذارند.

خداوند فرمود: ﴿أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ﴾ یعنی آیا نمی‌دانند که در روز قیامت به  
 خاطر آن عملشان مورد حساب‌رسی واقع می‌شوند.<sup>۳</sup>

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُتُورِ لَمِي سَجِينٌ (۷)

وَمَا أَذْرَاكَ مَا سَجِينٌ (۸)

كِتَابٌ مَرْقُومٌ (۹)

وَبَلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۰)

الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بَيِّنَاتٍ الدِّينِ (۱۱)

وَمَا يَكْذِبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ (۱۲)

إِذَا تُنْفَخَتُ عَلَيْهِ أَيُّنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۳)

۱ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۳۲؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۰۱

۲ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۳۳؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۰۶؛ تفسیر صافی، ج ۷  
 ص ۴۲۳؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۳۳

۳ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۳۳؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۰۷؛ تفسیر برهان، ج ۸  
 ص ۲۳۴

كَلَّا بَلْ زَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۴)

كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوثُونَ (۱۵)

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ (۱۶)

ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (۱۷)

۷- هرگز (چنین نیست) همانا نامه عمل فاجران در سنجین است

۸- و نوحه می‌دانی که سنجین چیست؟

۹- کابی است نوشته شده.

۱۰- آن روز وای به حال تکذیب کنندگان.

۱۱- آنهایی که روز جزا را تکذیب می‌کنند.

۱۲- و کسی آن روز را تکذیب می‌کند که منجاور و گم‌کار است

۱۳- هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود می‌گوید: این از افسانه‌های

پیشینیان است

۱۴- هرگز (چنین نیست)، بلکه آنچه را که انجام داده‌اند قلب‌هایشان را تیره

و تار کرده است.

۱۵- هرگز (چنین نیست که می‌پندارند)، آنها در آن روز از پروردگارشان در

محجوب هستند.

۱۶- سپس آنها وارد آتش دوزخ می‌شوند.

۱۷- سپس به آنها گفته می‌شود: این همان چیزی است که آن را تکذیب

می‌کردید

﴿كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سِجِّينٍ﴾ آنچه از عذاب که خدا برای فجار نوشته

در سنجین است.

﴿وَمَا أَذْرَاكَ مَا سِجِّينٌ﴾ كِتَابُ مَرْقُومٍ یعنی نوشته شده است.

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام روایت می کند که فرمود: «سجین» عبارت است از طبقه هفتم زمین، و «علیون» عبارت از آسمان هفتم است<sup>۱</sup> امام صادق علیه السلام در معنای آیه «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سَجِّينٍ» فرمود مراد از فجار فلانی و فلانی است.

«وَمَا أَذْرَاكَ مَا سَجِّينٌ - تَا - الَّذِينَ يَكْذِبُونَ يَوْمَ الدِّينِ» که مراد زریق و حبتر است.

«وَمَا يَكْذِبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ» \* إِذَا تَلَّيْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ \* و آن دو زریق و حبتر بودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله را تکذیب می کردند؛ تا آیه «إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ» که باز مراد آن دو نفر است «ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ» یعنی آن دو و پیروانشان

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سَجِّينٍ (۱۸)

وَمَا أَذْرَاكَ مَا سَجِّينٌ (۱۹)

كِتَابٌ مَرْقُومٌ (۲۰)

بَشَهِدَةُ الْمَقْرُونُونَ (۲۱)

إِنَّ الْأَثَرَاءَ لَفِي نَعِيمٍ (۲۲)

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ (۲۳)

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ (۲۴)

يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْمُومٍ (۲۵)

خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ (۲۶)

۱ بحار الانوار، ج ۵۵ ص ۵۱، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۲۵، موانع الثقلین، ج ۵، ص ۵۳۰.

تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۳۴.



وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ (۲۷)

عَيْناً يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ (۲۸)

إِنَّ الَّذِينَ أُجِرُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ (۲۹)

وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَعَامَرُونَ (۳۰)

وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (۳۱)

۱۸- هرگز (چنین نیست) همانا نامه اعمال نیکان در علین است

۱۹- و توجه می دانی که علین چیست؟

۲۰- کتابی است نوشته شده.

۲۱- که مقربان بر آن شهادت می دهند.

۲۲- همانا نیکوکاران در نعمت های فراوان هستند.

۲۳- بر نعمتها (ی بهشتی) تکیه زده و نگاه می کند.

۲۴- در رحسارشان مشاط و شادمانی نعمت ها را می شناسی

۲۵- آنها از شراب باب گوارا و سرشته سیراب می گردند.

۲۶- مهر آن از مشک است، و در این نعمت های الهی باید راغبان بر

همدیگر پیشی بگیرند.

۲۷- و طبع آن شراب آمیخته با تسنیم است.

۲۸- چشمهای که مقربان از آن می آشامند

۲۹- همانا مجرمان بر مومنان می حدیدانند.

۳۰- و هنگامی که بر آنها می گذشتند با اشاره مسحشان می کردند.

۳۱- و هنگامی که به سوی خانواده شان می رفتند خندان و شادان بودند.

﴿كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيَّينَ وَمَا أَذْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ - تَا - عَيْناً يَشْرَبُ بِهَا

الْمُقَرَّبُونَ﴾ که مراد رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین

و ائمه علیهم السلام می باشند.

﴿يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ﴾ ملائکه ای اعمالشان را نوشته اند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ أُجِرُوا﴾ که مراد زریق و حبترو پیروان آن دو می باشند

﴿كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَصْحَكُونَ﴾ و إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَرُونَ که مراد

رسول خدا ﷺ است و تا آخر سوره درباره آن دو می باشد<sup>۱</sup>

﴿كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيْنَ﴾ یعنی آنچه از ثواب برای آنها نوشته

شده است.

امام باقر علیهما السلام فرمود: بدرستی که خداوند ما را از اعلیٰ علین آفرید و

قلب های شیعیان ما را نیز از آنچه ما را خلق کرده آفرید و بدن هایشان را

پائین تر از آن خلق نمود پس قلب های شیعیانمان به سوی ما متمایل است زیرا

آنها از چیزی خلق شده اند که ما از آن خلق شده ایم سپس این آیه را تلاوت

نمود: ﴿كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيْنَ﴾ تا - يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ -

﴿يُسْتَقُونَ مِنْ رَحِيْقٍ مَحْتَمٍ خِتَامُهُ مِسْكٌ﴾<sup>۲</sup> آبی که هر وقت مومن آن را

بیاشامد بوی مشک از آن استشمام می کند.<sup>۳</sup>

امام صادق علیهما السلام فرمود: هر کس خمر را به خاطر غیر خداوند ترک کند

خداوند او را از شراب خالص مُهر شده بنوشاند، سوال شد: یا ابن رسول الله

کسی که خمر را به خاطر غیر خدا ترک کند؟ فرمود: بَلَه<sup>۴</sup> به خدا سوگند آن

صیانت و نگه داشتن نفس است.<sup>۵</sup>

﴿وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ﴾ فرمود: متنافس و مسابقه در آن

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۵۵. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۲۵. نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۳۰.

تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۳۴

۲. بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۳۵

۳. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۵

۴. کافی، ج ۶، ص ۲۳۰؛ وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۲۹۸

ثوابهایی که ما وعده دادیم و مؤمنین در طلب آن است.

﴿وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ﴾ تسنیم مصدر ستمه به معنای رفته است، چوں او از بلندترین چشمه های بهشت است، یا شراب آن از بهترین اقسام شراب بهشت است و یا از بالای اهل بهشت می آید و روی همین جهت تسنیم نامیده شده است، آن چشمه ای است که مقربون از آن می آشامند و مقربون آل محمد صلی الله علیه و آله هستند؛ خداوند می فرماید: ﴿السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ لُؤْلُوكَ الْمَقْرُوبُونَ﴾ که رسول خدا صلی الله علیه و آله و خدیجه و علی بن ابی طالب و ذریه آنها ملحق به مقربون می شوند، خداوند می فرماید: ذریه شان را ملحق به آنها کردیم، مقربون از چشمه تسنیم خالص صرف می آشامند ولی سائر مؤمنین آمیخته و مخلوط شده آن را می آشامند.<sup>۱</sup>

سپس مجرمینی را که مؤمنین را مسخره کرده و با چشم و ابرو بر آنها اشاره نموده و می خندیدند را توصیف نموده و فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ - تَأْخِذُ بِكُلِّ فِتْنَةٍ﴾ یعنی مسخره می کردند.

وَإِذْ رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءَ لَضَالُونَ (۳۲)

وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ خَافِظِينَ (۳۳)

فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ (۳۴)

عَلَىٰ لَأَازِكِ يَنْظُرُونَ (۳۵)

هَلْ تُؤْتِ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۳۶)

۳۲ و هنگامی که آنها (مؤمنان) را می دیدند می گسند ایها ارگمراهان

هستند

۳۳- در حالی که نگهبان و موکل اعمال مؤمنان فرستاده نشده بودند.

۳۴- پس امروز مؤمنان بر کفار می‌خندیدند.

۳۵- در حالی که بر تحتلای عزت بهشتی (تکیه رده‌اند و نگاه می‌کند.

۳۶- آیا کافران به نتیجه اعمالی که انجام می‌دادند رسیدند؟

﴿وَإِذَا رَأَوْهُمْ﴾ یعنی مؤمنین.

﴿قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ﴾ می‌گفتند: اینها از گمراهان هستند.

پس خداوند فرمود: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ خَافِظِينَ﴾ در حالی که نگهبان و موکل اعمال مؤمنان فرستاده نشده بودند.

سپس خداوند فرمود: ﴿قَالَتِیَوْمَ﴾ یعنی روز قیامت ﴿الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ

يَضْحَكُونَ﴾ عَلَى الْأَرْزَاقِ يُنْظَرُونَ \* هَلْ تُؤْتَى الْكُفَّارُ﴾ یعنی کفار عین همان

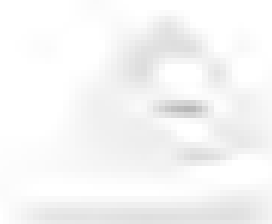
کاری که می‌کردند مجازات می‌شوند ﴿فَمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾<sup>۱</sup>

# تفسیر سورة انشقاق

۸۴ - سورة انشقاق در مکه

نازل شده و دارای ۲۵ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ (۱)

وَأُذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (۲)

وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ (۳)

وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ (۴)

۱- هنگامی که آسمان شکافته شود

۲- و به فرمان پروردگارش است و سزاوار است که چنین باشد

۳- و هنگامی که گسترده شود

۴- و آنچه که در درون دارد بیرون انداخته و خالی گردد

﴿إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ﴾ یعنی در روز قیامت

﴿وَأُذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ﴾ که ﴿اذننت ربها﴾ یعنی از پروردگارش اطاعت

می‌کند.

﴿حُقَّتْ﴾ یعنی برای او حق است که از پروردگارش اطاعت کند.

﴿وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ﴾ و أَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ﴾ زمین کشیده می‌شود،

سپس می‌شکافد و انسانها از شکمش بیرون می‌آیند.

﴿وَتَخَلَّتْ﴾ یعنی از انسان‌ها خالی شود.

نَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (۶)  
 فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ (۷)  
 فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا (۸)  
 وَنُقِلَتْ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَشْرُورًا (۹)  
 وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَزَاءَ ظَهْرِهِ (۱۰)  
 فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا (۱۱)

۶- ای انسان تو با زحمت و رنج فراوان به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد.

۷- پس اما کسی که نامه اعمالش به دست راست او دهد

۸- پس به زودی حساب آسانی دارد

۹- و با سرور و خوشحالی به سوی خانواده‌اش باز می‌گردد

۱۰- و اما کسی که نامه اعمالش را از پشت سر به او بدهد

۱۱- پس پرودی فریاد می‌زند ای وای بر من که هلاک شدم

﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا﴾ یعنی هر کدام را می‌خواهی  
 خیر یا شر را پیش بفرستی،  
 ﴿فَمُلَاقِيهِ﴾ یعنی آنچه را که از خیر و یا شر را پیش فرستاده‌ای آن را  
 ملاقات کن و ببین.<sup>۱</sup>

ابی‌الجارود از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت در تفسیر آیه  
 ﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ﴾ فرمود: این آیه راجع به ابو سلمه عبد الله بن  
 عبد‌الأسود بن هلال مخزومی نازل شده، که مردی از قبیله بنی مخزوم بود و



اما آیه ﴿وَ اَمَّا مَنْ اُوْتِيَ كِتَابَهُ وَ زَاةَ ظَهْرِهِ﴾ درباره برادرش اُسود بن عبدالاسود مخزومی نازل شده که حضرت حمزه او را در جنگ بدر به قتل رسانید.<sup>۱</sup>

﴿فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا﴾ که «ثبور» به معنای واویلا گفتن و فریاد زدن است یعنی بزودی آنها با دیدن نامه اعمالشان فریادشان بلند می شود.

اِنَّهُ ظَنَّ اَنْ لَّنْ يَخُوْرَ (۱۴)

بلی اِنْ زَيْتُهُ كَانَ يَه تَصِيْرًا (۱۵)

فَلَا اُقْسِمُ بِالشَّفَقِ (۱۶)

وَاللَّيْلِ وَ مَا وُسْقَى (۱۷)

وَالْقَمَرِ اِذَا اُتْسِقَى (۱۸)

لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ (۱۹)

۱۴- و او گمان می کرد که هرگز بار نخواهد گشت.

۱۵- آری پروردگارش به حال او بینا بود.

۱۶- سوگند به شفق.

۱۷- و سوگند به شب و آنچه که جمع کرده (در دل شب آرام گرفته) است.

۱۸- و سوگند به ماه هنگامی که کامل گردد.

۱۹- که شما از حالی به حالی دیگر دگرگون می شوید.

﴿اِنَّهُ ظَنَّ اَنْ لَّنْ يَخُوْرَ﴾ بلی گمان می کند که بعد از مردن هرگز بر

نمی گردد.

﴿فَلَا اُقْسِمُ بِالشَّفَقِ﴾ و مراد از «شفق» سرخی بعد از غروب خورشید

می باشد.

﴿وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ﴾ هنگامی که تمام آفریده ها را جمع می کند تا به وسیله آن هلاک می شوند.

﴿وَالْفَقْرِ إِذَا تَسَقَّ﴾ هنگامی که جمع می شود.

﴿لَتَرْكِبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ﴾ حالی بعد از حالی.

رسول خدا ﷺ فرمود: طریقه ای را که پیشینیان شما مرتکب شدند از معصیت و نافرمانی بعینه آن را می پیمائید بدون کم و زیاد، حتی اگر سابقین داخل در سوراخ جاوران می شدند شما هم می شوید.

اصحاب حضورش عرض کردند: ای رسول خدا یعنی یهود و نصاری؟ فرمودند: پس چه کسی را می گویم! یکی پس از دیگری عهد و پیمان با اسلام را می شکنید و اول عهدی که از دینتان را می شکنید امامت [امانت] و دیگری نماز است.<sup>۱</sup>

زراره گوید امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿لَتَرْكِبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ﴾ فرمودند: ای زراره آیا مرتکب نشدند این امت بعد از پیغمبر خود طریقه ای بعد از طریقه ای و عداوت اهل بیت بعد از عداوتی در باب استحکام حکومت اولی و دومی و سومی.<sup>۲</sup>

﴿إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ﴾ یعنی بعد از مرگ بر می گردد.

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّقِيقِ﴾ و آن چیزی است که بعد از غروب خورشید می آید و این آیه قسم و جوابش ﴿لَتَرْكِبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ﴾ می باشد یعنی مذهب بعد از

۱ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۵۰ و ج ۲۸، ص ۸؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۳۸، تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۴۵

۲ کافی، ج ۱، ص ۴۱۵؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۵۰ و ج ۲۸، ص ۹؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۳۶؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۴۷

مذهبی.

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ (۲۳)

۲۳- و خداوند آنچه را که در دل پنهان دارد را می‌داند

﴿وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ﴾ یعنی خداوند به آنچه در سینه‌هایشان دارند دانا

و آگاه است.

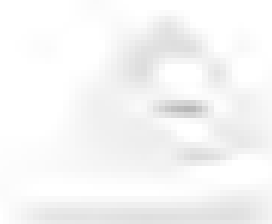
إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۲۵)

۲۵- مگر کسانی که ایمان می‌آورند و عمل صالح انجام می‌دهند برای آنها

اجری قطع نشدنی و بی‌نهایت است.

﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾ یعنی منت بر آنها

نمی‌گذارد.<sup>۱</sup>

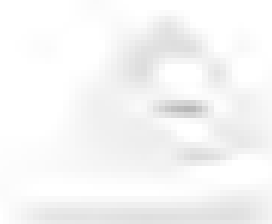


# تفسیر سورة بروج

۸۵ - سورة بروج در مکه

نازل شده و دارای ۲۲ آیه

است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ (۱)

وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ (۲)

وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ (۳)

۱- سوگنده آسمان بلند که دارای برج‌های با عظمت است

۲- و سوگنده به روز موعود.

۳- و سوگنده به شاهد و مشهود.

«وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ \* وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ» یعنی روز قیامت.

«وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ» شاهد روز جمعه است و مشهود روز قیامت

می‌باشد<sup>۱</sup>

قِيلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ (۴)

الَّذِينَ دَابَّ الْوَقُودِ (۵)

إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ (۶)

وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَمْغُلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ (۷)

۱. مورد الثقلین، ج ۵ ص ۵۴۱؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۴۱

وَمَا تَقْصُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْغَرِيبِ الْحَمِيدِ (۸)  
 الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۹)  
 إِنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ  
 عَذَابُ الْخَرْقِ (۱۰)

۴- مرگ بر آدم سوران خنلق.

۵- آتش عظیم و شعله‌ور شده.

۶- هنگامی که در کنار آن نشسته بودند

۷- و آنها آنچه را که بر مومنان انجام می‌دادند را ناشنا می‌کردند

۸- و آنها هیچ عیبی بر مومنان نداشتند مگر اینکه مومنان به خداوند عرب و  
 حمید ایمان آورده بودند.

۹- آن خدایی که حاکمیت آسمانها و زمین را برای اوست، و خداوند بر هر  
 چیزی گواه است.

۱۰- همانا کسانی که مردان و زنان مومن به قتل رسانیدند و سپس توبه هم  
 نکردند پس برای آنها عذاب جهنم و عذاب سوزاننده است

### گشته شدن اصحاب اخذود

﴿قَتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ﴾

علت نزول این آیه چنین بود: «ذونواس» مردم حبشه را برای جنگ با یمن  
 به هیجان آورد، و او آخرین پادشاه از دودمان «حمیر» و از یهودیان بود، و به  
 همین جهت همه مردم، دین او را گرفتند و یهودی شدند، او خود را یوسف نام  
 نهاده بود و سالها سلطنت کرده بود تا در آخر شنید که در نجران بقایایی از  
 مسیحیان باقی مانده‌اند که بر دین عیسی و حکم انجیل هستند، و برگ



دینشان عبد الله بن بریا است، اطرافیانش او را تحریک کردند که به سوی قوم نجران لشکر بکشد و آنان را به قبول دین یهود و اداری سازد، ذونواس با لشکرش حرکت کرده به نجران آمد و همه مسیحی مذهبیان را جمع کرده پیشنهاد کرد تا به دین یهود درآیند، مردم نپذیرفتند، با آنان مجادله کرد و باز پیشنهاد خود را تکرار و مردم را به قبول آن تحریک نمود، و تا جایی که توانست بر این کار حرص ورزید، اما نپذیرفتند، حاضر شدند کشته بشوند ولی به دین یهود در نیامند، پس ذونواس برای از بین بردنشان گودالی پر از هیزم درست کرد، و آتشی عظیم بر افروخت، بعضی را زنده در آتش انداخت و بعضی را با شمشیر کشت و مثله کرد، تا جایی که عدد کشتگان و سوختگان به بیست هزار نفر رسید، یک نفر از آنان به نام «دوس ذو ثعلبان» بر اسب تیزکی سوار شد و گریخت، هر چه دنبالش رفتند نتوانستند او را بیابند، چون او راه رمل را پیش گرفت که افراد ناآشنا در آنجا گم می شوند، ذونواس با لشکر خود برگشت و هم چنان به کشتن آن مردم پرداخت و خداوند فرمود:

﴿قَتَلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ - تَالْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾<sup>۱</sup>

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ﴾ یعنی آنها را سوزاند.

﴿ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ﴾ و سپس توبه هم

نکردند پس برای آنها عذاب جهنم و عذاب سوزاننده است<sup>۲</sup>

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ  
ذَلِكَ الْقَوْزُ الْكَبِيرُ (۱۱)

۱ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۴۳، نورالتقوی ج ۵، ص ۵۴۴، تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۵۲

۲ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۳۸، تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۵۳

إِنْ يَطْشَ رَيْكَ لَشَدِيدٌ (۱۲)

إِنَّهُ هُوَ يُبَدِّلُ وَيُعِيدُ (۱۳)

وَهُوَ الْعَفْوَ الْوَدُودُ (۱۴)

ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ (۱۵)

۱۱- کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند برای آنها باع همتی بهشتی است که از ریز درختانش بهرما جاری است، این رستگاری بررگ است

۱۲- همانا انتقام پروردگارت بسیار سحت و شدید است

۱۳- همانا اوست که آغاز می کند و باز می گرداند

۱۴- و او آمرزنده و دوستدار مؤمنان است

۱۵- صاحب عرش عظیم و با اقتدار است.

ابن عباس در معنای آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا» می گوید، یعنی راست گفتند و به خداوند عزوجل ایمان آوردند و او را به یگانگی خواندند.  
«وَعِبَلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» یعنی نه چشمی دارد ببیند و نه گوشی دارد بشنود.

«ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ» یعنی آنها به وسیله بهشت رستگار می شوند و از عقاب در امان می مانند.

«إِنْ يَطْشَ رَيْكَ» ای محمد.

«لَشَدِيدٌ» یعنی هنگامی که ستمکاران و جباران کافر را بگیرد که خداوند در سوره هود می فرماید: «إِنْ أَخَذَهُ إِلِيمٌ شَدِيدٌ»<sup>۱</sup> همانا گرفتار او شدید و دردناک است.

﴿إِنَّهُ هُوَ يُبْدِي وَيُعِيدُ﴾ یعنی آفرید و سپس آنها را میراند و بعد از مرگ آنها را رنده می‌کند.

﴿وَهُوَ الْغَفُورُ الْودُودُ﴾ یعنی برای اولیا و اهل اطاعت خودش مهربان بوده و با محبت برخورد می‌کند همچنانکه یکی از شما برادرش را دوست می‌دارد و با بشاشت و محبت با او برخورد می‌کند.<sup>۱</sup>  
ابی الجارود از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که در تفسیر آیه ﴿ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ﴾ که او خداوند کریم و مجید است.

نَلِّ هُوَ قُرْآنَ مَجِيدٍ (۲۱)

فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ (۲۲)

۲۱- بلکه این قرآن برگوار و با عظمت است.

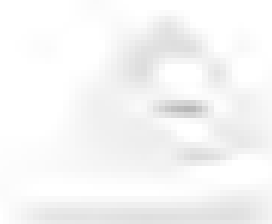
۲۲- در لوح محفوظ نگاشته است.

﴿بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ﴾ \* ﴿فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ﴾ \* لوح محفوظ دو طرف دارد، یک طرفش بر سمت راست عرش بر پیشانی اسرافیل است که هر وقت خدای تعالی سخن از وحی می‌کند لوح به پیشانی اسرافیل می‌زند، و اسرافیل در لوح نظر می‌کند، و آنچه را در لوح می‌بیند به جبرئیل وحی می‌کند.<sup>۲</sup>

۱ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۵۲

۲ بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۲۶۶- تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۲۷- تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۵۵

مورالتعلیل، ج ۵، ص ۵۴۸



# تفسیر سورة طارق

۸۶ - سورة طارق در مکه

نازل شده و دارای ۱۷ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ (۱)

وَمَا أَذْرَاكَ مَا الطَّارِقُ (۲)

النَّجْمُ الثَّاقِبُ (۳)

إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا خَافِظٌ (۴)

۱- سوگند به آسمان و سوگند به طارق.

۲- و تو چه می‌دانی که طارق چیست؟

۳- طارق همان ستاره درخشان و در بین برنده تاریکی است

۴- (سوگند به ایها) که برای هر نفسی گهانی است

﴿وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ﴾ طارق ستاره درخشان است و آن ستاره عذاب و

ستاره قیامت است و آن «زُحَل» در بالاترین جایگاه قرار دارد.

﴿إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا خَافِظٌ﴾ مراد از حافظ ملائکه هستند.<sup>۱</sup>

ابو بصیر روایت می‌کند که امام صادق علیه السلام در معنای آیه ﴿وَالسَّمَاءِ وَ

الطَّارِقِ﴾ فرمودند: مراد از ﴿السَّمَاءِ﴾ در اینجا امیرالمؤمنین علیه السلام و مراد از

۱ بحارالانوار، ج ۷، ص ۱۰۸؛ نورالانوار، ج ۵، ص ۵۵۰؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۵۲.

تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۵۸.

«طارق» روحی است که با ائمه می‌باشد و راست می‌دارد ایشان را بر اعمال صالحه و هر شب از نزد پروردگار خود پیش ائمه علیهم‌السلام می‌آید و ایشان را از آنچه در شب و روز بوقوع خواهد آمد خبر می‌دهد.

ابو بصیر گوید، گفتم معنای «النَّجْمُ الثَّاقِبُ» چیست؟  
فرمود، مراد از آن رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشد.<sup>۱</sup>

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ (۵)

خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ (۶)

يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ (۷)

إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ (۸)

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ (۹)

۵- پس انسان مگر که از چه آفریده شده است؟

۶- از آب جهنده آفریده شده است،

۷- آبی که از میان پشت و سینه‌ها بیرون می‌آید.

۸- همانا او قادر است که او را برگرداند.

۹- روزی که اسرار انسان آشکار می‌شود.

«فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ» \* خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ \* منظور نطفه است، که با

قوت خارج می‌شود.

«يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ» یعنی صلب مرد، و ترائب زن که همان

سینه او است.

«إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ» همچنانکه او را از نطفه آفرید قادر است که او را به



دوباره به دنیا و به سوى قیامت برگرداند.

﴿يَوْمَ تَبْلَى السَّرَائِرُ﴾ یعنی روزی که سریزه‌ها و پنهانی‌ها آشکار می‌شود.

فَنَالَهُ مِنَ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ (۱۰)

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ (۱۱)

وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ (۱۲)

إِنَّهُ لَقَوْلُ فَضْلٍ (۱۳)

وَمَا هُوَ بِالنَّهْزِلِ (۱۴)

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (۱۵)

وَأَكِيدُ كَيْدًا (۱۶)

فَمَهْلِكُ الْكَافِرِينَ أَنَّهُمْ يُرِيدُوا (۱۷)

۱۰- پس برای او هیچ نیرو و یابوری نیست.

۱۱- و سوگند به آسمان باران‌زا.

۱۲- و سوگند به زمین گیاه‌رو.

۱۳- همانا که قرآن جدا کننده حق از باطل است

۱۴- و آن سخن بیهوده‌ای نیست.

۱۵- همانا که آنها حیل‌های گوناگونی می‌کنند.

۱۶- و من هم در مقابل مکرشان چاره‌ای خواهم کرد

۱۷- پس کافران را مهلت کمی بده.

﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ﴾ یعنی آسمان دارای باران است.

﴿وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ﴾ یعنی زمین دارای گیاهان است و آن قسم و

جوابش آیه ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ فَضْلٍ﴾ است یعنی قرآن کلامی قاطع و جدا کننده میان

حق و باطل است.

﴿وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ﴾ یعنی قرآن سخن هزل و مسخره نیست

﴿إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا﴾ یعنی حيله ها به کار می برید.

﴿وَأَكِيدُ كَيْدًا﴾ و آن از جانب خداوند عذاب است

﴿فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ لَهُمْ رُؤُودًا﴾ یعنی مدت کمی آنها را به حال خودشان

واگذار<sup>۱</sup>

ابی بصیر درباره معنای آیه ﴿فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ﴾ می گوید یعنی

هیچ نیرویی ندارد که با آن به سوی خالقش نزدیک شود، و هیچ ناصری ندارد

که اگر خدا عذاب او را بخواهد او را یاری کند.

عرض کردم: معنای آیه ﴿إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا﴾ چیست؟

فرمود: بار رسول خدا ﷺ مکر کردند، با علی ﷺ مکر کردند، با فاطمه ﷺ

مکر کردند پس خداوند به محمد ﷺ فرمود ای محمد ﴿إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا﴾

وَأَكِيدُ كَيْدًا فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ \* ای محمد ﴿لَهُمْ رُؤُودًا﴾ وقتی که حضرت

قائم ﷺ قیام نماید و انتقام مرا از ستمکاران و طاغوتیان از قریش و بنی امیه

و سائر مردم بگیرد.<sup>۲</sup>

۱ بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۴۹، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۵۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۵۸

۲ بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۶۸، وح ۵۳، ص ۵۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۵۸

# تفسیر سورة اعلی

۸۷ - سورة اعلی در مکه

نازل شده و دارای ۱۹ آیه

است.

از تفتیک بزرگ و سبزی

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- سُبْحِ اسْمِ رَبِّكَ الْأَعْلَى (١)
- الَّذِي خَلَقَ فَسُوَّى (٢)
- وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى (٣)
- وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى (٤)
- فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى (٥)
- سَنُقَرِّئُكَ فَلَاتُحْسَى (٦)
- إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى (٧)
- وَنُبَشِّرُكَ بِالْيُسْرَى (٨)
- فَلَذِكُرْ إِن تَقْصِدَ الذِّكْرَى (٩)
- سَيَذْكُرْكَ مَنْ بَخْسَى (١٠)
- وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَتَمَى (١١)
- الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكَثْرَى (١٢)
- ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَخْفَى (١٣)
- فَذَاقْ لَعْنُ مَنْ تَزْكَى (١٤)
- وَذَكِّرْ اسْمَ رَبِّهِ فَصْلَى (١٥)

- ۱- پروردگار بلند مرتبات را تسبیح کرد
  - ۲- همان خدایی که (عالم را) آفرید و منظمش نمود
  - ۳- و همان خدایی که اندازه گیری کرد و هدایت نمود.
  - ۴- و همان خدایی که چراگاه را بیرون آورد.
  - ۵- پس آن را خشک و تیره گردانید.
  - ۶- پرودی (آیات قرآن را) بر تو بحوانیم، پس فراموش می‌کسی
  - ۷- مگر آنچه که خداوند بخواهد، همانا که او آشکار و پنهان را می‌داند.
  - ۸- و تو را برای آسان‌ترین کار آماده می‌کنیم.
  - ۹- پس متذکر نما اگر تذکر سودمند باشد.
  - ۱۰- پرودی کسی که از خداوند می‌ترسد متذکر می‌شود
  - ۱۱- و شقی‌ترین انسان از آن دوری می‌گزید
  - ۱۲- همان کسی بر آتش برگ وارد می‌شود
  - ۱۳- سپس نه در آن می‌میرد و نه زنده می‌شود.
  - ۱۴- به تحقیق کسی که تزکیه نمود رستگار شد.
  - ۱۵- و اسم پروردگارش را یاد نموده پس نماز خواند.
- ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ یعنی بگو: «سبحان ربی الاعلیٰ»  
 ﴿الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ ۖ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ﴾ مقدر فرموده اشیاء را با تقدیر  
 اول، سپس به سویی هدایت کرده هر که را می‌خواهد.  
 ﴿وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ﴾ یعنی گیاهان.  
 ﴿فَجَعَلَهُ﴾ یعنی بعد از بیرون آمدن.  
 ﴿غُثَاءً آخَرَىٰ﴾ این است که همان نبات و گیاه بعد از رسیدن به حد بلوغش  
 خشک و سیاه می‌شود.

﴿سَنُقَرِّبُكَ فَلَا تَنسَى﴾ یعنی به تو یاد می دهیم پس آن را فراموش مکر سپس استغنا قائل شده و فرمود: ﴿إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾ زیرا کسی از سیان لغوی که همان ترک کردن است در امان نیست زیرا آن کسی که فراموش نمی کند او خداوند عزوجل است.<sup>۱</sup>

اصبغ گوید از امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره معنای آیه ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ سوال کردم، فرمود: بر ستون عرش دو هزار سال قبل از اینکه خداوند آسمان ها و زمین ها را بیافریند نوشته شده بود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ فَاشْهَدُوا بِهِمَا وَ أَنَّ عَلِيًّا وَصِيَّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»؛ خدایی جز معبود یگانه نیست، بکتایی است که شریکی ندارد، و اینکه محمد بنده و فرستاده اوست پس شهادت به آن دو دهید و اینکه علی علیه السلام وصی محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.<sup>۲</sup>

﴿وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَى﴾ فذکر﴾ یعنی ای محمد ﴿إِنْ نَقَعْتَ الذُّكْرَى﴾ سَيَذْكُرُ مَنْ يَخْشَى﴾ یعنی آن را به تو متذکر شدیم.

سپس فرمود: ﴿وَيَتَجَنَّبُهَا﴾ یعنی آنچه ما تذکر دادیم شقی ترین افراد از آن دوری می گیرند.

﴿الْأَشْقَى﴾ الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى﴾ آتش روز قیامت.

﴿ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى﴾ یعنی در آتش می باشند همچنانکه خداوند فرمود: ﴿وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَ مَا هُوَ بِمَيِّتٍ﴾<sup>۳</sup> مرگ از هر طرف بر او رو می کند ولی او مُردنی نیست.

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى﴾ یعنی زکات فطره که قبل از نماز عید فطر

۱ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۵۷؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۶۲؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۵۵۵

۲ بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۳۶۵ و ج ۲۷، ص ۵۰۵ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۶۳

۳ ابراهیم، آیه ۱۷

می پردازند<sup>۱</sup>

﴿وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى﴾ نماز عید فطر و عید قربان.

ابن عباس در معنای آیه ﴿إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى﴾ گوید: یعنی آنچه تا روز قیامت در قلب و نفس تو می گذرد خداوند به آن عالم و آگاه است.  
﴿وَنُيْسِرُكَ﴾ ای محمد در همه امورت ﴿إِلَيْسِرَى﴾<sup>۲</sup>

إِنْ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى (۱۸)

صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى (۱۹)

۱۸- این سخنان در کتاب های گذشتگان نیز آمده است

۱۹- در کتاب ابراهیم و موسی

﴿إِنْ هَذَا﴾ یعنی آنچه از قرآن تلاوت کرده ای.

﴿لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى﴾ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى در کتاب های گذشتگان

خصوصاً در کتاب ابراهیم و موسی نیز آمده است.<sup>۳</sup>

۱- تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۵۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۶۲؛ نورالقطب، ج ۵، ص ۵۵۶

۲- بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۵۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۶۲

۳- بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۴۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۶۳

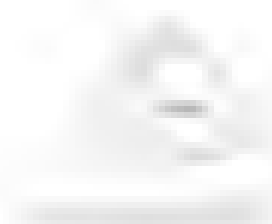


# تفسیر سورة غاشیه

۸۸ - سورة غاشیه در مکه

نازل شده و دارای ۲۶ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ (۱)

وَجُودَ يُؤْمِنُ غَاشِيَةً (۲)

غَامِلَةً نَاصِيَةً (۳)

تَضَلَّى نَاراً خَامِيَةً (۴)

تُسْقَى مِنْ عَيْنِ آيَةٍ (۵)

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ (۶)

لَا يُشْبِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ (۷)

وَجُودَ يُؤْمِنُ نَاعِمَةً (۸)

لِيَسْغِيَهَا زَاجِيَةً (۹)

فِي حُمَةِ غَالِيَةٍ (۱۰)

لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِغِيَّةٍ (۱۱)

۱- آیا داستان غاشیه بر تو رسیده است؟

۲- صورتهایی در آن روز ترسان و ذلیل است.

۳- که همه آنها کار کرده و خسته شده‌اند.

۴- در آتش فروزان وارد می‌شوند.

۵- از چشمه آب داغ به آنها بنوشانند.

۶- برای آنها غذایی حر حار و علف خشک و نلج و بدو یب

۷- غذایی که به آنها را چاق می‌کند و نه از گرسنگی بی‌نیازشان می‌گرداند.

۸- صورت‌هایی در آن روز مسرور و خندان است

۹- از سعی و کوشش خود راضی هستند.

۱۰- در بهشت بلند مرتبه جای دارند

۱۱- در آنجا هیچ سخن لغو و بیهوده نمی‌شنوند.

﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ﴾ یعنی ای محمد به تحقیق خبر قیامت برای تو

بیان شد و معنی «الغاشية» یعنی اینکه مردم را در بر می‌گیرد.

﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ \* عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ﴾ آنها کسانی بوده‌اند که با دین خدا

مخالفت ورزیده‌اند، نماز خوانده‌اند، روزه گرفته‌اند و با امیرالمومنین

علی علیه السلام دشمنی نموده‌اند و آن قول الهی است که فرمود: ﴿عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ﴾

یعنی خداوند آن اعمال و افعالشان را قبول نمی‌کند.

﴿تَصْنَعُ﴾ یعنی صورت‌هایشان

﴿نَارًا خَاشِئَةً \* تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ﴾ یعنی از شدت گرما ساله و فریاد

می‌کند.

﴿لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ﴾ یعنی غذایشان عرق اهل آتش جهنم و آنچه

از آلت‌های زناکاران بیرون می‌آید، می‌باشد ﴿لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ﴾ که

نه چاق کننده هستند و نه از گرسنگی نجاتشان می‌دهد.

سپس پیروان امیرالمومنین علی علیه السلام را ذکر کرده و فرمود: ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ

نَاعِمَةٌ \* لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ﴾ یعنی خداوند به آنچه آنها تلاش و کوشش کرده‌اند

راضی می‌کند.

﴿فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۖ لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِأَغْيَةٍ﴾ یعنی در آنجا شوخی و دروغ نمی‌شنوند.<sup>۱</sup>

ابی حمزه گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: هر کس که با شما مخالفت کند اگر چه متعبد باشد و در عمل کوشش کرده باشد منسوب به این آیه است: ﴿وَجُودَ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٍ ۖ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ ۖ تَصْلِي نَارًا خَامِئَةً﴾ صورت‌هایی در آن روز ترسان و ذلیل است. که همه آنها کار کرده و خسته شده‌اند. در آتش فروزان وارد می‌شوند.<sup>۲</sup>

فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ (۱۳)

وَأَكْبُوتٌ مَوْصُوعَةٌ (۱۴)

وَنَمَارِقُ مَصْفُوعَةٌ (۱۵)

وَزَرَابِيُّ مَبْثُورَةٌ (۱۶)

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (۱۷)

۱۳- در آن تخت‌های بلند پای‌های است.

۱۴- و قدح‌های بزرگ گن‌اشته‌اند.

۱۵- و بالش‌ها و پشی‌های مرتب شده

۱۶- و فرش‌های عالی گسترده.

۱۷- آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟

این عباس در معنای آیه ﴿فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ﴾ گوید: تخت‌هایی که الواحی از طلا که آراسته به زبرجد و دُر و یاقوت است که از زیر آنها چشمه‌ها جاری می‌شود

۱ بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۰۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۷۰؛ نورالتقلید، ج ۵، ص ۵۶۷  
 ۲ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۵۳؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۶۸؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۶۶؛ نورالتقلید، ج ۵، ص ۵۶۳؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۶۹

﴿وَ أَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ﴾ یعنی کوزه‌هایی که برای آنها گوشی نیست (دسته و لوله ندارند).

﴿وَنَارِقٌ مَصْنُوعٌ﴾ یعنی فرش‌ها و بالش‌ها.

﴿وَزُرَّابِيٌّ مَبْنُوءٌ﴾ هر چیزی که خداوند در بهشت آفریده نموده‌ای در دنیا دارد مگر زرابی درک نمی‌شود که آن چیست.<sup>۱</sup>

ابن عباس در معنای آیه ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْآيَاتِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾ گوید منظور چهارپایان است.

وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (۱۸)

وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ (۱۹)

وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ (۲۰)

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ (۲۱)

لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ (۲۲)

۱۸- و به آسمان نگاه نمی‌کند که چگونه برافراشته شده است؟

۱۹- و به کوه‌ها نمی‌نگرند که چگونه بر جای خود نصب شده‌اند؟

۲۰- و به زمین که چگونه گسترده شده است؟

۲۱- پس تذکر بده همانا که تو تفکر دهنده هستی

۲۲- تو مسلط بر آنها هستی که بر ایمان مجبورشان کنی

﴿وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ﴾ و ﴿إِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ﴾ و ﴿إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ

سُطِحَتْ﴾ خداوند عز و جل می‌فرماید: آیا کسی به غیر از من قادر است که

همانند شتر را خلق کند، و یا آسمان را بالا ببرد و کوه‌ها را نصب نماید و زمین

را مسطح کند؟ یا غیر از من افعالی همانند این را انجام دهند؟

﴿فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ﴾ یعنی ای محمد موعظه کن که همانا تو پند دهنده

هستی

﴿لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ﴾ یعنی تو نه حافظ ایشانی، و نه نویسنده اعمالشان

می‌دانی.<sup>۱</sup>

إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ (۲۳)

فَيَعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ (۲۴)

إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ (۲۵)

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا جِسَابَهُمْ (۲۶)

۲۳- مگر کسی که پشت کند و کافر شود

۲۴- پس خداوند او را به عذابی بزرگ معذب می‌کند

۲۵- همانا باز گشت آنها به سوی ماست.

۲۶- سپس همانا حساب آنها بر ماست.

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که در تفسیر آیه ﴿إِلَّا مَنْ تَوَلَّى

وَكَفَرَ﴾ فرمودند: منظور کسی است که از تذکر تو متعظ نشود و تورا تصدیق

نکند، و ربوبیت مرا انکار کند و نعمت مرا کفران نماید.

﴿فَيَعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ﴾ منظور عذاب غلیظ و شدید و دائمی است.

﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ﴾ یعنی عاقبت کارشان به سوی ما است

﴿ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا جِسَابَهُمْ﴾ یعنی جزایشان با ما است.<sup>۲</sup>

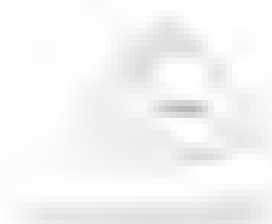
﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ﴾ یعنی برگشتشان به سوی ماست ﴿ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا جِسَابَهُمْ﴾

سپس همانا حساب آنها بر ماست.

۱. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۵۰

۲. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۵۱؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۶۷؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۷۰

نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۶۷

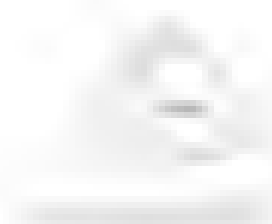




# تفسیر سورة فجر

۸۹ - سورة فجر در مکه نازل

شده و دارای ۳۰ آیه است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- وَالْمَعْرِ (۱)  
وَلَيْلٍ عَشْرِ (۲)  
وَالشُّعْ وَالْوَتْرِ (۳)  
وَاللَّيْلِ إِذَا يَشْرُ (۴)  
هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّدِي جَنَرِ (۵)  
أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادِ (۶)  
إِزْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ (۷)  
الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ (۸)  
وَتُمُودَ الَّذِينَ خَابُوا الصُّخْرَ بِالْوَادِ (۹)  
وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ (۱۰)

۱- و سوگند به صبح

۲- و سوگند به شبهای دهگانه.

۳- و سوگند به روح و فرد.

۴- و سوگند به شب هنگامی که برود.

۵- آیا در این امور که بیان شد سوگندی برای صاحبان اندیشه نیست؟

۶- آیا مدیدی که پروردگارت با قوم عاد چه کرد؟

۷- و نیز با اهل شهر ارم با عظمت،

۸- آنچنان شهری که مانندش در شهرها نهمیده (ساحته) شده بود

۹- و قوم ثمود که داخل سنگ‌های بزرگ را می‌شکافتند و کاعها سری

خودشان می‌ساختند،

۱۰- و نیز فرعون که دارای قدرت و ستمگر بود.

﴿وَالْفَجْرِ﴾ در این آیه و او نازل نشده است و او زیاده است بلکه آن بدون

و او است.

﴿وَلَيَالٍ عَشْرٍ﴾ ده روز ذی الحجه است.

﴿وَالشَّفْعِ﴾ منظور از شفع دو رکعت است

﴿وَالْوَتْرِ﴾ و منظور از وتر یک رکعت است که در آخر شب خوانده

می‌شود.

در روایتی دیگر می‌فرماید. منظور از ﴿شَفْع﴾ امام حسن علیه السلام و امام

حسین علیه السلام و منظور از ﴿وتر﴾ امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشد.<sup>۱</sup>

﴿هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرٍ﴾ یعنی صاحب عقل

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ﴾ منظور شب جمع است (یعنی شب عید قربان که از

عرفات به مشعر کوچ می‌کنند و در آنجا اجتماع می‌کنند)

سپس خداوند به پیامبرش صلی الله علیه و آله فرمود: ﴿أَلَمْ تَرَ﴾ یعنی آیا می‌دانی؟

﴿كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ \* إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ \* آلِئِي لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهَا فِي الْبِلَادِ﴾ سپس

عاد مُرد و خداوند او و قومش را با باد صرصر هلاک کرد.

۱ بخارالانوار، ج ۲۴، ص ۳۴۹، تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۷۶، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۷۳،  
بورانقلیب، ج ۵، ص ۵۷۱

﴿وَتَمُودَ الَّذِي جَاءُ بِالصَّخْرَةِ بِالْوَادِ﴾ یعنی دل کوه‌ها را کنده بودند.  
 ﴿وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ﴾ استوانه‌هایی را ساخت و خواست که به وسیله  
 آنها به آسمان برود.<sup>۱</sup>

إِنْ رَأَيْتَ لِلْإِيزَادِ (۱۴)  
 فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْلَاَهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ (۱۵)  
 وَأَمَّا إِذَا مَا ابْلَاَهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ (۱۶)  
 كَلَّا بَلْ لَا تَكْرَهُونَ الْيُسْرَى (۱۷)  
 وَلَا تَحَاضِرُونَ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ (۱۸)  
 وَتَأْكُلُونَ التَّرَاثُ أَكْلًا لَمًّا (۱۹)  
 وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا (۲۰)  
 كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا (۲۱)

۱۴- همانا پروردگارت در کمینگاه (ستمکاران) است

۱۵- پس اما انسان هنگامی که پروردگارش او را برای آزمایش و امتحان  
 اکرامش می‌کند و نعمتی به او می‌بخشد (با تکبر) می‌گوید پروردگارم مرا  
 گرامی داشته است

۱۶- و اما هنگامی که او را متلا می‌کند و وریش را تنگ می‌گرداند (با  
 یأس و ناامیدی) می‌گوید پروردگارم مرا حوار کرده است.

۱۷- هرگز (چنین نیست) بلکه شما پیمان را گرامی نمی‌دارید

۱۸- و مساکین را بر سر سفره خود اطعام نمی‌کنید

۱۹- و مال لوث را جمع کرده و می‌خورید.

۱. بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۰۹؛ نورالتقلین، ج ۵، ص ۱۵۷۱؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۷۷

۲۰- و مال دنیا را به شدت دوست می‌دارد

۲۱- هرگز (چنین نیست که می‌پندارند) هنگامی که زمین به کلی در هم

کوبیده شده و متلاشی می‌شود

﴿إِنَّ رَيْكَ لِبَالٍ مُّضَادٍ﴾ یعنی قائم و نگهبان بر هر ظالمی است و اعمال آنها

را زیر نظر دارد.

﴿فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ﴾ یعنی او را با نعمت امتحان نمود.

﴿فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ﴾ و ﴿وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ﴾ یعنی او را امتحان کرد.

﴿فَقَدَّرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ﴾ یعنی به فقر مبتلاش کرد ﴿فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ﴾ پس

می‌گوید که پروردگارم مرا خوار کرده است.

خداوند فرمود: ﴿كَلَّا بَلْ لَّا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ﴾ و ﴿لَّا تَخَاضُونَ عَلَى طَعَامِ

الْمُسْكِينِ﴾ یعنی یتیم را پیش خود نمی‌خواهید و مراد از آن جماعتی هستند که

غاصبین حق آل محمد علیهم‌السلام می‌باشند و آبهائی هستند که مال یتیم‌ها و مال

فقراء و محتاجین ایشان را و ابناء سبیل ایشان را می‌خورند.

﴿وَتَأْكُلُونَ الثُّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا﴾ یعنی همه آنها را به تنهایی می‌خورید.

﴿وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا﴾ یعنی مال را ذخیره می‌کنید و در راه خداوند

انفاق نمی‌کنید.<sup>۱</sup>

ابی‌الجارود از امام باقر علیه‌السلام روایت می‌کند که در تفسیر آیه ﴿كَلَّا إِذَا دُكَّتِ

الْأَرْضُ دُكًّا دُكًّا﴾ یعنی وقتی که زمین می‌لرزد.<sup>۲</sup>

ابن عباس گوید، هنگامی که زمین شکسته و از هم پاشیده شود<sup>۳</sup>

۱. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۷۸

۲. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۰۹

۳. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۷۶؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۸۲

وَجَاءَ رُكُوكُ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (۲۲)

وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى (۲۳)

۲۲- و فرمان پروردگارت فرا برسد و فرشتگان صف در صف به عرصه محشر حاصر شوند.

۲۳- و آن روز جهنم را می آورند، در آن روز آدمی متذکر می شود. و این تذکر چه سودی به حال او دارد؟

### چگونگی جهنم و بل صراط

﴿وَجَاءَ رُكُوكُ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا﴾ ملک اسم یک فرشته است ولی معنایش

جمع است.<sup>۱</sup>

﴿وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى﴾

امام باقر علیه السلام فرمودند: هنگامی که این آیه نازل شد درباره آن از رسول خدا صلی الله علیه و آله سوال کردند، و او فرمود: روح الامین به من خبر داد خداوند که خدائی به غیر از او نیست چون آفریدگان را آفرید و اولین و آخرین را گرد هم در آورد، جهنم را آورد که با هزار مهار کشیده می شد و صد هزار از فرشتگان غلاظ و شداد آن را می کشیدند، و آن را بانگ و خشم و شهیق و زفیر بود، و چون نفس بیرون می داد، اگر خدا حساب مردمان را برای بعد نگذاشته بود همگان هلاک می شدند، سپس از آن گردنی بیرون آمد که بر آفریدگان محیط شد و نیکوکار و فاجر را در میان خود گرفت، و هیچ بنده ای از بندگان خدا و فرشته و پیامبر نبود مگر آن که بانگ برداشت که: پروردگارا، جامم حاسم، و تو ای پیامبر خدا فریاد می کردی: امتم، امتم، سپس بر آن صراط نهاده شد که

باریکتر از لبه شمشیر بود و بر آن سه پل قرار داشت: یکی پل امانت و رحم، دومی پل نماز، و سومی پل عدل رب العالمین که خدائی جز او نیست، مردمان را به عبور از آنها مکلف می کردند: پل رحم و امانت نگاهشان می داشت، و اگر از آن رد می شدند نماز نگاهشان می داشت، و اگر از آن هم می گذشتند پایان به رب العالمین می رسید، بنا بر گفته اش: ﴿إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ﴾. و مردمان بر صراط آویخته به دست و پا از جای کنده شده، و چسبیده به پا قرار داشتند و فرشتگان بانگ بر می داشتند که: ای بردبار، بیدش و چشم بپوش و به فضیلت باز گرد و سلامت بدار، و مردمان همچون پروانه در آتش می افتادند، و چون کسی به رحمت خدا نجات می یافت و می گذشت، می گفت: شکر خدای را که به نعمت او صالحات تمام می شود، و حسنات پاکیزگی پیدا می کند، و شکر خدا را که بعد از نومیدیها مرا از تو به منت و فضل خود نجات داد و پروردگار ما آمرزنده و پاداش دهنده است.<sup>۱</sup>

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ (۲۵)

وَلَا يُؤْتِي وَثَاقَهُ أَحَدٌ (۲۶)

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (۲۷)

از جَمِیِّ إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةٌ مُرْضِيَةٌ (۲۸)

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي (۲۹)

وَادْخُلِي جَنَّتِي (۳۰)

۲۵- پس آن روز خلاوت کسی را مانند او عذاب نمی کند

۱ بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۹۳؛ امالی شیخ صدوق، ص ۱۷۶؛ کافی، ج ۸، ص ۳۱۲.  
نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۷۴؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۷۶



۲۶- و هیچ کس همانند او کسی را به بند نمی کشد.

۲۷- ای نفس مطمئن و آرام باش

۲۸- به سوی پروردگارت باز گرد که هم تو را او خوشود هستی و هم او را

نوراضی.

۲۹- پس در گروه بندگانش وارد شو

۳۰- و در بهشت من داخل شو.

﴿فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدٌ \* وَلَا يُؤْتِي وَثَاقَهُ أَحَدٌ﴾ او فلانی است.<sup>۱</sup>  
 ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً﴾ هنگامی که  
 موقع وفات مؤمن فرا می رسد ندا کننده ای از جانب پروردگار ندا می دهد ای  
 نفس مطمئن و دل آرام به سوی ولایت علی علیه السلام در آی که تو را با ثواب راضی  
 و خوشنود کرده است.

﴿فَادْخُلِي فِي عِبَادِي \* وَادْخُلِي جَنَّتِي﴾ پس برای او هیچ هم و غمی نیست  
 مگر اینکه به آن صدا ملحق شود.<sup>۲</sup>

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت می کند که در تفسیر آیات ﴿يَا أَيُّهَا  
 النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً﴾ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي \*  
 وَادْخُلِي جَنَّتِي فرمودند: منظور حسین بن علی علیه السلام است.<sup>۳</sup>

۱ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۷۶؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۸۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۷۷

۲ بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۸۲

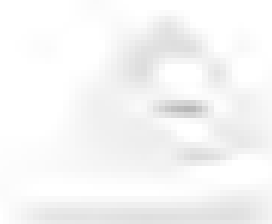
۳ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۱۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۸۳



# تفسیر سورة بلد

۹۰ - سورة بلد در مکه نازل

شده و دارای ۲۰ آیه است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ (١)  
وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ (٢)  
وَ وَالِدِ وَ مَا وَلَدَ (٣)  
لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (٤)  
أَلَيْسَ بِأَنْ لَنْ يَغْدِرَ عَلَيْكَ أَحَدٌ (٥)  
يَقُولُ أَفْلَحْتَ مَا لَأَلْبَدُ (٦)  
أَلَيْسَ بِأَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ (٧)  
أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ (٨)  
وَلِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ (٩)  
وَعَدَنَاءَ السَّجْدَيْنِ (١٠)  
فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ (١١)  
وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ (١٢)  
فَكُفَّ رَفْعَهُ (١٣)  
أَوْ إِنْطِهَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْجَرٍ (١٤)  
يَتَّبِعُهُ مُتَمَرِّدِينَ (١٥)

أَوْ مُشْكِيًا ذَا مَثْرَبَةٍ (۱۶)

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ (۱۷)

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمُنِيبَةِ (۱۸)

وَلَدَبِ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ (۱۹)

عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤَصَّدَةٌ (۲۰)

۱- سوگند به این شهر (مکه).

۲- و تو در این شهر ساکن هستی

۳- و سوگند به پدر و فرزند.

۴- به تحقیق ما انسان را در رنج و مشقت آفریدیم

۵- آیا او می‌پندارد که هیچ‌کس نمی‌تواند بر او دست پیدا کند؟

۶- می‌گوید: مال بسیاری را از بین بردم

۷- آیا می‌پندارد که کسی او را ندیده است؟

۸- آیا برای او دو چشم قرار نداده‌یم؟

۹- و زبان و دو لب؟

۱۰- و او را به راه خیر و شر هدایتش نمودیم؟

۱۱- پس از گردنه نگلشت.

۱۲- و توجه می‌دانی که عقبه چیست؟

۱۳- آزاد کردن بردم‌ای.

۱۴- یا غلظت دادن در روز گرمی

۱۵- تنمی از حوشاوندان

۱۶- یا مسکین خاک نشین.

۱۷- سپس از کسانی بود که ایمان آورده و یکدیگر را به صبر و رحمت

سعارش می کنند

۱۸- آنها اصحاب پیمبر هستند.

۱۹- و کسانی که به آیات ما کافر شدند آنها از اصحاب مشتمه (افراد شوم)

هستند.

۲۰- بر آنها آتشی سر پوشیده است (که راه فراری از آن نیست)

﴿لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾ مراد از بلد مکه است.

﴿وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾ قریش حلال نمی دانستند که در مکه به کسی ظلم و

ستم کنند ولی ظلم و ستم به تو را حلال کردند.

﴿وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ﴾ آدم و آنچه از پیامبران و اوصیا به دنیا می آیند.

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ﴾ یعنی خداوند انسان را راست قامت آفرید و

موجودات دیگر را چنین استوار نیافریده است. (پس معنای کبد یعنی راست

قامت).

﴿يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَا لَا لُبْدًا﴾ فرمود: لبد به معنای مجتمعه است.<sup>۱</sup>

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام روایت می کند که در تفسیر آیه ﴿يَقُولُ أَهْلَكْتُ

مَا لَا لُبْدًا﴾ فرمود: او عمرو بن عبود است هنگامی که علی بن ابی طالب علیه السلام

اسلام را در روز جنگ خندق بر او عرضه کرد، گفت: پس کجاست آن همه

مالی را که برای از بین بردن شما خرج کردم؟ او مالی را برای بستن راه خدا

خرج کرده بود، پس حضرت علی علیه السلام او را کشت.<sup>۲</sup>

﴿وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ﴾ یعنی برای او راه خیر و شر را نشان دادیم.<sup>۳</sup>

۱ بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۵۱؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۸۱؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۸۷

۲ بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۵۱؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۸۷؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۸۳

نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۸۰

۳ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۸۱؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۹۱

﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ﴾ \* وَ مَا أَذْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿ مراد از عقبه ائمه علیهم السلام هستند پس هر کسی از آن بگذرد از آتش جهنم خودش را رها نموده است  
 ﴿أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ﴾ یعنی مسکینی که جامه خوابی ندارد که او را از آلودگی به خاک ننگه ندارد.

﴿أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ﴾ اصحاب امیر المؤمنین علی علیه السلام هستند.  
 ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا﴾ آنهایی که با امیر المؤمنین علیه السلام مخالفت کردند.  
 ﴿هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ﴾ مراد از «المشأمة» دشمنان آل محمد علیهم السلام هستند.

﴿عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ﴾ یعنی آتشی که رویش پوشیده شده است.<sup>۱</sup>  
 امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَغْدِرَ عَلَيْهِ أَخَذٌ﴾ فرمودند او را به خاطر کشتن دختر پیامبر صلی الله علیه و آله می کشد.  
 ﴿يَقُولُ أَعْلَمْتُ مَا لَأُبْدَأُ﴾ یعنی آن مالی که پیامبر صلی الله علیه و آله در تجهیز لشکر عشیره (غزوة تبوک) صرف نمود.

﴿أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَخَذٌ﴾ فساد در وجود خود او بود.  
 ﴿أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عِشِينَ﴾ یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله.  
 ﴿وَلِإِنَّا﴾ یعنی امیر المؤمنین علیه السلام.  
 ﴿وَشَفِيتَيْنِ﴾ یعنی امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام.  
 ﴿وَهَدَيْنَاهُ الْجُدَيْنِ﴾ به سوی ولایت آن دو.  
 ﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ﴾ \* وَ مَا أَذْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿ تو چه می دانی؟ هر چیزی در قرآن است: ﴿مَا أَذْرَاكَ﴾ یعنی ما اعلما، تو چه می دانی.

۱ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۸۲، نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۸۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۹۴.  
 تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۸۵



﴿وَيَتِيماً ذَا مَقْرَبَةٍ﴾ یعنی رسول خدا ﷺ و مراد از «مقربه» یعنی

خویشان

﴿أَوْ مِسْكِيناً ذَا مَقْرَبَةٍ﴾ یعنی امیرالمؤمنین (علیه السلام) از علم و دانش بی نیاز

است.<sup>۱</sup>

ابو بصیر از امام صادق (علیه السلام) روایت می کند که در معنای آیه ﴿فَكَرَّ رَقَبَةً﴾

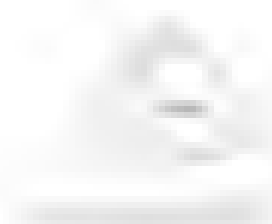
فرمود: به وسیله معرفت ما مردم از آتش جهنم رهائی می یابند و ما هستیم که در روز گرسنگی و قحطی مردم را اطعام می کنیم.<sup>۲</sup>

ابن عباس در معنای آیه گوید: ﴿وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ یعنی کسانی که بر

واجبات خداوند عز و جل صبر می کنند ﴿وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ﴾ یعنی در آن

چیزی که در بین آنهاست و این قبول نمی شود مگر از مؤمن.<sup>۳</sup>

۱ بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۵۱ وح ۲۴، ص ۲۸۲، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۹۰  
 ۲ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۸۲ وح ۶۶، ص ۳۶۴، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۸۵، نور الثقلین،  
 ج ۵، ص ۵۸۲؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۹۳  
 ۳. تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۹۵

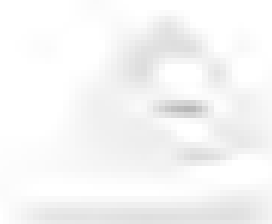


# تفسیر سورة شمس

۹۱ - سورة شمس در مکه

نازل شده و دارای ۱۵ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا (۱)

وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّاهَا (۲)

وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا (۳)

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا (۴)

۱- و سرگند به خورشید و نور آن،

۲- و سرگند به ماه هنگامی که (بعد از غورشید) می تابد،

۳- و سرگند به روز هنگامی که عالم را روشن سازد.

۴- و سرگند به شب هنگامی که پرده سیاهی می کشد.

### ﴿وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا﴾

ابوبصیر گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا﴾ سوال

کردم.

فرمودند: مراد از «الشمس» رسول خدا است که به وسیله آن حضرت

دین را برای مردم واضح و روشن نمود.

عرض کردم: معنای آیه ﴿وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّاهَا﴾ چیست؟

فرمود: آن امیر المؤمنین علیه السلام است.

سوال کردم: معنای آیه «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا» چیست؟

فرمود: مراد پیشوایان ستمکاری هستند که امر ال رسول ﷺ را تغییر دادند، و در مسندی نشستند که ال رسول ﷺ اُولی به آن مسند از آنها بودند، و دین رسول خدا ﷺ را با ظلم و جور پوشاندند و آن قول خداوند است که فرمود: «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا» یعنی تاریکی ظلم و ستم آنها روشنایی روز آل محمد ﷺ را پوشاند.

عرض کردم: معنای آیه «وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰهَا» چیست؟

فرمود: مراد از آن امام از ذریه فاطمه ﷺ می باشد که مردم از دین رسول خدا ﷺ از او سوال می کنند و او نیز دین را برای مردم آشکار و روشن می کند.<sup>۱</sup>

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا (۷)

فَالْهَمُّهَا مُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (۸)

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَكَاهَا (۹)

وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (۱۰)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا (۱۱)

إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا (۱۲)

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا (۱۳)

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ يَتْلُوهُمْ فَسْوَاهَا (۱۴)

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا (۱۵)

۱ مدف اس شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۸۳؛ کافی، ج ۸، ص ۵۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۹۷.  
تفسیر صافی، ج ۷، ص ۲۸۹

۷- و سوگند به نفس آدمی و آن کسی که آن را موروں نمود،

۸- پس فجور و تقوا (شر و خیر) را به او الهام کرد.

۹- به تحقیق رستگار شد کسی که ترکیه نمود،

۱۰- و به تحقیق کسی که خودش را به گناه آلوده نموده رانکار و محروم گشته است.

۱۱- قوم نمود بر اثر سرکشی و طعنانگری تکذیب کردند.

۱۲- هنگامی که شقی ترین آنها بر انگیزخته شد.

۱۳- پس رسول خدا (صالح) به آنها گفت ایس باقه خدا (معجزة الهی است)، سیرایش کنید.

۱۴- پس آنها او را تکذیب و نفاق را بی کردند، پس پروردگارشان آنها را به

حاطر گناهشان گرفتار ساخت و (شهرشان) را با خاک یکسان و صاف کرد

۱۵- و از عاقبت این کار هیچ نمی ترسد.

﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا﴾ یعنی آن را بیافرید و صورتگری کرد.

﴿فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾ یعنی نیکی و زشتی را به او شناساند و الهام

نمود سپس او را مخیر کرد که اختیار کند.

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾ یعنی نفسش را طاهر کرد.

﴿وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾ یعنی اغوا نمود.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام در معنای آیه ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾ فرمود: یعنی

امیرالمؤمنین علیه السلام که نفسش را تزکیه نمود ﴿وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾ یعنی

زریق و حبیتر که نفس خودشان را بر اثر دسیسه و نیرنگ در بیعت کردن با

۱ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۷۰؛ مورد التعلیل، ج ۵، ص ۵۸۶؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۰۰؛

تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۹۰

آن حضرت از ثواب در آخرت بی بهره ماندند.

امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا﴾ فرمودند طغیان او را بر آن داشت که تکذیب کند.<sup>۱</sup>

﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا﴾ إِذَا نَبَعَتْ أَشْقَاهَا ﴿ هنگامی که شتر را پی کردند. ﴿قَدَّمَدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ يَنْبِئُهُمْ﴾ عذاب خداوند غفلتاً و در شب آنها را در بر گرفت.

﴿وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا﴾ بعد از این آنهایی را که هلاک نمودیم نمی ترسند.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۹۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۰۰

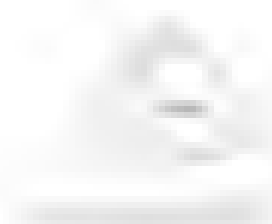
۲. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۹۲؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۸۶



# تفسیر سورة لیل

۹۲ - سورة لیل در مکه نازل

شده و دارای ۲۱ آیه است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى (۱)

وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى (۲)

وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى (۳)

إِنْ سَأَلْتُمْ لَشَيْءٍ (۴)

۱- سوگند به شب هنگامی که (روز را) بپوشاند،

۲- و سوگند به روز هنگامی که روشی می‌بخشد،

۳- و سوگند به کسی که مذکر و مؤنث را آفرید،

۴- همانا که سعی و کوشش شما مختلف است.

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى﴾ یعنی سوگند به شب هنگامی که روز را می‌پوشاند و

آن قسم است.

﴿وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى﴾ روز هنگامی که روشن شود و برق دهد.

﴿وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى﴾ یعنی اینکه نر و ماده را آفرید که جواب قسم

است.

﴿إِنْ سَأَلْتُمْ لَشَيْءٍ﴾ کسی از شماها در خیر و نیکی تلاش و کوشش می‌کند

و کسانی نیز در شر و بدی.

محمد بن مسلم گوید از امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى﴾ سوال کردم، فرمود: مراد از «لَیْل» در این آیه فلانی است که امیرالمؤمنین علیه السلام را در دولت خودش آنچه بر سرش آورد پوشاند و امیرالمؤمنین علیه السلام در دولت آنها صبر کرد تا اینکه مدت عمر دولتشان به پایان رسید؛ و فرمود: ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى﴾ که مراد از «نهار» یعنی قائم علیه السلام که از ما اهل بیت علیهم السلام است، هنگامی که قیام نماید دولتش بر باطل غلبه پیدا می کند و قرآن مثال هائی برای مردم زد و خداوند پیامبر و ما را به وسیله آن مورد خطاب قرار داد پس کسی غیر از ما آن را نمی داند.<sup>۱</sup>

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى (۵)

وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى (۶)

فَسَبْرُهُ لِلْيُسْرَى (۷)

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى (۸)

وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى (۹)

فَسَبْرُهُ لِلْيُسْرَى (۱۰)

وَمَا يَنْفَعِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَفَّى (۱۱)

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى (۱۲)

وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَى (۱۳)

مَا نَذُرْكُمْ نَارًا تَلْقَى (۱۴)

لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى (۱۵)

۱ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۲۰۵، بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۷۱ و ج ۵۱، ص ۴۹؛ نورالتعلیل، ج ۵، ص ۵۸۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۰۳.

الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى (۱۶)

وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى (۱۷)

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى (۱۸)

وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى (۱۹)

إِلَّا أَتَيْنَاهُ وَسْخِرَ لَهُ الْأَعْلَى (۲۰)

وَلَسَوْفَ يَرْضَى (۲۱)

۵- پس اما کسی که عطا می کند و پرهیزگار می شود.

۶- و به نیکویی تصدیق کرد.

۷- پس بروی او را در سهل و آسان قرار می دهیم.

۸- و اما کسی که بخل بورزد و خود را بی نیاز بداند.

۹- و نیکویی را تکذیب کند.

۱۰- پس به زودی او را در دشواری و سختی می اندازیم.

۱۱- و هنگامی که (در هلاکت و جهنم) سقوط می کند مالش هیچ سودی

به حالش نخواهد داشت.

۱۲- همانا هدایت بر عهده ماست

۱۳- و همانا آخرت و دنیا از برای ماست.

۱۴- پس شما را از آتشی که شعله ور است می ترسانم.

۱۵- که جرید بحث ترین افراد بر آن وارد نمی شوند

۱۶- همان کسی که (آیات حق را) تکذیب کرد و از آن روی گردانید

۱۷- و بروی پرهیزگارترین افراد از آن دور می شوند

۱۸- همان کسی که مالش را انفاق می کند و تزکیه می شود

۱۹- و هیچ کس نزد او بر وی حق نعمت ندارد تا به او پاداش بدهد

۲۰- مگر برای بدست آوردن جلب رضای پروردگارش که برتر و بالاترین

است

۲۱- و به زودی راضی می‌شود

﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَىٰ ﴿۱﴾ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ ﴿۲﴾ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ ﴿۳﴾﴾

این آیه دربارهٔ مردی نازل شده که در حیاط خانهٔ مسلمانی درخت خرمایی داشت، و به همین بهانه بدون اجازه وارد خانهٔ مسلمان می‌شد، صاحب خانه نزد رسول خدا ﷺ شکایت کرد، حضرت، صاحب درخت را خواست وقتی آمد، فرمود: درخت خرمایت را به درخت خرمایی در بهشت به من بفروش؟

آن مرد گفت: نه!

فرمود: آن را در مقابل باغی در بهشت به من بفروش؟

آن مرد گفت: نه!

نفروخت و رفت. مردی از انصار که کنیه‌اش ابی‌دحداح بود از این معامله خبردار شد نزد صاحب مخل رفت و گفت درخت خرمایت را من بفروش، آن مرد پذیرفت، ابو دحداح نزد رسول خدا ﷺ آمد و عرضه داشت: ای رسول خدا ﷺ این درخت خرما را بردار و در عوض باغی در بهشت به من بده که آن مرد قبول نکرد.

رسول خدا ﷺ فرمود: برای تو در بهشت باغ‌هایی است پس این آیه نازل شد: ﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَىٰ ﴿۱﴾ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ ﴿۲﴾﴾ یعنی ابن‌الدحداح.

﴿وَمَا يُعْطِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى﴾ یعنی هنگامی که بمیرد.

﴿إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ﴾ بر ماست که آن را برای آنها آشکار و روشن کنیم

﴿فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى﴾ یعنی آتشی که بر آنها زبانه می‌کشد.

﴿لَا يَضِلُّهَا إِلَّا الْأَشْقَى﴾ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى﴾ یعنی این آن کسی بود که در رسول خدا ﷺ بخل ورزید.

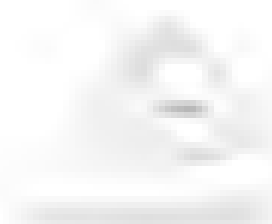
﴿وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى﴾ مراد از اتقی ابو دحداح است.

﴿وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى﴾ یعنی کسی که برای نفس خودش اعمالی را انجام داده است نمی تواند از پروردگارش چیزی را طلب کند و اگر چه خداوند به فضل و کرمش آن را اجازه داده است، آنجا که می فرماید: ﴿إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى﴾ وَلَسَوْفَ يَرْضَى﴾ از امیرالمؤمنین علیه السلام که از او راضی می باشد.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام درباره معنای آیه ﴿فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى﴾ لَا يَضِلُّهَا إِلَّا الْأَشْقَى﴾ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى﴾ فرمود: در جهنم وادی از آتش است که به جز اشقیا (یعنی فلانی) را نمی سوزاند که رسول خدا ﷺ را درباره علی علیه السلام تکذیب کرد و از ولایتش روی گرداند؛ سپس امام علیه السلام فرمود: آتش در جهنم شعله ور شده و در هم می پیچد و آتش این وادی برای ناصبین است.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام در معنای آیه ﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى﴾ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى﴾ فرمود: منظور ولایت است. ﴿فَسَتَيْسَّرُ لِلْإِسْرَى﴾ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى﴾ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى﴾ فرمود: مراد ولایت است ﴿فَسَتَيْسَّرُ لِلْعُسْرَى﴾ پس به زودی او را در دشواری و سختی می اندازیم.<sup>۳</sup>

۱ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۹۹، نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۸۹؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۰۴  
 ۲ بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۱۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۴۹۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۰۴  
 ۳ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۴۴؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۹۰؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۰۵





# تفسیر سورة ضحی

۹۳ - سورة ضحی در مکه

نازل شده و دارای ۱۱ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالضُّحَىٰ (۱)

وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ (۲)

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ (۳)

وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ (۴)

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ (۵)

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ (۶)

وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ (۷)

وَوَجَدَكَ غَالِيًا فَلَغْنَىٰ (۸)

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ (۹)

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ (۱۰)

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ (۱۱)

۱- سوگند به روز وقتی که آفتاب بالا آید.

۲- و سوگند به شب هنگامی که آرام گیرد.

۳- هروردگار تو را به خودت وانگذاشته و بر تو نیر چشم نگرفته است.

۴- و آخرت برای تو از دنیا بهتر است.

۵- و نه رودی پروردگارت به تو (آن قدر) عطا می‌کند که تو راضی شوی

۶- ایا تو را یتیم بیافت و پناهت نداد؟

۷- و تو را گمشده یافت و هدایت کرد.

۸- و تو را فقیر یافت و بی‌بازت کرد.

۹- پس تو سیر یتیم را تحقیر مکن.

۱۰- و سائل را از خود مران.

۱۱- و اما نعمت‌های پروردگارت را بازگو.

﴿وَالضُّحَى﴾ یعنی هنگامی که خورشید بالا بیاید.

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى﴾ شب هنگامی که همه جا تاریک می‌شود.

﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى﴾ یعنی تو را دشمن نمی‌دارد، و فضلش را برای

او وصف می‌کند.

﴿وَلَا خِزْيَ لَكَ مِنَ الْاُولَى﴾ \* وَلَسَوْفَ يَغْفِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى \*

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که در معنای آیه ﴿وَلَا خِزْيَ لَكَ مِنَ الْاُولَى﴾

فرمود: مراد از آخرت زمان رجعت است که برای

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد. عرض کردم: معنای آیه ﴿وَلَسَوْفَ يَغْفِيكَ رَبُّكَ

فَتَرْضَى﴾ چیست؟ فرمود: از بهشت آن قدر به تو اعطا می‌کند تا خوشنود و

راضی شوی.<sup>۱</sup>

زراره از امام (باقر علیه السلام) یا امام صادق علیه السلام در معنای آیه ﴿أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا

فَآوَى﴾ روایت می‌کند که فرمودند: یعنی مردم به تو پناه می‌آورند ﴿وَوَجَدَكَ

ضَالًّا فَهَدَى﴾ یعنی در میان قومی بودی که قدر و منزلت تو را نمی‌شناختند و

آنها را به سوی تو هدایت کرد، ﴿وَوَجَدَكَ غَائِلًا فَأَغْنَى﴾ یعنی تو قومی را به

وسيلة علم اداره می کردی و سرپرستی می نمودی پس آنان را به وسیله تو می نیاز ساخت.<sup>۱</sup>

﴿أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى﴾ مراد از یتیم در اینجا بی مثل و نظیر است و برای همین دُرّی را که بی نظیر باشد و همانندی نداشته باشد به آن یتیم گویند.

﴿وَوَجَدَكَ غَائِلًا فَأَغْنَى﴾ یعنی به وسیله وحی تو را بی نیاز گردانید تا از کسی سوالی نکنی.

﴿وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى﴾ یعنی تو را در میان گروهی یافت که فضیلت نبوت را نمی شناختند پس خداوند آنها را به سوی توحید هدایت نمود.<sup>۲</sup>

﴿فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَهْزَأْ﴾ یعنی ظلم مکن که خطاب به پیامبر ﷺ است ولی معنایش برای مردم می باشد.

﴿وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَزْ﴾ یعنی سائل را از خود دور مگردان.

﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾ به آنچه که خداوند بر تو نازل فرمود از نماز، زکات، روزه، حج، ولایت و به آنچه خداوند به وسیله آن بر تو فضیلت بخشید.<sup>۳</sup>

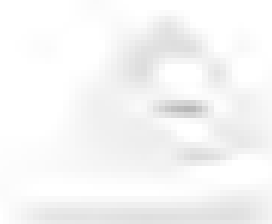
ابی الجارود از امام باقر علیه السلام روایت می کند که در معنای آیه ﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى﴾ فرمودند: بعد از آن که اولین سوره (اقرء) بر رسول خدا نازل شد چند روزی وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله نشد، خدیجه گفت: شاید پروردگارت تو را ترک کرده است که بر تو وحی نمی کند پس خداوند تبارک و تعالی این آیه ﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى﴾ را نازل فرمود.<sup>۴</sup>

۱. تفسیر برهانه ج ۸ ص ۳۱۲

۲. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۲۲

۳. نور الثقلین، ج ۵ ص ۵۹۶

۴. نور الثقلین، ج ۵ ص ۵۹۲: تفسیر برهانه ج ۸ ص ۳۱۱



# تفسیر سورة انشراح

۹۴ - سورة انشراح در مکه

نازل شده و دارای ۸ آیه

است.

از تفتیک به بزرگده و سدی



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ (۱)

وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ (۲)

الَّذِي أَثَقَلَ ظَهْرَكَ (۳)

وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ (۴)

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۵)

إِنْ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۶)

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ (۷)

وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ (۸)

۱- آیا سینه تو را گشاده نکردیم؟

۲- و بار سنگین تو را از دوشت بر نهادیم.

۳- همان باری که بر پشت تو سنگینی می‌کرد.

۴- و نام تو را بلند ساختیم.

۵- پس همانا با هر سختی آسانی هست.

۶- همانا با هر سختی آسانی هست.

۷- پس هنگامی که از کاری فارغ شدی به کاری دیگر مشغول باش.

۸- و به سوی پروردگارت مشتاق باش

﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ﴾ یعنی به وسیله علی علیه السلام سینه‌ات را گشاده نمودیم و او را وصی تو قرار دادیم. و دیگری هنگام فتح مکه و اسلام آوردن قریش که خداوند سینه‌اش را گشاده نمود و امر را بر آن حصرت آسان کرد.

﴿وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ﴾ یعنی به وسیله علی علیه السلام در جنگ.

﴿الَّذِي أَتَقَضَّ ظَهْرَكَ﴾ یعنی آن باری که بر پشت تو سنگینی می‌کرد.

﴿وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ﴾ و نامت را در عالم بلند نمودیم، هنگامی که مردم می‌گویند: «أشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمداً رسول الله صلی الله علیه و آله»

سپس خداوند فرمود: ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ یعنی بعد از هر سختی که در آن بودی آسایش به تو می‌رسد.

﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ﴾ یعنی هنگامی که از حجة الوداع فارغ شدی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را به ولایت منصوب کن.<sup>۱</sup>

﴿وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ﴾

امام صادق علیه السلام در معنای آیه نیل فرمودند: ﴿فَإِذَا فَرَغْتَ﴾ هنگامی که از نبوت فارغ شدی ﴿فَانصَبْ﴾ علی علیه السلام را به ولایت منصوب کن ﴿وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ﴾ و در آن به سوی پروردگارت مشتاق باش.<sup>۲</sup>

۱ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۰۷؛ نورالتقلین، ج ۵، ص ۶۰۳

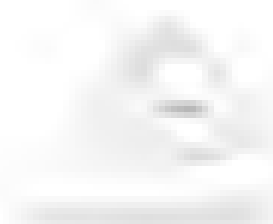
۲ بحر الانوار، ج ۳۶، ص ۱۳۳؛ تارواک الأبیات الظاهرة، ص ۷۸۵؛ تفسیر صافی، ج ۷،

ص ۵۰۹؛ نورالتقلین، ج ۵، ص ۶۰۵؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۱۷

# تفسیر سورة تین

۹۵ - سورة تین در مکه نازل

شده و دارای ۸ آیه است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالَّذِينَ وَالْزُّنُونَ (۱)

وَطُورِ سِينِينَ (۲)

وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ (۳)

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (۴)

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (۵)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۶)

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدَ الدِّينِ (۷)

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ (۸)

۱- سوگند به انجیر و زیتون.

۲- و سوگند به طور سینا.

۳- و سوگند به این شهر امن (مکه)

۴- به تحقیق ما انسان را در نیکوترین صورت آفریدیم.

۵- سپس او را به اسفل سافلیس (پایین ترین مرحله) برگردانیدیم.

۶- مگر کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند پس برای آنها

اجری بی نهایت است.

۷- پس چه چیز مو را باعث شد که روز جزا را نکدیب کنی؟

۸- آیا خداوند حاکم‌ترین حاکمان نیست؟

﴿وَالْتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ﴾ و ﴿طُورِ سِينِينَ﴾ و ﴿هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ﴾ مراد از «تین» رسول خدا ﷺ و مراد از «زیتون» امیرالمؤمنین (علیه السلام) و مراد از طور سینین امام حسن و امام حسین (علیه السلام) و مراد از «بلد الامین» ائمه علیهم السلام می‌باشند.

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾ درباره رزق نازل شده است

﴿ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ﴿ منظور امیرالمؤمنین (علیه السلام) است.

﴿فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾ یعنی به وسیله آن بر آنها منت نمی‌گذارد.

سپس به پیامبرش ﷺ فرمود: ﴿فَمَا يَكْذِبُكَ بَعْدُ بِالْدِّينِ﴾ که مراد از «دین» امیرالمؤمنین (علیه السلام) است ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْخَاكِمِينَ﴾ آیا خداوند حاکم‌ترین حاکمان نیست؟<sup>۱</sup>

۱ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۰۵؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۱۲؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۰۶؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۲۱

# تفسیر سورة علق

۹۶ - سورة علق در مکه نازل

شده و دارای ۱۹ آیه است.





## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲)

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۳)

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴)

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۵)

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ (۶)

أَنْزَاهُ اسْتَفْنَى (۷)

إِنْ يَلْقَ رَبُّكَ الرُّجُعَى (۸)

۱- بخوان به نام پروردگارت که (عالم را) آفرید.

۲- انسان را از علق (خون سته) آفرید.

۳- بخوان که پروردگارت کریم ترین کریمان است

۴- همان حدایی که به وسیله قلم نوشتن تعلیم نمود.

۵- به انسان آنچه را که نمی دانست یاد داد

۶- هرگز (چنین نیست)، همانا انسان طغیان گری می کند

۷- چون که خود را بی نیاز بیند.

۸- همانا باز گشت همه به سوی پروردگارت است

﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾

عبد الله بن کیسان از امام باقر علیه السلام روایت کرد که فرمود: جبرئیل بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شد و گفت: ای محمد بخوان! فرمود: چه بخوانم؟ جبرئیل گفت: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ یعنی نورت را قبل از هر چیزی آفرید، ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ﴾ یعنی تو را از نطفه [علقه] آفرید و علی را از تو جدا نمود، ﴿اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام را آموخت ﴿عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ یعنی علی علیه السلام چیزیهائی آموخت که قبل از آن نمی دانست.<sup>۱</sup>

﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ﴾ بخوان به اسم رحمن و رحیم.

﴿الَّذِي خَلَقَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ﴾ که انسان را از خون آفرید.

﴿اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ نوشتن را به انسان آموخت که به

وسیله آن امور دنیا در مشرق های زمین و مغرب های آن به اتمام می رسد

﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ﴾ که انسان هنگامی که بی نیاز

شود کفر می ورزد، طغیان و سرکشی کرده و انکار می کند.

﴿إِنَّا إِلَىٰ رَبِّكَ الرَّجُعُ﴾ همانا باز گشت همه به سوی پروردگارت است

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ

عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ

أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ

۱ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۷۶؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۱۵؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۰۹.

تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۲۳

أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى (۱۲)

أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى (۱۳)

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى (۱۴)

كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ (۱۵)

نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِبَةٍ (۱۶)

فَلْيَنْدَعْ نَادِيَهُ (۱۷)

سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ (۱۸)

كَلَّا لَا تَطْلَعُ الْإِبْرَاطُ (۱۹)

۹- آیا دیدی کسی که نهی (مسخره) می‌کند؟

۱۰- بندهای راکه وقتی نماز می‌خواند؟

۱۱- آیا می‌دانی که این بنده (مسخره‌گر) به راه هدایت باشد

۱۲- یا مردم را به تقوا و پرهیزکاری امر کند.

۱۳- آیا دیدی که تکذیب می‌کند و رو می‌گرداند؟

۱۴- آیا نمی‌داند که حلاوت او را می‌بیند؟

۱۵- هرگز (چنین نیست)، اگر او دست از کارش نکشد، موی سرش (به

فهر و انتقام) بگیریم.

۱۶- همان موی سر خطا کار را،

۱۷- پس هر کسی راکه بخواهد صدا بزند

۱۸- ما هم بزودی ماموران دوزخ را صدا می‌زنیم

۱۹- هرگز (چنین نیست که می‌پندارند) از او پیروی مکن، سجده کن و

تقرب بجوی.

﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى \* عَبْدًا إِذَا صَلَّى﴾ ولید بن مغیره مردم را بهی می‌کرد

که نماز بخوانند و اینکه از خدا و رسولش اطاعت کنند پس خداوند در باره اش فرمود: ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى \* عَبْدًا إِذَا صَلَّى﴾ ایا نمی بینی آن کس را که بار می دارد آن بنده را که نماز می خواند. خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿أَرَأَيْتَ \* إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى﴾ اَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى﴾ ایا دیدی که تکذیب می کند و رو می گرداند؟ ایا نمی داند که خداوند او را می بیند؟

سپس فرمود: ﴿كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ﴾ یعنی از موی پیشانی او می گیریم و او را در آتش جهنم می اندازیم

﴿فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ﴾ هنگامی که ابوطالب رضی الله عنه وفات کرد ابو جهل و ولید که لعنت خداوند بر آن دو باد با صدای بلند گفتند: بیائید محمد را بکشید که تنها یاور او مرد، پس خداوند فرمود: ﴿فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ﴾ سَدْعُ الزَّانِيَةِ \* یعنی همچنانکه آن دو قریش را برای کشتن محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرا خواندند ما نیز همچنین دعوت می کنیم که فرشتگان عذاب آنها را به سوی زبانه آتش جهنم بکشند، سپس فرمود: ﴿كَلَّا لَا تُطْفِئُهَا وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ﴾ یعنی هنگامی که به سوی او فرا خوانده می شدند اطاعت نمی کردند هنگامی که مطعم بن عدی بن نوفل بن عبد مناف رسول خدا صلی الله علیه و آله را پناه داد کسی جرات گستاخی بر او را نداشت.<sup>۱</sup>

# تفسیر سورة قدر

۹۷ - سورة قدر در مکه نازل

شده و دارای ۵ آیه است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱)  
وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲)  
لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳)  
تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ (۴)  
سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ (۵)

۱- همانا ما این قرآن را در شب قدر نازل کردیم.

۲- و تو چه می‌دانی که شب قدر چیست؟

۳- شب قدر بهتر از هزار شب است.

۴- در آن شب فرشتگان و روح به اذن پروردگارشان برای تقدیر هر امری

نازل می‌شوند.

۵- این شب سلامت و تهنیت و برکت تا سپیده دم است.

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ منظور قرآن است که خداوند آن را در شب قدر به یک باره به بیت المعمور نازل فرمود و از آنجا در طول بیست و سه سال بر رسول خدا ﷺ نازل کرد.

﴿وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ﴾ یعنی معنی شب قدر را درک نمی‌کنی که همانا

خداوند در آن شب اجل‌ها، ارزاق و هر امری که حادث می‌شود از مرگ یا زندگی یا فراخ سالی یا خشک سالی یا خیر و یا شر را مقدر می‌کند؛ همچنانکه خداوند فرمود: ﴿فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾ یعنی تا یک سال.

﴿تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا﴾ در آن شب ملائکه و روح القدس بر امام زمان نازل می‌شوند و آنچه از این امور را نوشته‌اند در آن حضرت عرضه می‌دارند.

﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ رسول خدا ﷺ در خواب دید که میمون‌ها از منبرش بالا می‌روند، غمگین و ناراحت شد پس خداوند نازل فرمود: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ یعنی شب قدر از هزار ماه بدون شب قدر که بنی‌امیه در آن حکومت کنند بهتر است. ﴿مِنْ كُلِّ أَمْرٍ \* سَلَامٌ﴾ تحیتی است که به وسیله آن به امام علیؑ تحیت گفته می‌شود تا فجر طلوع کند.

به امام باقر علیؑ گفته شد. آیا شب قدر را می‌شناسید؟

امام علیؑ فرمودند: چگونه شب قدر را نشناسیم که ملائکه در آن شب در اطراف ما طواف می‌کنند.<sup>۱</sup>

۱ بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۱۴؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۲۱؛ تفسیر مرهان، ج ۸، ص ۳۴۴.  
بوردالتقی، ج ۵، ص ۶۳۲

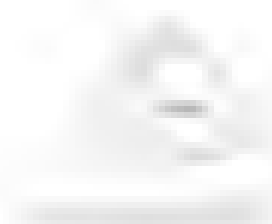


# تفسیر سورة بینه

۹۸ - سورة بینه در مدینه

نازل شده و دارای ۸ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ الْمُشْرِكِينَ مُتَعَمِّكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ  
الْبَيِّنَةُ (۱)

رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً (۲)

فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ (۳)

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ (۴)

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُفَاءً وَ يَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُوا  
الزَّكَاةَ وَ ذَلِكَ دِينُ الْقِيمَةِ (۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ الْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا  
أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ (۶)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ (۷)

جَرَّاءُ هُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَتَدْرَأُ  
رِضَى اللَّهِ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ (۸)

۱- کافران از اهل کتاب و مشرکان دست از آئین خود برنمی دارند تا اینکه  
دلیل روشن و واضحی برای آنها بیاید.

۲- مرستادهای از جانب خداوند که کتب آسمانی پاک و مسره را بر آنها

مخوانند.

۳- که در آن نوشته‌های حق و راستین است.

۴- و اهل کتاب اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه دلیل روشنی برای آنها آمد.

۵- و به آنها دستوری داده شده بود مگر اینکه خداوند را با دینی خالص عبادت کنند، و نماز را به پا دارند و زکات بپردازند، و این است دین راستین و پایدار.

۶- همانا کافران از اهل کتاب و مشرکین در آتش جهنم همیشگی هستند، اینها بدترین مردمان می‌باشند.

۷- کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام می‌دهند، اینها بهریر مردمان هستند.

۸- پاداش آنها نزد پروردگارشان ناعهای بهشت حاوی‌دان است که بهرها و زیر درختانش جاری است، و همیشگی در آن می‌مانند، خداوند را آنها راضی و خوشود است و آنها سیر از خداوند خوشود هستند، این مقام بری کسی است که از پروردگارش بترسد.

﴿لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ﴾ یعنی قریش.

﴿مُفْكَينَ﴾ آنها در کفرشان هستند.

﴿حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ﴾<sup>۱</sup>

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند: مراد از «البینه»

محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد.

﴿وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ﴾ هنگامی که

رسول خدا ﷺ با قرآن به نزد آنها آمد با آن حضرت مخالفت کرده و بعد از اطراف آن حضرت پراکنده شدند.

﴿حُنَفَاءٌ﴾ یعنی پاکیزگان.

﴿وَذَلِكَ دِينَ الْقِيَمَةِ﴾ یعنی دین استوار و ثابت.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ﴾ خداوند بر آنها قرآن را نازل فرمود پس آنها مرتد شده و کفر ورزیدند و از امیرالمؤمنین علیه السلام ناهرمانی کردند ﴿لَوْلَيْكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ﴾ اینها بدترین مخلوقات هستند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَوْلَيْكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾ درباره آل محمد علیهم السلام نازل شده است.<sup>۱</sup>

ابن عباس در معنای آیه ﴿لَوْلَيْكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾ گوید: از آن بهترین خلق را اراده کرده است.

﴿جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا﴾ وصف کنندگان نمی توانند آن را توصیف کنند.

﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ﴾ یعنی خداوند از اعمال آنها راضی است

﴿وَرَضُوا عَنْهُ﴾ و آنها نیز از ثوابی که خداوند به آنها داده راضی هستند.

﴿ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ﴾ و آن برای کسی است که از پروردگارش بترسد و از ناهرمانی خداوند پرهیز نماید.<sup>۲</sup>

۱ بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۵۳ و ج ۲۳، ص ۲۶۹

۲ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۲۵ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۵۲ نورالتقوی، ج ۵، ص ۶۲۳

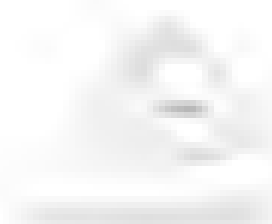


# تفسیر سورة زلزال

۹۹ - سورة زلزال در مدینه

نازل شده و دارای ۸ آیه

است.





## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (۱)

وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (۲)

وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا (۳)

يَوْمَئِذٍ تُعَدُّثُ أَخْبَارُهَا (۴)

بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا (۵)

يَوْمَئِذٍ يَصُدُّرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لَّيْرًا أَعْمَالُهُمْ (۶)

فَمَنْ يَفْعَلْ يَنْفَعْلْ دَرَّةً خَيْرًا يَرَهُ (۷)

وَمَنْ يَفْعَلْ يَنْفَعْلْ دَرَّةً شَرًّا يَرَهُ (۸)

۱- هنگامی که زمین به سختی به لرزه درآید.

۲- و زمین بارهای سنگین خود را بیرون بریزد

۳- و انسان می‌گوید: زمین را چه شده است؟

۴- در آن روز زمین اخبارش را می‌گوید.

۵- همانا که پروردگارت به آن وحی می‌کند.

۶- در آن روز مردم از قسرها پراکنده بیرون می‌آیند تا اعمالشان را به آنها

نشان بدهند.

۷ پس هر کس به قدر درهای کار خیر انجام داده باشد آن را مرید  
 او و هر کس به قدر درهای کار رشتی مرکب شده باشد آن را میسر  
 ﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا﴾ و أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا منظور از اثقال  
 زمین، انسانها هستند.

﴿وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا﴾ مراد از انسان امیر المؤمنین (علیه السلام) است.  
 ﴿يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا - تَا - أَشْنَاتَا﴾ یعنی مردم از جهت ایمان و کفر و  
 نفاق متفرق و پراکنده می آیند، بعضی مؤمنند و برخی کافر و جمعی مبالغه  
 ﴿لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ﴾ هر کس بالای سر اعمال خود می ایستد، و اعمال خود را  
 ایستور فاش و هویدا می بیند.

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ و مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ این آیات  
 رد جبریون است که گمان می کنند هیچ اعمالی را بر اختیار خودشان انجام  
 نمی دهند.

ابی الجارود از امام باقر (علیه السلام) روایت می کند که در تفسیر آیه ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ  
 مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ فرمودند: اگر از اهل آتش باشد، و در دنیا درهای عمل  
 خیر کرده باشد، اگر برای غیر انجام داده باشد، همان عمل خیرش هم مایه  
 حسرتش می شود، و در ذیل جمله ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ فرمود  
 اگر از اهل بهشت باشد در روز قیامت آن شر را می بیند و سپس خدای تعالی  
 او را می آموزد.<sup>۱</sup>

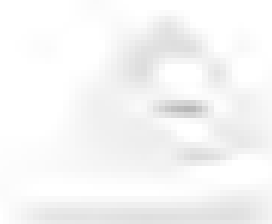
۱ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۶۹؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۴۸، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۲۹.  
 تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۵۹

# تفسیر سورة عادیات

۱۰۰ - سورة عادیات در مکه

نازل شده و دارای ۱۱ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحاً (۱)

فَالْمُورِيَاتِ قَدْحاً (۲)

فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحاً (۳)

فَأَنْزِلْنَ بِهِ نَقْعاً (۴)

فَوْسَطْنَ بِهِ جَمْعاً (۵)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ (۶)

وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ (۷)

وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (۸)

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ (۹)

وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ (۱۰)

إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ (۱۱)

۱- سوگند به اسبان دوند که نفس زنان پیش می‌روند

۲- سوگند به اسبانی که با کوبیدن شمشان از مسکها جرقه بر می‌افروزد

۳- پس سوگند به حمله کنندگان میبله دم

۴- که گرد و غبار به پا کردند

- ۵- و در دل دشمن به جنگ پرداختند.
- ۶- همانا انسان در برابر (نعمت‌های) پروردگارش ناسپاس است
- ۷- و همانا او خود گواه این ناسپاسی خویش است.
- ۸- و همانا او علاقه شدیدی بر مال دنیا دارد
- ۹- آیا نمی‌دانند که روری آنچه در دل قهر است همه برانگیخته می‌شود؟
- ۱۰- و آنچه در سینه‌هایشان است آشکار می‌گردد
- ۱۱- همانا پروردگارشان در آن روز به حالشان آگاه است

### غزوة ذات السلاسل

﴿وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا﴾ ﴿فَالْمُورِيَّاتِ قَدْحًا﴾ ﴿فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا﴾

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که در شان نزول آیات  
﴿وَالْعَادِيَّاتِ ضَبْحًا﴾ ﴿فَالْمُورِيَّاتِ قَدْحًا﴾ فرمودند: این سوره درباره اهالی  
وادی یاس نازل شده است.

عرض کردم: حال و داستان آنها چه بود؟

امام علیه السلام فرمود دوازده هزار نفر مرد جنگجو از اهالی یاس اجتماع نموده  
و با هم سوگند یاد نمودند که از یکدیگر تخلف نکنند و خوار و ذلیل نکنند یکی  
از آنها دیگری را و فرار نکنند تا آنکه محمد صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب علیه السلام را  
بقتل برسانند و یا خودشان تماماً کشته شوند. جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله  
نازل شد و آن حضرت را از تصمیم و عهد و پیمانشان با خبر نمود و دستور  
داد فلانی (ابوبکر) را با چهار هزار نفر از مهاجر و انصار به سوی آنها روانه  
کند پیغمبر به منبر تشریف برد بعد از حمد و ثنای پروردگار فرمود ای گروه  
مهاجر و انصار الان جبرئیل بر من نازل شد و خبر داد که اهل وادی یاس ما

دوازده هزار جنگجوی سواره اجتماع کرده و با هم عهد بستند که هیچیک از آنها به دیگری مکر و حيله نزنند و فرار ننمایند تا آنکه من و برادرم علی بن ابی طالب را بقتل برسانند و به من دستور داد که فلانی (ابوبکر) را با چهار هزار نفر به سوی آنها بفرستم مهیا شوید و با نام خداوند در روز دوشنبه حرکت نمائید انشاء الله.

مسلمانان برای حرکت مجهز شدند، پیغمبر به فلانی (ابوبکر) فرمود: چون به مکان یابس رسیدید نخست اسلام را بر آنها عرضه بدارید اگر پذیرفتند جنگ نکنید و چنانچه امتناع کردند با ایشان جهاد کنید و اموالشان را بتصرف در آورید و استحکامات آنها را خراب کنید. فلانی (ابوبکر) با لشگری آراسته با تائی و آرام به سوی ایشان حرکت نمود چون به آن وادی رسیدند، چون به اهل یابس خبر رسید که فلانی و لشگرش در نزدیکی آنها چادر زده‌اند دویست نفر سوار مسلح از اهل وادی آمده و چون به آنها رسیدند گفتند: شماها چه کسی هستید؟ از کجا می‌آئید و قصد کجا را دارید؟ به رئیس و سرکرده خود بگوئید نزد ما بیاید تا با او گفتگو کنیم.

ابوبکر با جمعی از مسلمین نزد آنها رفت گفت: من فلانی فرستاده پیغمبر خدا هستم

گفتند: چه چیز باعث شده که به سوی ما بیائید؟

گفت: رسول خدا ﷺ به من امر فرموده تا شما را به اسلام دعوت کنم تا همان مزیتی که برای مسلمانان هست برای شما نیز باشد و چنانچه اسلام قبول نکنید با شما جنگ خواهیم کرد.

گفتند: ای ابوبکر به لات و عزی سوگند اگر نبود قرابتی میان ما و شما، البته خود و اصحابت را بقتل می‌رسانیدیم بطوری که یادگار و مثل شود برای

کسانی که بعد از شما به دنیا می آیند، با اصحابیت برگرد و بخود و ایشان رحم کن ما جز پیغمبر و علی قصد کشتن کس دیگری را نداریم.

ابوبکر به مسلمانان گفت: ای قوم! ایشان چندین برابر شما هستند شما دیگر کمکی ندارید خانه هایشان خالی است برگردید تا صورت حال را به عرض پیغمبر برسانیم.

مسلمین همگی گفتند: ای فلانی (ابوبکر) مخالفت فرمان خدا و رسولش مکن آنچه به تو امر شده آن را انجام ده و از خدا بترس و با این قوم جهاد کن و خلاف دستور رسول خدا ننما.

گفت: من چیزی را می دانم که شما نمی دانید و شخص حاصر مشاهده می کند چیزی را که غایب آن را نمی بیند. عاقبت از جهاد با آنها منصرف شد و بازگشت.

مسلمانان به پیغمبر اکرم ﷺ خبر دادند آنچه را کفار به ابوبکر گفتند، رسول خدا ﷺ فرمود: ای فلانی (ابوبکر) مخالفت امر من کردی و آنچه به تو امر کرده بودم را انجام ندادی و سوگند بخدا تو معصیت کاری، پس از آن پیغمبر به منبر تشریف برد بعد از حمد و ثنای پروردگار فرمود: ای مسلمین به فلانی (ابوبکر) دستور دادم که به جانب اهل یابس برود و اسلام را بر آنها عرضه کند و آنها را به سوی خداوند دعوت نماید که اگر اجابت نمودند که هیچ والا با آنها جنگ نماید و او به سوی آنها رفت و از اهل یابس دو یست سوار جنگی به نزد اینها آمده و هنگامی که سخنان آنها را شنیده سینه اش بتنگ آمد و ترس آنها در دلش جای گرفته و دستور مرا ترک نموده و از امرم اطاعت نکرده است و اینک جبرئیل آمد و به من امر نمود که فلانی (عمر) را با چهار هزار سوار جنگی بجای ابوبکر به سوی آنها بفرستم آن گاه متوجه عمر



شد و به او فرمود: ای فلانی (عمر) با نام خدا برو و مانند برادرت ابوبکر که معصیت خدا و رسولش را بجا آورد عمل نکنی، آنچه به ابوبکر دستور داده بود به عمر نیز فرمود.

عمر با همان لشکر به سوی کفار حرکت کرد چون به وادی یابس رسید و مشرف به آنها شد باز دوستان نفر سوار مسلح جلوی آنها را گرفتند و آنچه به اولی گفته بودند به او نیز گفتند، نزدیک بود روح از تن عمر پرواز کند از شدت ترس بخود می لرزید و فرار را بر قرار و جهاد اختیار کرد و باز گشت.

پس جبرئیل نازل شده و خبر برگشت عمر را به پیغمبر ﷺ رسانید چون عمر باز گشت پیغمبر به او فرمود تو هم مانند ابوبکر معصیت خدا و رسولش را بجا آوردی فرشتگان عرش از نافرمانی تو با خبر شدند چرا خلاف امر مرا نمودی و عمل به رأی خودت کردی قبیح باد رأی تو، همانا جبرئیل به من دستور داد که علی بن ابی طالب را با این افراد بفرستم و به من خبر داد که خداوند به وسیله او و اصحابش گشایشی می کند. امیر المؤمنین علیه السلام را خواست و آنچه را که به اولی و دومی فرموده بود به علی علیه السلام نیز فرمود و به او فرمود که خداوند خواسته این فتح و پیروزی نصیب تو شود بزودی بخواست خدا فتح می کنی و باز می گردی.

حضرت علی علیه السلام با مهاجرین و انصار به سوی وادی یابس حرکت کردند. امیر المؤمنین علیه السلام از راهی به غیر از راه ابوبکر و عمر رفتند و چنان سرعت و شتاب حرکت می کردند که مسلمانان خسته شدند و از تلف شدن حیوانات سواری خود می ترسیدند. امیر المؤمنین علیه السلام به آنها فرمود: بترسید رسول خدا به این طریق امر و دستور فرموده و خبر داد که خداوند فتح و پیروزی را نصیب ما خواهد نمود بشارت باد شما را بخیر و خوشی و پاکیزه باد نفس و

دل‌های شما.

با عجله حرکت کردند تا نزدیک وادی یابس رسیدند و حصرت امر فرمودند که چادر بزنند. اهالی از آمدن امیرالمؤمنین و اصحابش با خبر شدند دو بیست نفر مرد جنگجو جلوی مسلمانان را گرفته و گفتند: شما چه اشخاصی هستید؟ و از کجا می‌آئید؟ و قصد کجا را دارید؟

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: من علی بن ابیطالب فرستاده، پسر عمو و برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله به سوی شما هستم، آمده‌ام تا شما را دعوت کنم به شهادت «لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله» تا آنچه را که برای مسلمین هست شما هم از آن برخوردار باشید.

گفتند: ما قصد کشتن تو را داریم هرگز اسلام قبول نمی‌کنیم و به آنچه تو و پیغمبر عمل می‌نمائید مخالف هستیم آماده جنگ باش و اصحاب خود را برای مبارزه آماده کن، و بدان که کشنده تو و اصحابت ما هستیم، وعده ما و شما صبح فردا.

امیرالمؤمنین علیه السلام به آنها فرمود: وای بر شما مرا به زیادتى جمعیت خود می‌ترساید؟! من از خدا و هشتگان و مؤمنین بر جنگ با شما یاری می‌جویم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم.

آنها به مرکز خود برگشتند. امیرالمؤمنین و اصحابش نیز به چادرهای خود مراجعت نمودند چون تاریکی شب فرا گرفت امیرالمؤمنین علیه السلام به اصحاب خود امر فرمود حیوانات و اسبهای خود را زین کنند و آماده نمایند. صبح که خواست آشکار شود نماز را با اصحاب بجا آورد و در تاریکی صبح دستور داد یک دفعه حمله کنند و آنها را بقتل برسانند در میان اصحاب کسی نبود مگر آنکه هر یک از آنها چند نفر از کفار را بقتل رسانیدند و جمعی را

اسیر کردند و خانه‌ها و استحکامات ایشان را ویران و خراب نمودند و اموالشان را با خود حرکت داده و به سوی مدینه حرکت کردند جبرئیل نازل شد و خبر فتح و پیروزی را که خداوند نصیب امیر المؤمنین علیه السلام فرموده بود را به پیغمبر داد.

پیغمبر اکرم بالای منبر رفت پس از حمد و ثنای پروردگار فرمود: خداوند بدست علی فتح و پیروزی به مسلمانان عطا فرموده و جز دو نفر از مسلمین بیشتر کشته نشدند و از منبر پائین آمد با تمام اهالی مدینه تا سه میلی شهر به استقبال امیر المؤمنین علی علیه السلام تشریف بردند. آن حضرت چون نظرش به پیغمبر افتاد به احترام رسول خدا از اسب پائین آمد، پیغمبر او را در آغوش گرفت و میان دیدگانش را بوسید غنیمتهائی که خداوند نصیب و روزی مسلمانان نموده بود از اهل یابس حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تقدیم داشت حضرتش آنها را میان جهاد کنندگان و جنگجویان وادی یابس قسمت نمود.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: غنیمتهائی که از وادی یابس نصیب مسلمین شد بجز در جنگ خیبر از هیچ جنگی آن مقدار نصیب ایشان نشد پس خداوند در آن روز این سوره «وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا» را نازل فرمود، «بالعادیات» یعنی اسبان دونده که از عنانها و لجامهای ایشان در وقت دویدن صدا بر آرند. «قَالُمُورِيَّاتٍ قَدْحًا» \* «قَالُمُفِيرَاتٍ صُبْحًا» به تحقیق به تو خبر دادم که صبح هنگام دشمنان را غارت می‌کنند. روای گوید عرض کردم: معنای آیه «قَالُمُورِيَّاتٍ قَدْحًا» چیست؟

فرمود: یعنی اسبان بر اثر دویدن در آن بیابان خشک گرد و غباری به پا کردند «قَالُمُورِيَّاتٍ قَدْحًا» و بر دل دشمن به جنگ پرداختند. عرض کردم: معنای آیه «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ» چیست؟

فرمود: ناسپاس است ﴿وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ﴾ یعنی آن دو نفر و وادی  
یابس شهادت می‌دهند که آن دو برای دوستی زنده ماندن حریص‌تر بودند تا  
جنگیدن از برای خداوند.

عرض کردم: معنای آیه ﴿أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ ۖ وَ حُصِّلَ مَا فِي  
الصُّدُورِ ۖ إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ﴾ چیست؟

فرمود: این آیات فقط برای آن دو نفر نازل شده است، که باطنشان بد بود و  
بر حسب آن نیز عمل می‌کردند پس خداوند خبر و اعمال آن دو را در این قصه  
وادی یابس<sup>۱</sup> و تفسیر عادیات بیان نموده است.

﴿وَالْعَدِيَّاتِ ضَبْحًا﴾ یعنی اسب‌ها بر اثر دویدن زیاد به نفس نفس زدن  
افتاده بودند. ضباح الکلاب یعنی صدای سگ.

﴿قَالُمُورِيَّاتٍ قَدْ حَا﴾ وادی یابس سنگلاخی بود و وقتی سم‌های اسبان بر  
آن سنگ‌ها می‌خوردند آتش از آنها جرقه می‌زند.

﴿قَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا﴾ یعنی صبح هنگام آنها را به غارت بردند.

﴿قَاتِلْنَ بِهِ نَعْمًا﴾ برخاستن گرد و غبار به وسیله پاهای اسبان

﴿فَوَسَطْنَ بِهِ جَنًّا﴾ مشرکین را احاطه کردند.

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ﴾ «لکنود» یعنی کفر ورزیدن.

آن دو اصرار داشتند و می‌خواستند امیر المؤمنین علیه السلام را از آن راهی که  
سیر می‌نمود به خاطر بخل و حسد و کینه‌ای که نسبت بحضرتش داشتند، باز  
دارند. چون علی علیه السلام غیر از آن راهی رفت که آن دو رفته بودند و یقین پیدا  
کردند راهی که امیر المؤمنین علیه السلام سیر می‌نماید عاقبت فتح و پیروز خواهد  
بود عمرو بن عاص به فلانی گفت علی جوان است و کم تجربه و راه را

نمی‌داند این راهی که می‌رود خوفناک است و درندگان بسیاری دارد پس آن دو به نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمده و عرض کردند: یا ابوالحسن این راهی که اختیار فرمودید درندگان بسیاری دارد اگر برگردید و راه دیگری بروید بهتر است

امیرالمؤمنین علیه السلام به آنها فرمود: دنبال کار خود بروید و مهابت اسبها را نگاهدارید، از برای شما کافی است، اطلاعات من کنید و سخنان مرا بشنوید من دانایترم به آنچه که انجام می‌دهم، آنها به ناچار سکوت اختیار کردند

﴿وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ﴾ یعنی بر دشمنی.

﴿وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ﴾ یعنی دوست داشتن زندگانی و زنده ماندن آن دو نفر باعث شده بود که همانند درندگان بر جان خودشان بترسند؛ پس خداوند متعال فرمود: ﴿أَفَلَا يَظْلَمُ إِذَا بَعَثَ مَا فِي الْقُبُورِ \* وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ﴾ یعنی جمع می‌کند و آشکار می‌نماید ﴿إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ﴾ همانا پروردگارشان در آن روز به حالشان آگاه است.<sup>۱</sup>

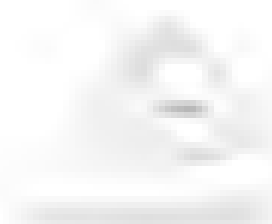


# تفسیر سورة قارعه

۱۰۱ - سورة قارعه در مکه

نازل شده و دارای ۱۱ آیه

است.





## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الفَارِعَةُ (۱)

مَا الْفَارِعَةُ (۲)

وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْفَارِعَةُ (۳)

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ (۴)

وَتَكُونُ أَجْنَالُكَالْمُشْوِشِ (۵)

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ (۶)

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (۷)

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ (۸)

فَأُمُّهُ خَاوِيَةٌ (۹)

وَمَا أَذْرَاكَ مَا هِيَتْ (۱۰)

نَارٌ خَامِيَةٌ (۱۱)

۱- آن واقعه کوننده

۲- چه واقعه کوننده ای؟

۳- و تو چه می دانی که آن حادثه کوننده چیست؟

۴- روری که مردم مانند پروانه پراکنده می شوند.

۵- و کوه‌ها همچون پشم رنگ شده حلاجی می‌گردد

۶- اما کسی که میزان عملش سنگین باشد،

۷- پس او در رنگی خوشی حواله بود.

۸- و اما کسی که میزان عملش سبک باشد.

۹- پس جایگاهش در هاویه است

۱۰- و تو چه می‌دانی که هاویه چیست؟

۱۱- هاویه آتشی سوزنده و گدازنده است.

﴿الْقَارِعَةُ \* مَا الْقَارِعَةُ \* وَ مَا أَذْرَاكَ \* مَا الْقَارِعَةُ﴾ خداوند قارعه را به

خاطر هول و هراسش تکرار کرده تا مردم با شنیدن آن فزع و ناله کنند

﴿يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ \* وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ﴾

فرمود: ﴿عِهْن﴾ به معنای پشم است.

﴿فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ﴾ یعنی از حسنات سنگین باشد.

﴿فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ﴾ و ﴿أَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ﴾ از حسنات سبک باشد.

﴿فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ﴾ فرمود. از فرق سرش به سوی آتش پرتاب می‌شود.

سپس فرمود: ﴿وَ مَا أَذْرَاكَ﴾ ای محمد ﴿مَا هِيَ﴾ یعنی هاویه (آتش)

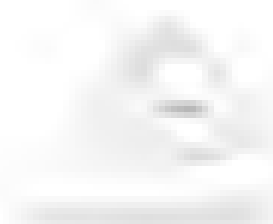
چیست؟ سپس فرمود. ﴿نَارُ خَامِيَةٍ﴾ هاویه آتشی سوزاننده و گدازنده است

## تفسیر سورة تکاثر

۱۰۲ - سورة تکاثر در مکه

نازل شده و دارای ۸ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرَ (۱)

حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (۲)

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۳)

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۴)

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ (۵)

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ (۶)

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (۷)

ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (۸)

۱- تفاخر و ابروین طلبی شما را به حدود مشغول ساخت.

۲- تا آنجا که به ملاقات قبرها رفتید.

۳- چنین نیست، به زودی می دانید.

۴- سپس چنین نیست، به زودی می دانید.

۵- چنین نیست، اگر به طور یقین می دانستید.

۶- حتماً شما جهنم را خواهید دید.

۷- سپس با چشم یقین آن را خواهید دید.

۸- سپس در آن روز از نعمتهایی که داشتد مورد سؤال واقع خواهید شد.  
 ﴿الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ﴾ یعنی زیادی شما، شماها را به غفلت انداخته است  
 ﴿حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ﴾ برای چه مردگان را نیز می شمارید و بر تعداد آنها  
 فخر می کنید.

﴿لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ﴾ یعنی به ناچار باید دوزخ را ببینید  
 ﴿ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ یعنی از ولایت؛ و دلیل بر آن این آیه است.  
 ﴿وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾ یعنی از ولایت.

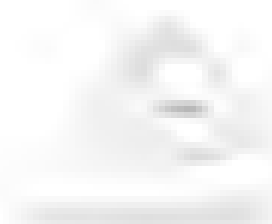
جمیل از امام صادق علیه السلام روایت کرده که گفت: به آن حضرت عرضه  
 داشتیم معنای آیه ﴿لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ چیست؟ فرمود: این امت از  
 نعمت رسول خدا، و سپس از نعمت ائمه اهل بیت معصومینش بار خواست  
 می شوند<sup>۱</sup>

# تفسیر سورة عصر

۱۰۳ - سورة عصر در مکه

نازل شده و دارای ۳ آیه

است.





## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ (۱)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (۳)

۱- سوگند به عصر،

۲- همانا که انسان در خسران و ریان است.

۳- مگر کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند و یکدیگر را به

حق و صبر و شکیبایی سفارش کردند.

﴿وَالْعَصْرِ﴾ «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ»

﴿وَالْعَصْرِ﴾ قسم است و جوابش ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ﴾ می باشد.

امام صادق علیه السلام این سوره را اینطور قرائت می کردند: «وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ

لَفِي خُسْرٍ وَ أَنَّهُ فِيهِ إِلَى آخِرِ الدَّهْرِ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَمَرُوا

بِالتَّقْوَى وَ أَمَرُوا بِالصَّبْرِ»<sup>۱</sup>

عبد الرحمن بن کثیر از امام صادق علیه السلام روایت می کند که در معنای آیه

﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ فرمود

حداوند متعال در این جمله اهل صفوت و خالص از خلق خود را استثناء کرده است، هنگامی که فرمود: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَقِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ مگر آنهایی که به ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) ایمان بیاورند ﴿وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ﴾ و بر ذریه و بر فرزندانیشان آن ولایت را توصیه نموده و به صبر و بردباری دستور دهند.<sup>۱</sup>

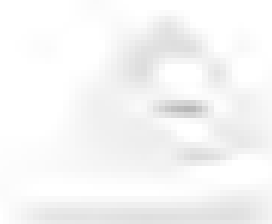
۱ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۱۴ و ج ۳۶، ص ۱۸۳ و ج ۶۴، ص ۵۹؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۵۰؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۶۶

## تفسیر سورة همزة

۱۰۴ - سورة همزة در مکه

نازل شده و دارای ۹ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّخِيفِ الرَّحِيمِ

- وَبَلِّغْ لِكُلِّ هُمْزَةٍ لَمَزَةً (۱)  
 الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ (۲)  
 يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (۳)  
 كَلَّا لَيُنبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ (۴)  
 وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ (۵)  
 نَارُ اللَّهِ الْمَوْقُودَةُ (۶)  
 الَّتِي تَطْلُعُ عَلَى الْأَقْنَدِ (۷)  
 إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّصَدَّدَةٌ (۸)  
 فِي هَمَلٍ مُّتَدَدَةٍ (۹)

۱- وای بر هر صیجری مسخره گر.

۲- همان کس که مال زیادی جمع کرده و می‌شمارد

۳- آیا می‌پندارد که مالش همیشگی و ابدی است؟

۴- چیس نیست، به رودی در حطمه انداخته شود

۵- و توجه می‌دانی که حطمه چیست؟

۶- آتش بر افروخته الهی است.

۷- آتشی که شرارهایش از دلها شعله‌ور می‌شود

۸- همانا که این آتش آنها را احاطه کرده است

۹- در ستون‌هایی بلند و طولانی.

﴿وَيُلْ لِّكُلِّ هُمْزَةٍ﴾ کسی که بر مردم عیب و ایراد گرفته و فقراء را تحقیر می‌کند.

﴿لَمْزَةٍ﴾ این کلمه به کسی اطلاق می‌شود که با سر و گردن خود ژست می‌گیرد، و چون فقیری و یا سائلی را ببیند ناراحت می‌شود.

﴿الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ﴾ یعنی می‌شمارد و سر جایش می‌گذارد  
﴿يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ﴾ خیال می‌کند که مالش دائمی بوده و باقی خواهد بود.

﴿كَالْآسِنَةِ فِي الْحُطَّةِ﴾ منظور از «الحطمة» آتشی است که هر چیزی را می‌سوزاند.

﴿وَمَا أَذْرَاكَ﴾ ای محمد. «مَا الْحُطْمَةُ» نَارُ اللَّهِ الْوَقْدَةُ «الَّتِي تَطْلُعُ عَلَى الْأُفُقِ» بر دل‌ها شعله می‌زند.

ابودر غفاری رحمته الله فرموده: به متکبرین دو چیز را بشارت دهید، یکی اینکه به سینه‌هایشان داغ بگذارند و دیگر اینکه پشتشان را بر زمین بکشند

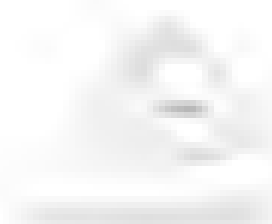
﴿إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّاةٌ﴾ آتش دوزخ همه اهل دوزخ را فرا می‌گیرد

﴿فِي عَمَةٍ مُّمدَّدةٍ﴾ یعنی وقتی گنده و زنجیرها بر آنان استوار می‌گردد به خدا سوگند که پوستشان را می‌خورد [ به خدا سوگند که آن دائمی و اندی است ]<sup>۱</sup>

# تفسیر سورة فیل

۱۰۵ - سورة فیل در مکه نازل

شده و دارای ۵ آیه است.





## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ (۱)  
أَلَمْ يَخْضَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضَلُّلٍ (۲)  
وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ (۳)  
تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ (۴)  
فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ (۵)

۱- آیا ندیدی که پروردگارت با اصحاب فیل (سپاه ابرهه) چه کرد؟

۲- آیا مکر و حیلۀ آنها را در گمراهی قرار نداد؟

۳- و برای هلاکت آنها پرندگانی گروه گروه فرستاد

۴- که با سنگهای سجیل (دورخی) آنها را سنگباران می کردند

۵- پس آنها را همچون علفی خرد شده و متلاشی قرار داد

﴿أَلَمْ تَرَ﴾ ای محمد آیا می دانی؟

﴿كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ﴾

درباره پادشاه حبشه نازل شده هنگامی که با فیل آمد تا کعبه را خراب

کنند، چون به نزدیکی در مسجد رسید، عبدالمطلب به فیل فرمود: آیا می دانی

به کجا می روی؟

فیل با سرش گفت: نه!

عبدالمطلب گفت: تو را آورده‌اند تا کعبه خانه خدا را خراب کنی، آیا این کار را می‌کنی؟

فیل با سرش گفت: نه!

پادشاه حبشه تلاش و کوشش نمود تا فیل داخل مسجد شود، فیل از داخل شدن بر مسجد خودداری کرد، پس با شمشیر بر او حمله کردند و آن را تکه تکه نمودند پس خداوند بر آنها نازل فرمود: ﴿طِيراً أَبَیْلَ﴾ گروهی بعد از گروهی می‌آمدند.

﴿تَرَاهُمْ بِحِجَارٍ مِّنْ سِجِّیلٍ﴾ با هر پرنده‌ای سه سنگ بود که یکی در منقار و دو تا نیز در چنگال‌هایشان بود و آنها بر بالا سر حبشیان می‌آمدند و سنگ را رها می‌کردند و بر سرشان اصابت کرده و از پائینشان در می‌آمد و بدن‌هایشان از هم می‌پاشید. و حالشان چنان بود که خداوند می‌فرماید: ﴿فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّا كُولٍ﴾ همچو کاهی که چهارپایان آن را خورده و مضله انداخته باشند.

امام صادق علیه السلام فرمود: آنهایی که از اصحاب قیل گرفتار مرض جذری<sup>۱</sup>

شدند اولین کسانی بودند که به این مرض مبتلا گردیدند<sup>۲</sup>

۱ جذری مرضی است که مردم در مدت عمر یک بار به او مبتلا می‌گردند. عکرمه گوید جذری مرضی است که لشکر ابرهه به آن مبتلا شدند و حم در بدن.

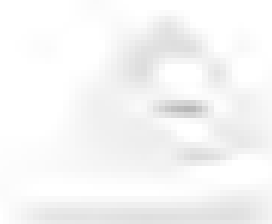
۲ بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۳۲، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۵۳، نورالتعلین، ج ۵، ص ۶۷۵

# تفسیر سورة قريش

۱۰۶ - سورة قريش در مکه

نازل شده و دارای ۴ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِلَافٍ قُرَيْشٍ (۱)

إِلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ (۲)

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (۳)

الَّذِي أَطَقَهُمُ مِنَ الْجُوعِ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ (۴)

۱- (کبیر اصحاب میل) به خاطر این بود که قریش با هم الفت بگیرند

۲- الفتشان در سفرهای زمستان و تابستان باشد

۳- پس (به شکرانه این دوستی) باید پروردگار این خانه را عبادت کنند

۴- همان کسی که آنها را از گرسنگی طعام داد و از ترس و خطرات ایمن

ساخت

﴿إِلَافٍ قُرَيْشٍ﴾ این سوره درباره قریش نازل شده است،

چون قریش معاششان از دو سفر تابستانی و زمستانی به یمن و شام تامین می شد، از مکه پوست و محصولات دریایی و کالاهایی که در ساحل دریا پیاده می شده از قبیل فلفل و امثال آن را بار می کردند و به شام می بردند، و در شام جامه و آرد خالص و حبوبات، خریداری می کردند، و همین مسافرت باعث می شد وحدت و الفتی در بینشان برقرار گردد، هر وقت به یکی از این دو

سفر می‌رفتند یکی از بزرگان قریش را رئیس خود می‌کردند، و زندگیشان از این راه تأمین می‌شد. بعد از آنکه خدای تعالی رسول گرامیش را مبعوث فرمود مردم قریش بی‌نیاز از سفر شدند، چون از اطراف حجاز مردم رو به آن حناب نهاده، هم آن حضرت را زیارت می‌کردند، و هم خانه خدا را، و لذا خداوند در این سوره می‌فرماید: ﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ \* الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ﴾ پس رب این خانه را بپرستند، که ایشان را از گرسنگی نجات داد، و دیگر احتیاج ندارند به شام بروند، ﴿وَأَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾ یعنی از ترس راهزنان در امان هستند.<sup>۱</sup>

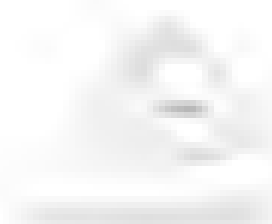
۱ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۹۳؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۵۹؛ نورالتفاس، ج ۵، ص ۶۷۶

# تفسیر سورة ماعون

۱۰۷ - سورة ماعون در مکه

نازل شده و دارای ۷ آیه

است.





## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ (۱)

فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ (۲)

وَلَا يَخْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ (۳)

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (۴)

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵)

الَّذِينَ هُمْ بِرِزَاؤِنَ (۶)

وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۷)

۱- آیا دیدی کسی که روز جزا را تکذیب می‌کرد؟

۲- این همان کسی است که یتیم را با خشم می‌راند.

۳- و (دیگران را) بر اطعام مسکین ترغیب نمی‌کند.

۴- پس وای بر حال نمازگزاران.

۵- کسانی که در نمازشان سهل انگاری می‌کنند.

۶- همان کسانی که ریا می‌کنند.

۷- و دیگران را از احسان و انفاق منع می‌کند.

﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ﴾ این آیه در باره ابوجهل و کفار قریش نازل

شده است

﴿فَذَلِكَ الَّذِي يَدُعُّ الْيَتِيمَ﴾ یعنی او را از حقش مانع می‌شود  
 ﴿وَلَا يَحْضُرُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ﴾ یعنی هیچ رغبتی به اطعام مسکین  
 ندارد.<sup>۱</sup>

﴿قَوْلِ الْمُصَلِّينَ﴾ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾ یعنی کسانی که به طور  
 کلی نماز را ترک کرده‌اند زیرا هر انسانی در نمازش سهو می‌کند و آن را  
 بعضی اوقات به جا نمی‌آورد.

امام صادق علیه السلام فرمود: منظور تاخیر نماز از اول وقت و بدون عذر است.<sup>۲</sup>  
 ﴿الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُنَ﴾ آنچه که انجام می‌دهند.  
 ﴿وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ﴾ مانند چراغ و آتش و خمیر و شبیه آن که مردم بدان  
 احتیاج دارند. و در روایتی دیگر آمده است یعنی خمس و زکات.<sup>۳</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۵۳

۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۴

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۳۶؛ بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۵؛ تفسیر صادقی، ج ۷،

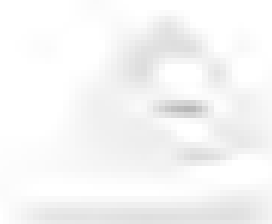
ص ۵۶۱؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۷۷؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۳۹۵

# تفسیر سورة کوثر

۱۰۸ - سورة کوثر در مکه

نازل شده و دارای ۳ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (۱)

فَقُلْ لِرَبِّكَ وَانْخَرْ (۲)

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (۳)

۱- همانا ما بر تو کوثر را عطا کردیم.

۲- پس برای پروردگارت سار بحوال و قریاس نما

۳- همانا دشمن تو مقطوع السلسله و ابتر است

﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ کوثر نهري در بهشت است که خداوند عوض از

پسرش ابراهیم به پیامبر ﷺ داده است.

در روایت است که رسول خدا ﷺ وارد مسجد شد که عمرو بن العاص و

حکم بن ابی العاص در آنجا بودند، عمرو گفت: ای ابا ابتر! در زمان جاهلیت

مردی که فرزند نداشت به او ابتر (نسلش بریده شده و منقطع) می گفتند،

سپس عمرو گفت: من محمد را ناراحت کردم پس خداوند بر رسولش نازل

فرمود: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَقُلْ لِرَبِّكَ وَانْخَرْ إِنَّ شَانِئَكَ﴾ یعنی عمرو که تو

را ناراحت کرد.

﴿هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ یعنی نه دینی برای او است و نه نسبی.<sup>۱</sup>

۱ بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۰۹ و ج ۳۳، ص ۱۶۳؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۴۰۵؛ تفسیر

صافی، ج ۷، ص ۵۶۵؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۸۳

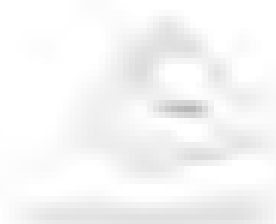
از تفتیک به بزرگده و سدی

# تفسیر سورة کافرون

۱۰۹ - سورة کافرون در مکه

نازل شده و دارای ۶ آیه

است.





## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ (۱)

لَا أُعْبِدُ مَا تَعْبُدُونَ (۲)

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أُعْبِدُ (۳)

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ (۴)

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أُعْبِدُ (۵)

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (۶)

۱- بگو ای کافران

۲- من نمی پرستم آنچه را که شما می پرستید

۳- و شما نیز عبادت نکنید آنچه را که من عبادت می کنم.

۴- و من آنچه را که شما عبادت می کنید هرگز عبادت نمی کنم.

۵- و شما نیز آنچه را که من عبادت می کنم عبادت نخواهید کرد

۶- دین (آئین) شما برای شما و دین (آئین) من برای من

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾

ابن اسى عمير روايت کرده که ابو شاکر از ابى جعفر احوال از قول خداوند

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ \* لَا أُعْبِدُ مَا تَعْبُدُونَ \* وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أُعْبِدُ \* وَلَا أَنَا

عَابِدُوا مَا عِبَدْتُمْ \* وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أُعْبِدُ\* سؤال کرد، که مگر یک سخنگوی حکیم اینطور حرف می‌زند که در یک سطر مطالبی را دوبار بگوید و تکرار کند؟

اسی جعفر احول جوابی از این اشکال نداشت. پس به ناچار به مدینه رفت و از امام صادق علیه السلام پرسید، حضرت فرمود: سبب نزول این سوره و تکرار مطلبش این بود که قریش به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتند: یک سال تو خدایان ما را عبادت کن و یک سال ما خدای تو را، باز یک سال تو خدایان ما را عبادت کن و یک سال ما خدای تو را، خدای تعالی در پاسخشان عین سخن آنان را یعنی تکرار مطلب را بکار برد، آنها گفته بودند یک سال تو خدایان ما را عبادت کن در پاسخ فرمود: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ﴾ آنها گفته بودند و یک سال ما خدای تو را عبادت می‌کنیم، در پاسخ فرمود: ﴿وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ﴾، آنها گفته بودند باز یک سال تو خدایان ما را عبادت کن، در پاسخ فرمود: ﴿وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عِبَدْتُمْ﴾، آنها گفته بودند و یک سال ما خدای تو را در پاسخشان فرمود: ﴿وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينٌ﴾.

ابو جعفر احول وقتی این پاسخ را شنید نزد ابو شاکر رفت، و جواب را به او گفت، ابو شاکر گفت: این جواب را شتر از حجار بدینجا حمل کرده است.<sup>۱</sup>  
امام صادق علیه السلام هر وقت این سوره را قرائت می‌کردند سه بار می‌فرمودند: دین من اسلام است.<sup>۲</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۵۳

۲. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۳۴۰، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۷۰، نور الثعلبی، ج ۵، ص ۶۸۸

تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۰۹

## تفسیر سورة نصر

۱۱۰ - سورة نصر در مکه

(مدینه) نازل شده و دارای ۳

آیه است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (۱)

وَرَأَيْتِ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (۲)

فَتَسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرُكَ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (۳)

۱- هنگامی که یاری خداوند و پیروزی فرا رسد.

۲- و مردم را ببینی که گروه گروه وارد در دین الهی می شوند.

۳- پس پروردگارت را تسبیح و حمد کن و از او طلب آمرزش کن که او

توبه پذیر است.

## تاکید پیامبر ﷺ بر ولایت حضرت علی علیه السلام

﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾

فرمود: این سوره در حجة الوداع در منی نازل شده است. هنگامی که این سوره نازل شد رسول خدا ﷺ فرمودند: در این سوره خبر مرگ من است پس به مسجد خیف با جمیع مردم رفتند و فرمودند: خداوند یاری کند کسی را که گفتار مرا بشنود و آن را در دل جای دهد و نگه دارد و به کسی که نشنیده برساند چه بسا کسی که پیام رسان است خود به آنچه که ابلاغ می کند دانا

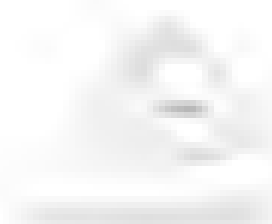
نیست و چه بسا کسی که پیام را می‌رساند از خود او باثباتر است یعنی ممکن است کسانی باشند که از پیام رسان مطلب را بهتر درک کنند کسی که چنین دستوری را به بافهم‌تر از خود منتقل می‌کند سه چیز است که دل مرد مسلمان در آنها دغلی روا نمی‌دارد و کینه ورزی نمی‌کند. اول کار خالص برای خداوند است بدون ریا می‌باشد، دوم خیر اندیشی برای پیشوایان و رهبران مسلمین سوم همراه با جماعت مسلمانان، زیرا دعوت جامعه مسلمانان فرا گیرنده است هر آنکه را در دنیال آمان باشد؛ ای مردم دو چیز را در میان شما بجا می‌گذارم چیزی را که اگر چنگ به آن زنید هرگز گمراه نشوید و هرگز نلغزید و آن چیز یکی کتاب خداوند متعال است و دیگری عترت من که اهل بیت من هستند پس بدرستی که خبر داده مرا خدای لطیف دانا که آن دو چیز هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا آنکه بر من بر لب حوض کوثر وارد شوند مانند این دو انگشت من - و بعد ازین میان دو انگشت سیابه خود جمع کردند پس فرمودند که - من نمی‌گویم که آنها مانند این دو انگشت من هستند - و جمع کردند میان سیابه خود و وسطی - تا آنکه فضیلت داشته باشد یکی بر دیگری چنانچه انگشت وسطی در طول بر انگشت سیابه زیادتى دارد.<sup>۱</sup>

# تفسیر سورة لہب

۱۱۱ - سورة لہب در مکہ

نازل شدہ و دارای ۵ آیہ

است.





## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَّتْ يُدَا أَيْ لَهَبٍ وَتَبَّ (۱)

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ (۲)

سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (۳)

وَ امْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ (۴)

فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّثَدٍ (۵)

۱- بریده ماد دو دست ابولهب.

۲- نه مال و ثروتش نه حالش یعنی مشغول و نه آنچه که بدست آورده بود

۳- به زودی وارد آتشی شعله‌ور می‌شود.

۴- و نیز همسرش که هیزم‌کش (آتش دوزخ) است.

۵- در گردنش طایفی از لایف خرم است

«تَبَّتْ يُدَا أَيْ لَهَبٍ» یعنی ابو لهب زیان دیده هنگامی که قریش را در

دارالندوه جمع کرد و با آنها بر کشتن محمد رسول خدا ﷺ بیعت بست، او

مردی ثروتمند بود پس خداوند فرمود: «مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ \*

سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ» یعنی آتش او را در بر می‌گیرد و می‌سوزاند

﴿وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ﴾ ام جمیل دختر صخر بود، و علیه رسول خدا ﷺ سخن چینی می کرد و احادیث و سخنان رسول خدا ﷺ را برای کفار می بود.

﴿حَمَّالَةَ الْحَطَبِ﴾ یعنی آتش عناد و دشمنی کفار را بر علیه رسول خدا ﷺ شعله ور می کرد.

﴿فِي جِيدِهَا﴾ یعنی در گردن او.

﴿حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ﴾ یعنی ریشمانی از آتش است

اسم ابو لهب عبد مناف بود پس خداوند او را «مناف» کنیه داد زیرا «مناف» بتی بود که آن را عبادت می کردند.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> تفسیر برهان، ج ۸، ص ۴۱۵؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۷۶؛ نورالتقلین، ج ۵، ص ۶۹۸

# تفسیر سورة اخلاص

۱۱۲ - سورة اخلاص در مکه

نازل شده و دارای ۵ آیه

است.

از تفتیک به بزرگده و سدی

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱)

اللَّهُ الصَّمَدُ (۲)

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳)

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴)

۱- بگو: اوست خداوندی یگانه و یکتا

۲- خداوندی که (از همه) بی نیاز است (و همه عالم به او نیازمند)

۳- نراده و زاده هم شده است.

۴- و برای او شبیه و همانندی نیست.

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ یعنی او خداوند یگانه است.

سبب نزول این سوره این بود که یهود نزد رسول خدا ﷺ آمده و گفتند

نسبت پروردگارت را برای ما بگو. خداوند این سوره را نازل فرمود: ﴿قُلْ هُوَ

اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾

و معنی کلمه ﴿أَحَدٌ﴾ یکی از صفات خداوند است.

همچنانکه رسول خدا ﷺ فرمود: الله نوری است که تاریکی ندارد و علمی

است که جهل و نادانی در آن راه ندارد.

﴿الصَّمَدُ﴾ یعنی مدخلی در آن نیست

﴿لَمْ يَلِدْ﴾ یعنی حادث نشده است.

﴿وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ برای او کفو و شبیه و شریک و یار و

یاوری نیست.

ابن عباس گوید که قریش در مکه به پیامبر ﷺ گفتند. پروردگارت را برای ما توصیف کن تا او را شناخته و عبادتش کنیم. پس خداوند تبارک و تعالی بر پیامبر ﷺ این سوره را نازل فرمود. ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ یعنی غیر تقسیم است، تجزیه پذیر نیست، کنهش قابل توصیف نمی باشد، تعدد نمی پذیرد، کم و زیاد نمی شود.

﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾ سیادت و شرافت به او ختم می شود، اهل آسمان ها و زمین

برای برآورده شدن حوائجشان به او نیازمند هستند.

﴿لَمْ يَلِدْ﴾ از او به دنیا نیامده است نه عَریر همچنانکه یهود می گویند که

لعن و غضب الهی بر آنها باد، نه مسیح همچنانکه نصاری می گویند که حشم و غضب الهی بر آنها باد، نه خورشید و ماه و ستاره ها همچنانکه مجوس می گویند که لعن و غضب الهی بر آنها باد، و نه ملائکه همچنانکه کفار قریش که لعنت الهی بر آنها باد می گویند.

﴿وَلَمْ يُولَدْ﴾ نه در صلب حادث شده و نه در ارحام بوده و نه از چیزی بود و

نه از چیزی که بوده آفریده شده است.

﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ شبیه و مانند و همتائی برای او نیست و به کنهش

احدی از مخلوقاتش نمی رسد و اگر چه از فضیلت الهی برخوردار و مقام

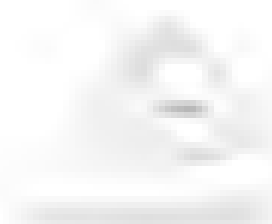
خیلی عالی داشته باشد.<sup>۱</sup>

# تفسیر سورة فلق

۱۱۳ - سورة فلق در مکه

نازل شده و دارای ۵ آیه

است.





## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱)

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (۲)

وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (۳)

وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (۴)

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۵)

۱- بگو: پناه می‌برم به پروردگار فروزنده صبح

۲- از شر آنچه که آفریده است.

۳- و از شر شب تاری هنگامی که هجوم بیاورد.

۴- و از شر افسونگران که با سحر و افسون در گره‌ها بندند.

۵- و از شر حسود بدخواه هنگامی که حسد بورزد.

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ فلق چاهی در جهنم است که اهل جهنم از شدت

حرارت آن به دنبال پناهگاهی می‌گردند، از خداوند می‌خواهد که نفس بکشد،

چون نفس می‌کشد از شدت حرارت آن جهنم می‌سوزد؛ و در آن چاه

صندوقی از آتش است که اهل آن چاه از شدت حرارت آن صندوق به خدا پناه

می‌برند و در آنجا شش نفر از مردم اولین و شش نفر از آخرین است<sup>۱</sup> اما شش نفر از اولین عبارتند از:

۱- قابیل پسر آدم که برادرش را کشت؛

۲- نمرود که حضرت ابراهیم را در آتش افکند؛

۳- فرعون است؛

۴- سامری است که گوساله را ساخت؛

۵- کسی است که بنی اسرائیل را از دین موسی برگردانید؛

۶- همان شخص است که نصاری را از دین و طریقه حضرت عیسی باز داشت.

و شش نفر آخرین عبارتند از: اولی و دومی و سومی و معاویه و ذوالثدیین رئیس خوارج نهروان و ابن ملجم قاتل امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشد  
 ﴿وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ﴾ فرمود: در چاه می‌افتد و قابل رویت نمی‌باشد.<sup>۱</sup>

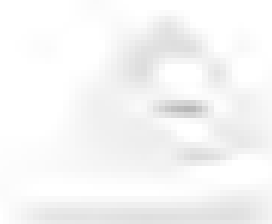
۱ بحار الانوار، ج ۸ ص ۲۹۶ و ج ۳۰ ص ۲۰۶؛ نور الثقلین، ج ۵ ص ۷۲۱؛ تفسیر برهان، ج ۸ ص ۴۳۸

# تفسیر سورة ناس

۱۱۴ - سورة ناس در مکه

(مدینه) نازل شده و دارای ۶

آیه است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (۱)

مَلِكِ النَّاسِ (۲)

إِلَهِ النَّاسِ (۳)

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۴)

الَّذِي يُوْشْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (۵)

مِنْ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (۶)

۱- بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردم،

۲- به مالک مردم،

۳- به معبود مردم،

۴- از شرّ وسوسه‌گر پنهانی،

۵- همانی که در سینه‌های مردم به وسوسه‌گری می‌پردازد.

۶- که چه از جن باشد و یا از انسان.

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ و همانا آن پناه بردن به پروردگار مردم است

﴿مَلِكِ النَّاسِ \* إِلَهِ النَّاسِ \* مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ﴾ خداس اسم شیطانی است که در سینه های مردم می باشد و در آن وسوسه می کند و آنها را از کارهای خیر مایوس می کند و وعده فقر به آنها می دهد و آنها را بر معاصی و کارهای زشت وای می دارد و آن قول خداوند است که فرمود ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ﴾<sup>۱</sup> شیطان فقر را برای شما آماده می کند و شماها را به سوی فحشا امر می کند.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ قلبی نیست مگر اینکه دو گوش دارد که در یکی ملکی مرشد و در دیگری شیطانی فریب دهنده قرار دارد، فرشته بر کارهای نیک و خیر امر می کند و شیطان از آن باز می دارد و همچنین از انسان ها نیز شیطانی است که مردم را بر انجام معاصی وای می دارند و نیز شیطان از جن هم چنین می کند.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: سبب نزول معوذتین این بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله ترسید (بیمار شد) پس حبرئیل با این دو سوره مازل شده و آن حضرت را تعویذ نمود.<sup>۴</sup>

ابن عباس در معنای آیه ﴿مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ﴾ گوید: یعنی شیطان ملعون که در قلب آدمی است، برای او بینی مانند بینی خنزیر است، هنگامی که آدمی رو به دنیا و بر چیزهایی بیاورد که خداوند آن را دوست ندارد

۱ بقره، ن ۲۶۸

۲ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۴۵

۳ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۴۵، تفسیر صافی، ج ۷، ص ۵۸۸، نورالقلوب، ج ۵، ص ۷۲۵

تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۴۵

۴ بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۶۳؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۲۴۶

و سوسه اش می کند که بطرف آن برود و زمانی که ذکر خدا را می گوید تحریکش می کند که برگردد و ذکر خدا را نگوید.<sup>۱</sup>

﴿الَّذِي يُوسِّسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ﴾ سپس خبر می دهد که آن شیطان از جن و انس است. خداوند عز و جل فرمود: ﴿مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ﴾ یعنی از جن و انس است.<sup>۲</sup>

ابو بکر حضرمی گوید به امام باقر علیه السلام عرض کردم: این مسعود معوذتین را از قرآن پاک می کرده است؟ فرمود: پدرم در این باره می فرمود: این کار را به رأی خود می کرده و گر نه آن دو از قرآن است.<sup>۳</sup>

ابو بکر حضرمی گوید امام صادق علیه السلام فرمودند: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمودند: ای علی قرآن در فلان جا است آن را بردار و منظمش بگردان و ضایع مگردان همچنانکه یهود تورات را ضایع کردند، علی علیه السلام آن را در پارچه ای زرد رنگ جمع کرد و به خانه اش برد و فرمود: عبا بر دوشم نمی اندازم تا اینکه قرآن را جمع کنم، و کسی به دیدن آن حصرت می آمد و علی علیه السلام بدون عبا به پیشوازش می رفت تا اینکه قرآن را جمع کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر مردم قرآن را همچنانکه نازل شده می خواندند دو نفر با هم اختلافی پیدا نمی کرد.<sup>۴</sup>

امام باقر علیه السلام فرمود: احدی از این امت قرآن را جمع نکرد مگر وصی

۱ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۰۱؛ بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۵۲

۲ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۴۶؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۴۴۵

۳ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۴۴۶

۴ بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۴۸؛ تفسیر برهان، ج ۸، ص ۴۹۳؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۷۲۶

محمد ﷺ<sup>۱</sup>

ابوبصیر گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: همانا قرآن بازدارنده است و امر کننده، به بهشت امر می کند و از آتش جهنم باز می دارد،<sup>۲</sup> در آن محکم و متشابه است، بر محکمت قرآن ایمان آورده و بدان عمل می شود و اما به متشابه قرآن ایمان آورده ولی بدان عمل نمی شود و آن قول خداوند است که فرمود: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا﴾، و آل محمد علیهم السلام راسخون در علم هستند.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: همانا قرآن روشن گر هر چیزی است و به خدا سوگند چیزی از نیاز بندگان فروگذار نکرده که بندگان بدان نیازمند باشند و تا آنجا که هیچ بنده ای نمی تواند بگوید کاش این هم در قرآن آمده بود مگر اینکه آن را هم خدا در قرآن آورده است.<sup>۴</sup>

تمام شد ترجمه تفسیر قمی قرآن کریم در شب دوشنبه ساعت یک نیمه شب مورخه ۱/ ۵/ ۱۳۸۶ مطابق با ۸/ رجب المرجب ۱۴۲۸ از خداوند منان عاجزانه درخواست می کنم که آنی ما را از قرآن جدا نکند و همواره با قرآن بودن و با قرآن زندگی کردن را نصیب ما بگرداند، به حق قرآن ساطق اقا امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه السلام انشاء الله تعالی.

۱. بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۴۸؛ نورالقلوب، ج ۵، ص ۷۲۷

۲. کافی، ج ۲، ص ۶۰۱؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۰

۳. بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۹۱ و ج ۸۹، ص ۸۱

۴. کافی، ج ۱، ص ۵۹؛ بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۸۱؛ تفسیر مرقان، ج ۸، ص ۴۹۴



## فهرست منابع

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ۱۱۰ جلد، مؤسسة الوفاء بیروت - لبنان،

۱۴۰۴ هجری قمری

۲. ثقة الاسلام کلینی، الکافی (اصول، فروع، روضة)، ۸ جلد، دار الکتب

الإسلامیة تهران، ۱۳۶۵ هجری شمسی

۳. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۲ جلد، انتشارات جامعه مدرسین

قم، ۱۴۱۲ هجری قمری

۴. شیخ طوسی، التهذیب، ۱۰ جلد، دار الکتب الإسلامیة تهران، ۱۳۶۵

هجری شمسی

۵. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۲۹ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام

قم، ۱۴۰۹ هجری قمری

۶. ابو منصور احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، یک جلد، نشر مرتضی

مشهد مقدس، ۱۴۰۳ هجری قمری

۷. شیخ مفید، الإختصاص، یک جلد، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم،

۱۴۱۲ هجری قمری

۸. حسن بن ابی الحسن دیلمی، إرشاد القلوب، دو جلد در یک مجلد، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ هجری قمری
۹. شیخ صدوق، الأمالی، یک جلد، انتشارات کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲ هجری شمسی
۱۰. شیخ صدوق، التوحید، یک جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۳۹۸ هجری قمری (۱۳۵۷ شمسی)
۱۱. شیخ صدوق، الخصال، دو جلد در یک مجلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۳ هجری قمری
۱۲. محمد بن حسن فتال نیشابوری، روضة الواعظین، یک جلد، انتشارات رضی قم
۱۳. حاکم حسکاسی، شواهد التنزیل، ۲ جلد، مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۱ هجری قمری
۱۴. ابن فهد حلی، عدة الداعی، یک جلد، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۰۷ هجری قمری
۱۵. شیخ صدوق، علل الشرائع، یک جلد، انتشارات مکتبة الداوری قم
۱۶. فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات، یک جلد، مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۰ هجری قمری
۱۷. سید شرف الدین حسینی استرآبادی، تأویل الآیات الظاهرة، یک جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۹ هجری قمری

۱۸. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ۱۸ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم، ۱۴۰۸ هجری قمری

۱۹. شيخ طوسي، الأمالي، یک جلد، انتشارات دارالثقافة قم، ۱۴۱۴ هجری قمری

۲۰. سيد نعمت الله جزائري، قصص الأنبياء ﷺ، یک جلد، انتشارات کتابخانه آيت الله مرعشي قم، ۱۴۰۴ هجری قمری

۲۱. قطب الدين راوندي، قصص الأنبياء ﷺ، یک جلد، چاپ بنياد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۴۰۹ هجری قمری

۲۲. شيخ صدوق، کمال الدين، ۲ جلد در یک مجلد، دار الكتب الإسلامية قم، ۱۳۹۵ هجری قمری

۲۳. حسين بن سعيد اهوازي، المؤمن، یک جلد، انتشارات مدرسه امام مهدي (عج) قم، ۱۴۰۴ هجری قمری

۲۴. ابن شهر آشوب مازندراني، مناقب آل أبي طالب ﷺ، ۴ جلد، مؤسسه انتشارات علامه قم، ۱۳۷۹ هجری قمری

۲۵. امام علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، ۱ جلد، انتشارات دار الهجره قم

۲۶. محمد بن حسن بن فروخ صفار، بصائر الدرجات، یک جلد، انتشارات کتابخانه آيت الله مرعشي قم، ۱۴۰۴ هجری قمری

۲۷. احمد بن محمد بن خالد برقي، المحاسن، یک جلد، دار الكتب الإسلامية

قم، ۱۳۷۱ هجری قمری

۲۸. شیخ صدوق، معانی الأخبار، یک جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم،

۱۳۶۱ هجری شمسی

۲۹. ابوالفضل علی بن حسن طبرسی، مشکاة الأنوار، یک جلد، کتابخانه

حیدریه نجف اشرف، ۱۳۸۵ هجری قمری

۳۰. رضی الدین علی بن یوسف حلی، العدد القویة، یک جلد، انتشارات

کتابخانه آیت الله مرعشی قم، ۱۴۰۸ هجری قمری

۳۱. بحرانی سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: قسم ادراسات

الاسلامیة مؤسسة البعثة- قم، بنیاد بعثت تهران، سال چاپ: ۱۴۱۶ ق

۳۲. عروسی هویزی عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق: سید

هاشم رسولی محلاتی، انتشارات اسماعیلیان قم، سال چاپ: ۱۴۱۵ ق

۳۳. فیض کاشانی ملا محسن، تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی،

انتشارات الصدر تهران، ۱۴۱۵ ق

۳۴. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ۲ جلد، چاپخانه علمی

تهران، ۱۳۸۰ هجری قمری

۳۵. عماد الدین طبری، بشارة المصطفی، یک جلد، چاپ کتابخانه حیدریه

سلف، ۱۳۸۳ هجری قمری

۳۶. حسین بن سعید اهوازی، الزهد، یک جلد، چاپ سید ابوالفضل

حسینیان، ۱۴۰۲ هجری قمری

۳۷. محمد بن عمر کشی، رجال الکشی، ۱ جلد، انتشارات دانشگاه مشهد،

۱۳۴۸ هجری شمسی

۳۸. ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، البلد الأمين، یک جلد، چاپ سنگی

۳۹. قطب الدین راوندی، الدعوات، یک جلد، انتشارات مدرسه امام مهدی

(عج) قم، ۱۴۰۷ هجری قمری

۴۰. سید علی بن موسی بن طاوس، فلاح السائل، یک جلد، انتشارات دفتر

تبلیغات اسلامی قم

۴۱. شیخ طوسی، مصباح المتعبد، یک جلد، مؤسسه فقه الشیعه بیروت،

۱۴۱۱ هجری قمری

۴۲. ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، المصباح، یک جلد، انتشارات رضی قم،

۱۴۰۵ هجری قمری

۴۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، متشابه القرآن، ۲ جلد در یک مجلد،

انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ هجری شمسی

۴۴. تاج الدین شعیری، جامع الأخبار، یک جلد، انتشارات رضی قم، ۱۳۶۳

هجری شمسی

۴۵. شیخ مفید، الأمالی، یک جلد، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم،

۱۴۱۳ هجری قمری

۴۶. علی بن عیسیٰ اربلی، کشف الغمة، ۲ جلد، چاپ مکتبه بنی هاشمی

تبریز، ۱۳۸۱ هجری قمری

٤٧. شهيد ثاني، كشف الريبه، يك جلد، انتشارات مرتضوى، ١٣٩٠ هجرى

قمرى

٤٨. قطب الدين راوندى، فقه القرآن، ٢ جلد، انتشارات كتابخانه آيت الله

مرعشى قم، ١٤٠٥ هجرى قمرى

٤٩. سيد رضى، خصائص الأئمة (عليه السلام)، يك جلد، مجمع البحوث آستان قدس

رضوى، ١٤٠٦ هجرى قمرى

٥٠. ابن ابى الحديد معتزلى، شرح نهج البلاغة، ٢٠ جلد در ١٠ مجلد،

انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشى قم، ١٤٠٢ هجرى قمرى

٥١. حسن بن ابى الحسن نيلمى، أعلام الدين، يك جلد، مؤسسه آل

البيت (عليه السلام)، قم، ١٤٠٨ هجرى قمرى

٥٢. شيخ صدوق، ثواب الأعمال، يك جلد، انتشارات شريف رضى قم، ١٣٦٢

هجرى شمسى

٥٣. رضى الدين حسن بن فضل طبرسى، مكارم الأخلاق، يك جلد، انتشارات

شريف رضى قم، ١٤١٢ هجرى قمرى

٥٤. على بن جعفر (عليه السلام)، مسائل على بن جعفر (عليه السلام)، يك جلد، مؤسسه آل

البيت (عليه السلام)، قم، ١٤٠٩ هجرى قمرى

٥٥. سيد على بن موسى بن طاوس، الأمان، يك جلد، مؤسسه آل البيت (عليه السلام)

قم، ١٤٠٩ هجرى قمرى

٥٦. ابن قولويه قمى، كامل الزيارات، يك جلد، انتشارات مرتضويه نجف

اشرف، ۱۳۵۶ هجری قمری

۵۷. ابن نما حلی، مثير الأحزان، یک جلد، انتشارات مدرسه امام مهدی (عج)

قم، ۱۴۰۶ هجری قمری

۵۸. سید علی بن موسی بن طاووس، اللهوف، یک جلد، انتشارات جهان

تهران، ۱۳۴۸ هجری شمسی

۵۹. ابن طیفور احمد بن ابی طاهر، بلاغات النساء، یک جلد، انتشارات شریف

رضی قم

۶۰. طباطبایی سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات

اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق

مرکز تحقیقات اسلامی



مرکز تحقیقات کتاب و اسناد